

حج

در اندیشه حضرت امام حججنا الله و مقام معظم رهبری

عبدالناصر خلیلی

ناصر سید ابراهیمی

علی خلیلی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

- دیاچه ۱۱
- مقدمه ۱۵

فصل اول: فلسفه و چیستی حج

- بررسی موضوع ۱۹
- الف) فراخوان عمومی حج ۲۱
- ب) جایگاه خانه خدا ۲۲
- فلسفه حج در آرا و اندیشه‌های حضرت امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری .. ۲۴

فصل دوم: مسافران خانه خدا، حجاج

- بررسی موضوع ۵۱
- حجاج و بایدها و نبایدها از دیدگاه حضرت امام خمینی علیه السلام ۵۴
۱. هوشیاری و غافل نشدن از ابعاد سیاسی و اجتماعی حج ۵۵
۲. تلاش برای وحدت کلمه و احتراز از تفرقه‌افکنی ۵۶
۳. پرهیز از رفاه و تجمل‌گرایی در حج ۵۹

۴. دوری از اعمال نامتناسب با شأن جمهوری اسلامی ۶۰
۵. تفکر در فلسفه حج، اعلام براءت، بررسی مشکلات جهان اسلام ۶۳
۶. توجه به جنبه فردی حج ۶۶
- حجاج و باید‌ها و نبایدها از دیدگاه مقام معظم رهبری ۶۸
۱. طرح مصایب و مشکلات مسلمانان و تلاش برای ایجاد وحدت و همدلی ۶۹
۲. توجه به جنبه فردی حج ۷۱
۳. توجه به توطئه جدایی دین از سیاست ۷۳
۴. تأمل در حج به عنوان یکی از وظایف مهم حجاج ۷۴
۵. ایرانی‌ها الگویی برای دیگران ۷۶
۶. جمع‌بندی چند توصیه به حجاج ۷۸
- جمع‌بندی ۷۹

فصل سوم: حج و نقش وحدت‌آفرینی آن در میان مسلمانان

- بررسی موضوع ۸۳
۱. دین اسلام ۸۷
۲. اهل بیت علیهم السلام ۸۷
- وحدت از نگاه حضرت امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری ۸۹
- جمع‌بندی ۱۰۲

فصل چهارم: کنگره حج و بیداری اسلامی

- بررسی موضوع ۱۰۵
- بیداری اسلامی در کلام حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری ۱۱۳
- جمع‌بندی ۱۳۵

فصل پنجم: حج و ستیز با استکبار جهانی

- ۱۴۱ بررسی موضوع
- ۱۴۲ مراحل استعمار
- ۱۴۲ ۱. استعمار در دوره اول
- ۱۴۳ ۲. استعمار در دوره دوم
- ۱۴۴ ۳. استعمار در دوره سوم
- ۱۴۸ استعمار از نگاه حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری
- ۱۶۱ جمع بندی

فصل ششم: حج و آسیب شناسی امت اسلامی

- ۱۶۵ بررسی موضوع
- ماهیت و آسیب شناسی امت اسلامی از دیدگاه حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری
- ۱۶۸ رهبری
- ۱۸۰ جمع بندی

فصل هفتم: نقش عالمان و اندیشمندان اسلامی در بازگشت به

ارزش های اصیل حج

- ۱۸۳ بررسی موضوع
- ۱۸۶ عالمان در تاریخ معاصر ایران
- ۱۸۹ سیری در اندیشه حضرت امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری
- ۱۹۳ جمع بندی

فصل هشتم: حج و مسئله فلسطین

- ۱۹۵ بررسی موضوع

انتفاضه.....	۱۹۹
سازمان ملل و مسئله فلسطین.....	۲۰۱
ایران و مسئله فلسطین.....	۲۰۲
جایگاه فلسطین در حج در کلام حضرت امام <small>علیه السلام</small> و مقام معظم رهبری	۲۰۴
جمع بندی.....	۲۱۸

فصل نهم: نقش حج در طرد اندیشه ملی‌گرایی و ناسیونالیسم

بررسی موضوع.....	۲۲۱
پیدایش ملی‌گرایی.....	۲۲۳
هدف ملی‌گرایی.....	۲۲۴
سیری در دیدگاه‌های حضرت امام خمینی <small>علیه السلام</small> و مقام معظم رهبری... ۲۲۴	
جمع بندی.....	۲۳۱

فصل دهم: حج و انقلاب اسلامی

بررسی موضوع.....	۲۳۳
نقش و جایگاه انقلاب اسلامی در کلام حضرت امام خمینی <small>علیه السلام</small> و مقام معظم رهبری.....	۲۳۷
جمع بندی.....	۲۶۰

فصل یازدهم: نقش اثرگذار حج در تغییر گفتمان حاکم در جامعه جهانی

بررسی موضوع.....	۲۶۳
حج و گفتمان حاکم در جامعه جهانی در کلام حضرت امام خمینی <small>علیه السلام</small> و مقام معظم رهبری.....	۲۶۹
جمع بندی.....	۲۷۶

فصل دوازدهم: حج و حاکمان دست‌نشانده غرب

۲۷۹.....	بررسی موضوع
۲۸۴.....	بررسی بیانات حضرت امام خمینی <small>علیه السلام</small> و مقام معظم رهبری در مورد موضوع
۲۹۷.....	جمع‌بندی
۲۹۹.....	سخن پایانی
۳۰۵.....	کتابنامه

دیباچه

حج چشمه خروشان معارف اسلامی است که هر سال جامعه اسلامی را از سراسر جهان، برای بازتولید عملی توحید، جمع می‌کند تا شکوهی دوباره از اسلام را به جهانیان نشان دهد. در سالیان اخیر، این فریضه سیاسی - عبادی، بر اثر غفلت مسلمانان و توطئه‌های دشمنان اسلام، به جنبه‌های عبادی، فردی و مناسکی تنزل یافته و کارکردهای عظیم سیاسی خود را در سطوح ملی و بین‌الملل اسلامی، از دست داده است.

پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران، تحولی بزرگ در جهان معاصر بود که نه تنها جناح‌بندی و برنامه‌ریزی‌های سیاسی را در سطح منطقه و جهان دگرگون کرد، بلکه ادبیات و نظریات سیاسی - اجتماعی حاکم بر محافل علمی و نظری را دگرگون ساخت و چیرگی تفکر غرب را که در آن، دین، امری فردی بود و هیچ‌گونه کارکرد سیاسی و اجتماعی نداشت، به چالش جدی کشید؛ چراکه انقلاب اسلامی ایران، با شعار دین و برای تحقق دین، ایجاد و به ثمر نشست. به این ترتیب، انقلاب اسلامی ایران در بستر احیای تفکر دینی به پیروزی رسید و با ارائه تفسیر جدیدی از دین، برای احکام، معارف و گزاره‌های آن، ابعادی سیاسی -

اجتماعی ارائه کرد.

یکی از تعالیم مهم دین، حج است که با احیای تفکر دینی، جنبه‌های سیاسی و اجتماعی آن مطرح شد. امام خمینی علیه السلام پس از پیروزی انقلاب اسلامی، احیاگر حج ابراهیمی گردید و با صدور پیام و سخنرانی، به مناسبت ایام حج، ابعاد گوناگون این فریضه عظیم و کهن را بازگو کرد تا توجه مسلمانان جهان را به ظرفیت‌های عظیم سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی حج در کنار آثار اخلاقی و تربیتی و ابعاد فقهی حج، جلب نماید.

پس از ایشان، مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «دام‌عزه»، این منش عالمانه را ادامه دادند و با رهنمودهای خود، در سخنرانی‌ها و پیام‌هایی به مناسبت ایام حج، توجه مسلمانان را به ظرفیت عظیم حج جلب کردند. ایشان در پیام‌های خود، ضمن بیان ابعاد و ظرفیت‌های اخلاقی و معنوی حج، جنبه‌های سیاسی و اجتماعی حج را با تأکید بر این مطالب بیان نمودند: «بیداری اسلامی، وحدت مسلمانان و خودداری از تفرقه‌افکنی، بیان مشکلات جهان اسلام، لزوم استفاده از حج برای تقویت همدلی در جهان اسلام، برائت از مشرکان و افشای توطئه‌های دشمنان».

امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری، در مجموعه سخنان و پیام‌های خود، علاوه بر تحلیل همه‌جانبه مسائل جهان اسلام و عملکرد دشمنان داخلی و خارجی، رهنمودهایی برای زائران و کارگزاران حج داشته‌اند تا حاجیان در مسیر تحقق حج ابراهیمی، گام بردارند.

در این اثر که حاصل تلاش علمی آقایان عبدالناصر خلیلی، ناصر سیدابراهیمی و علی خلیلی است، سعی شده ابعاد سیاسی و اجتماعی اندیشه حضرت امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری در حج تبیین شود تا چراغ راهی برای زائران و برنامه‌ریزان حج باشد. به امید روزی که با ظهور امیر الحاج اعظم، حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام، حج با تمام ابعاد سیاسی و اجتماعی‌اش، تحقق‌بخش عزت و اقتدار امت اسلامی باشد.

پژوهشکده حج و زیارت

گروه مطالعات اجتماعی

مقدمه

عمده ترین دلیل موفقیت انقلاب اسلامی ایران، از دیدگاه دیگر ملت های دنیا، بی گمان تعالی بخشی به آموزه های دین، پیروی از سنت و سیره نبوی، حفظ وحدت و بشارت سرفرازی مسلمانان جهان بوده است. این مضامین، از بدو شکل گیری اولین جرقه های مبارزاتی مردم، در متن نهضت جاری و ساری بوده است؛ به گونه ای که در راه برپایی این عقیده، مردان و زنان زیادی آواره شدند، مرارت های زیادی دیدند و به شهادت رسیدند.

امام خمینی علیه السلام تأکید فراوانی بر اجتماعات اسلامی داشت؛ اجتماعاتی که در پس هر کدام، فلسفه فطری و عمیقی موجود است؛ برای مثال، برپایی نماز و شرکت در مراسم های دینی که تأثیر شگرفی در تداوم نهضت و پیروزی انقلاب داشت، از تأکیدات همیشگی ایشان بود.

در این میان، حج یکی از مناسکی بود که حضرت امام علیه السلام به عنوان ظرفیتی عظیم بدان می نگریست، چراکه از نظر ایشان، قدرت و وحدت، تعامل و همدلی و آگاهی از اوضاع سرزمین های اسلامی، در موسم حج به وقوع می پیوندد و دیگر ابعاد ظاهری و باطنی، در این مراسم باشکوه

نمایان می شود. بر این اساس مردم مسلمان ایران، با شرکت هدفمند و منطقی خود در مراسم حج، تلاش کردند انقلاب اسلامی را — که در آن زمان از سوی شرق و غرب سرزنش می شد — به جهانیان شناسانده و سایر مسلمانان را بیدار کنند.

مقام معظم رهبری نیز با تمرکز بر تعالیم اسلامی و شفاف سازی به روز از مسائل و مشکلات ملت های مسلمان، نقش هدایتگری بزرگی را در به ثمر رساندن آرمان های حضرت امام علیه السلام داشته اند.

جوامع اسلامی، با وجود بهره مندی از ظرفیت های فراوان، به سبب فقدان آگاهی، نبود سازماندهی هدفمند و مبتنی بر احکام اسلامی و نیز نداشتن رهبران باдрایت، از یک سو دچار ضعف شده، از عقب ماندگی و فقر، رنج می برند و از سوی دیگر، به احساس نیازشان به تکنولوژی و دانش فنی، به جوامعی مصرفی و متکی به غرب تبدیل شده اند.

همچنین آمارها نشان می دهد که نرخ امید به زندگی، در این کشورها، چندان رضایت بخش نیست و سطح سواد و بهداشت پایین است. سایر شاخص های پیشرفت نیز به گونه ای است که برخی محققان به خود اجازه داده اند، دین را علت عقب ماندگی مسلمانان دانسته و الگوهای غربی را تنها راه رهایی از این مشکلات بدانند؛ این در حالی است که اسلام، مسیر پیشرفت را به آشکارترین و منطقی ترین روش، فرا روی بشر نمایانده است.

مراد از طرح بحث اخیر، تأکید بر آن چیزی است که حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری در بیانات خود به تفصیل بدان پرداخته اند. در بیان

آن دو بزرگوار، موسم حج، آیینه تمام‌نمای مسائل مسلمانان است که می‌توان در آن، ضعف‌ها و قوت‌ها را دید؛ به این‌گونه که عالمان و اندیشمندان دل‌سوز، باید دل‌های نیمه‌بیدار مسلمانان را با بیانات عمیق و تأثیرگذار بیدار کنند؛ چراکه مسلمانان از قدرت خویش غافل‌اند و به همین علت است که همواره چشم به دستان شرق و غرب دوخته‌اند. بر همین اساس، ساخته و پرداخته کردن اندیشه‌های ژرف اسلامی، در قدم نخست و حرکت به سوی جهانی اسلامی در مراحل بعد، دست‌کم کاری است که اندیشمندان می‌توانند انجام دهند.

اگرچه جای خالی پژوهش‌ها در زمینه گردآوری، دسته‌بندی و استخراج تئوری‌های اسلامی بسیار احساس می‌شود، ولی نوشته حاضر در تلاش است با در نظر گرفتن این نکات، به جست‌وجو و استخراج معانی و مضامین رهایی‌بخش، انسان‌ساز، مترقی و متعالی اسلامی از میان بیانات حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری در خصوص فریضه حج پردازد.

فصل اول: فلسفه و پیستی حج

بررسی موضوع

معنای لغوی واژه «حج»، قصد کردن است و بدان لحاظ این مجموعه از اعمال را حج می‌گویند که حاجی قصد می‌کند زیارت خانه خدا را با روشی که مقرر است، انجام دهد. معادل واژه حج در زبان‌های اروپایی، کلماتی است که از ریشه لاتین پرگرینوس^۱ آمده و این به معنای سفر است؛ اما سفر به مکانی ناشناخته و طولانی و بدون لحاظ فایده عملی و مشخص.^۲

حج ظهور جلوه یار و تابش بارقه ملکوت است که دل را خلوتگاه دوست و اندیشه را معراج معرفت و شهود حق می‌کند. آنجا که حرم است، جایی برای نامحرم نیست و آنجا که مظهر خداست، جولانگاهی برای شیطان نیست.^۳

1. Peregrinus.

۲. ر.ک: میقات، «اثر تربیتی و فرهنگی حج»، محمد مسجدجامعی، ش ۷۳، ص ۱۱۶.

۳. ر.ک: فرهنگ کوثر، «مکتب زیارت: برائت از مشرکان در حج ابراهیمی»، عباس کوثری،

ش ۱۳، ص ۳۴.

آن گونه که از قرآن مجید و روایات و متون اسلامی برمی آید، مناسک حج به دوران حضرت ابراهیم علیه السلام باز می گردد. ابراهیم و اسماعیل، پس از آنکه خانه کعبه را بنا نهادند، از خداوند خواستند که آن دو را مطیع و فرمان بردار خویش قرار دهد و شیوه پرستش و انجام حج را به آنها بنمایاند. این بدان معناست که آداب و رسوم حج، مسبوق به سابقه ای است که به ایام ابراهیم خلیل الله بر می گردد.^۱

در اسلام، قوانین عبادی و سیاسی و همچنین مقررات اجتماعی، به گونه ای است که وحدت و اخوت بین امت اسلامی در عالی ترین شکل خود تحقق می یابد. یکی از مظاهر روشن و زیبای اخوت و اتحاد اسلامی، حج است و چون حج، منافع بی شمار مادی و معنوی دارد و از اهمیت ویژه ای برخوردار است، بنابراین بر توجه و عمل به این فریضه بزرگ در اسلام، بسیار تأکید شده است. روایات، به روشنی دلالت دارد که اگر مسلمان مستطیع، در این وظیفه مقدس، کوتاهی ورزد و قبل از انجام این فریضه از دنیا برود، فردای قیامت در صفوف یهودیان و نصرانیان قرار می گیرد.^۲

حج از ارکان اسلام است و فرد مسلمان، باید به وجوب آن و آن هم با کیفیت مقرر، معتقد باشد و در صورت داشتن شرایط، باید آن را به جا آورد. این بدان معناست که حج، بخش تجزیه ناپذیر اسلام است. بنابراین

۱. رک: میقات، «آثار تربیتی و فرهنگی حج»، محمد مسجدجامعی، ش ۷۳، ص ۱۱۷.
۲. رک: درس هایی از مکتب اسلام، «حج، زیباترین مظهر وحدت»، کمال خیرخواه، ش ۱۲، ص ۲۶.

تا زمانی که این دین وجود دارد، این مراسم نیز وجود خواهد داشت.^۱
در قرآن کریم آیات متعددی درباره حج و احکام آن آمده است که
برای نشان دادن اهمیت آن، به دو آیه اشاره می‌کنیم.

الف) فراخوان عمومی حج

﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ
لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ * وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ
رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ * لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ
وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ
فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعُمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ﴾ (حج: ۲۶ - ۲۸)

[به خاطر بیاور] زمانی را که محل خانه کعبه را برای ابراهیم آماده
ساختیم [تا آن را بنا کند؛ و به او گفتیم] چیزی را همتای من قرار
مده و خانه‌ام را برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و
رکوع کنندگان سجده گزار [از آلودگی بت‌ها و از هر گونه آلودگی]
پاک ساز * و مردم را به حج دعوت کن؛ تا پیاده و سواره بر
مرکب‌های لاغر از هر راه دوری به سوی تو بیایند * تا شاهد منافع
گونگون خویش [در این برنامه حیات بخش] باشی؛ و در روزهای
معینی نام خدا را، بر چهارپایانی که به آنها روزی داده است، [به
هنگام قربانی کردن] ببرند؛ پس از گوشت آن‌ها بخورید و بینوای
فقیر را نیز اطعام نمایید.

۱. ر.ک: میقات، «آثار تربیتی و فرهنگی حج» محمد مسجدجامعی، ش ۷۳، ص ۱۱۴.

ب) جایگاه خانه خدا

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ * فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران: ۹۶ و ۹۷)

نخستین خانه‌ای که برای مردم [و نیایش خداوند] بنا نهاده شد، همان است که در سرزمین مکه است که پربرکت و مایه هدایت جهانیان است * در آن، نشانه‌های روشن [از جمله] مقام ابراهیم است و هر کس داخل آن [حرم] شود، در امان خواهد بود و برای خدا بر مردم [واجب] است که آهنگ خانه او کنند، آنها که توانایی رفتن به سوی آن را دارند و هر کس کفر ورزد [و حج را ترک کند، به خود زیان رسانده] و خداوند از همه جهانیان بی‌نیاز است.

مهم‌ترین بعد حج، بعد تربیتی آن است. گویی مجموعه اعمال و مناسک به گونه‌ای طراحی شده که حاجی را در مسیر رحمت و مغفرت الهی قرار دهد و او را از درون متحول سازد؛ اگرچه درجات این تحول، به میزان آمادگی انسان در قرار دادن خود در معرض رحمت الهی و دگرگون ساختن ساختار شخصیتی، اخلاقی و رفتاری‌اش بستگی دارد. در اصل، بدان علت به اعمال حج «مناسک» می‌گویند که این اعمال موجب تطهیر و پالایش نفس می‌شود. «نسک» به معنای پاک و پاکیزه کردن است؛ چنان‌که در مورد شستن لباس «نسک ثوبه» می‌گویند. گویی این اعمال، موجب شست‌وشوی انسان از زنگار گناه و پلیدی می‌شود و به همین دلیل است که بیشتر کسانی که

مشرف می‌شوند، با وجود مشکلات جانبی و سختی سفر و اعمال حج، باز هم مشتاق به تشریف هستند.^۱

آثار و برکات معنوی حج عبارت‌اند از:

۱. رشد آگاهی و معرفت؛

۲. گناه‌زدایی؛

۳. بهشت رفتن؛

۴. افزایش ایمان؛

۵. آرامش روحی؛

۶. رشد اخلاقی؛

۷. دوری از دنیا؛

۸. تقویت اعتقاد به امام و ولایت؛

۹. دیدار امام زمان.^۲

مهم‌ترین ابعاد فلسفه حج، زنده نگاه داشتن خاطرات و خدمات پیامبرانی همچون ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام و اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام و رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و حج، مرکز اجتماع‌های بین‌المللی مسلمانان است. همچنین پشتوانه اقتصاد مسلمانان و ایجاد اشتغال برای ده‌ها هزار مسلمان است و بهترین فرصت و زمان برای توبه، یاد مرگ، معاد، بریدن از همه چیز، و در انتظار موعود عَلَيْهِ السَّلَام نشستن است.^۳

۱. رک: میقات، «آثار تربیتی و فرهنگی حج»، محمد مسجدجامعی، ش ۷۳، ص ۱۲۰.

۲. رک: مبلغان، «آثار و برکات معنوی حج»، سید جواد حسینی، ش ۸۶، صص ۱۱ - ۲۰.

۳. رک: تفسیر نور، محسن قرائتی، ج ۸، ص ۳۵.

فلسفه حج در آرا و اندیشه‌های حضرت امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری

فلسفه حج، چیستی و چرایی آن در اندیشه امام خمینی علیه السلام و رهبر معظم انقلاب، چیزی متفاوت است از آنچه پیش از این، بر روح این واجب، چیره بوده است. در اندیشه بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و رهبر معظم انقلاب، حج تنها یک حرکت عبادی نیست و این مراسم و شعائر، چارچوب‌هایی بیرونی هستند که شامل مضمون‌های بسیار ژرف برای همدلی، سعادت، وحدت و از همه مهم‌تر، ارتباطات اسلامی است؛ ارتباطاتی که براساس آن، مسائل و مشکلات جهان اسلام، اعم از سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و معنوی، بررسی، موشکافی و درمان می‌شود. در اندیشه آن دو بزرگوار، حج کنگره‌ای است سرشار از فرصت‌های بزرگ که خداوند مانند سایر عبادت‌ها، همیشه و هر ساله در اختیار امت اسلامی قرار داده است.

با توجه به مضمون بیانات حضرت امام خمینی علیه السلام و رهبر معظم انقلاب بر رسالت و فلسفه حقیقی حج، در اینجا لازم است سفر حج را از زاویه‌ای دیگر نیز بنگریم. در پرتوی نگاه حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری، تفاوت سفر حج با دیگر مسافرت‌ها چیست؟ چه عنصری حج را از دیگر هجرت‌ها متمایز می‌کند؟

از ابتدای شکل‌گیری اولین اجتماع‌های انسانی، همواره سفر کردن، یکی از فعالیت‌های انسان‌ها بوده است. مقصود از این سفرها، یافتن منابع جدید برای ادامه حیات، دیدن و کشف سرزمین‌های جدید یا بر اثر

جنگ‌ها و حوادث طبیعی بوده است. به گواهی تاریخ، فنیقی‌ها از نخستین ماجراجویانی بودند که حدود سه هزار سال پیش، آفریقا را دور زدند و به دریای آتلانتیک سفر کردند.

به طور کلی جهانگردی و گردشگری، به عمل جست‌وجو کردن یا مسافرت کردن در زمین یا فضا برای یافتن یا کشف منابع و اطلاعات و نیز لذت بردن از مکان‌های ناشناخته و تجربه کردن فرهنگ و آداب سایر مردمان، گفته می‌شود. هم‌اکنون کشورهای مختلف، سرمایه‌گذاری زیادی در این عرصه انجام می‌دهند؛ چراکه صنعت گردشگری، یکی از ده صنعت برتر جهان است و در چرخه اقتصادی، نقش بسزایی را ایفا می‌کند و یکی از بخش‌های مهم تولید درآمد و ارزآوری است. امروزه صنعت گردشگری، به اندازه‌ای در توسعه اقتصادی - اجتماعی کشورها اهمیت دارد که اقتصاددانان، آن را صادرات نامرئی نام نهادند. بر اساس مطالعات، درآمد این صنعت در سال ۲۰۱۰م. حدود ۱۵۵۰ میلیارد دلار برآورد شده است.^۱

صنعت گردشگری، اگرچه می‌تواند چرخ اقتصاد بسیاری از کشورها را بچرخاند، اما توجه به این نکته بسیار مهم است که گردشگری در دنیا بر اساس زمینه نظری چه مکتب فکری‌ای در جریان است. آنچه در دنیای امروز در مورد صنعت گردشگری شکل گرفته است، آژانس‌های خدمات مسافرتی، رشته‌های علمی و دانشگاهی، جاذبه‌های گردشگری مصنوعی و نیز پدیده‌های عجیب و غریب بسیاری است که

۱. ر.ک: تأثیر عوامل جغرافیایی در جذب توریست، م.ح میرطالبیان، پایان‌نامه دکتری، ص ۱۲۹.

با هدف کسب سود ایجاد شده‌اند. کشورهای مختلف از هیچ تلاشی برای جذب گردشگران فروگذار نمی‌کنند. ساخت جزایر مصنوعی و سواحل فریبنده، هتل‌های بسیار مجلل، پارک‌های آبی و تورهای دریایی و زیردریایی، اغذیه لذیذ و متنوع، اماکن ورزشی و تفریحی و نیز ایجاد جذابیت‌های جنسی گردشگرپسند تنها پاره‌ای از این فعالیت‌هاست.

نفوذ فرهنگ مبتنی بر سود و لیبرالیستی، سبک زندگی آمریکایی و گسترش آزادی‌های فردی، به گسترش این ساختارها و حرکت سهمگین بیشتر کشورها به سمت جذب گردشگر، کمک زیادی کرده است. تحقیقات نشان می‌دهد که عوامل مختلفی از جمله قابلیت اطمینان، پاسخ‌گو بودن، ارزان بودن و حتی سبک پوششش جامعه مورد نظر، در حرکت گردشگران به سمت جاذبه‌های گردشگری، مؤثر است. این امر نشان می‌دهد که گویی هدف گردشگر، تنها کسب لذت و هدف جامعه میزبان تنها مقدار ارزی است که گردشگر پس از رفتن در کشور مورد نظر، به جای می‌گذارد.

به طور کلی، گردشگری از این حیث، با آنچه در مسافرت‌های مذهبی و دینی، به‌ویژه آنچه در حج اتفاق می‌افتد، کاملاً متفاوت است. در مسافرت‌های تفریحی و گردشگری، هدف تنها بازدید و کسب لذت مادی و دیدن اماکن مجلل و گذراندن اوقات فراغت است. کام‌جویی‌های مادی و جسمانی و گذران اوقات، اگرچه در پاره‌ای مواقع می‌تواند مفید باشد، اما آنچه در صنعت توریسم در حال وقوع است، نوعی تجارت است که در یک سوی آن، افرادی قرار دارند که مازاد درآمد خود را

برای خوش گذرانی کنار گذاشته و در طرف دیگر، سازمان‌ها و اشخاصی هستند که زمینه کام‌جویی گردشگر را فراهم آورده و اهداف مادی دارند. اهداف سفرهای دینی و به‌ویژه سفر حج، کام‌جویی مادی و پرسه‌زنی‌های گردشگرانه نیست، بلکه سفری معنوی است که فلسفه‌های عمیقی مانند اتحاد خداپرستانه، اطلاع از امور و دشواری‌های دیگر مسلمانان، مبارزه با ظلم و جور و نیز تهی شدن از خودبینی‌ها، تکبرها و هرآنچه انسان را به بعد جسمانی پیوند می‌زند، در خود جای داده است.

اگر حج را یک مسافرت دینی مذهبی بدانیم که سالانه به صورت جمعی انجام می‌شود و مردم از سراسر جهان برای طواف خانه خدا و دیگر مناسک حج، چند روزی را گرد هم می‌آیند و از شهرهای مکه و مدینه و دیگر مناطق صدر اسلام دیدن می‌کنند، در حقیقت ارزش نهفته در ورای این واجب را بسیار کاسته‌ایم. این کاستن ظالمانه و البته منافقانه، همان چیزی است که اندیشمندان و رهبران بزرگی همچون حضرت امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری را بر آن داشته است تا در راستای واشکافی ابعاد مترقی، وحدت‌بخش و دشمن‌شکنانه حج، همواره به روشننگری بپردازند.

امام خمینی علیه السلام همواره از اینکه حج از فلسفه و غایت بنیادین خود دور شده، متأسف بوده و تمام تلاش خود را برای برگرداندن حج، به مسیر ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم به کار گرفته بود که در این راه، موفقیت‌های بزرگی نیز به دست آورد؛ برای مثال ایشان بارها در بیانات خویش به این امر اشاره فرمودند که:

اشخاص مؤثری که می‌توانند از حکومت‌ها، از بزرگان قوم در آنجا، می‌توانند مجتمع بشوند و مسائل اسلام را و مسائل مسلمین را و مسائل سیاسی و اجتماعی را بررسی کنند، مع‌الأسف، این امر مغفول^۱ عنه است و در عین حال که باید در آنجا بررسی مشکلات را بکنند، بر مشکلات افزوده می‌شود.^۱

همچنین می‌فرمایند:

مع‌الأسف ابعاد مختلف این فریضه عظیم سرنوشت‌ساز به واسطه انحراف‌های حکومت‌های جور در کشورهای اسلامی و آخوندهای فرومایه درباری و کج‌فهمی‌های بعضی از معممین و مقدس‌نماها در تمام کشورهای اسلامی، در پرده ابهام باقی مانده است.^۲

در نگاه امام خمینی علیه السلام:

یکی از فلسفه‌های بزرگ حج، قضیه بُعد سیاسی اوست که دست‌های جنایتکار از همه اطراف برای کوبیدن این بُعد در کار هستند و مسلمین سفر حج را بسیاری‌شان یک عبادت خشک و خالی، بدون توجه به مصالح مسلمین می‌دانند. حج از آن روزی که تولد پیدا کرده است، اهمیت بُعد سیاسی‌اش کمتر از بعد عبادی‌اش نیست؛ بُعد سیاسی علاوه بر سیاستش، خودش عبادت است.^۳

از دیدگاه حضرت امام علیه السلام حج ویژگی‌های شگرفی دارد که برخی از آنان در این

بیانات آمده است:

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۵۶.

۲. همان، ص ۳۳.

۳. همان، ص ۱۱۱.

اجتماع کعبه، بزرگ‌ترین اجتماعی است که هیچ دولتی نمی‌تواند خودش این اجتماع را ایجاد کند و خدای تبارک و تعالی همچو کرده است که مسلمین بدون یک مزاحمت‌ها و زحمت‌هایی و بدون یک خرج‌هایی که بر دولت‌ها باشد، مجتمع می‌شوند در آنجا و مع‌الأسف، استفاده از آن نمی‌شود.^۱

تأسف‌های مکرر حضرت امام خمینی علیه السلام نشان‌دهنده عمق تأثر آن بزرگوار در خصوص منحرف شدن حج از مسیر واقعی آن است. این مسئله، داستانی است که آخوندهای درباری، استکبار، صهیونیسم و جوامع غافل اسلامی بدان دامن می‌زنند. شگفت آنکه پیگیری‌ها، بیانات و توصیه‌های مکرر حضرت امام علیه السلام و نمایندگی کارآمد جمهوری اسلامی ایران در مراسم حج، تا حدود بسیار زیادی حرکت این آیین عبادی — سیاسی را به مسیر خود بازگرداند که نتایج آن در جوامع اسلامی مشهود و آشکار است. هشدار حضرت امام علیه السلام به حجاج و زائران بیت‌الله‌الحرام که بر بیداری و آگاهی آنان تأکید داشتند، حج را به مسیر الهی آن باز گرداند: «... [حجاج] باید بدانند که حج ابراهیمی — محمدی صلی الله علیه و آله و سلم سال‌هاست غریب و مهجور است؛ هم از جهات معنوی و عرفانی و هم از جهات سیاسی و اجتماعی».^۲

با رحلت حضرت امام خمینی علیه السلام، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (دامت توفیقانه)، رهبری این حرکت عظیم را در دست گرفته و هدایت‌گری‌های بی‌نظیری را

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۵۶.

۲. همان، ص ۱۸۴.

برای آگاه کردن افکار جوامع اسلامی به عمل آوردند که بی گمان، تحولات عظیم در مراسم حج و نیز بیداری امت اسلامی، نتیجه همین هدایت‌گری‌هاست. به اعتقاد مقام معظم رهبری، حج سه ویژگی مهم دارد:

نخست آنکه حج، یگانه فریضه‌ای است که خداوند برای ادای آن، همه آحاد مسلمین، هر آن کس از آنان را که دارای استطاعت باشد، از سراسر عالم و از خلوت خانه‌ها و عبادتگاه‌ها، به یک نقطه فرا می‌خواند و در ایام معلومات، در گونه‌گون تلاش و حرکت و سکون و قیام و قعود، آنان را به یکدیگر پیوند می‌زند؛ دوم آنکه در همین کار دسته‌جمعی و علنی، برترین منزل مقصود را ذکر خدا، یعنی کاری قلبی و نفسانی، معرفی می‌کند؛ سوم آنکه در صفحه روشن و همه‌کس‌شناس آن، تصویری از نمای کلی زندگی انسان موحد را عرضه می‌کند و در عملی رمزی، به مسلمان درس زندگی هدف‌دار و جهت‌دار می‌دهد.^۱

حج از دیدگاه مقام معظم رهبری، تنها یک عبادت نیست؛ همچنان‌که ایشان می‌فرمایند، حتی گاهی اوقات مناسک ظاهری حج، دست‌وپاگیر است: آن شکوه و عظمت اسلامی که حج ما دارد، بحمدالله آن رسایی و بلاغی که حج ما دارد، بر اثر جنبه‌های معنوی است، والا جنبه‌های مادی و ظاهری و تشریفات، کمترین اثر را دارد؛ اگر نگوییم بعضی اوقات، جنبه تعویق و مانع و عایق هم دارد.^۲

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۱۱۷.

۲. همان، ص ۲۱۷.

ایشان حجی را که بدون معنای سیاسی باشد، به مسائل جامعه اسلامی نپردازد و بدون برائت از مشرکان باشد، حج نمی‌داند. به اعتقاد ایشان: «حج بی‌برائت، حج بی‌وحدت، حج بی‌تحرك و قیام، حجی که از آن تهدید کفر و شرک برنخیزد، حج نیست و روح و معنای حج را فاقد است».^۱

به اعتقاد رهبر معظم انقلاب:

اگر مسلمانان قدر حج را بشناسند و از این نقطه التقا و مرکز اجتماع هم‌ساله، به‌درستی بهره ببرند، بخش مهمی از این حصار نومی‌دی و تلقین ضعف که بر گرد ملت‌ها کشیده شده است، ویران خواهد شد.^۲

ایشان در جایی دیگر می‌فرماید: «اگر حج، آن طوری که طبیعت این واجب اقتضا می‌کند، تحقق پیدا کند، بسیاری از مشکلات مسلمان‌ها حل خواهد شد».^۳ در نگاه رهبر معظم انقلاب، هر فریضه الهی باید در مضمون و روح اصیل خود ظاهر شود. از همین روی ایشان معتقدند:

حج درست و کامل، حجی که منبع عشق به خدا و مؤمنین و برائت از شیطان‌ها و بت‌ها و مشرکین باشد، رشد همه مشکلات امت اسلامی را ابتدا متوقف و سپس آن را مرتفع می‌سازد و منشأ عزت اسلام و شکوفایی زندگی مسلمین و استقلال و آزادی کشورهای اسلامی از شر اجانب می‌شود.^۴

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۲۷.

۲. همان، ص ۲۶۰.

۳. همان، ص ۲۸۰.

۴. همان، ص ۱۹۰.

مضاف بر آن نباید این مسئله را نادیده گرفت که رویکرد مقام معظم رهبری چندجانبه‌گرایانه است؛ به گونه‌ای که مباحث عرفانی و قلبی مؤمنین را که جزء ذات حج است نیز به‌درستی یادآوری می‌کند. ایشان می‌فرمایند:

این اجتماع عظیم برای مقاصد و مفاهیم عالی سیاسی و الهی — سیاسی است که مربوط به همه مسلمین و برای وحدت و برای حل مشکلات دنیای اسلام و برای اجتماع دل‌ها و نزدیک شدن آنها به یکدیگر است.^۱

همچنین ایشان می‌فرمایند:

حج درست می‌تواند تحولی درونی در یکایک مسلمین پدید آورد و روح توحید و ارتباط با خدا و اعتماد به او و رد همه بت‌های درون و برون وجود آدمی که همان هواها و هوس‌های پست‌کننده و قدرت‌های اسیرکننده آدمی‌اند، و نیز احساس قدرت و اعتماد به نفس و رستگاری و فداکاری در آنان پدید آورد، و چنین تحولی است که از هر انسانی، موجودی شکست‌ناشناس و تهدید و تطمیع‌ناپذیر می‌سازد.^۲

از بیانات بسیار جالب و نیک مقام معظم رهبری درخصوص حج، نتایجی است که بدان‌ها اشاره می‌فرمایند:

حج درست می‌تواند از اعضای جداافتاده امت اسلامی، پیکره واحد و

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۱۳۳.

۲. همان، ص ۹۸.

کارآمد و نیرومند بسازد؛ آنان را با هم آشنا و از حرف‌ها و دردها و پیشرفت‌ها و نیازهای یکدیگر، آگاهشان کند و تجربه‌های آنان را متبادل سازد.^۱

از منظر ولی امر مسلمین جهان:

شرکت در پیام برائت و اعلام برائت، یک واجب قطعی و عینی است. هیچ کس نباید از حضور در این حرکت عظیم انسانی اسلامی - الهی و سیاسی، سر باز بزند. این، روح و معنای حج است.^۲

از جمله مسائلی که حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری دامت برکاته بر آن تأکید داشتند، مضمون موشکافانه حج، درخصوص گرفتاری‌های مسلمانان است. گرفتاری مردم مسلمان و مظلوم فلسطین، بوسنی هرزگوین و دیگر ملت‌های زیر بار ستم، یکپارچه نبودن مسلمانان، عقب‌ماندگی مسلمانان، گوش به حلقه بودن حاکمان اسلامی و دیگر مسائل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، از جمله این گرفتاری‌هاست که «حج درست»، به تعبیر مقام معظم رهبری، وظیفه رسیدگی به آنها را دارد.

امام خمینی علیه السلام بخشی از این رسالت را به محققان و اندیشمندان اسلامی واگذار می‌کند و می‌فرماید: «محققان متعهد اسلام، با ارائه تفسیرهای صحیح و واقعی از فلسفه حج، همه بافته‌ها و تافته‌های خرافاتی علمای درباری را به دریا بریزند».^۳ ایشان می‌فرمایند:

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۹۸.

۲. همان، ص ۹۵.

۳. همان، ج ۱، ص ۲۵۱.

حج برای این مسائل بوده است، برای قیام ناس بوده است، برای این بوده است که مسلمین، مشکلات مسلمین را درک کنند و در رفعش کوشش کنند، برای این بوده است که بین مسلمین اخوت و مودت پیدا بشود.^۱

به اعتقاد آن بزرگوار:

اگر ما حج برویم و مصالح مسلمین را در نظر نگیریم، بلکه بر خلاف مصالح مسلمین، هی روی جنایت ها پرده بپوشیم، نگذاریم مسلمین صحبت بکنند از جنایت هایی که بر مسلمین می گذرد و جنایت هایی که از حکومت ها و از قدرت های بزرگ بر مسلمین می گذرد، ما یک صحبت بکنیم؛ این حج نیست، این یک صورت بی معناست.^۲

در این کلام حضرت امام علیه السلام کاملاً آشکار است که ایشان چه فلسفه متعالی و بزرگی را ورای مراسم حج می بیند. ایشان در جای دیگری می فرمایند:

خداوند تبارک و تعالی مسلمانان جهان را با شرایط خاص دعوت نموده است تا در ضمن به جا آوردن این فریضه بزرگ، از اموری که در بلاد مسلمین از جهات اجتماعی و سیاسی می گذرد مطلع شده و اگر گرفتاری هایی دارند، با یکدیگر در میان گذاشته و حتی الامکان در رفع آن کوشا باشند.^۳

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۲۵۱.

۲. همان، ص ۱۱۳.

۳. همان، ص ۸۴.

در نگاه امام خمینی علیه السلام، دین منزوی، عبادت منزوی و کناره گرفتن مسلمان، نه شایسته ستایش، بلکه شایسته تقبیح است. ایشان مسلمانان را به رفع اشکال از جوامع خود فرا می خواند:

نکته مهم این اجتماعات (حج) این است که مسلمین با هم در یک محیط، دور از تشریفات — یک محیطی که همه آن جهات شخصیت ها را ریخته و با یک کفن و با دو ثوبه مختصر — در این مواقف حاضر شوند و مهم این است که آن چیزهایی که در بلاد مسلمین در طول سال، گذشته است به اطلاع هم برسانند و برای رفع اشکالات مسلمین فکر بکنند و اجتماع بزرگ میلیونی اسلامی در حجاز برای همین نکته است؛ در عین حالی که عبادت است.^۱

ایشان همچنین می فرماید:

لازم است در خلال اعمال شریفه حج، به یکی از بزرگ ترین فلسفه این اجتماع عظیم توجه داشته و به وضع اجتماعی و سیاسی کشورهای اسلام رسیدگی کرده و از گرفتاری های برادران ایمانی خود مطلع گشته و در رفع آن حسب وظیفه اسلامی و وجدانی کوشش کنند.^۲

در نگاه مقام معظم رهبری نیز رسالت و چرایی حج تمرکز بر مسائل جوامع اسلامی است:

در حج باید مسائل جهان اسلام بررسی شود. بزرگ ترین مسئله عمومی مسلمین پس از لزوم آمادگی برای دفاع از اسلام و هویت

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۵۵.

۲. همان، ص ۱۶.

جمعی مسلمین، مسئله ملت های زیرستم و مبارزی است که دست طغیان و کفر و استکبار، آنان را مقهور و مظلوم ساخته و سخت ترین شرایط زندگی را بر آنان تحمیل کرده است.^۱

رهبر معظم انقلاب اسلامی، به مانند بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، جایگاه اجتماعی - سیاسی والایی برای حج قائل اند و معتقدند:

حج باید بر دل های خسته و مجروح مسلمین مرهم نهاده و راه رشد و صلاح را - که همانا اتحاد و هم بستگی ملت های مسلمان و عزم راسخ آنان بر مقابله و مبارزه با اردوگاه استکبار و جهان خواران و غارتگران ثروت های مادی و معنوی مسلمین است - به آنان نشان دهد.^۲

ایشان همچنین می فرمایند:

[خداوند] حج را رمز وحدت و عظمت مسلمین و هماهنگی و پیوند میان آنان قرار داد و باطل السحر بسیاری از ابتلائاتی که افراد و جوامع مسلمین بر اثر جدامانندگی از اصل و ریشه خود به آن دچار می شوند؛ مانند بیگانه گرایی و خودفراموشی و ترفندپذیری و غفلت از خدا و اسارت در دست اهل دنیا و بدینی به برادران و شنودن سخن دشمن درباره آنان و عدم حساسیت به سرنوشت امت اسلامی.^۳

این هوشیاری مقام معظم رهبری، نشان دهنده آن است که ایشان برای

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۳۷.

۲. همان، ج ۲، ص ۴۸.

۳. همان، ص ۵۵.

آشناسازی امت اسلامی، به مضمون الهی حج، دل مشغولی ویژه ای دارند. ایشان در جایی می‌فرمایند:

حج یک ذخیره است برای دنیای اسلام. اگر از این ذخیره خوب استفاده بشود، به دنیای اسلام سود خواهد بخشید. اگر از این ذخیره استفاده نشود یا اینکه بد مصرف شود و بد استفاده شود، دنیای اسلام - با این همه احتیاجی که دارد - از آن محروم خواهد ماند و یا خدای نکرده، احیاناً از آن ضرر هم خواهد برد.^۱

از منظر مقام معظم رهبری، اجتماعات حج فلسفه خاصی دارد:

اینها برای چیست؟ برای این است که ﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾ پس این منافی که مسلمان‌ها در دوران حج باید شاهد باشند و آن را ببینند، منافی است که با حیثیت تجمع مردم و با این حالت اجتماع ارتباط پیدا می‌کند. اگر اجتماعی تشکیل بشود که در آن ارتباطی نباشد، هزارها تن بیایند بی‌ارتباط با هم، بی‌تماس با هم و بدون خبرگیری از هم، بدون کمک معنوی به هم، بدون همفکری، مقصود حاصل نشده است؛ چه معنا دارد که عده ای را یک جا جمع کنند، در حالی که از آن جمع شدن، هیچ فایده‌ای برای آنها متصور نیست؟^۲

از نگاه مقام معظم رهبری، جهان اسلام بیش از هر زمان دیگری به حج محتاج است:

در چنین حالتی که دشمن، با اسلام به مخالفت پرداخته و به

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۵۵.

۲. همان، ص ۱۱۰.

خصوص روی تفرقه بین مسلمین، سرمایه گذاری می کند، مسئولیت حج چیست؟ ببینید حج در چنین شرایطی چقدر می تواند معنا دار، رسا، پرسود، دست رد کوبنده به تمام ترندهای دشمن و خنثاکننده نقشه های استکبار و صهیونیست باشد.^۱

یکی از کارکردها و فلسفه های اصیل حج، از دیدگاه حضرت امام علیه السلام و رهبر معظم انقلاب، بحث برائت از مشرکان است. امام خمینی علیه السلام در جای جای بیانات خویش این مسئله را گوشزد می کند و هشدار می دهد که غاصبان و مستکبران، چشم دیدن اتحاد و پیشرفت مسلمانان را ندارند. در همین خصوص، ایشان راه حل ها و تاکتیک های مدبرانه ای را در اختیار مسلمانان قرار داد و فرمود:

اعلان برائت از مشرکان که از ارکان توحیدی و واجبات سیاسی حج است، باید در ایام حج به صورت تظاهرات و راهپیمایی با صلابت و شکوه هرچه بیشتر و بهتر برگزار شود.^۲

در نگاه حضرت امام علیه السلام برائت از مشرکان و غاصبان، هیچ گاه تمام شدنی نیست: «اعلان برائت، کهنه شدنی نیست و نه تنها اعلان برائت، به ایام و مراسم حج منحصر نشود». ^۳ آن بزرگوار با اشاره به سوره توبه می فرمایند: «فریاد برائت از مشرکان در مراسم حج، یک فریاد سیاسی - عبادی است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به آن امر فرمود».^۴

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۲۰۳.

۲. همان، ص ۱۹۷.

۳. همان، ص ۱۹۸.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۲۵.

از دیدگاه بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران:

بیت‌الله‌الحرام و کعبه معظمه، زائران عزیزی را در آغوش می‌کشد که حج را از انزوای سیاسی و انحراف اساسی به سوی ابراهیمی - محمدی سوق داده و حیات آن را تجدید می‌نمایند و بت‌های شرق و غرب را در هم می‌شکنند و معنای قیام ناس و حقیقت برائت از مشرکان را عرضه می‌دارند. و دل میقات در هوای زائرانی می‌تپد که از کشور «لاشرقیه و لا غربیه» آمده‌اند تا با تللیه و «لبیک، لبیک» دعوت خداوند را به سوی صراط مستقیم انسانیت اجابت کنند؛ و با پشت پا زدن بر مکتب‌های شرقی و غربی و انحرافات ملی‌گرایی، فرقه‌زدایی نموده، با همه ملت‌ها، بدون در نظر گرفتن رنگ و ملیت و محیط و منطقه، برادر و برابر، غم‌خوار یکدیگر باشند و تحکیم وحدت کنند.^۱

در جایی دیگر ایشان به حجاج توصیه می‌کند:

این سفر الهی را شما می‌روید رَجْم شیطان می‌کنید؛ اگر چنانچه خدای نخواستہ خودتان از جنود شیطان باشید، رجم خودتان را هم می‌کنید! شما باید رحمانی بشوید تا رَجْمتان رَجْم رحمان و جنود رحمان به شیطان باشد. شما «وقوف» می‌کنید در این مواقف کریمه؛ مبادا آلوده بشوید به یک معصیتی، به یک خلافتی؛ به یک چیزی که علاوه بر اینکه پیش خدا آبرو از دست برود، پیش دنیا، آبروی اسلام از دست برود.^۲

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۵۹.

۲. همان، ص ۳۰.

به اعتقاد امام خمینی علیه السلام آنچه تاکنون در مورد فلسفه حج گفته شده، چیزی جز تحریف خیانت کاران به اسلام نبوده است:

چیزی که تا به حال از ناحیه ناآگاهان یا تحلیل گران مغرض و یا چیره خواران، به عنوان فلسفه حج، ترسیم شده است، این است که حج یک عبادت دسته جمعی و یک سفر زیارتی - سیاحتی است. به حج چه که چگونه باید زیست و چطور باید مبارزه کرد و با چه کیفیت در مقابل جهان سرمایه داری و کمونیسم ایستاد! به حج چه که حقوق مسلمانان و محرومان را از ظالمین باید ستاند! به حج چه که باید برای فشارهای روحی و جسمی مسلمانان چاره اندیشی نمود! به حج چه که مسلمانان باید به عنوان یک نیروی بزرگ و قدرت سوم جهان خودنمایی کنند! به حج چه که مسلمانان را علیه حکومت های وابسته بشوراند. بلکه حج همان سفر تفریحی برای دیدار از قبله و مدینه است و بس.^۱

تفاوت نگاه های مختلف به حج در این بیانات به روشنی آشکار است. این کلام، از نگاه امام خمینی علیه السلام یعنی حرکت برای بیداری ملت ها و جوامع اسلامی و بازبینی در واجب حج بر اساس روح اصیل و انسان مدار آن. مقام معظم رهبری نیز در این خصوص بیانات معنادار و مدبرانه ای دارند؛ از نگاه ایشان: «حج، صحنه اتحاد عظیم امت اسلامی بر گرد محور توحید و برائت از مشرکین و نفی و طرد همه بت هاست».^۲ به اعتقاد

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۲۵۰.

۲. همان، ص ۲۶.

رهبر معظم انقلاب، براثت از آمریکا و صهیونیسم، نفی ولایت استکبار و شعار برای تعمیم ولایت الهی، شرط اصلی حج واقعی است و این است آن حجی که سیلی خوردگان از اسلام و انقلاب و در رأس آنان آمریکای جنایت‌کار، از آن احساس خطر می‌کنند. در منظر ایشان:

حج باید آن مظاهر شرک را نفی کند و مسلمانان را از آن برحذر دارد. حج با این مفهوم روشن و جلی است که برترین جایگاه براثت از مشرکین شناخته شده و خدای متعال از زبان خود و نبی مکرمش ﷺ اعلام براثت از مشرکین را به روز حج اکبر موکول ساخته است.^۱

حج مظهر توحید، و کعبه، خانه توحید است. اینکه در آیات کریمه مربوط به حج، بارها از ذکر الله سخن رفته، نشانه آن است که در این خانه و به برکت آن، باید هر عامل غیرخدا از صحنه ذهن و عمل مسلمین زدوده شود و بساط انواع شرک از زندگی آنان برچیده شود. در این محیط، محور و مرکز هر حرکتی خداست و طواف و سعی و رمی و وقوف و دیگر شعائر الله حج، هر یک به نحوی نمایش انجذاب به «الله» و طرد و نفی و براثت از «اندادالله» است.^۲

از منظر مقام معظم رهبری، براثت از مشرکان نباید به دلیل ترس از قدرت های غرب نادیده گرفته شود؛ چرا که مؤمنان دارای قدرت الهی هستند و با اتکا به این قدرت، می‌توانند مستکبران را نابود سازند.

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۵۹.

۲. همان، ص ۵۸.

به اعتقاد مقام معظم رهبری، زمانی برائت بی‌فلسفه خواهد شد و دیگر مسلمانان لزومی به اجرای آن نمی‌بینند که:

اگر جهان اسلام و امت اسلامی، روزی از وجود دشمنان جرار فارغ گردد و چنین چیزی ممکن شود، برائت نیز بی‌فلسفه خواهد بود. ولی با وجود دشمن‌ها و ستیزه‌گری‌های کنونی، غفلت از دشمن و بی‌مبالاتی به برائت، خطایی بزرگ و پُرخسارت است.^۱

از نگاه حضرت امام خمینی علیه السلام، یکی از فلسفه‌های مهم حج، بدین شرح است:

به هم پیوستن مسلمانان جهان و تحکیم وحدت بین پیروان پیامبر اسلام و پیروان قرآن کریم در مقابل طاغوت‌های جهان است و اگر خدای نخواستہ از اعمال بعض زائران در این وحدت خللی واقع شود و تفرقه‌ای ایجاد گردد، موجب سخط رسول‌الله صلی الله علیه و آله و عذاب خداوند قادر خواهد شد.^۲

به اعتقاد امام خمینی علیه السلام:

مسائل حج و همه مسائل اسلام، به طوری بین ابعاد مختلفه جمع کرده است؛ بین عرفان و تعبد، بین سیاست و عبادت، بین مسائل اجتماعی و سایر مسائل. این اساس را درست کردند برای اینکه ما از آن اساس چیزی بفهمیم. آنها که در آنجا هستند، تکالیفی دارند و ان شاء الله امیدوارم که به آن تکالیف عمل کنند و کردند. ما هم و

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۲۴۵.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۶۵.

آنها هم بعد از اینکه برگشتند، تکالیفی داریم که این تکالیف هم دنبال همان مطالعه عید قربان است و قربان گاه‌ها. آنها باید سوغات بیاورند آن ایثار راه، آن وحدت راه، و ما هم باید این معنا را در بین ملت خودمان پخش کنیم.^۱

شاید با آوردن یک جمله از آن عالم ربانی، بتوان فلسفه حج را نشان داد؛ آنجایی که ایشان می‌فرمایند:

«آن حجی که خدای تبارک و تعالی می‌خواهد و آن حجی که اسلام از ما خواسته است، آن است که وقتی می‌روید حج، این مسلمین بلاد را بیدار کنید و متحد کنید با هم».^۲

مقام معظم رهبری نیز یکی از مسائل مهم حج را اتحاد و برادری میان مسلمانان می‌داند:

اگر درس وحدت مسلمین و عظمت امت اسلامی و تعارف برادران جدا افتاده و هم‌صدایی صاحبان زبان‌ها و نژادها و ملیت‌ها و مناطق جغرافیایی گوناگون و اعتصام به حب‌الله با حالت طبیعی در حج منظور نمی‌بود و فقط عبادت و رابطه جداگانه انسان‌ها با خدای خود مطلوب بود، آمدن از ﴿كُلِّ فِجٍّ عَمِيقٍ﴾ و پیاده و سواره، آن هم در یک موسم خاص، چه معنا داشت؟^۳

ایشان حج را حامل چرایی بسیار بزرگ‌تر از یک عبادت می‌داند و

می‌فرماید:

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۶۵.

۲. همان، ص ۱۱۳.

۳. همان، ج ۲، ص ۲۷.

حج باید این روح وحدت و ملایمت و جماعت و عظمت را در مسلمانان همه اقطار عالم زنده کند و از شعوب و قبایل مختلفه، امت واحده پدید آورد و آن امت واحده را به وادی امن عبودیت مطلق خداوند، هدایت نماید.^۱

موسم حج از نگاه مقام معظم رهبری، موسم همدلی و برادری و شور و شوق است که حج واقعی پیام آور آن است:

حج جای تزاور است: تزاور، تعاهد. مسلمانها باید یکدیگر را باز بیابند؛ نه فقط اجسام یکدیگر را، بلکه دلها و فکرهای یکدیگر را. ملت های گوناگون باید شکل امت اسلامی را در آنجا پیدا کنند، احساس وحدت کنند، مشکلات بین خودشان را برطرف سازند، از مشکلات هم مطلع شوند، و مسائل اساسی امت اسلامی را جست و جو کنند. این، آن هدف بسیار مهم حج است.^۲

ایشان در جای دیگری می فرمایند:

موسم حج، می تواند عظمت و تنوع و اقتدار معنوی و انسانی دنیای اسلام را هر ساله به طور محسوس در برابر چشم مردمی از همه کشورهای مسلمان بگذارد و ارتباط و شناسایی و تبادل نظر را در میان برگزیدگان هر ملت برقرار سازد.^۳

مقام معظم رهبری جنبه عبادی حج را نیز بزرگ می داند و معتقد

است:

۱. صحیفه حج، ص ۶۰.

۲. همان، ص ۹۱.

۳. همان، ص ۲۶۰.

هر چه عنصر تقوا و ذکر و حضور و خشوع و توجه به حق متعال و عنصر تجمع و وحدت و احساس عظمت در حج تقویت شود، مصونیت و مقاومت افراد و جامعه‌های اسلامی در مقابل آن دو گونه تهدید، بیشتر خواهد شد و هرگاه یکی از این دو جنبه یا هر دو، ضعیف یا منتفی گردد، به همان نسبت امت اسلامی - چه افرادش و چه ملت‌ها و کشورهايش - آسیب‌پذیرتر می‌گردند.^۱

این دیدگاه مقام معظم رهبری نشان‌دهنده ژرفای مراسم عبادی - سیاسی اسلام است که در همه شئون آن، توجه و عنایت الهی منظور شده است. مقام معظم رهبری در جای دیگری از بیاناتشان می‌فرمایند:

در جنبه اجتماعی، حج در میان همه فرایض اسلامی بی‌همتا است؛ زیرا مظهری از قدرت و عزت و اتحاد امت اسلامی است. هیچ فریضه دیگری بدین سان به آحاد مسلمان، درباره مسائل امت اسلامی و جهان اسلام، درس و عبرت نمی‌آموزد و آنان را در روحیه و واقعیت، به قدرت و عزت و وحدت نزدیک نمی‌کند. تعطیل این بخش از حج، بستن سرچشمه‌ای از خیرات به روی مسلمین است که از هیچ رهگذر دیگری نمی‌توانند بدان دست یابند.^۲

زنده نگه داشتن روح حج و فلسفه ابراهیمی و محمدی، در نگاه حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری به گونه‌ای درخشان منظور گردیده و تنها اختلاف، در

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۱۸۵.

۲. همان، ص ۲۰۶.

مقتضیات زمانی است. هر دو بزرگوار تأکید ویژه‌ای بر آگاهی و بیداری امت اسلامی دارند و رفع اشکال از جوامع اسلامی جزء دل‌مشغولی‌های اصیل آنهاست. در اینجا ذکر یکی از بیانات مقام معظم رهبری شایسته است:

هر مسلمانی در هر بخشی از عالم اسلام، در موسم حج، یک بار دیگر باید این حقیقت را بشناسد که شکوفایی و سربلندی و کامیابی همه‌جانبه کشورهای اسلامی، تنها در سایه این دو به دست خواهد آمد: توحید با همه ابعاد فردی و اجتماعی و سیاسی آن و وحدت با مفهوم درست و قابل تحقق آن در دنیای امروز.^۱

توجه به بعد سیاسی حج در نگاه امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری بسیار مهم است؛ به گونه‌ای که بخش مهمی از بیانات ایشان مربوط به این بحث است. حضرت امام علیه السلام معتقد بود: «فریضه حج یکی از بزرگ‌ترین فریضه‌های عبادی - سیاسی اسلام و کنگره عظیم حج در مواقف معظمه از بزرگ‌ترین کنگره‌های جهان اسلام است»^۲ و در جای دیگری می‌فرماید: «سیاست حج، سیاستی نیست که ما درست کرده باشیم، حج سیاست اسلامی است».^۳ اما حضرت امام علیه السلام بعد سیاسی حج را مهجور می‌داند و معتقد است تاکنون به آن توجه چندانی نشده است: از همه ابعاد آن مهجورتر و مورد غفلت‌تر، بُعد سیاسی این مناسک عظیم است که دست خیانت‌کاران برای مهجوریت آن بیشتر در کار بوده و هست و خواهد بود. و مسلمانان امروز و در این عصر -

۱. صحیفه حج، ص ۲۷۶.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۵۶.

۳. همان، ص ۱۵۴.

که عصر جنگل است - بیشتر از هر زمان موظف به اظهار آن و رفع ابهام از آن هستند.^۱

اما سیاست در حج به چه معناست؟ بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، جنبه‌های سیاسی حج را به شکلی بسیار پرمغز ترسیم می‌کنند:

جهات سیاسی زیادی در اجتماعات، جماعات و جُمَعات، و خصوصاً اجتماع گران‌بهای حج می‌باشد که از آن جمله، اطلاع بر گرفتاری‌های اساسی و سیاسی اسلام و مسلمین است که با گردهمایی روحانیون و روشن‌فکران و متعهدان زائر بیت‌الله‌الحرام ممکن است طرح، و با مشورت، از راه‌حل‌ها مطلع و در بازگشت به کشورهای اسلامی، در مجتمع‌های عمومی، گزارش داده و در رفع آنها کوشا شوند.^۲

در محتوای بیانات مقام معظم رهبری، سیاست و دیانت همسنگ و هم‌تراز قرار داده شده‌اند: «در این فریضه بزرگ، ... خلاصه، سیاست با دیانت و دنیا با آخرت، همسنگ و هم‌عنان گردیده‌اند».^۳ در رویکرد ایشان:

هم مشکلات سیاسی و هم مشکلات معنوی و انسانی و هم حتی مشکلات اقتصادی دنیای اسلام، به برکت حج قابل حل است. آن روزی که در دنیای اسلام، چند دولت حقیقتاً مؤمن به اسلام و حج

۱. صحیفه حج، ص ۱۳۶.

۲. همان، ص ۲۵.

۳. همان، ج ۲، ص ۵۰.

وجود داشته باشد، می‌توان از طریق حج، حتی مشکلات اقتصادی

دنیای اسلام را هم برطرف کرد.^۱

مقام معظم رهبری در بیانات خود، سیاسی بودن حج را تشریح

می‌فرمایند:

حج مظهر ظهور و تالکون سیاست‌های بین‌المللی و جهانی اسلام است؛

در عین حال با اینکه مجموعه این معنا را می‌دهد، اما میان هر فردی

با خدای خود و با باطن خود، باید ارتباط مستحکمی وجود داشته

باشد؛ اگر این نباشد، آن هم به صورت کامل نخواهد بود. اگر

ظواهر سیاسی و اعلام برائت و حضور بین‌المللی مسلمانان، بر

معنویاتی که در درون هر فردی هست، بر قصد قربت، بر حضور و

حال و توجه و تضرع و استغاثه هر فردی میان خودش و خدا متکی

نباشد، آن بنای باعظمت هم بی‌رونق و بی‌تأثیر خواهد شد.^۲

در نگاه ایشان:

عده‌ای از آن طرف می‌خواهند جوانب سیاسی حج، جوانب سیاسی

دین و احکام دین را به کلی انکار کنند؛ این هم یکی از آن

شیطنت‌ها و بازی‌های بسیار رسوای دشمنان دین است که می‌گویند

دین در امور سیاسی نباید دخالت کند.^۳

ناگفته پیداست که جوانب سیاسی فریضه حج چه مقدار در نگاه مقام

معمظم رهبری با اهمیت است؛ تا جایی که ایشان می‌فرمایند:

۱. صحیفه حج، ص ۱۸۲.

۲. همان، ص ۲۷۰.

۳. همان، ص ۲۷۲.

شما در حج هویت اسلامی را نشان بدهید. اسلام، هم معنویت است، هم سیاست است، هم نورانیت دل است، هم نورانیت عمل است، هم عزت باطنی انسان است به خاطر ایمان، هم عزت و شکوه ظاهری است به خاطر عظمت اجتماع اسلامی و بنای اسلامی و حکومت اسلامی.^۱

یکی از بیانات خاص مقام معظم رهبری در مورد حج، تأکید ایشان بر کارکرد شناختی حج است. از نگاه رهبر معظم انقلاب، این واجب پنج نوع شناخت را در اختیار ما قرار می‌دهد:

۱. شناخت خود به عنوان یک فرد؛

۲. شناخت خود به عنوان جزئی از مجموعه امت اسلامی؛

۳. شناخت نمونه و نمایی از امت واحده؛

۴. شناخت عظمت و رحمت خداوند در حج؛

۵. شناخت دشمن.^۲

بنابراین شناخت دشمن در حج، به معنای شناخت این روش‌ها و انگیزه‌های آن و براءت در حج، به معنای افشای توطئه دشمن و اعلام بیزاری از آن است.^۳

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۲۷۴.

۲. همان، ص ۲۱۹.

۳. همان، ص ۲۲۵.

فصل دوم: مسافران خانه خدا، حجاج

بررسی موضوع

«حج» سفری نیست که بی توجه به وضعیت گذشته و حال و غافل از حلال‌ها و حرام‌ها، رضامندی‌ها و نارضایتی‌های این و آن، بتواند عبادتی مقبول باشد و «حاجی»، صفتی نیست که به آسانی زینت‌بخش شخصیت هر مسافر سرزمین وحی گردد. «حاجی» شدن، یعنی متصف شدن به همه فضیلت‌های اخلاقی و ارزش‌های انسانی و مصون بودن از همه رذیلت‌های اخلاقی و رها شدن از اسارت‌های نفسانی. برای اِتصاف به صفت حاجی و دستیابی به چنین مقام والایی، باید زحمت‌ها کشید و رنج‌ها متحمل شد؛ از خود به در آمد و با خدا یکی شد؛ ناخالصی‌های وجود را در آتش عشق سوزاند و مصفا شد؛ دل را از هر آنچه غیر حق است، خالی کرد و بذره‌های محبت محبوب را در آن نشاند؛ جسم و جان را در دریای رحمت پروردگار، تغسیل و تطهیر کرد؛ لباس نشان را از تن به در آورد و با تن پوشی از «سفیدی»،

بی نشان شد.^۱

در حوزه شناختی، حج و مناسک آن، حاجی را به درک و شناخت بیشتری از راه حق رهنمون می‌کند و او را برای حرکت در مسیر کمال و رسیدن به کمال نهایی یاری می‌دهد. امام صادق علیه السلام درباره کسی که به حج نرود، فرمود: «خداوند او را از درک و شناخت راه حق بازمی‌دارد».^۲ در طریق حاجی شدن و مصونیت یافتن از آسیب‌پذیری‌های روانی و اجتماعی، انسان باید آن‌گاه که لباس بی‌نشان احرام بر تن می‌کند و تیرگی‌ها را زدوده، با سپیدی همراه می‌شود، مقابله و مبارزه با آفت‌های شخصیت متعادل و متعالی را تمرین و تجربه کند. آنکه می‌خواهد حاجی شود، باید:

- از خودبینی و خودآرایی پرهیز کند.
 - از راحت‌طلبی و عافیت‌جویی به‌دور باشد.
 - از خودآزاری و دیگرآزاری اجتناب ورزد.
 - از اندیشه تخریب و تهاجم و پرخاشگری آزاد باشد.
 - از خودارضایی و غلبان هوس‌ها و کشش‌های جنسی رها باشد.
 - از تفاخر و برتری‌طلبی و خودبزرگ‌بینی مبرا باشد.
 - از زبان و رفتار تظاهر و تزویر و تحقیر و توهین جدا باشد.
- حاجی کسی است که با تمرین وافی در وادی زدودن آفات رشد و

۱. ر.ک: پیوند، «حج چیست؟ حاجی کیست؟ (از نگاهی دیگر)»، غلامعلی افروز، ش ۲۲۲، ص ۹.

۲. ر.ک: مطالعات اسلام و روان‌شناسی، «اثربخشی مناسک حج بر سلامت روانی حجاج»، محمدرضا

احمدی، ش ۳، ص ۵۱.

استیلا بر کتش های نفسانی و محرک های اجتماعی، و تجربه برادری و برابری، صفا و پاکی، مروت و ایثار، زندگی هدفمند و خدا محور، ستیز با شیاطین سرکش نفس و دشمن معنویت، انزجار و تبری جستن از مشرکان و ظالمان و طاغیان عصر، آماده قربانی کردن عزیزترین هستی خویش می گردد.^۱

حج، یک عبادت اجتماعی است و در هر اجتماع کوچک یا بزرگ، رعایت آداب معاشرت و حسن رفتار لازم است. حاجیان و زائران خانه خداوند، بزرگ ترین گردهمایی جهان اسلام را شکل می دهند و از این رو، چهره‌ای از دین و نمادی از شخصیت مسلمانان را به نمایش می گذارند. رعایت آداب و اخلاق اسلامی، در این اجتماع شکوهمند، می تواند این آیین بزرگ را محبوب هزاران تماشاگر غیرمسلمان کند و رعایت نکردن این آداب، نه تنها به مسلمانان، که به اسلام، ضربه‌هایی گاه جبران ناپذیر وارد می سازد. وظایفی که از هنگام عزم و تصمیم و تهیه زاد و توشه تا اعمال و مناسک مکه و مدینه و حتی پس از بازگشت، متوجه یک زائر بیت الله است، بدین شرح‌اند:

- تقوا؛

- اخلاص؛

- پاک کردن دارایی؛

۱. ر.ک: پیوند، «حج چیست؟ حاجی کیست؟ (از نگاهی دیگر)»، غلامعلی افروز، ش ۲۲۲،

- آگاه کردن دوستان؛

- گشاده دستی؛

- دوری از تکبر؛

- حسن خلق؛

- نگهداری از زبان؛

- کمک و خدمت به همراهان؛

- گناه نکردن پس از بازگشت.^۱

وظایف زائر، در انجام اعمال خلاصه نمی‌گردد؛ بلکه قبولی این

عبادت بزرگ، در گروهی رعایت دستورات اخلاقی است.^۲

حجاج و بایدها و نبایدها از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

حجاج بیت‌الله‌الحرام در حقیقت جمعیتی مسلمان از سراسر دنیا هستند

که هر ساله راهی دیار عشق و کعبه مقصود می‌گردند. حج‌گزاران،

به‌خودی خود، رسانه‌های امت اسلامی هستند که هر ساله پیرامون مرکز

ثقل هستی گرد می‌آیند. تأکید ویژه حضرت امام خمینی علیه السلام بر بحث

بیداری و آگاهی اسلامی، باعث شکل‌گیری ادبیات جدیدی در حج

گردید. حضرت امام علیه السلام هر سال در موسم حج، نکاتی را به حجاج و

دست‌اندرکاران حج یادآور می‌شدند. به طور کلی بیانات حضرت امام علیه السلام

حول محورهای ذیل است:

۱. ر.ک: میقات حج، «جاری‌های حج: وظایف اخلاقی حاجیان»، عبدالهادی مسعودی، ش ۲۳،

ص ۱۵۶.

۲. همان، ص ۱۶۸.

۱. هوشیاری و غافل نشدن از ابعاد سیاسی و اجتماعی حج

حضرت امام علیه السلام حج را به مثابه دوی درمان‌بخش مشکلات و دشواری‌های سیاسی - اجتماعی امت اسلامی تلقی می‌کردند و معتقد بودند آن چیزی که حجاج باید بدان پایبند بوده و در جهت آن حرکت کنند، آگاهی از وضع سیاسی - اجتماعی جوامع اسلامی و چاره‌جویی برای حل چنین مشکلاتی است. در نگاه حضرت امام علیه السلام، حج تنها یک عبادت فردی نیست، بلکه فریضه‌ای است کاملاً اجتماعی و سیاسی؛ همچنان‌که دین مبین اسلام، دینی عبادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و همه‌جانبه است. ایشان سعی در آگاهی و بیداری امت اسلامی از راه واسطه قرار دادن حجاج داشتند. به اعتقاد ایشان، مسلمانان نباید به هیچ وجه از جهات و ابعاد سیاسی - اجتماعی حج غافل بمانند:

مسلمانان متعهد که در این مجمع عمومی و سازمان الهی با لغو امتیازات متحدالشکل و بدون توجه به رنگ و زبان و کشور و منطقه، هر سال یک بار در مواقف شریفه مجتمع می‌شوند و با ساده‌ترین و بی‌آلایش‌ترین جهات مادی با توجه به معنویت و وفود علی‌الله گرد هم می‌آیند و به وظایف و آداب اسلامی عمل می‌کنند، باید از جهات سیاسی و اجتماعی آن غافل نباشند.^۱

این بیان حضرت امام علیه السلام نشانگر نوع نگاه متعالی ایشان به فریضه حج و تأکید بر هوشیاری و بیداری حجاج و مسلمانان است. در نگاه امام

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۷۳.

خمینی علیه السلام تا تحقق حج واقعی که در آن، همه ابعاد سیاسی و اجتماعی آن آشکار و بدان عمل شود، فاصله زیادی وجود دارد:

حجاج عزیز تمامی کشورهای اسلامی، باید بیت خدا را در همه ابعادش از این غربت در آورند، اسرار عرفانی و معنوی اش به عهده عرفای غیرمحبوب. و ما اینک با بعد سیاسی و اجتماعی آن سر و کار داریم که باید گفت فرسنگ‌ها از آن دوریم. ما مأمور به جبران مافات هستیم.^۱

به اعتقاد حضرت امام علیه السلام، مسائل و مشکلات جوامع اسلامی، همواره باید در مراسم حج به دقت بررسی شود:

مشکلات مردم در حج، باید تمام بلادی که وارد می‌شوند و مردم مستطیعش یا روحانیون محترمش وارد می‌شوند، باید بررسی از اوضاع مسلمین در هر سال بشود که مسلمین در چه حال هستند، بین خودشان با حکومت‌ها چه وضعی است، بین حکومت‌ها با قدرت‌های شیطانی دیگر چه وضعی است، بین خود ملت‌ها با خود ملت‌ها چه وضعی است، بین روحانیونی که در بلاد متفرقه مسلمین هستند با وضع حج چه وضعی دارند.^۲

۲. تلاش برای وحدت کلمه و احتراز از تفرقه‌افکنی

در نگاه حضرت امام خمینی علیه السلام، حج محل وحدت و کانون همدلی میان مسلمانان است. ایشان پرهیز از تفرقه‌افکنی و روی آوردن به الفت و برادری را در موسم حج توصیه می‌نمود و می‌فرمود:

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۸۴.

۲. همان، ص ۱۱۱.

– امید است حجاج محترم کشورهای اسلامی در وحدت کلمه کوشا، و از اخوت ایمانی، که خداوند تعالی بین مسلمین امر فرموده است، غفلت نمایند؛ و از تفرقه‌افکنی، که کار شیطان و شیاطین انسی است، احتراز نمایند.^۱

– لازم است زائرین محترم بیت الله الحرام از هر ملت و مذهبی که هستند، به فرامین قرآن کریم گردن نهند. و در مقابل سیل شیطانی بنیان‌کن اسلام‌زدایی شرق و غرب و وابستگان بی اراده آنان، دست اخوت اسلامی به هم دهند. و به آیات شریف الهی که آنان را به اعتصام به حبل الله فرا خوانده و از تفرقه و اختلاف تحذیر و نهی فرموده است، توجه کنند.^۲

– برادران و خواهران هر دو فرقه باید هوشیار باشند و بدانند که این کوردلان جیره‌خوار با اسم اسلام و قرآن مجید و سنت پیامبر، می‌خواهند اسلام و قرآن و سنت را از بین مسلمین برچینند؛ یا لااقل به انحراف کشانند... در این مقطع زمانی تکلیف الهی حجاج است که اگر مطلبی از گویندگان شنیدند که بوی ایجاد اختلاف بین صفوف مسلمانان را می‌دهد، انکار کنند؛ و برائت از کفار و سردمداران آنان را از وظایف خود در موافق کریمه بدانند؛ تا حج آنها حج ابراهیمی ابوالأنبیا – صلوات الله علیه – باشد.^۳

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۸۵.

۲. همان، ص ۱۰۵.

۳. همان، ص ۱۴۱.

– به حجاج محترم و زائران بیت الله الحرام، از هر کشور و هر طایفه و تابع هر مذهب هستند، متواضعانه عرض می‌کنم، شما همه ملت اسلام و تابع پیامبر و پیروی دستورات قرآن مجید هستید؛ و همه، دشمنان غدار مشترک دارید، که با ایجاد اختلاف به واسطه اعمال بدبخت خود و رسانه‌های گروهی و تبلیغات تفرقه‌افکن در طول تاریخ، به‌ویژه در سده‌های اخیر و بالأخص در عصر حاضر، همه دولت‌ها و ملت‌های اسلامی را در اسارت کشیده‌اند، و ذخایر غنی بلاد شما و دست‌رنج مظلومان کشورهای شما را به غارت برده و می‌برند.^۱

– لازم است حجاج بیت‌الله‌الحرام در این مجمع عمومی و سیل خروشان انسانی، فریاد برائت از ظالمان و ستمکاران را هر چه رساتر برآورند و دست برادری را هر چه بیشتر بفشارند و مصالح عالیه اسلام و مسلمین مظلوم را فدای فرقه‌گرایی و ملی‌گرایی نکنند و برادران مسلم خود را هر چه بیشتر متوجه به توحید کلمه و ترک عصبیت‌های جاهلی که جز به نفع جهان‌خواران و وابستگان آنان تمام نمی‌شود بنمایند، که این خود نصرت خداوند تعالی است و وعده حق تعالی به امید واثق شامل حالشان می‌شود.^۲

– مسلمانان با برادران و خواهران دینی و اسلامی خود از سراسر جهان آشنا می‌شوند و در آن خانه ای که متعلق به تمام جوامع اسلامی و پیروان ابراهیم حنیف است، گردهم می‌آیند و با کنار گذاشتن

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۶۵.

۲. همان، ص ۱۸۹.

تشخص‌ها و رنگ‌ها و ملیت‌ها و نژادها به سرزمین و خانه اولین خود رجعت می‌کنند و با مراعات اخلاق کریمه اسلامی و اجتناب از مجادلات و تجملات، صفای اخوت اسلامی و دورنمای تشکل امت محمدی ﷺ را در سراسر جهان به نمایش می‌گذارند.^۱

۳. پرهیز از رفاه و تجمل‌گرایی در حج

از دیدگاه حضرت امام خمینی علیه السلام، حج باید در نهایت سادگی برگزار شود تا حاجی، درد محرومان را بچشد و ببیند:

راجع به حج و آقایی که در حج، در کاروان‌ها هستند. حقیقت حج این است که شما بروید درد مردم را ببینید؛ ببینید فقرا چه جوری هستند، شما هم بشوید آن‌طور. ببینید مستمندان جهان چطورند، شما هم [به] آن رنگ درآیید. اگر مردم توقع داشته باشند که حالا که ما حج می‌رویم باید برای ما همچو رفاه حاصل بشود که در منازلمان هم نیست، این حج نمی‌تواند باشد.^۲

بر همین اساس، سلوک و شیوه حضرت امام خمینی علیه السلام در برگزاری این فریضه مهم، خود نوعی حرکت در مسیر آگاهی‌رسانی و بیداری مسلمانان و جوامع اسلامی است. امتی که تا پیش از این، حج را به دید یک تفریح مذهبی و یک سیاحت می‌نگریستند، اکنون باید در موسم حج، تصمیم‌گیری کنند، سرنوشت‌سازی کنند و خود را برای یک مبارزه بزرگ مهیا نمایند:

۱. صحیفه حج، ص ۲۲۶.

۲. همان، ص ۹۲.

اگر یک وقت دیدید یک چیزی کسری دارید، نه اینکه آقایان نخواستند، آقایان نتوانسته‌اند. وقتی نتوانسته‌اند چه بکنند؟ بگویند که آقایان حج نیابید؛ برای اینکه ما نمی‌توانیم برای شما یک جای بزرگی درست کنیم و - نمی‌دانم - یک تفریحگاهی داشته باشیم و چه؟ یا نه، بیاید و یک قدری هم توجه کنید به زحمتهایی که فقرا می‌کنند.^۱

۴. دوری از اعمال نامتناسب با شأن جمهوری اسلامی

از دیدگاه حضرت امام خمینی علیه السلام، جمهوری اسلامی ایران، آیینه تمام‌نمای ایستادگی در مقابل ابرقدرت‌ها و ظلم و ستمی است که در حق یک ملت مظلوم صورت می‌گیرد. از همین روی ایشان در خصوص حجاج ایرانی بسیار حساس بوده و اعتقاد داشتند، حجاج ایرانی باید الگو و مرجع تقلیدی برای دیگر مسلمانان جهان باشند؛ همچنان که ملت مسلمان ایران نیز با نهادینه کردن افکار رهبران مدبر خود، فرهنگ ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم را در جهان اشاعه داده که نتیجه آن در قالب مفاهیم بیداری و بصیرت اسلامی، در جوامع مسلمان رؤیت می‌شود. از نگاه حضرت امام علیه السلام، حجاج ایرانی باید کاملاً هوشیار باشند:

نباید کاری بکنند که برای جمهوری اسلامی یک بدنامی پیدا بشود. خوب، مبلغینی که الآن در همه جای دنیا تقریباً هستند، بر ضد ما همه تبلیغات راه، در ضد جمهوری اسلامی همه تبلیغات را دارند می‌کنند، دیگر ما خودمان یک کاری نکنیم که یک مطلبی دست

۱. صحیفه حج، ص ۹۳.

آنها بیفتد و هر چی می خواهند به آن باد بکنند و هر چی می خواهند زیادش بکنند.^۱

تأکید حضرت امام علیه السلام بر هماهنگی کاروان‌های جمهوری اسلامی قابل توجه است:

چون لازم است در این سفر مبارک بر جریانات و طرح‌های اسلامی - سیاسی، هماهنگی‌های کامل بین تمام کاروان‌ها و گروه‌ها باشد و از هرج و مرج و امور مخالف با اخلاق اسلامی به طور کامل اجتناب شود، ... اگر خدای نخواست هر کاروان و هر گروهی مستقلاً و بدون توجه به هماهنگی، اقدام به امری کنند، ممکن است فاجعه‌ای پیش آورد و انحرافات تحقق یابد که چهره اسلامی جمهوری اسلامی و انقلابی دگرگون جلوه داده شود؛ و این گناه عظیمی است که پیش خالق و خلق مسئولیتی بس بزرگ دارد.^۲

شکیبایی، نظم و انضباط و تعهد اسلامی، عناصری هستند که حضرت امام علیه السلام به حجاج توصیه می‌کنند:

لازم است زائران محترم ایرانی توجه کنند که از کشوری انقلابی و اسلامی و متعهد به احکام اسلام راهی حج شده‌اند و چشمان دوستان و دشمنان بر آنها دوخته شده است. دوستان، برای آنکه ببینند زائران محترم به تعهد اسلامی خود باقی هستند، و در رفتار و گفتار و برخورد با مسلمانان جهان آبروی انقلاب اسلامی شکوهمند خود

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۹۵.

۲. همان، ص ۱۰۶.

را حفظ می‌نمایند، و در زحمت‌ها و مشقت‌ها و کمبودها که لازم
قهری این سفر مقدس است، بردباری و شکیبایی دارند.^۱
نماینده‌گی حجاج ایرانی و رفتار شایسته آنان خود بهترین تبلیغ برای
اسلام و انقلاب اسلامی است و بهترین حربه برای از بین بردن تبلیغات
سوء دشمن:

شما حجاج محترم بیت‌الله الحرام، حامل پیام این ملت و نمایندگان
این کشور هستید. در این صورت موقعیت شما بسیار حساس و
وظیفه شما سنگین است. یا ان شاء الله، چنانچه انتظار می‌رود، با
رفتار شایسته و اخلاق اسلامی و انقلابی خود نظر همگان را جلب
کرده و چهره انقلاب اسلامی را آن‌گونه که هست به نمایش
ملت‌های جهان می‌گذارید و توجه آنان را با برخوردهای برادرانه
و محبت‌آمیز، به انقلاب بزرگ ایران جلب می‌نمایید و عملاً
تبلیغات فاسد مغرضانه بوق‌های تبلیغاتی را خنثی می‌نمایید، که در
این صورت حج شما مقبول و اجر شما مضاعف خواهد بود.^۲
ایشان معتقد بودند، زمانی ملت‌های جهان مشتاقانه به اسلام رو
می‌آورند که بفهمند که اسلام چیست و چگونه تربیت می‌کند:

طوری عمل بکنیم در مکه، در مدینه، در همه جا و با همه مسلمین
در هر جا، طوری رفتار بکنیم که این اسباب شرافت اسلام بشود.
اسباب این بشود که مردم بفهمند که اسلام چه جور تربیت

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۳۹.

۲. همان، ص ۱۳۹.

می‌خواهد بکند؛ از تربیت اسلامی مردم ملتفت بشوند که اسلام آمده است برای چی. قرآن شریف آمده است برای چی.^۱

هدف والای امام خمینی علیه السلام، بالا بردن جایگاه و عزت مردم مسلمان ایران و همه مسلمانان جهان است:

در هر حال زائران ایرانی به نقش و رسالت خود در تمامی مراحل حج توجه کنند که تمامی اعمال و رفتار آنان با دقت مورد توجه و نظر دوستان و دشمنان انقلاب ما است، و دشمنان انقلاب درصدد دست یافتن به سوژه ای ولو مختصر جهت تخریب قداست و اعتبار الهی مردم کشور ما می‌باشند و دوستان و طرفداران انقلاب مشتاق آشنایی با روش و سیره و خصوصیات این ملتی که آوازه نام و نشانش - به یاری خداوند - در سراسر عالم طنین افکنده است، گردیده‌اند.^۲

۵. تفکر در فلسفه حج، اعلام براءت، بررسی مشکلات جهان اسلام

از نگاه حضرت امام خمینی علیه السلام، حج یک فریضه فردی و یک زیارت صرف نیست. ایشان معتقد بودند که حجاج باید بتوانند این رسالت را به دیگر مسلمانان جهان منتقل کنند و در واقع، فرهنگ و مضمون اصیل حج، به جایگاه واقعی خود برگردد:

- شما آقایان که ان شاء الله با سلامت مشرف می‌شوید، باید توجه به این معنا داشته باشید که این فکر استعماری که در مغز بسیاری از

۱. صحیفه حج، ص ۱۵۰.

۲. همان، ص ۲۲۵.

حتی روحانیون ممالک اسلامی گنجانیده شده است، این را ازاله کنید. در صحبت هایتان، در اجتماعاتتان بگویید به آنها که اسلام وضعش این نیست که تاکنون ماها داشته‌ایم، فقط بیایند در حج و چند دور بگردند دور خانه مبارک و بعد هم وقوف و چه و چه و هیچ کار نداشته باشند که مستکبرین بر مردم دنیا و بر مسلمین چه می‌کنند، بی تفاوت باشند.^۱

– شما آقایان که دارید مشرف می‌شوید به این بیت معظم الهی، علاوه بر اینکه باید خیلی جدیت کنید به اینکه این مردمی که بسیاریشان مسائل حج را خوب نمی‌دانند، مسائل حج را برای اینها بگویید قبل از اینکه هر کاری را می‌خواهند بکنند؛ در هر جا هستید مردم را بخواهید آنجا و مسائل حج را برایشان با قاعده گوشزد کنید، بگویید، همین طور واجباتش را، محرماتش را، این طور چیزها. علاوه بر این، آن مسائلی که باید، با مسلمین در میان بگذارید، معاشرت کنید با آنها، البته با یک نظامی و به آنها حالی کنید که آقا چرا نشسته‌اید که آمریکا از آن ور دنیا دستش را دراز کند و شما را بخواهد اداره کند.^۲

– انبوه زائران بیت الله الحرام از ایران و سایر کشورهای اسلامی برای احیای مراسم عبادی – سیاسی حج در حول مسجدالحرام، مرکز ثقل اسلام و مهبط ملائکه الله و محل نزول وحی، گرد آمده‌اند تا به

۱. صحیفه حج، ص ۱۱۳.

۲. همان، ص ۱۱۸.

وظیفه الهی و قرآنی خود، که همانا اعلام و فریاد برائت از مشرکان است، که رسول ختمی ﷺ به وسیله مولانا علی بن ابی طالب علیه السلام در حج اکبر اجرا فرمود، عمل خواهند کرد.^۱

– در لیبیک لیبیک، «نه» بر همه بت‌ها گویند و فریاد «لا» بر همه طاغوت‌ها و طاغوت‌چه‌ها کشید و در طواف حرم خدا که نشانه عشق به حق است، دل را از دیگران تهی کنید و جان را از خوف غیر حق پاک سازید و به موازات عشق به حق از بت‌های بزرگ و کوچک و طاغوت‌ها و وابستگی‌شان برائت جویند که خدای تعالی و دوستان او از آنان برائت جستند و همه آزادگان جهان از آنان بری هستند ... در لمس «حَجْرُ الاسود» بیعت با خدا بندید، که با دشمنان او و رسولانش و صالحان و آزادگان دشمن باشید و به اطاعت و بندگی آنان، هر که باشد و هر جا باشد، سر نهدید و خوف و زبونی را از دل بزدانید که دشمنان خدا و در رأس آنان شیطان بزرگ زبوند، هر چند در ابزار آدم‌کشی و سرکوبی و جنایت‌شان برتری داشته باشند.^۲

– به هر حال اعلان برائت در حج، تجدید میثاق مبارزه و تمرین تشکل مجاهدان برای ادامه نبرد با کفر و شرک و بت‌پرست‌ها است و به شعار هم خلاصه نمی‌شود که سرآغاز علنی ساختن منشور مبارزه و سازمان‌دهی جنود خدای تعالی در برابر جنود ابلیس و

۱. صحیفه حج، ص ۱۶۰.

۲. همان، ص ۱۸۴.

ابلیس صفتان است و از اصول اولیه توحید به شمار می‌رود و اگر مسلمانان در خانه ناس و خانه خدا از دشمنان خدا اظهار براهت نکنند، پس در کجا می‌توانند اظهار نمایند؟^۱

– بر روحانیون محترم و نویسندگان و گویندگان متعهد لازم است که در فرصت‌های مناسب و در محضر مسلمانان، به جبران تبلیغات مسمومی که از وسایل ارتباط جمعی وابسته به آمریکا و اسرائیل، به شایعه‌افکنی و دروغ‌پردازی بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران اشتغال دارند، از اسلام و انقلاب اسلامی ایران دفاع نمایند، و چهره واقعی آن را به جهانیان معرفی نمایند. و دستاوردهای اسلامی را که با جهاد بی‌امان ملت متعهد ایران، با همه گرفتاری‌ها و کارشکنی‌های دشمنان اسلام در داخل و خارج، نصیب کشورشان شده است، یادآور شده و ملت‌ها را آماده کنند.^۲

۶. توجه به جنبه فردی حج

از نگاه حضرت امام خمینی علیه السلام حجاج بیت‌الله الحرام و در سطحی دیگر، همه مسلمانان جهان، باید در امور فردی‌شان رضای خداوند، دشمنی با دشمنان دین، اخلاق انسانی و اسلامی، و دستگیری از محرومین را پیش روی خود قرار دهند و به ویژه حجاج در مواضع معظمه، با قرآن مجید انس داشته باشند:

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۹۹.

۲. همان، ص ۱۰۸.

به خواهران و برادران محترم کشورهای اسلامی، قبل از هر چیز این نکته را باید عرض کنم که صورت حج، این عبادت بزرگ را که برای انجام آن مشرف می‌شوید، به صورتی شایسته و موافق دستور الهی انجام دهید... که اگر خدای نخواستہ کسی عملی را برای خودنمایی و عرضه به دیگران انجام دهد و خوبی عملش را به رخ دیگری بکشد، عمل او باطل است. و حجاج محترم مواظب باشند که رضای غیر خداوند را در اعمال خود شرکت ندهند. و جهات معنوی حج بسیار است؛ و مهم آن است که حاجی بداند که کجا می‌رود و دعوت کی را اجابت می‌کند و میهمان کیست، و آداب این میهمانی چیست؛ و بداند هر خودخواهی و خودبینی با خداخواهی مخالف است و با هجرت الی الله مبین و موجب نقص معنویت حج است.^۱

به اعتقاد حضرت امام خمینی علیه السلام، مسلمانان جهان، زمان اندک موسم حج را نباید در راه غیر ضروری هدر دهند:

– کثیری از حجاج بیت‌الله الحرام که برای فریضه حج می‌روند و باید در آن مکان مقدس از توطئه بیگانگان به فریاد «یا للمسلمین» برخیزند، غافلانه در بازارها به جستجوی کالاهای آمریکایی، اروپایی و ژاپنی پرسی می‌زنند، و دل صاحب شریعت را با این عمل، که با حیثیت حج و حجاج بازی می‌کند، به درد می‌آورند.^۲

– کالاهایی که در حجاز به حجاج محترم عرضه می‌شود، آنچه مربوط به آمریکای مخالف با آرمان‌های اسلامی و اساساً مخالف با

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۶۱.

۲. همان، ص ۱۶۹.

اسلام است، خریداری آنها کمک به دشمنان اسلام است و ترویج باطل است و از آنها باید احتراز شود.^۱

– به زائران محترم تذکر می‌دهم که در این مواقف معظمه و در طول سفر به مکه مکرمه و مدینه منوره، از انس با قرآن کریم، این صحیفه الهی و کتاب هدایت، غفلت نورزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده، از برکات سرشار این کتاب مقدس است.^۲

– اخلاق کریمه انسانی – اسلامی را با همه زوار، از هر طبقه و هر طایفه و هر رنگ و هر زبان و هر کشور باشند، با دقت مراعات نمایید و در برخوردها و رفت و آمدها، در جمیع اوقات و احوال و پیشامدها صبور و بردبار باشید و کریمانه با همه رفتار نمایید و در مقابل درشتی‌ها، نرمی و سلم و در مقابل بدرفتاری‌ها، خوبی و محبت کنید و برای رضای خداوند تعالی تحمل هر پیشامد بدی از هر کس باشد، با روی گشاده و سعه صدر نمایید که آن مواقف کریمه و بقاع شریفه محل نزاع و جدال نیست.^۳

حجاج و بایدها و نبایدها از دیدگاه مقام معظم رهبری

دیدگاه‌های مقام معظم رهبری، به شکل بسیار محسوسی، به دیدگاه‌های حضرت امام خمینی علیه السلام نزدیک است. اگر بخواهیم دیدگاه‌های ایشان را در چند بخش بررسی کنیم، به جمع‌بندی ذیل خواهیم رسید:

۱. صحیفه حج، ص ۱۹۲.

۲. همان، ص ۱۸۶.

۳. همان، ص ۱۹۱.

۱. طرح مصایب و مشکلات مسلمانان و تلاش برای ایجاد وحدت و

همدلی

از نگاه مقام معظم رهبری، موسم حج، موسم برادری و وحدت و طرح مسائل جوامع اسلامی و چاره‌جویی برای مبارزه با استکبار جهانی است:

– حجاج بیت الله الحرام و برادران و خواهرانی که امسال از سراسر عالم در خانه خدا گرد می‌آیند، بکوشند تا با طرح مصایب و مشکلات مسلمین و تلاش برای ایجاد وحدت و همدلی مسلمانان — که شرط اصلی نجات مسلمین از چنگال امپراتوری زر و زور و سلطه جهانی است — و نشر معارف اساسی اسلام و تبادل نظر در وظایف بزرگ مسلمین در دوران معاصر، حج را ابراهیمی و محمدی ﷺ سازند.^۱

– غفلت مسلمانان از این نیروی لایزال، همواره موجب آن شده است که دشمنان اسلام و غارتگران ثروت‌های مسلمین بتوانند، حيله‌گرانه بر سرنوشت ملت‌های اسلامی تسلط یابند و در این مقطع زمان، دست پلید اردوگاه کفر و استکبار و در رأس آن رژیم جبار و عنود آمریکا، در سرزمین‌های اسلامی با همین وسیله به هر تصرف دلخواه خود دست زده، در جان و مال مسلمین دست تظاول گشوده است.^۲

– موضوع مهم دیگری که حجاج بیت الله به عنوان بخشی از هدف

۱. صحیفه حج، ص ۴۶.

۲. همان، ج ۲، ص ۵۱.

حج باید به آن بپردازند، مسائل مهم و جاری جهان اسلام است. اگر حج کنگره عظیم سالیانه مسلمانان سراسر جهان است، بی‌گمان فوری‌ترین دستور این کنگره، مسائل روز مسلمانان در هر نقطه از جهان است.^۱

— دو نکته اساسی در حج هست، که یکی مربوط به شخص هر زائر و هر حاجی است، و یکی هم مربوط به مجموعه مسلمین و سیاست دنیای اسلام و جهت‌گیری امت اسلامی است. نکته اول از این جهت حایز اهمیت است که اگر آن نباشد، کار دومی هم، چندان درست نخواهد انجام گرفت. کار سیاسی و فریاد سیاسی، در دنیا زیاد است. آن فریادی که در دل‌ها اثر می‌کند، جوامع را عوض می‌کند، دشمن را حقیقتاً می‌ترساند و راه را واقعاً روشن می‌کند، فریادی است که از روی ایمان و از دل با تقوا و از انسان عامل صالح ناشی شده باشد.^۲

— به حجاج عزیز توصیه می‌کنم از فرصت حج، حداکثر استفاده را برای کسب آشنایی با برادران مسلمان خود بکنند و اوضاع جهان اسلام را از زبان و رفتار مسلمانان به دست آورند، تجربه‌ها، آرزوهای دست آوردها و توانایی‌ها را با هم مبادله کنند و حج خود را به حج مورد نظر اسلام هر چه نزدیک‌تر سازند.^۳

نگاه مقام معظم رهبری به مسئله وحدت، نگاهی کارکردی نیست؛

بلکه رویکردی همدلانه و صمیمانه است:

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۶۸.

۲. همان، ص ۸۸.

۳. همان، ص ۱۲۸.

برادران و خواهران عزیز در همه جای جهان! میعاد بزرگ حج را مغتنم بشمارید؛ آشنایی و الفت میان خود را در آن تحکیم بخشید؛ از سرنوشت یکدیگر با خبر شوید؛ از تجربه های یکدیگر درس بگیرید؛ راز ایستادگی و ثبات جمهوری اسلامی و ملت بزرگ ایران را از آنان بشنوید.^۱

۲. توجه به جنبه فردی حج

رهبر معظم انقلاب نیز همانند بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، اگرچه ابعاد و جهات اجتماعی - سیاسی حج را بسیار مهم می‌دانند، ولی توجه به امور فردی حج را نیز بسیار ضروری می‌دانند. از نگاه مقام معظم رهبری، خودسازی، انس با قرآن و تأمل و تفکر در کرده های خویش، در مواقف حج اموری هستند که با آن کیفیت، در زندگی انسان بسیار کم تکرار می‌شوند. به اعتقاد مقام معظم رهبری:

«ما، در حج باید سعی کنیم عبودیت را در خودمان تقویت کنیم. هجرت الی‌الله کنیم. حج را قبول و مقبول درگاه پروردگار قرار بدهیم. چگونه ممکن است حج ما مقبول باشد؟ وقتی که این حج، ما را به خدا نزدیک کند. در روایتی نقل شده است که «اگر می‌خواهید بدانید آیا حج شما قبول شده است یا نه، ببینید گناهی را که مرتکب می‌شدید، بعد از حج کنار گذاشتید یا نه؟» اگر دیدید توفیق این را پیدا کردید که گناهان را کنار بگذارید، کشف کنید

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۲۱۰.

که خدای متعال، حج را از شما قبول کرده است، و به خدا نزدیک شده‌اید.^۱

– اسم و یاد خدا را همواره باید در نظر داشته باشیم. از شروع حرکت از وطن تا رسیدن به خانه خدا، تا شروع مناسک، تا اثنای آن روزهای حساس و تا پایان کار، دائماً یک چیز به یاد حاجی و زائر خانه خدا باید باشد و آن اینکه رضای الهی را کسب کند، از گناهان توبه کند، از آنچه او را از خدا دور می‌کند، رو بگرداند و به خدا رو بیاورد. اگر به خدا رو کردیم، خدا راه را باز می‌کند.^۲

به اعتقاد مقام معظم رهبری، حرکت اسلامی افراد، باید در گفتار و رفتار آنان منعکس باشد. به هر حال تأثیرگذاری مسلمان واقعی و بیدار، بسیار بیشتر از افرادی است که در بند مناسک معمولی حج هستند:

من به برادران عزیز – چه شما مسئولین محترم و چه آحاد حجاج ایرانی – توصیه می‌کنم: سعی کنند این پیام را، که پیام عبودیت خدا و کفر به طاغوت است، قولاً و عملاً نشان بدهند. رفتار منظم، رفتار صحیح، رفتار مسلمانانه، رفتار حاکی از عبودیت خدا و رفتار همراه با نظم.^۳

از منظر مقام معظم رهبری، شناخت و معرفت، جزء بزرگ‌ترین دستاوردهای حج است و یک مسلمان باید آنها را در جوار خانه خدا به دست آورد:

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۸۹.

۲. همان، ص ۹۱.

۳. همان، ص ۹۶.

برادران و خواهران عزیز از سراسر جهان اسلام و حجاج عزیز ایرانی! با استعانت از خدای بزرگ، بکوشید تا معرفت را که از بزرگ‌ترین دستاوردهای حج است، در همان گستره‌ای که تبیین شد، به دست آورید و با شناخت‌های تازه‌ای در زمینه‌های یاد شده، به کشور خود بازگردید و آن را دست‌مایه تلاش و حرکت خود برای آینده بسازید.^۱

در این پیام، مضامین بصیرت و بیداری اسلامی مردم مسلمان جهان نهفته است؛ چراکه مسلمان باید در راه کسب معرفت کوشش کند و نتیجه را در راه تعالی اسلام به کار گیرد. این چیزی نیست جز حرکت، جنبش و تحرک اسلامی. از نگاه ایشان، خودسازی و آینده‌سازی اجتماعی، درهای گران‌قدری هستند که مسلمان باید آنها را از نعمت حج صید کند:

همه حجاج عزیز را به اغتنام فرصت گران‌بهای حج، برای خودسازی شخصی و آینده‌سازی اجتماعی دعوت می‌کنم و امیدوارم همه مسلمانان جهان، به‌خصوص ملت‌هایی را که گرفتار حوادث تلخ و شدت‌های زندگی‌اند، به دعای خیر یاد کنند.^۲

۳. توجه به توطئه جدایی دین از سیاست

از نگاه مقام معظم رهبری، یکی از مسائل بسیار مهمی که مسلمانان جهان باید به آن توجه داشته باشند، بحث جدایی دین از سیاست است؛ چراکه سال‌هاست دشمنان اسلام برای برداشت منافع استعماری خود و منزوی کردن اسلام، بر طبل آن می‌کوبند:

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۲۲۸.

۲. همان، ص ۲۱۲.

جدایی دین از سیاست که توطئه دیرین دشمنان برای منزوی کردن اسلام و قرآن است، باید با شدت محکوم شود و به میدان آمدن دین در همه کشورهای اسلامی در مقابله با سیاست‌های استعماری و استکباری، باید درس عمومی ملت‌های مسلمان شمرده شود.^۱

این بیان مقام معظم رهبری، بیانی بسیار عمیق و ژرف است که درحقیقت راز گرفتاری مسلمانان و علت عقب‌ماندگی آنان در ورای آن نهفته است. بسیار روشن است که ابرقدرت‌های جهانی به هیچ وجه مایل به دخالت آموزه‌های اسلامی در عرصه سیاسی و بین‌المللی نیستند؛ چراکه سرشت دین مبین اسلام و سیاست نهفته در آن، مخالف ظلم و ستمی است که قدرت‌های غاصب جهانی بدان مشغول اند. بنابراین این قدرت‌ها همواره عرصه را بر حضور اسلام راستین در حوزه سیاست و تصمیم‌گیری تنگ کرده و تا جایی که امکان دارد، با آن به مبارزه می‌پردازند.

۴. تأمل در حج به عنوان یکی از وظایف مهم حجاج

اگرچه در بخش فلسفه حج، به طور مفصل در مورد مضامین و فلسفه‌های حج پرداخته شد، اما مباحث آتی، جنبه‌ای دیگر از آثار تأمل و تفکر در مضامین و درون‌مایه‌های حج را روشن می‌کند. به هر حال حجاج در جایگاه نمایندگان مملکت‌های اسلامی، در مراسم روحانی حج حضور می‌یابند و به ارتباط با برادران دینی و عقیدتی خویش

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۴۶.

می‌پردازند. در صورتی که چرایی حج برای آنان روشن نباشد و در این مراسم عبادی، سیاسی و اجتماعی، به‌خوبی تفکر نکرده باشند، بعد بسیار وسیعی از این مراسم و این فرصت از دست خواهد رفت. بنابراین از نگاه مقام معظم رهبری:

– اولین وظیفه هر یک از حجاج، تأمل در این راز و رمزها و تبادل نظر و جست‌وجوی سررشته کار از این همه است، و نیز تأمل در این که چرا دست‌ها و دستگاہ‌هایی سعی می‌کنند حج را برون از همه مفاهیم سیاسی و جمعیش و تنها به عنوان عبادتی یک بعدی که فقط دارای خواص فردی است، مطرح نمایند، و چرا روحانی‌نمایان دین‌به‌دنیا فروش که نام و شأن دینی آنان حکم می‌کند که مردم را به این اسرار آشنا و جسم و جان آنان را به سمت هدف‌های آن به حرکت در آورند، به عکس، با هرگونه روشنگری در این باره مخالفت و عناد ورزیده، اصرار بر کتمان حقایق دارند؟^۱

– من به همه برادران و خواهران مسلمان که در محشر عظیم حج گرد آمده‌اند، متواضعانه توصیه می‌کنم که در حج تدبر کنند و آن دو نکته اصلی را، یعنی دل سپردن به خدا و نزدیک کردن خود به ذات مقدس الهی در اندیشه و عمل با عبودیت خالص و حقیقی از یک سو و اجتناب و برحذر بودن از شیطان‌ها و دشمنان راه و جهت الهی از سوی دیگر، برای خود تأمین کنند و با روحی مجهز به تقوا و دلی سرشار از اعتماد به خدا و روحی لبریز از امید به آینده امت

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۶۱.

اسلامی و تصمیمی راسخ در پیگیری هدف‌های اسلام و به قصد حاکمیت یافتن معارف و قوانین و فرهنگ اسلامی بر جوامع مسلمان، به دیار خود بازگردند.^۱

– در میان واقعیت‌های بزرگی که در این تدبیر و خودنگری جلوه می‌کند، دو چیز از همه برجسته‌تر است؛ نخست، غنا و عظمت سرمایه‌ای که امت اسلامی از آن برخوردار است. و دیگر، سهمگین بودن خطری که در کمین این سرمایه بزرگ است.^۲

۵. ایرانی‌ها الگویی برای دیگران

ولی امر مسلمین جهان، معتقدند که ملت بزرگ ایران در طول تاریخ، کارهای بزرگی را رقم زده است؛ به‌ویژه در سده معاصر، انقلابی را آفرید که جهانیان را به شگفتی واداشت. به اعتقاد مقام معظم رهبری، ملت ما باید با گفتار و رفتارش امت اسلامی را بیدار کند:

ما در حج باید بتوانیم فرهنگ و اخلاق و منش و رفتار مردم خودمان را طوری بکنیم که اینها الگو بشوند و کسانی که نگاه می‌کنند، یادشان نرود لااقل، چیزهای برجسته‌ای را از ایرانی‌ها بگیرند. این شاید در مواردی، اثرش از آن سوءظن بیشتر باشد.^۳

از نگاه مقام معظم رهبری، ملت پرافتخار ایران باید ترقی و پیشرفت خود را در حج نشان دهند: «باید رفتار اشخاص و حجاج و رفتار

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۱۶۷.

۲. همان، ص ۲۳۹.

۳. همان، ص ۸۴.

مسئولان با مردم و نیز عبادت و سیاست، همه حکایت از معنویت و رشد و پیشرفتگی و ترقی خواهی و اهداف عالی نظام بکند»^۱.

بنابراین حضور پررنگ و پرشور، از توصیه های مقام معظم رهبری به حجاج ایرانی است:

در حج نگذارید این پرچم از دست شما بیفتد. در مذاکرات خصوصی و در اجتماعات عمومی نشان بدهید که ملت ایران به برکت اسلام، عزیز و سرافراز شده است و این عزت را تا آخرین نفس از دست نخواهد داد.^۲

مقام معظم رهبری رسالت بزرگی را به دوش حجاج می بیند و معتقد است که در ارتباط با امت اسلامی، عزت پرچم اسلام را حفظ کنید و آبروی امام بزرگوار علیه السلام را محفوظ بدارید:

مردمی که به حج مشرف می شوند، قدر این نعمت بزرگ را بدانند و عزت اسلامی، عزت ناشی از برافراشتن پرچم اسلام در ایران اسلامی را، حفظ کنند. مبدا رفتار حاجی ایرانی به گونه ای باشد که عزت این نظام و انقلاب و شکوه و عظمتی که به اسلام در اینجا داده شده است، خدای نکرده اندکی مخدوش شود.^۳

ایشان حجاج را به مراقبت در رفتار و اخلاق نیک توصیه می کنند که این خود می تواند مسیر درست ملت ایران را به مسلمانان دیگر نقاط جهان نشان دهد:

۱. صحیفه حج، ج ۲، صص ۱۸۰ و ۱۸۱.

۲. همان، ص ۲۷۴.

۳. همان، ص ۲۰۴.

هر کدام از حاجیان امسال ما که از ایران حج می کنند، جزئی از یک حرکت عظیم و از یک کار بزرگ جهانی و اسلامی و انقلابی و سیاسی و عبادی هستند؛ باید خودشان را جزئی از این مجموعه به حساب بیاورند و آن گونه عمل کنند. پس، لازمه این احساس آن است که همه، مراقب رفتار خودشان باشند. در اخلاق، در برخورد با مسلمین سایر کشورها، در چگونگی رفتار، در خانه، در مسیر، در حرم، در هنگام ادای مناسک - هر جا که هستند - رفتار و اخلاق خود را طوری بکنند که برای اسلام و انقلاب و امام مایه آبرو باشد.^۱

۶. جمع بندی چند توصیه به حجاج

مقام معظم رهبری توصیه های حکیمانه و راه گشای خویش را به صورت اجمال و مفید در هشت بند بیان می کنند؛ توصیه نامه ای که خیر دنیا و آخرت، دشمن شناسی و دشمن ستیزی، دستگیری از محرومان و بیداری اسلامی در آن ترسیم شده است:

- این فرصت را برای خودسازی و توبه مغتنم بدانید و توشه ای معنوی برای همه عمر خود از آن برگزید.
- رفع گرفتاری های بزرگ مسلمانان را از خداوند متعال بخواهید و بارها و بارها این خواسته را در دعا و مناجات خود بگنجانید.
- از هر فرصتی برای آشنا شدن با مسلمانان کشورهای دیگر و جنبه های مثبت و منفی زندگی آنان استفاده کنید.

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۵۴.

- هرگونه اطلاع و معرفت درستی که از وضع امت اسلامی یا کشور خود در اختیار دارید، به مسلمانان کشورهای دیگر منتقل کنید.

- در گفت و گو با برادران مسلمان خود، از هر جای جهان اسلام، به مسئله «امت اسلامی» و نگرش یک پارچه به جهان اسلام توجه داشته باشید.

- همواره به مخاطبان خود، اقتدار خداداده بیش از یک میلیارد مسلمان و دهها کشور اسلامی با این همه ثروت مادی و معنوی و با میراث عظیمی از فرهنگ و تمدن و دین و اخلاق را یادآوری کنید.

- افسانه قدرت بی پایان غرب و به ویژه آمریکا را نابود کنید؛ چراکه استکبار همواره سعی بر آن داشته تا قدرت خود را چندین برابر بزرگ کرده و همواره این مسئله را به ذهن مسلمانان القا کند.

- مسئولیت عالمان دین و روشن فکران کشورهای مسلمان را که بسی بزرگ و سنگین است، همواره به یاد خود آنان و دیگران بیاورید.^۱

جمع بندی

دقت کردن در بیانات حضرت امام علیه السلام و رهبر معظم انقلاب در مورد کنش حجاج به عنوان سفیران کشورها و جوامع مختلف اسلامی، نشان دهنده رسالت آن دو بزرگوار در این باره است؛ به گونه ای که در ژرفای بیانات ایشان، گرایش به سربلندی و عزت مسلمانان، بیداری مسلمانان، مسئولیت و همدلی میان امت اسلامی و از همه مهم تر،

۱. ر.ک: صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۴۷.

استکبارستیزی و وحدت مشاهده می شود.

فرهنگ حج که تا پیش از انقلاب اسلامی، بر پایه انفعال حاجیان شکل گرفته بود، با رهنمودها و هشدارهای حضرت امام علیه السلام، تبدیل به جنبش و نهضتی پرشور و عظیم شد و اصل برائت، به عنوان جزء جدایی ناپذیر حج، در دستور کار حجاج سراسر جامعه اسلامی قرار گرفت. این تغییر ماهوی در کنشگری حجاج، باعث جلب توجه استکبار جهانی، به هم صدایی امت اسلامی، در خصوص ستمی است که در حق مردم محروم جهان روا می دارد.

حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری، هر دو، به اهمیت حضور حجاج هوشیار و فعال، آگاه بوده و حاجی را رساننده پیام جامعه خود در کنگره جهانی حج می دانند. از همین روست که هم حضرت امام و هم مقام معظم رهبری، تمرکز ویژه ای بر نوع و کیفیت تحرک حجاج و به ویژه حجاج ایرانی داشته اند.

در اینجا پاره ای از دل مشغولی های حضرت امام علیه السلام در خصوص حجاج و توصیه و رهنمودهای راهبردی ایشان را در چند بند به صورت فهرست وار بیان می کنیم:

- از جهات سیاسی و اجتماعی حج غافل نباشید.
- در مواقف شریفه برای پیروزی اسلام دعا کنید.
- در جهت وحدت کلمه و پرهیز از تفرقه افکنی بکوشید.
- از رفاه و تجمل در حج پرهیز کنید.
- کاری نکنید که برای جمهوری اسلامی یک بدنامی پیدا بشود.

- در فلسفه حج تفکر کنید.
- در حج باید دعوت خداوند متعال را لیبیک گفت.
- جنبه فردی حج را فراموش نکنید.
- اعلام برائت که اصل حقیقی حج است را با تمام قدرت به پا دارید.
- مشکلات جهان اسلام را به بحث بکشید.
- حرکات شما برای خدا باشد.
- چهره واقعی استعمارگران را برملا کنید.
- در همین جهت می‌توان بیانات مقام معظم رهبری را به طور خلاصه در زمینه طراحی منش راهبردی حجاج به این شکل جمع‌بندی کرد:
- طرح مصائب و مشکلات مسلمانان و تلاش برای ایجاد وحدت و همدلی؛
- دعا برای پیروزی اسلام و مسلمانان؛
- محکوم کردن جدایی دین از سیاست در حج؛
- دعوت از مسلمانان برای وحدت کلمه و دفاع از اسلام و مبارزه با کفر؛
- شعار محو غده سرطانی اسرائیل؛
- تأمل در حج به عنوان اولین وظیفه هر یک از حجاج؛
- به‌روزرسانی مسائل روز مسلمانان به عنوان فوری‌ترین دستور این کنگره؛
- توجه و عنایت به جنبه فردی حج؛
- الگو بودن ایرانی‌ها برای دیگران؛

- رفتار و اخلاق متناسب با اسلام و انقلاب و سلوک امام.
بر این اساس است که حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری با ارائه
الگویی جدید، جانی نو در کالبد مراسم حج دمیدند و این مراسم را از
انفعال خارج کرده و کارکرد اصلی آن را زنده نمودند.

فصل سوم: حج و نقش وحدت آفرینی آن در میان مسلمانان

بررسی موضوع

مشکل کنونی جهان و جوامع مختلف، رشد فزاینده فرد گرایی، کاهش انسجام اجتماعی و وجدان جمعی است. بر اساس مطالعات اندیشمندان اجتماعی، یکی از عوامل مهم ایجاد مسائل و آسیب‌های اجتماعی، نبود هم‌بستگی و یک‌پارچگی اجتماعی است.

در جوامع غربی و جوامع مبتنی بر اندیشه‌های مادی‌گرایانه، به سبب نبود یک نظام وحدت‌بخش، انسان‌ها بسیار فردی شده‌اند و کسب سود در اولویت اول مناسبات بین‌فردی قرار گرفته است. این واقعه باعث بروز بیماری‌های روانی و اجتماعی بی‌شماری شده و انسان مدرن را به تنهایی و عزلت فرسوده‌کننده‌ای فرو برده است. اگرچه مطالعات بی‌شماری در جوامع غربی و لیبرالیستی در خصوص خطر نبود معنویات به انجام رسیده و می‌رسد، ولی همچنان رشد پدیده فردگرایی در حال حرکت است و شیب تندى دارد.

به طور کلی انسجام اجتماعی، مربوط به هم‌بستگی درونی نظام‌های اجتماعی و جوامع است؛ به نوعی که نهادهای مختلف، لایه‌های اجتماعی، و اقشار گوناگون جامعه در ارتباط با هم و به گونه‌ای حمایت‌کننده به انجام کارهای ویژه خود پردازند. این واقعیت سبب رشد احساس همدلی و هم‌بستگی میان یک‌یک افراد و ایجاد مشخصه‌های اصیل انسانی می‌شود.

در جوامعی که عامل انسجام‌بخش میان افراد دین و معنویات باشد، وحدت و یک‌پارچگی میان افراد، قوی‌تر، سالم‌تر و انسانی‌تر است. اخلاق در این جوامع رواج دارد و نگاه انسان‌ها سودمدارانه و مادی نخواهد بود و ایثار، فداکاری و از خودگذشتگی، خمیرمایه روابط بشری است. نکته بسیار مهم در اینجا این است که آموزه‌های دینی چه اندازه رواج پیدا کرده و آگاهی افراد در اثر تعالیم دینی در چه سطحی است. در پاره‌ای از جوامع، به سبب دور شدن انسان‌ها از دین و آموزه‌های متعالی، آن، اگرچه جامعه به ظاهر دینی است و مناسک دینی هم برگزار می‌شود، ولی هم‌بستگی و وحدت دینی، چندان قدرتمند نیست. از همین روست که اندیشمندان دلسوز و رهبران دینی، تمام عمر خویش را در راه برگرداندن تعالیم دینی و عناصر وحدت‌بخش دین به کار می‌برند. حضرت امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری، در جایگاه رهبران اسلامی، همواره کوشش داشته که با برجسته کردن عناصر وحدت‌بخش میان مسلمانان، قدرت اصیل اسلامی را زنده کرده و روابط نابسامان میان برادران دینی جوامع اسلامی را به مدار خود برگردانند.

در ادامه همین بحث، با بررسی وحدت و اهمیت آن و نیز استناد به بیانات آن دو بزرگوار، سعی خواهیم کرد این آموزه بنیادین اسلامی را در مورد حج بررسی کنیم.

از نظر لغوی، وحدت به معنای یکی شدن و یگانه شدن است. همچنین به معنای به یکدیگر نزدیک شدن دو یا چند چیز است (مثل اینکه اقوامی با هم متحد و هم‌پیمان شوند).^۱

وحدت چهار عنصر دارد:

۱. اصالت؛ به این معنا که در تعاملات با دیگران و معارف اسلامی، همواره باید وحدت را یک اصل شمرد تا نقاط اختلاف کاهش یابد و مشترکات گسترش یابد.

۲. فقه وحدت؛ به دنبال اصل بودن وحدت، فقه بودن آن، تجلی می‌یابد که سبب تولید چند قاعده فقهی مهم شده است؛ مثل قاعده تقیه، قاعده الزام و التزام و قاعده حفاظت و احترام تمامی مسلمانان و فرقه‌های اسلامی.

۳. اخلاق وحدت؛ وحدت دربردارنده اخلاقی خاص از قبیل الفت، وفاق، مدارا، عفو، تسامح، پیروی از حق و اجتناب از عصیت و احسان است.

۴. سازوکارهای وحدت؛ وحدت تنها شعار نیست، بلکه سازوکارهای خاص خود را دارد. این سازوکارها گاهی علمی است و گاهی عملی.

۱. ر.ک: مبلغان، «تحلیل موضوع وحدت مسلمین»، علیرضا وزیری، ش ۱۴۸، ص ۵۰.

توجه به میراث مشترک، حاکمیت فضای علمی بر موارد اختلاف، و ازدیاد داد و ستد علمی میان مذاهب، سازوکارهای علمی است و اطاعت از کتاب و سنت صحیح، پذیرش آرای دیگران در عمل در صورت نداشتن توافق، همکاری در نیکی‌ها، یاری یکدیگر و همراهی جماعت مسلمان، نمونه‌هایی از سازوکارهای عملی است.^۱

وحدت مسلمانان به این معناست که مسلمانان با تکیه بر مسائل مشترک، همگرایی داشته باشند؛ اختلاف‌های طبیعی آنان در درک برخی از مسائل، مانع از همگرایی نشود؛ بکوشند با تفاهم متقابل به یکدیگر، نزدیک و نزدیک تر شوند؛ از اختلافات تا حد امکان بکاهند؛ درمقابل دشمنان اسلام متحد و هم‌پیمان باشند و در راستای هدف اصلی و مهم‌تر، هم‌سو گردند. بنابراین منظور از وحدت شیعه و سنی به معنای نزاع نکردن بر سر عقایدشان است. آنان می‌توانند در عین وجود اختلافات عقیدتی، در مسائل کلی و بین‌المللی با یکدیگر تعامل صمیمانه داشته باشند. در این صورت دنیای اسلام و مسلمانان، سربلند و مقتدر خواهند شد.^۲

یکی از اهداف و آرمان‌های مسلمانان، وحدت اسلامی است. مصلحان مسلمان می‌کوشیدند تا در جهان اسلام، اتحاد و همگرایی به وجود آید. در اسلام، وحدت اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۱. ر.ک: اندیشه تقریب، «مقالات اندیشه‌ای: طرح وحدت اسلامی»، محمدمهدی آصفی، ش ۱۲،

ص ۱۳.

۲. ر.ک: مبلغان، «تحلیل موضوع وحدت مسلمین»، علیرضا وزیري، ش ۱۴۸، ص ۵۱.

قرآن در ضمن آنکه همگان را به همگرایی و همبستگی فراخوانده است، از وحدت اسلامی به عنوان نعمت یاد کرده و اختلاف را در ردیف عذاب الهی قرار داده است.^۱ عوامل اساسی وحدت بخش بین مسلمانان عبارت‌اند از: «دین اسلام و اهل بیت (علیهم‌السلام)».

۱. دین اسلام

در تمام مسائل فرعی اسلام، از نماز گرفته تا زکات و از حج تا جهاد، مسئله وحدت و اتحاد به خوبی چشمگیر است و علاوه بر هزاران درس سازنده که به فرد و اجتماع می‌آموزند، آموزنده همبستگی و اتحاد عملی و وحدت فکری نیز هستند؛^۲ چون درهم‌شکننده اتحاد و همبستگی ملت‌ها، اختلاف‌های طبقاتی و امتیازهای نژادی و طایفه‌ای است. اسلام با برنامه حج به تمام این اختلاف‌ها و امتیازها خاتمه داده و مسلمانان، با اجرای این فریضه اسلامی، وحدت و همبستگی خود را به جهانیان اعلام می‌دارند.^۳

۲. اهل بیت (علیهم‌السلام)

از مجموعه دیدگاه‌هایی که فرقه‌های اهل سنت درباره اهل بیت (علیهم‌السلام)، ارائه کرده‌اند و شیعه نیز آن دیدگاه‌ها را با دیدگاه‌های خویش همسو می‌بیند، محبت اهل بیت (علیهم‌السلام) است که در قرآن و روایات رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بر

۱. رک: فرهنگ کوثر، «وحدت ملی در گفتار و سیره امام علی (علیه‌السلام)»، علیرضا انصاری و زهرا انصاری،

ش ۴۸، ص ۲۱.

۲. رک: پیام اسلام، «وحدت، وحدت، وحدت»، محمدعلی ربانی گلپایگانی، ش ۸، ص ۶۳.

۳. همان، ص ۶۴.

این مسئله تأکید فراوان شده است؛ این مسئله می‌تواند عامل مهمی بر تجمع امت اسلامی بر محور امامت باشد. در این راستا، گروه‌هایی رسالت بیشتری دارند. عالمان اهل سنت، روشن‌فکران آنان، عالمان شیعه و روشن‌فکران آنان و نهادهای بین‌المللی، نظیر مجمع تقریب بین مذاهب اسلامی، سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان وحدت اسلامی، سازمان ارتباطات اسلامی و سایر نهادهای تبلیغی و فرهنگی موظف‌اند استراتژی روشنی را در زمینه تقریب بین مذاهب تنظیم کنند تا بتوانند هم دیدگاه‌ها را به هم نزدیک نمایند و هم توطئه‌های استکبار غرب را که تلاش وسیعی در ایجاد تفرقه بین امت اسلامی دارد، خنثا نمایند.^۱

وحدت، طرحی استراتژیک در اندیشه اسلامی است و در راستای این طرح استراتژیک، امامت اسلامی حرکت خویش را متمرکز کرده است. از طرفی محبت اهل بیت علیهم السلام که تمام فرقه‌های اسلامی، غیر از ناصبی‌ها، در آن اشتراک نظر دارند، می‌تواند معیاری بر وحدت امت اسلامی باشد و از طرف دیگر، حرکت کلی امامت، در راستای عملیاتی‌سازی وحدت امت اسلامی قرار گرفته است. بدین روی آرمان اسلام و آرمان امامت در این مسئله، آرمانی یگانه است؛ چنانچه در همه مسائل چنین است.

اعتصام به حبل و عروة الوثقی‌ای الهی، همان اعتصام به ولای اهل‌بیت علیهم السلام و محبت به خاندان عصمت و طهارت است و همین مسئله باید محور بسیاری از تلاش‌های تبلیغاتی در جهان اسلام قرار گیرد.^۲ از

۱. رک: اندیشه حوزه، «ائمه علیهم السلام، محور وحدت امت - وحدت امت، محور حرکت ائمه علیهم السلام»، ع

شوروزی، ش ۶۷ و ۶۸، ص ۱۰۶.

۲. همان، صص ۸۹-۱۱۲.

همین روست که پاره‌ای از محققان، اهمیت و فواید اتحاد مسلمانان را چنین برشمردند:

(الف) اقتدار و هدایت‌یابی؛

(ب) نعمت الهی؛

(ج) پیروزی قهری و قطعی؛

(د) عزت آفرینی، دشمن‌شکنی، عافیت‌افزایی و نعمت‌بخشی؛

(ه) زمینه‌سازی برای اجرای حق و عدالت.^۱

وحدت از نگاه امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری

در موضوع وحدت و یکپارچگی میان مسلمانان، جان کلام امام بزرگوار و رهبر معظم انقلاب به طور مشترک، دوری از فرقه‌ای شدن، اجتناب از تبلیغات تفرقه‌برانگیز دشمنان، دشمن‌شناسی، تأکید بر توانایی‌های مسلمانان، همیاری مسلمانان در دفاع و جهاد در برابر کفار و استکبار جهانی، مشارکت در غم و شادی یکدیگر، تفاهم و همدلی و از همه مهم‌تر چنگ زدن به ریسمان بلند الهی است. امام خمینی علیه السلام در فرازی از سخنان خویش می‌فرمایند: «در راه ترقی و تعالی مسلمین و اتحاد و پیوستگی جامعه اسلامی کوشش کنید».^۲ رهبر معظم انقلاب نیز بارها بر این امر تأکید کرده‌اند. ایشان در بیانات خویش می‌فرمایند: «آیه شریفه ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ را که توصیه تمسک به

۱. ر.ک: مبلغان، «تحلیل موضوع وحدت مسلمین»، علیرضا وزیری، ش ۱۴۸، ص ۶۳.

۲. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۱.

دین و رعایت وحدت کلمه در آن است، همواره به یاد داشته باشید^۱.
امام خمینی علیه السلام با اعتقاد کامل به وحدت اسلامی معتقد بود که در صورت یک پارچگی امت اسلامی، هیچ گونه قدرتی یارای مقابله با آن را ندارد و بارها در بیانات خویش بر این نکته تأکید می کرد. پاره ای از این بیانات بدین شرح است:

– اگر این قدرت – قدرت بزرگ الهی – مُنْضَم بشود به قدرت ایمان و همه با هم برادرانه در راه اسلام قدم بردارند، هیچ قدرتی بر آنها غلبه نخواهد کرد.^۲

– ای مسلمانان جهان و ای مستضعفان عالم! علیه مستکبران و متجاوزان به حقوق ملت ها پرخاش کنید. ای زائران خانه خدا، در مواقف و مشاعر الهی به هم بپیوندید و از خداوند تعالی نصرت اسلام و مسلمین و مستضعفان جهان را بخواهید.^۳

– ای مسلمانان بپا خیزید و در زیر پرچم توحید و در سایه تعلیمات اسلام، مجتمع شوید و دست خیانت ابرقدرتان را از ممالک خود و خزاین سرشار آن کوتاه کنید، و مجد اسلام را اعاده کنید، و دست از اختلافات و هواهای نفسانی بردارید که شما دارای همه چیز هستید.^۴

– قریب یک میلیارد جمعیت با خزاین سرشار و ثروت بی پایان،

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۷۳.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۹.

۳. همان، ص ۳۷.

۴. همان، ص ۴۸.

می‌تواند تمام قدرت‌ها را درهم شکند.^۱

– اگر یک میلیارد مسلم با هم مجتمع بشود و آن معنایی که در ۳۵ میلیون جمعیت ایران تحقق پیدا کرد و ضربه زد به آنها، آن‌چنان ضربه‌ای که تا آخر، سر خودشان را نمی‌توانند بلند بکنند، اگر یک میلیارد جمعیت مسلمین این‌طور بشوند، چه خواهد شد.^۲

– اگر ان‌شاءالله عموم زائران، از هر طایفه و مذهب که از سراسر جهان در آن مکان شریف مجتمع شده‌اند، ندای خداوند را اجابت کنند و با فریاد واحد، ستمگران و ظالمان را محکوم نمایند، کاخ‌های ستم فرو خواهد ریخت.^۳

در همین راستا رهبر معظم انقلاب نیز با اشاره به قدرت وحدت مسلمانان، تجاوزات دشمنان اسلام را ناشی از بی‌انجامی مسلمانان می‌داند:

– امت اسلام می‌تواند جلوی اینها (دشمنان اسلام) بایستد و این حرکات سبعانه را خنثا کند؛ به شرط اینکه به ریسمان مستحکم و عروة الوثقای الهی توجه کند.^۴

– اگر دنیای اسلام متحد بود، یک ملت (فلسطین) این‌طور مظلوم نمی‌شد. همبستگی اسلامی، برای دشمنان جهان اسلام و دشمنان ملت‌های این منطقه و غارتگران بین‌المللی، کار را مشکل می‌کند و

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۴۹.

۲. همان، ص ۶۹.

۳. همان، ص ۱۶۱.

۴. همان، ج ۲، ص ۲۹۶.

اجازه نمی دهد آنها طبق میل خود، هرطور خواستند و انتخاب کردند و

مصلحت دیدند، به یک کشور و ملت اسلامی تعرض کنند.^۱

– در حج به صدای بلند اعلام اتحاد کنید؛ به صدای بلند بیزاری خود

را از جبهه استکبار و ظلم و نفاق فریاد کنید.^۲

– مسلمانان، در صورت عزم و ایستادگی و معرفت، از استکبار

قوی ترند.^۳

از دیگر مسائلی که حضرت امام علیه السلام بسیار بر آن تأکید داشت، سفارش

به حجاج درخصوص ایجاد همدلی، برادری و مشارکت در مراسم ها و

تجمع های برادران اهل سنت بود. حضرت امام علیه السلام این مسئله را هر سال

به حجاج یادآور می شدند. بیانات زیر نمایانگر این پیام ویژه امام

خمینی علیه السلام به جهان اسلام است:

در وقوفین، متابعت از حکم قضات برادران اهل سنت لازم و مجزی

است؛ اگرچه قطع به خلاف داشته باشید.^۴

– ما با همه ملت های مسلم برادر هستیم و در شادی و غم آنها

شریک هستیم.^۵

– در مکه مسلمان ها متصل بشوند به هم و همراه هم فریاد بکشند در

جایی که جای فریاد است.^۶

۱. صحیفه حج، ص ۲۸۱.

۲. همان، ص ۲۱۱.

۳. همان، ص ۱۶۸.

۴. همان، ص ۲۳.

۵. همان، ص ۴۹.

۶. همان، ص ۱۵۰.

مقام معظم رهبری نیز در این زمینه همواره مسلمانان و به‌ویژه نمایندگان جمهوری اسلامی ایران را در مراسم معنوی حج، به داشتن روابط صمیمانه و برادرگونه سفارش کرده‌اند. فرازی از بیانات ایشان به شرح ذیل است:

– در نمازهای جماعت (اهل سنت) شرکت کنید. (امام فرمودند) بنده هم عرض می‌کنم: در نمازهای جماعت در مسجدالحرام، در مسجدالنبی و نیز در مساجد دیگری که مقتضی است و متعلق به برادران اهل آن مناطق است، شرکت کنید. وحدت را نشان بدهید.^۱

– در حج، هم دنیا برای مسلمانان است و هم آخرت. هم تربیت فردی و تهذیب نفسانی است و هم تربیت اجتماعی و سیاسی. علاوه بر این، احساس اخوت هست، احساس وحدت و یگانگی هست، نظم و ترتیب هست، نشان دادن عظمت اسلام به غیر مسلمین و تقویت روحیه مسلمین به خاطر مشاهده عظمت اسلامی هم هست. نهایتاً اینکه، حج مجمعی برای متحد کردن آرا و دل‌ها در زمینه‌های گوناگون است.^۲

– از فوایدی که در یکدلی و اتحاد است، همه این مجموعه بزرگ را بهره‌مند سازد و عزت و اقتدار و خیر کثیری را که در یک پارچگی امت اسلامی نهفته است، شامل همه اجزا و اعضای آن کند.^۳

۱. صحیفه حج، ص ۹۶.

۲. همان، ص ۱۹۹.

۳. همان، ص ۲۲۱.

– معلوم می‌شود بنا بر نظر اسلام و دید اسلامی، اتحاد دل‌ها و جان‌ها فقط در میدان سیاست و در جهاد نیست؛ حتی رفتن به در خانه خدا و کنار هم قرار گرفتن دل‌ها و با هم بودن تن‌ها و جان‌ها نیز دارای اهمیت است.^۱

از آن جایی که امام خمینی علیه السلام انسانی وارسته و در عین حال سیاست‌مداری بسیار با درایت بود، تاکتیک‌های بسیار مدبرانه‌ای را در اختیار مسلمانان قرار داده و کلید واژه‌هایی را در بیانات خویش بیان نمودند که با قدری دقت در آنها، می‌توان مسیرهایی را برای رهایی مسلمانان از چنگال ستمکاران و ظالمان یافت. ایشان راز رهایی و عظمت اسلام و مسلمانان را در وحدت و رمز پیروزی مسلمانان را در رفع اختلاف کلمه می‌داند. ایشان در بیانات خویش بر مسائلی تأکید می‌کند که ذکر آنها در اینجا ضروری است:

رمز تمام رفتاری‌های کشورهای اسلامی، اختلاف کلمه و عدم هماهنگی است و رمز پیروزی، وحدت کلمه و ایجاد هماهنگی است.^۲

– از تفرق و تنازع بپرهیزید ﴿وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾. رنگ و بوی ایمان و اسلام که اساس پیروزی و قدرت است با تنازع و دسته‌بندی‌های موافق با هواهای نفسانی و مخالف با دستور حق تعالی زدوده می‌شود.^۳

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۲۹۳.

۲. همان، ص ۲۷.

۳. همان، ص ۳۷.

– ای مسلمانان جهان! آیا می‌دانید که تمام بدبختی‌های شما در تفرقه و اختلاف بین سران کشورهای شما و بالتیجه بین خود شماست؟^۱

– باید همه مسلمین بدانند مقدرات اسلام، مقدرات همه مسلمین است.^۲

– در آستانه به هم نزدیک شدن جمیع مسلمانان جهان (حج) و تفاهم همه مذاهب اسلامی برای رها شدن کشورهایشان از چنگال پلید ابرقدرت‌ها و احساس خطر برای چپاولگران بین‌المللی و در آستانه قطع ابادی ستمگران غرب و شرق از ایران با رمز وحدت کلمه و اتکال به خدای بزرگ و اجتماع در زیر پرچم اسلام و توحید، شیطان بزرگ جوجه‌های خود را فراخوانده است تا با هر حيله متصور، بین مسلمین تفرقه افکند و امت توحیدی و برادران ایمانی را به اختلاف و دشمنی کشاند و راه سلطه‌گری و چپاول را برای خویش، هر چه بیشتر باز کند.^۳

این تأکید ویژه حضرت امام علیه السلام و هوشیاری ایشان، راه را به آیندگان نشان می‌دهد. در ادامه و در راستای هدایت مسلمانان می‌فرماید:

مسلمین باید به خیانت این سرسپردگان آمریکا به اسلام و مسلمین توجه داشته باشند.^۴

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۳۷.

۲. همان، ص ۴۱.

۳. همان، ج ۱، ص ۴۵.

۴. همان، ص ۴۶.

- از مسائلی که طراحان برای ایجاد اختلاف بین مسلمین طرح و
عمال استعمارگران در تبلیغ آن بپا خاسته‌اند، قومیت و ملیت است
که دولت عراق سال‌هاست بدان دامن می‌زند.^۱

- از ملی‌گرایی خطرناک‌تر و غم‌انگیزتر، ایجاد خلاف بین اهل
سنت و جماعت با شیعیان است.^۲

- مسلمین باید توجه به قدرت اسلام داشته باشند.^۳

- ما سال‌های طولانی است که دنبال این هستیم که مسلمین را با هم
هم‌قدم و هم‌کلام و مجتمع کنیم؛ این کلام خبیث همان کلامی است
که آنها می‌خواهند که عرب را یک طرف قرار بدهند و همه
مسلمین را در طرف دیگر.^۴

- در بین خود عرب هم می‌خواهند که طوایف مختلف را از هم جدا
کنند و در بین عجم هم که سایر مسلمین هستند می‌خواهند که اینها
را از هم جدا کنند.^۵

- دشمنان اسلام با تمام قوا سعی در ایجاد تفرقه و اختلاف میان
جوامع اسلامی دارند.^۶

یکی از بزرگ‌ترین و اساسی‌ترین مشکلات، عدم اتحاد بین مسلمین
است که بعضی از به اصطلاح سران کشورهای اسلامی، منشأ آن

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۴۶.

۲. همان.

۳. همان، ص ۶۰.

۴. همان، ص ۶۵.

۵. همان، ص ۶۵.

۶. همان، ص ۷۱.

می‌باشند.^۱

– طرح اختلاف بین مذاهب اسلامی از جنایاتی است که به دست قدرتمندان، که از اختلاف بین مسلمانان سود می‌برند و عمال از خدا بی‌خبر آنان از آن جمله و عاظ‌السلطین که از سلاطین جور.^۲

– باید مسلمانان و خصوصاً برادران عرب ما بدانند، که مسئله، اسرائیل و ایران نیست، مسئله اصلی برای جهان‌خواران شرق و غرب، اسلام است.^۳

– هان ای مسلمانان جهان، دست اتحاد به هم دهید و از اسلام و مقدرات خود دفاع کنید و از هیاهوی قدرتمندان نهراسید.^۴

– این جانب تمام گرفتاری‌ها و بدبختی‌های مسلمین و دولت‌های کشورهای اسلامی را در اختلاف و نفاق بین آنان می‌دانم.^۵

– هان ای قطره‌های جدا از اقیانوس قرآن و اسلام، به خود آید و به این اقیانوس الهی متصل شوید.^۶

– دور بیرق اسلام جمع بشوید، دور حول خانه خدا جمع بشوید و با هم بیعت کنید که کنگره بزرگ اسلامی ان‌شاءالله به نتیجه مطلوبی که اسلام دارد برسد و شماها با سلامت و سعادت مشرف بشوید.^۷

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۷۴.

۲. همان، ص ۷۵.

۳. همان، ص ۷۶.

۴. همان.

۵. همان، ص ۸۰.

۶. همان، ص ۱۰۷.

۷. همان، ص ۱۱۹.

– دولت های کشورهای اسلامی، با پشتیبانی ملت ها، می توانند یک ارتش مشترک دفاعی بیش از صد میلیونی تعلیم دیده ذخیره و یک ارتش ده ها میلیونی زیر پرچم داشته باشند که بزرگ ترین قدرت را در جهان به دست آورند.^۱

– اگر نمایندگان یک میلیارد مسلمان با اسم و رسم، از متجاوزان به حقوق مظلومان و بلاد مسلمین براثت جویند و خواستار قطع ید ظالمین شوند، هیچ قدرتی تاب مقاومت با آنان را نخواهد داشت.^۲

– که چاره اساسی در سایه وحدت همه مسلمین و اجتماع همگانی در قطع ید ابرقدرت ها از کشورهای اسلامی است.^۳

– مسلمانان جهان با همراهی نظام جمهوری اسلامی ایران، عزم خود را جزم کنند تا دندان های آمریکا را در دهانش خرد کنند و نظاره گر شکوفایی گل آزادی و توحید و امامت جهان نبی اکرم باشند.^۴

در همین مورد مقام معظم رهبری نیز معتقدند قدرت اسلام در گروهی وحدت و یک پارچگی مسلمانان است که حج مظهر این یک پارچگی است. ایشان می فرمایند:

– بزرگ ترین پیام سیاسی اسلام وحدت است؛ وحدت مسلمین، ایستادگی امت اسلامی در مقابل دشمنان اسلام.^۵

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۲۸.

۲. همان، ص ۱۶۱.

۳. همان، ص ۱۶۶.

۴. همان، ص ۲۱۳.

۵. همان، ص ۲۳۷.

– حج از یک طرف مظهر معنویت است؛ از یک طرف مظهر وحدت است.^۱

– هنگامی که به کاوش می‌پردازید، متوجه می‌شوید که این عامل تفرقه با یک یا ده واسطه، به ایادی خبیث استکبار منتهی می‌شود. تفرقه بین قومیت‌ها، تفرقه بین ملت‌ها و تفرقه بین مذاهب از طرف استکبار در همه جای دنیا رواج دارد.^۲

از جمله دل‌مشغولی‌های اما راحل نیز رفع اختلاف‌ها بین طبقات مسلمانان و یک‌پارچه شدن ملت‌های مسلمان بود. ایشان در جایی از بیانات خویش می‌فرمایند: «مسلمین باید با هم ید واحده باشند. و مرزها را اسباب جدایی قلب‌ها ندانند.»^۳ من دست برادری به تمام مسلمانان متعهد جهان می‌دهم.^۴

ایشان این امر را در گروهی کار و تلاش اندیشمندان اسلامی و

همراهی جوامع اسلامی و نیز مردم‌داری حاکمان اسلامی می‌دانست:

– علمای بیدار اسلام، دنبال این امر را گرفته و کوشش کرده اند به اینکه مسلمین را در تحت لوای اسلام به وحدت و یگانگی دعوت کنند.^۵

– آیا وقت آن نرسیده است که هواهای نفسانیه را کنار گذاشته و با

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۲۴۷.

۲. همان، ص ۲۰۲.

۳. همان، ص ۴۰.

۴. همان، ص ۴۷.

۵. همان، ص ۶۴.

یکدیگر دست مودت و اخوت داده و دشمنان بشریت را از صحنه

خارج و به حیات ننگین ستم‌بارشان خاتمه دهند؟^۱

– اگر خوش‌رفتاری کردید و جهات اسلامی را مراعات کردید

[حکام اسلامی]، این ملت‌ها همراه شما هستند، آن وقت

آسیب‌ناپذیر هستید.^۲

– دولت‌های اسلامی و منطقه نیز اگر مثل دولت ایران با ملت رفتار

کنند و خود در کنار ملت باشند.^۳

حضرت امام علیه السلام با طرح این سؤال که امروز چاره کار مسلمانان

چیست و برای شکستن بت‌های استکبار چه تکلیفی متوجه مسلمانان

جهان و مستضعفان است، پاسخ را تنها در وحدت مسلمانان می‌دانست.

ایشان همواره تجربه ملت بزرگ ایران را یادآور می‌شدند و ملت‌های

مسلمان را به ایمان به خدا و الگوبرداری از ملت ایران دعوت می‌کردند.

«ما به واسطه قدرت ایمان و وحدت کلمه بر قوای طاغوتی غلبه کردیم

و من امیدوارم که همه ملت‌های اسلامی بپاییزند».^۴

مقام معظم رهبری نیز با طرح تئوری اتحاد اسلامی و پرهیز از

تفرقه، مسلمانان را به گوش جان سپردن به طنین ندای توحید

فرامی‌خواند که هر ساله در جهان اسلام به صدا درمی‌آید. «طنین

ندای توحید و وحدت را که همه ساله از آن حنجره ابراهیمی

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۷۷.

۲. همان، ص ۱۱۸.

۳. همان، ص ۱۲۸.

۴. همان، ص ۱۸.

برمی‌آمد». ^۱ ایشان با اشاره به دست‌های پشت‌پرده خیانتکاران و استکبار جهانی، سعی در آگاه کردن جهان اسلام داشته و وحدت را سم‌کشنده‌ای برای ستمکاران جهانی می‌داند: «دشمنان» در ایجاد نفاق و نثار میان شیعه و سنی سعی بلیغ می‌کنند. ما از آغاز اصرار بر وحدت فرق مسلمین داشته و کوشیده‌ایم این فتنه‌گری را خنثا کنیم». ^۲

مقام معظم رهبری در خصوص جایگاه حج در وحدت‌بخشی میان مسلمانان می‌فرماید: «میعادی همگانی، هر سال تشکیل می‌شود تا مسلمان، در آن محیط وحدت و تفاهم و در پرتوی ذکر الهی، راه و جهت زندگی را بیاموزد». ^۳ ایشان در خصوص یک‌پارچگی میان مسلمانان و اجتناب از تفرقه می‌فرمایند:

مطلب بعدی در باب اتحاد و یگانگی مسلمین این است که مضمون برجسته دیگری از مناسک حج است. از آغاز ورود استعمار اروپایی به کشورهای اسلامی، یکی از سیاست‌های قطعی استعمارگران، ایجاد تفرقه میان مسلمین بوده است. ^۴

چرا که:

دشمن می‌خواهد فرق مختلف مسلمان را با هم دچار اختلاف و تفرقه کند. نیت دشمن این است که نیروهای فرق مسلمان صرف معارضه درونی بین خودشان شود. به خواسته دشمن، ناپایدن در داد. ^۵

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۲۳.

۲. همان، ص ۷۷.

۳. همان، ص ۱۱۸.

۴. همان، ج ۲، ص ۱۲۰.

۵. همان، ص ۲۰۲.

از نگاه ایشان:

ملت‌ها به هر نحو که می‌توانند، نسبت به مصالح دنیای اسلام دلبستگی نشان دهند و ضمن تأکید بر وحدت بین خود، به اظهار برائت از دشمنان دنیای اسلام پردازند. این کمترین کاری است که می‌شود در حجی که اسلام معین کرده است، انجام داد و متوقع بود.^۱

رویکرد رهبر معظم انقلاب به مسئله حج تنها سیاسی نیست؛ چنان که می‌فرماید: «اعمال حج عبارت‌اند از: قضیه برائت، مسئله وحدت اسلامی، مسئله اشاره به افکار عالی اسلامی و تبلیغ و توجیه آن، است».^۲

جمع‌بندی

بر اساس مستندات موجود و آنچه در این فصل آمده است، از نگاه امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری، وحدت میان مسلمانان جزء توصیه‌ها و تاکتیک‌هایی است که آن دو بزرگوار بر آن تمرکز عمیق و عملی داشته‌اند.

با دقت در ژرفای بیانات مقام معظم رهبری و حضرت امام خمینی علیه السلام متوجه می‌شویم که تأکیدات ایشان بر وحدت و یک‌پارچگی میان مسلمانان از نوع پیام‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی نیست. بلکه نوعی تأکید اعتقادی و فلسفی است؛ چراکه به اعتقاد ایشان، وحدت، به خودی خود، موجد پیشرفت، سرافرازی و دشمن‌ستیزی است و از حیث تاکتیکی،

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۱۳۲.

۲. همان، ص ۱۷۲.

نوعی دفاع منسجم در مقابل دشمنان است.

به طور کلی حضرت امام علیه السلام در خصوص وحدت و یکپارچگی مسلمانان بر عواملی از جمله وحدت کلمه، ایمان، بستن پیمان اتحاد و اتفاق، پرهیز از تفرقه و درگیری، پیوند در مواقف الهی و پرخاش به دشمن، شرکت در شادی و غم مسلمانان، اتحاد مسلمانان بدون توجه به مرزها، و تلاش برای وحدت و دوری از تفرقه عرب و عجم تأکید داشتند.

مقام معظم رهبری نیز بر وحدت میان همه کشورهای اسلامی تأکید داشته و ایجاد تفرقه میان مسلمانان، از سوی دشمنان و نفاق و ستیز میان شیعه و سنی را تاکتیک دشمن می‌دانند. به اعتقاد ایشان، شوکت اسلام، در سایه وحدت تحقق پذیر است. به باور مقام معظم رهبری، حج محیطی بسیار مناسب برای وحدت، احساس عظمت و قدرت، تفاهم و اظهار برائت و مجمعی برای متحد کردن آرا و دل‌هاست.

مقام معظم رهبری، همانند حضرت امام علیه السلام شرکت در نمازهای جماعت با برادران اهل تسنن را به حجاج ایرانی و شیعه توصیه می‌کند؛ چراکه این مسئله باعث شکل‌گیری وحدت است. از نظر ایشان، استکبار، عامل تفرقه بین قومیت‌ها، ملت‌ها و مذاهب‌هاست. بنابراین مسلمانان باید با هوشمندی و درایت، دست برادری با هم داده و در مقابل گسست و جدایی بایستند. از دیدگاه ایشان، پیام بزرگ انقلاب اسلامی همانا وحدت بین مسلمانان است.

فصل چهارم: گنگرو ج و بیداری اسلامی

بررسی موضوع

بیداری در لغت، در نقطه مقابل خواب و به معنای فعال شدن هوش و آگاهی به کار می‌رود. انسان در هنگام بیداری، متوجه وقایع اطراف خود گشته و به آنها حساسیت و واکنش نشان می‌دهد. انتظار آن است که انسان بیدار و آگاه، درباره رویدادهای پیرامون اعتنا کند و تا جایی که به سرنوشت انسانی او و دیگران مربوط است، مسئولیت‌پذیر باشد.

در برخی از جوامع، آموزش‌هایی در خصوص آگاهی و شعور جمعی به افراد جامعه، در رابطه با امور انسانی و اخلاقی، داده می‌شود و بنابراین نهادها در پی آگاهی‌رسانی به افراد بر می‌آیند. آنچه در اینجا قابل ذکر است، این است که مکتب‌های مختلف، اهداف مختلفی را برای آگاهی‌رسانی به افراد در نظر دارند. در مکتب مارکسیسم و بر اساس اندیشه کارل مارکس، زمانی که کارگران یا پرولتاریا به آگاهی طبقاتی دست یابند، می‌توانند در مقابل طبقه صاحب ابزار تولید، صف‌آرایی کرده

و طی یک انقلاب، آنها را سرنگون ساخته و عدالت کمونیستی را حاکم کنند.

در رویکرد مارکسیستی، طبقات بر اساس مالکیت سرمایه تعریف می‌شوند. این روابط مالکیت، به نوبه خود به پیدایش طبقات گوناگون اجتماعی می‌انجامند.^۱

کسانی که دارای سرمایه‌اند، استثمارگر به شمار می‌آیند، و آن عده که فاقد سرمایه‌اند، در زمره استثمارشدگان می‌باشند؛ ولی طبقه بهره‌ده تا قبل از آنکه اعضایش به استثماری که متحمل می‌شوند، وقوف یابند، هیچ‌گونه نقش سیاسی خاصی ندارند. در مدل مارکس، طبقات تا زمانی که در برخوردهای سیاسی همچون گروه‌هایی متشکل شرکت نکنند، طبقه‌ای را تشکیل نمی‌دهند. بنابراین اگر این طبقه، از موقعیت خود آگاه شوند، شروع به تدوین اهداف مشترک می‌کنند؛ زیرا آنها در این روند، به صورت توده پراکنده در سراسر کشور به کار مشغول هستند. آنها به تدریج در کارخانه‌ها دور هم جمع می‌شوند و این وخامت اوضاع را به گوش همه می‌رسانند؛ بدین ترتیب، تشکیل اتحادیه می‌دهند و مبارزه با بورژوازی را شروع می‌کنند. همین امر، موقعیت‌های انقلابی را برای کارگران تقویت می‌کند و طبقه حاکم، احساس خطر می‌کند و قدرت دولتی، به شیوه سرکوب‌گرانه، وارد میدان می‌شود. کم‌کم انقلابیان تعدادشان زیاد می‌شود، اما از میان آنها تنها طبقه پرولتاریا (کارگر) است

۱. رک: زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، لوئیس کوزر، ترجمه محسن ثلاثی، ص ۸۱.

که طبقه واقعاً انقلابی می‌ماند و دستیابی به موفقیت انقلابی نیز در گروی دخیل بودن توده آگاه از مسئله تغییر و تحول است.

اما در مکتب اسلام، بیداری معنا و مضمون دیگری دارد. از این نظر، بیداری اسلامی^۱ به مفهوم ظهور مکتب اسلام ناب و پاک در انسان و جامعه است. بر این اساس، حیات برین، از دین به دست می‌آید و تنها از دین، دریافت شدنی است؛ زیرا خداوند به انسان و جهان حیات بخشیده است و پیامبرش ما را به آنچه زنده می‌کند، فرا می‌خواند. بنابراین، بیداری اسلامی به مفهوم زنده‌شدن دوباره در پرتوی اسلام اصیل است؛ به بیان دیگر، در معنای تجدید حیات اسلام به کار می‌رود که در پناه آن، استقلال، عدالت و تمامی آموزه‌ها و ارزش‌های متعالی، بار دیگر زنده می‌شود.

احیاگری اسلامی نوعی اصلاح‌گری دینی است؛ البته نه آن اصلاح دینی که در غرب رخ داده است؛ زیرا در اصلاح دینی به معنای غربی، دین به گونه‌ای دستخوش تغییر و تبدیل قرار می‌گیرد که دیگر جامعه، دینی نمی‌شود؛ بلکه دین با زمانه پیش می‌رود. در نتیجه، دین از عرصه حیات اجتماعی خارج می‌شود. ولی بیداری و احیاگری اسلامی، زنده داشتن انسان و حیات اجتماعی، بر مبنای دین و به شیوه دینی است؛ به همین دلیل، غبار از سیمای دین زدوده و صورت و سیرت دین آشکار می‌شود که در نتیجه این اقدام، دین به عرصه حیات آدمی باز می‌گردد.

1. Islamic Awakening.

به بیان دیگر، بیداری اسلامی مهجوریت زدایی از دین یا بازپیرایی و اخوانی گزاره‌ها و آموزه‌های اسلامی از اجمال و ابهاماتی است که بر سیمای دین نشسته است. از این رو، می‌توان گفت اگر خواب، برادر مرگ است، بیداری دست در آغوش زندگی دارد.^۱

از دیدگاهی دیگر بیداری اسلامی، به جنبش‌ها، خیزش‌ها و حرکت‌های مسلمانان جهان اطلاق می‌شود که در جهت خواسته‌ها و مطالبات اسلامی ملت‌ها و با هدف مقاومت و مبارزه در برابر ستم حاکمان داخلی و خارجی صورت می‌پذیرد. برخلاف تصور عمومی، بیداری اسلامی با خیزش کشورهای عربی شروع نشده است؛ بلکه انقلاب‌های کشورهای عربی، تنها بخشی از این حرکت و نظریه‌های بخش جهانی محسوب می‌شود.

بیداری اسلامی، حرکتی است که سرمنشأ آن به جنبش‌های پراکنده ضد استعماری برمی‌گردد؛ اگرچه استعمار، پیشینه‌ای طولانی دارد و آن را به چهار دوره تقسیم می‌کنند، اما تاریخ مفهوم جدید آن، از قرن‌های شانزدهم و هفدهم آغاز می‌شود؛ یعنی زمانی که امپراتوری اسپانیا در آمریکای مرکزی و جنوبی، در اوایل سده شانزدهم وسعت گرفت و دولت پرتغال که برزیل را تصرف کرده بود، به کرانه غربی چشم دوخت. از این زمان فرانسه، انگلستان و هلند هم به پیروی از اسپانیا و پرتغال وارد میدان شدند و در آمریکای

۱. ر.ک: فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، «انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی (تأثیرگذاری و نمونه)»، مرتضی شیرودی، ش ۱۶، ص ۷۴.

شمالی، جزایر هند غربی، کرانه های آفریقا و آسیا، چندین مستعمره برای خود فراهم کردند.

در این دوره، انگیزه های استعمار، بیشتر دست یافتن به منابع تازه یا گسترش داد و ستد بازرگانی بود؛ بنابراین حادثه جویی و فشار مذهبی و سیاسی هم در مهاجرت اروپاییان و تشکیل مستعمره ها کاملاً مشهود بود.

پس از به وقوع پیوستن انقلاب صنعتی، کار بهره کشی از منابع مستعمره ها بیش از پیش بالا گرفت و این سرزمین ها به منابع مادی خام برای صنایع کشورهای صنعتی و بازار فرآورده های آنها تبدیل شدند.

دوره انقلاب های اروپایی، با موج آزادی خواهی مستعمره ها، همراه شد. ایالات متحده آمریکا (مستعمره پیشین انگلستان در آمریکای شمالی) در این راه پیشگام شد و به دنبال آن، انقلاب ها و نهضت های آزادی خواه در آمریکای مرکزی و جنوبی - که استعمار اسپانیا و پرتغال آنها را ویرانه کرده بود، در گرفت.

در ربع آخر قرن نوزدهم، بر اثر رشد صنعت و سرمایه داری، بار دیگر رقابت ها و مبارزه های بین المللی استعماری، اوج گرفت و در نتیجه، دامنه نفوذ فرانسه به شمال آفریقا کشیده شد و این دولت، قسمت های بزرگی از آفریقای شمالی را زیر سلطه و نظارت خود درآورد. پیدایش نهضت های ملی در آسیا و آفریقا، به ویژه پس از جنگ جهانی دوم، به سروری استعماری اروپا بر بسیاری از سرزمین های این دو قاره پایان داد و امروز، جز چند منطقه کوچک در این دو قاره، مستعمره ای به معنای

قدیم آن وجود ندارد.^۱

امروزه، گروه‌های اسلامی، از فعال‌ترین جریان‌های سیاسی جهان به‌شمار می‌روند. این گروه‌ها معتقدند جهان و جهانی شدن، ارتباط تنگاتنگی با مذهب دارد. از این‌رو، اهمیت و نفوذ فزاینده اندیشه‌ها و نهادهای مذهبی، آشکارا در سراسر جهان دیده می‌شود؛ به‌گونه‌ای که سال ۱۹۹۲م. را سال بیداری اسلامی خوانده‌اند. در حالی که در ۱۹۶۴م. غربی‌ها و شرقی‌ها، اعتقاد داشتند اسلام در برابر تجددگرایی یا مدرنیسم، کاملاً بی‌دفاع است.

همچنین در سال ۱۹۷۹م. دولت آمریکا بیداری اسلامی را از عوامل نابودی جهان خواند و فعالان مسلمان، به‌عنوان رزمندگان شرکت‌کننده در جنگی معرفی شدند که به اعتقاد سایروس ونس، وزیر خارجه وقت آمریکا، در صورت وقوع، احتمالاً می‌تواند منافع آمریکا را به‌شدت به خطر اندازد. وی از این جنگ، با عنوان جنگ اسلام و غرب نام می‌برد. رهبران اتحاد جماهیر شوروی سابق نیز هیچ‌گاه ترس خویش را از بیداری اسلامی و خطرات آن برای کشورشان کتمان نکردند. کارشناسان غرب و شرق، این همه سخن گفتن از بیداری اسلامی را ناشی از وقوع و استمرار پدیده انقلاب اسلامی می‌دانند.^۲

اما به راستی هدف نهضت بیداری اسلامی چیست که این‌گونه

۱. ر.ک: دانشنامه سیاسی، داریوش آشوری، ص ۲۹.

۲. ر.ک: فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، «انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی (تأثیرگذاری و نمونه‌ها)»، مرتضی شیرودی، ش ۱۶، ص ۷۳.

جهانیان را به تکاپو انداخته است؟ هدف نهضت بیداری اسلامی، تشکیل یک تمدن محمدی ﷺ جهانی است که در آن، عقلانیت با معنویت، قدرت با اخلاق، دانش با ارزش و علم با عمل جمع شود.

آرنولد توین بی، تاریخ نگار معروف انگلیسی، در کتاب تمدن در بوتّه آزمایش، در بررسی تمدن ها، جمله بسیار مهم و تاریخی زیر را بیان داشت:

پان اسلامیز خوانیده است، اما اگر مستضعفین جهان برضد سلطه غرب شورش کنند و تحت یک رهبری قرار گیرند، این خفته، بیدار خواهد شد و بانگ این شورش ممکن است در برانگیختن روح نظامی اسلام مؤثر افتد و اسلام بار دیگر برای ایفای نقش تاریخی خود قیام کند.

پیش بینی توین بی در سال ۱۹۷۹م. با انقلاب اسلامی ایران همراه شد؛ انقلابی که با بازگشت به این ارزش های اسلامی در مقابل قدرت های بزرگ و ابرقدرت ها، نه تنها توانست نقطه عطفی در تاریخ تحولات ایران، بلکه نقطه عطفی در جهان اسلام و بلکه در کل تاریخ بشری به شمار آید.

با این حرکت، ما شاهد حرکت های اسلامی در لبنان، فلسطین، افغانستان، ترکیه، الجزایر و دیگر کشورهای اسلامی هستیم. بنابراین باید گفت، اگر آمریکا امروز به فکر تداوم اشغال عراق است، هدفش ضربه زدن به بیداری و آگاهی اسلامی است؛ ولی مسلمان ها بیدار شده اند و برپایه سه اصل مهم، کار بزرگ خویش را آغاز کرده اند: یکی بازگشت

به اسلام ناب که در صدر اسلام توانست بر قدرت های بزرگ غلبه یابد، دوم، وحدت جهان اسلام است که امپریالیسم و استعمار، سالیان دراز کوشید با تکیه بر اصولی همچون «تفرقه بینداز و حکومت کن»، میان فرقه های مختلف اسلامی فاصله بیشتری بیندازد؛ و سوم، استکبارستیزی و مقابله با کفر، الحاد و طاغوتیان زمان است. این حرکت به یقین به پیروزی اسلام و شکست استکبار ختم خواهد شد.^۱

بیداری اسلامی، به این دلیل، از اهمیت بسیاری برخوردار است که مسلمانان، سال هاست به سبب نفوذ قدرت های استعمارگر، از زندگی و حیات اسلامی همه جانبه خود محروم شده اند^۲ و در هر برهه از تاریخ، بخشی از شخصیت اسلامی و مسلمانی خویش را گم کرده اند.

بیداری اسلامی که اکنون آشکارا سراسر ملت های اسلامی، به ویژه کشورهای عربی را تحت تأثیر قرار داده^۳ و شیفته جاذبه خود ساخته است، نشان گویایی از زنده بودن و نشاط اسلام است؛ دینی آسمانی که تمدن مادی غرب، قرن ها پیش، مرگ آن را اعلام داشته و اثرات آن را فقط در حاشیه زندگی مسلمانان یا در لابه لای صفحات تاریخ، جست و جو می کرد.^۴ بر همین اساس است که حضرت امام علیه السلام همواره مسلمانان جهان را به مبارزه و تلاش برای عزت بخشی به اسلام و

۱. ر.ک: فرهنگ و تمدن اسلامی، علی اکبر ولایتی، ص ۲۰۸.

۲. برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در خرداد ۱۳۷۲.

۳. برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در اسفند ۱۳۸۰.

۴. ر.ک: فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، «نظریه بیداری اسلامی براساس اندیشه های سیاسی

مقام معظم رهبری»، موسی نجفی، ش ۲۸، ص ۱۲.

مسلمانان تشویق و دعوت می‌کرد. تمامی سعی و کوشش امام خمینی علیه السلام، از زمان شروع مبارزات خود تا به ثمر نشستن انقلاب اسلامی و دوران پس از انقلاب، این بود که پایه‌های تئوریک و روش‌های عملی سعادت‌بخش بیداری و آگاهی مسلمانان را تشریح کند. امام علیه السلام در این راه همواره موانع را گوشزد می‌نمود.

امام علیه السلام همواره اصول بیدارکننده‌ای را تذکر می‌داد که عبارت‌اند از: تحریف اسلام و وارونه جلوه دادن مفاهیم دینی از سوی تبلیغات دشمنان، انحراف حاکمان کشورهای اسلامی، تفرقه و جدایی مسلمانان که توانایی قدرت اول جهان را دارند، تحجر و جمود فکری مقدس‌نماها، روشنفکرانها و آخوندهای درباری وابسته به قدرت‌ها، و دنیاطلبی و توجه به زیبایی‌های دنیا. امام خمینی علیه السلام با هشدار به مسلمانان جهان، نسبت به پرهیز از این موانع، بشارت‌دهنده پیروزی اسلام بودند.

بیداری اسلامی در کلام حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری

شاید بتوان گفت بیداری اسلامی، یکی از کلیدواژه‌های پراهمیت و اصیل در اندیشه امام خمینی علیه السلام و یکی از اصول زیربنایی شکل‌گیری انقلاب اسلامی بوده است. آگاهی و بیداری امت اسلامی و رهایی از چنگال استبداد و استعمار، دل‌مشغولی اساسی بنیان‌گذار انقلاب اسلامی بوده است. امام خمینی علیه السلام چنان برای بیداری اسلامی و خیزش امت اسلامی اهمیت و جایگاه قائل بودند که روز بیداری اسلامی را روز عید امت اسلامی می‌دانست:

– عید سعید و مبارک در حقیقت، آن روزی است که با بیداری مسلمین و تعهد علمای اسلام، تمام مسلمانان جهان از تحت سلطه ستمکاران و جهان‌خواران بیرون آیند.^۱

– آن روز (بیداری اسلامی و رهایی مسلمانان) مبارک است برای اسلام و ملت‌های اسلامی که دست ستمگران و خون‌آشامان از کشورهای اسلامی کوتاه شود.^۲

رویکرد امام خمینی علیه السلام در خصوص بیداری اسلامی، رویکردی هشداردهنده و آگاهی‌رساننده است. بیانات حضرت امام علیه السلام، قوت قلب دادن به مسلمانان، تشویق و هوشیار کردن آنان از نیروهای پنهان است: اکنون نیز مسلمین به غفلت خود و عمال استعمار به تبلیغات خود و ابرقدرتها به سلطه و چپاول خود ادامه می‌دهند؛ و آخوندهای مزدور و درباری به عقب‌نگه داشتن مسلمانان و جهالت و غفلت آنان دامن می‌زنند.^۳

به اعتقاد امام خمینی علیه السلام، تا هنگامی که سه عنصر ذکرشده، یعنی غفلت مسلمانان، تبلیغات ابرقدرت‌ها و آخوندهای درباری وجود دارند، امیدی به رهایی نیست. بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی، لحظه‌ای از تلاش در جهت بیداری و حمایت از مسلمانان جهان دست نکشیدند و همواره به این رهایی امیدوار بودند. ایشان در یکی از بیاناتشان می‌فرمایند:

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۳۳.

۲. همان، ص ۵۲.

۳. همان، ص ۱۲۳.

روشن فکران اسلامی، همگی با علم و آگاهی، باید راه پر فراز و نشیب دگرگون کردن جهان سرمایه‌داری و کمونیسم را بیمایند و تمام آزادی‌خواهان باید با روشن‌بینی و روشنگری، راه سیلی زدن بر گونه ابرقدرت‌ها، خصوصاً آمریکا را بر مردم سیلی خورده کشورهای مظلوم اسلامی و جهان سوم ترسیم کنند.^۱

همان‌گونه که مشخص است، نگاه حضرت امام علیه السلام به هیچ وجه نگاه سازشگر و مصالحه‌پذیرانه نیست؛ چراکه حقوق مسلمانان را پایمال شده می‌بینند:

مسلمین باید بیدار بشوند، این یک میلیارد مسلم باید بیدار بشوند و کلک این دو تا قدرت بزرگ و دیگر قدرت‌ها را که در این مناطق مشغول فساد هستند، کلک اینها را بکنند.^۲

امیدواری و توجه حضرت امام علیه السلام به وعده الهی در این بیان ایشان روشن است:

اسلام ابرقدرت‌ها را به خاک مذلت می‌نشانند، اسلام موانع بزرگ داخل و خارج محدوده خود را یکی پس از دیگری برطرف و سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد.^۳

ایشان در فرازی از سخنان خویش خطاب به حجاج می‌فرمایند:

ای حجاج محترم خانه خدا به خود آبیید و ای مسلمانان، در همه بلاد و اقطار عالم، پیاخیزید و ای علمای اعلام جهان اسلام، به داد اسلام و

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۲۰۷.

۲. همان، ص ۱۱۴.

۳. همان، ص ۲۰۸.

بلاد مسلمین و مسلمانان برسید و در هر گوشه و کنار، همچون ملت ایران و دولت آن و علما و بزرگان این سامان، دست رد به سینه ستمکاران غرب و شرق زنید و عمال و کارشناسان دروغین و مستشاران نفت‌خوار آنان را از بلاد خود بیرون بریزید و همچون سلحشوران ایران، شهادت را بر ذلت و شرف اسلام و انسانی را بر رفاه و عیش چند روزه توأم با خواری و شرمساری ترجیح داده، و در میدان نبرد سیاسی و نظامی، بر آنان چیره شوید و از هیاهوی تبلیغاتی آنان باک نداشته باشید که خداوند تعالی با شماست.^۱

دیدگاه مقام معظم رهبری در مورد بیداری اسلامی، به دیدگاه امام خمینی علیه السلام بسیار نزدیک است؛ چراکه بنیان تفکر هر دو بزرگوار، ریشه در مبانی رهایی‌بخش اسلام دارد؛ اگرچه مقتضیات هر دوره متفاوت است و در پی آن تاکتیک‌ها، رهنمودها و هدایت‌ها نیز متفاوت است، ولی اصل پنداشت در مورد بیداری اسلامی، در هر دو تفکر، یکسان و بسیار به هم نزدیک است.

مقام معظم رهبری با اشاره به اینکه هم‌اکنون تعالیم الهی اسلام فراگیر شده و ملت‌ها به ندای اسلام گوش جان سپرده‌اند، اعتقاد دارند که روزه‌روز این حرکت، رو به پیشرفت و در حال ترقی است. ایشان کوشش‌های حضرت امام علیه السلام را بسیار مفید می‌دانند:

– جا دارد که حجاج بیت‌الله از هر کشور و ملت، طنین ندای توحید و وحدت را که همه ساله از آن حنجره ابراهیمی برمی‌آید و فضای

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۶۹.

خانه خدا و سپس فضای جهان اسلام را پُر می‌کرد و بت‌های قدرت و مکتب را به لرزه در می‌آورد، به گوش جان بشنوند و به دعوت او که حرف دل میلیون‌ها مسلمان تحقیر شده و ستم‌زده به وسیله حکام وابسته و مستکبر بود، پاسخ گویند.^۱

– این اسلام آمریکایی است که مردم را به دوری از سیاست و فهم و بحث و عمل سیاسی می‌خواند؛ ولی اسلام ناب محمدی، سیاست را بخشی از دین و غیر قابل جدایی از آن می‌داند و همه مسلمین را به درک و عمل سیاسی دعوت می‌کند؛ و این چیزی است که ملت‌های مسلمان باید همواره از امام فقید خود و زبان گویای اسلام به یاد داشته باشند.^۲

– امروز ملت‌های مسلمان بیدار شده و رو به حاکمیت اسلام پیش می‌روند. امروز شعارهای اسلامی، که تا چندی پیش فقط از حنجره ملت پیشرو و پیشاهنگ ما (ایران) خارج می‌شد، در میان دیگر ملت‌های مسلمان نیز گسترش و جذابیت یافته و از شرق تا غرب، در همه جای جهان اسلام، احساس هویت اسلامی را به ملت‌ها برگردانده است.^۳

مقام معظم رهبری، بیداری را در جوشش ملت‌های اسلامی می‌بیند و بسیار به آن امیدوار است: «امروز حماسه اسلام در شمال آفریقا و در برخی کشورهای دیگر اسلامی، در حال دگرگون‌سازی وضعیت سیاسی

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۲۳.

۲. همان.

۳. همان، ص ۴۴.

این مناطق است»^۱.

ایشان در بیانات خویش، بیداری اسلامی را نوید می‌دهد و می‌فرمایند:

جبهه کفر و استکبار بدانند، که آینده متعلق به اسلام است و هیچ تدبیری و هیچ قدرتی نخواهد توانست از اقتدار روزافزون اسلام و رواج روزافزون شعارها و ارزش‌های اسلامی در جوامع مسلمین، جلوگیری کند.^۲

توجه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) به بحث بیداری اسلامی و تأکید ویژه ایشان بر توانایی و قدرت مسلمانان و همچنین ضعف و زبونی دشمن، نشان از دیدگاه مثبت ایشان به خیزش و جنبش مسلمانان دارد. ایشان همواره بر هوشیاری مسلمانان تأکید می‌فرمایند و به امت اسلام تذکر می‌دهند که دشمن در کمین و منتظر فرصت است:

[آمریکا] درصدد است که سراسر جهان و به خصوص مناطق زرخیز اسلامی را به منطقه نفوذ بی‌رقیب خود مبدل سازد و پس از فراغت از - به اصطلاح - جنگ سرد، به جنگ همه‌جانبه با بیداری اسلامی - که مانع مستحکمی در راه این نفوذ است - کمر بسته است.^۳

از نگاه مقام معظم رهبری، نقطه امید و روشن امت اسلامی، چیزی جز مؤمنان هوشیار و تعالیم والای اسلامی نیست:

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۴۵.

۲. همان.

۳. همان، ص ۷۸.

امروز به جز اسلام و انسان‌های مؤمن و مصمم، هیچ نقطه امید دیگری برای مقابله با این تهدید بزرگ نیست و خدا را سپاس که امروز، خورشید منور اسلام حیات‌بخش، دوباره بر دل و جان انسان‌ها تابیدن گرفته و بسیاری ملت‌های مسلمان، در راه تحقق بخشیدن اسلام در زندگی خود، با عوامل دوری مردم از دین خدا، مبارزه را آغاز کرده‌اند. این حرکتی فرخنده و امیدبخش است و به توفیق الهی همین است که زنجیر سلطه شیطانی آمریکا و هر قدرت طغیانگر دیگر را خواهد گشود و همه را نجات خواهد داد.^۱

در همین جهت، یکی از دغدغه‌های حضرت امام علیه السلام، انگیزه دادن به سایر مسلمانان برای حرکت در راهی است که جمهوری اسلامی در آن قدم گذاشت. تلاش امام علیه السلام برای همراه کردن جوامع و امت‌های اسلامی، با طنین بت‌شکناهی ملت ایران بود. ایشان همواره به ملت‌های اسلامی توصیه می‌کرد که هرچه زودتر به ملت ایران بپیوندند و دست حکام دست‌نشانده، ابرقدرت‌های زورگو و مستکبران را از سرنوشت خود کوتاه کنند و حکومت عدل و داد را به پا دارند. ایشان در فرازی از سخنانشان فرمودند:

— امید آن است، که دیگر برادران مسلمان گرفتار در چنگال خونخواران و ستمکاران، از این انقلاب اسلامی بهره‌برداری کنند و دولت‌های اسلامی با پشتیبانی ملت‌های خود به انقلاب بزرگ ایران بپیوندند.^۲

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۷۸.

۲. همان، ص ۷۴.

– ما از برادران اسلامی خود در مشارق و مغارب ارض می‌خواهیم که با جمهوری اسلامی ایران هم‌صدا و هم‌جهت شده و با یاری خداوند متعال شر جنایت‌کاران را دفع و بساط چپاولگری را از کشورهای اسلامی و بلاد مستضعفین برچینند و به ندای خداوند متعال در این امر حیاتی پاسخ مثبت دهند.^۱

به عقیده امام خمینی علیه السلام هر دولتی که بخواهد شیرینی حمایت ملت خود را بچشد، باید با انقلاب ایران هم‌صدا شده و از آن الگو بگیرد: امید آن است که دولت‌های اسلامی...، با ما هم‌صدا و همفکر شوند؛ و هر یک در کشورهای خود شیرینی حمایت بی‌دریغ ملت‌ها را بچشند، و همچون دولت مردمی ایران از این نعمت بزرگ الهی بهره‌مند شوند؛ و به حکم قرآن مجید با ملت‌ها و دولت‌های اسلامی به رحمت و اخوت، و با کفار و غارتگران بین‌المللی به شدت و قدرت عمل کنند.^۲

در نظر مقام معظم رهبری نیز هم‌نوایی با انقلاب اسلامی ایران و تکیه بر جوانان و هوشیاری جوامع مسلمان، راز شکست دشمن و کوتاه کردن دست استثمارگران است. در نگاه مقام معظم رهبری، اسلام صاحب قدرتی است که می‌تواند مسلمانان را به شکوه و پیشرفت برساند؛ به شرطی که مسلمانان بتوانند به شناخت درستی از آموزه‌های اسلامی برسند:

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۷۷.

۲. همان، ج ۱، ص ۸۲.

– اسلام قادر است که مسلمانان و همه انسانیت را نجات دهد، مشروط بر آنکه درست شناخته و سپس درست به آن عمل شود. نظام اسلامی در ایران به فضل الهی مظهر اقتدار و توانایی‌های اسلام و تجربه مجسم برای مسلمانان است. و این در حالی است، که از عُمر سیزده ساله آن، هشت سالش در جنگی که با برنامه‌ریزی و کینه‌توزی استکبار شرق و غرب بر آن تحمیل شده بود، گذشت و پیش از آن و بعد از آن تا امروز هم بی‌وقفه آماج دشمنی‌ها و خیانت‌های اردوگاه‌های دشمن قرار داشته است.^۱

– یکی از مزده‌بخش‌ترین حوادث جهان اسلام است که ملتی با جوان هایش، با روشن‌فکرهایش، با مردم کوچه و بازارش، داعیه اجرای احکام اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی داشته و در راه آن حرکت کند. از طلوع انقلاب اسلامی در ایران و تشکیل جمهوری اسلامی، این انتظار و امید برای دوستان، و این هراس و نگرانی شدید برای اردوگاه استکبار و در رأس آن آمریکا وجود داشت که انقلاب اسلامی ایران، طلیعه پیروزی‌های مسلمانان در سایر نقاط جهان اسلام خواهد بود.^۲

از دیگر مسائلی که امام خمینی علیه السلام بر آن تأکید می‌کرد، بیداری امت اسلامی، کوشش، پشتکار و داشتن اراده آهنین برای کوبیدن و زمین‌گیر کردن دشمن و به دست گرفتن سرنوشت خویشتن است. امام بزرگوار،

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۰۶.

۲. همان، ج ۲، ص ۷۰.

بسیار نگران نفوذ غرب و شرق و فرهنگ پست آنها بر فرهنگ قرآنی بود و در این راه، مسلمانان را به تحرک و مبارزه علیه استعمارگران تشویق می کرد:

– مسلمین بپاخیزند؛ برخیزند و در این معارضه پیروز شوند و پیروز خواهند شد؛ و از این طبل های میان تهی نترسند. نترسند که آمریکا یک قدرت بزرگ است، «یک قدرت شیطانی است و می تواند که با یک روز همه را به هم بزند!» اینها تبلیغات است؛ آمریکا نمی تواند این کار را بکند.^۱

– در مقابل مسلمین نمی تواند آمریکا خودنمایی کند. دنیا توجهش الآن به این مبارزه است. دنیا الآن توجه به این دارد که در این مبارزه چه خواهد شد. و خود مملکت آمریکا در آن اختلاف واقع شده است. سیاه های آمریکا که در تحت ظلم آمریکا بودند، الآن آنها هم موافقت با ما دارند. و ممکن است آنها هم قیام بکنند. باید مسلمین در یک همچو موقع حساسی که ما مقابل ایستادیم، در مقابل آمریکا و در مقابل دسایس شیطانی او، با ما موافقت کنند. با ما همراهی کنند. ما و خود را از هم بدانند. مملکت ایران را با سایر ممالک، با پاکستان، با عراق، با اندونزی، با تمام این ممالک اسلامی یکی بدانند و همه قیام کنند.^۲

در همین جهت حضرت امام علیه السلام از حجاج بیت الله الحرام می خواهد:

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۴۱.

۲. همان، ص ۴۱.

از هر فرقه هستند و اهل هر مذهب می‌باشند برای بیداری مسلمانان و حکومت‌های آنان فریاد کنند و دعای بلیغ نمایند. شاید به برکت دعا در محیط وحی و محل کسر اصنام جاهلیت، خداوند تبارک و تعالی بر مسلمین تفضل کند و مجد و عظمت صدر اسلام را به آنان برگرداند و دست اجانب و جهان‌خواران را از بلاد آنان کوتاه فرماید و ابر رحمت و غفران خود را بر سر عموم مسلمین بباراند.^۱

حضرت امام علیه السلام همواره به مسلمانان قوت قلب داده و دشمن را در مقابل عظمت و آگاهی اسلامی ناتوان و زبون می‌خواندند:

– البته ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌الملل اسلامی مان بارها اعلام نموده‌ایم، که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهان‌خواران بوده و هستیم. حال اگر نوکران آمریکا، نام این سیاست را توسعه‌طلبی و تفکر تشکیل امپراتوری بزرگ می‌گذارند، از آن باکی نداریم و استقبال می‌کنیم. ما درصدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیسم، سرمایه‌داری و کمونیسم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته‌ایم، به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظام‌هایی را که بر این سه پایه استوار گردیده‌اند نابود کنیم.^۲

– مسلمانان تمامی کشورهای جهان، از آنجا که شما در سلطه بیگانگان گرفتار مرگ تدریجی شده‌اید، باید بر وحشت از مرگ

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۲۲.

۲. همان، ص ۲۴۵.

غلبه کنید؛ و از وجود جوانان پرشور و شهادت طلبی که حاضرند، خطوط جبهه کفر را بشکنند، استفاده نمایید. به فکر نگه داشتن وضع موجود نباشید؛ بلکه به فکر فرار از اسارت و رهایی از بردگی و یورش به دشمنان اسلام باشید، که عزت و حیات در سایه مبارزه است. و اولین گام در مبارزه اراده است. و پس از آن، تصمیم بر اینکه سیادت کفر و شرک جهانی، خصوصاً آمریکا را بر خود حرام کنید. ما در مکه باشیم یا نباشیم دل و روحمان با ابراهیم و در مکه است.^۱

مقام معظم رهبری نیز همانند حضرت امام علیه السلام، بر مقابله با دشمن و خنثا کردن نقشه های شوم استکبار جهانی تأکید می کنند. تلقی ایشان از جنگ کنونی، نوعی جنگ فرهنگی است که ابرقدرت ها برای به زانو در آوردن فرهنگ های دیگر جوامع پیش گرفتند و از سوی دیگر با غوغاگری در پی تبلیغات ضداسلامی هستند:

امروز، دشمن اسلام یعنی سردمداران استکبار و صهیونیسم، تفرقه افکنی میان مسلمین و غوغاگری در عرصه تبلیغات را، بر ضد هرکشور و دولت و جمعیتی که از بیداری اسلامی و حاکمیت قرآن دم زند و داعیه عزت مسلمین را داشته باشد، مهم ترین کار خود می داند. زیرا اگر بتواند، بخش های فعال و پرتحرک از امت اسلامی را از دیگر بخش های این امت جدا کند، مطمئن خواهد شد که در برابر خود، پیکر عظیم و یکپارچه امت را نخواهد دید،

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۲۵۵.

ونقشه‌های خباثت‌آلودش درباره امت اسلامی را، بی‌دردسر پیش خواهد برد.^۱

بنابراین جوامع اسلامی باید خود را از هر جهت برای مقابله با این حرکت دشمن آماده سازند. به بیان مقام معظم رهبری: «هر حرکت اسلامی باید خود را برای مقاومت همه زورمندان عالم آماده کند و غافل‌گیر نشود»^۲؛ زیرا دشمنان اسلام، از بیداری امت اسلام بسیار هراسانند؛ چراکه بیداری اسلامی برابر با برپایی عدالت جهانی و نابودی مستکبران است. به بیان ایشان:

استکبار جهانی، یعنی شبکه درهم‌تنیده کارتل‌های نفتی و اسلحه‌سازی و صهیونیسم جهانی و دولت‌های وابسته به آنان، با خطری که از سوی بیداری امت اسلامی احساس می‌کنند، با تلاشی سراسیمه در حال تهاجم‌اند.^۳

بنابراین، آنچه از بیانات مدیران مقام معظم رهبری برمی‌آید، این است که دشمن در حال تدارک انواع حمله‌هاست؛ حمله‌هایی موزیانه با هدف تضعیف اسلام و مسلمانان و چپاول منابع و داشته‌های آنان. پس امت اسلامی باید هوشیار و بیدار باشد و در فکر خنثاسازی نقشه‌های دشمن باشد.

از جمله مسائلی که امام خمینی رحمته‌الله و مقام معظم رهبری همواره از آنها

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۱۶۵.

۲. همان، ص ۷۲.

۳. همان، ص ۳۰۱.

با نام روح و مضمون حج یاد کرده و می‌کنند، برائت از مشرکان و زورگویان است. برائت، جزء فلسفه‌های عمیق و ریشه‌دار حج است که امام بزرگوار، آن را در حج زنده نمودند؛ فلسفه‌ای که پیش از آن در زمره اعمال بسیار معمولی حج به‌شمار می‌رفت.

برائت، از آن جهت اهمیت بسیار دارد که به مبحث بیداری اسلامی مرتبط است؛ زیرا ملتی از مشرکان، زورگویان و مستکبران برائت می‌جوید که نور تعالیم اسلام در قلب آن دمیده باشد و از چنان قوت قلبی برخوردار باشد که قدرت ابرقدرت‌های جهانی، در برابر توان معنوی و الهی آن، ناچیز باشد. امام علیه السلام همواره نگران تقویت اراده و توانمندی روحی و روانی امت اسلامی برای مهیا کردن آنان در راه مبارزه با ابرقدرت‌ها بود.

حضرت امام علیه السلام، موانعی را بر سر راه بیداری اسلامی می‌دید؛ از جمله حکومت‌های فاسد و دست‌نشانده، ابرقدرت‌های غاصب، کاهلی و سستی امت اسلامی و نیز آخوندهای درباری:

اسلام چه کند با این آخوندهایی که خودشان را به صورت یک روحانی درآوردند و در بین مردم پخش هستند؟ ما باید فکر کنیم برای این مسائل. مسلمان‌ها باید فکر کنند برای این مسائل و این اشخاصی که این طور در صدد شکستن وحدت مسلمین‌اند.^۱

امام بزرگوار راه چاره را در فریاد و مبارزه علیه این موانع می‌دانست:

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۴۹.

– فریاد برائت ما، فریاد ملت مظلوم و ستم‌دیده افغانستان است، ... فریاد برائت ما، فریاد مردم مسلمان آفریقا است، فریاد برادران و خواهران دینی ما که به جرم سیاه بودن، تازیانه ستم‌سیه‌روزان بی‌فرهنگِ نژادپرست را می‌خورند. فریاد برائت ما، فریاد برائت مردم لبنان و فلسطین و همه ملت‌ها و کشورهای دیگری است، که ابرقدرت‌های شرق و غرب، خصوصاً آمریکا و اسرائیل، به آنان چشم طمع دوخته‌اند و سرمایه آنان را به غارت برده‌اند و نوکران و سرسپردگان خود را به آنان تحمیل نموده‌اند.^۱

– فریاد برائت ما، فریاد برائت همه مردمانی است که دیگر تحمل تفرعن آمریکا و حضور سلطه‌طلبانه آن را از دست داده‌اند و نمی‌خواهند صدای خشم و نفرتشان برای ابد در گلوهایشان خاموش و افسرده بماند؛ و اراده کرده‌اند که آزاد زندگی کنند و آزاد بمیرند و فریادگر نسل‌ها باشند ... فریاد برائت ما، فریاد دفاع از مکتب و حیثیات و نوامیس، فریاد دفاع از منابع و ثروت‌ها و سرمایه‌ها، فریاد دردمندانه ملت‌هایی است که خنجر کفر و نفاق قلب آنان را دریده است ... فریاد برائت ما، فریاد فقر و تهیدستی گرسنگان و محرومان و پابرنه‌هایی است که حاصل عرق جبین و زحمات شبانه‌روزی آنان را زراندوزان و دزدان بین‌المللی به یغما برده‌اند و حریصانه از خون دل ملت‌های فقیر و کشاورزان و کارگران و زحمت‌کشان، به اسم سرمایه‌داری و سوسیالیسم و کمونیسم مکیده و شریان حیات اقتصاد

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۲۰۰.

جهان را به خود پیوند داده اند و مردم جهان را، از رسیدن به کمترین حقوق حقه خود محروم نموده‌اند.^۱

بدین گونه است که در نگاه امام علیه السلام، فریاد برائت، ستون اصلی بیداری اسلامی قرار می‌گیرد و بر این اساس، این مکتب را طراحی و ارائه می‌کند. ایشان در موسم حج از حجاج می‌خواهند:

در راه‌پیمایی‌ها، صدای مظلومیت مسلمانان و ملت‌های تحت سلطه ابرجنایت‌کاران را به گوش جهانیان برساند و خفتگان را بیدار و ساکنان در مقابل جباران را هشدار، و ناهیان از معروف و آمران به منکر را، که برخلاف فرمان خداوند و دستور قرآن مجید و سنت رسول‌الله صلی الله علیه و آله به طرف‌داری از مشرکان و خون‌خواران بین‌المللی جان‌فشانی و یقه‌درانی می‌کنند.^۲

سرانجام در نگاه امام علیه السلام، امید تمامی مسلمانان، تنها مقصود حقیقی است که در دعای آن بزرگوار به‌زیبایی تصویر می‌شود: «از خدای تبارک و تعالی می‌خواهم، که همه ما را بیدار کند، و همه مسلمین را بیدار کند، و توجه آنها را به مصالح اسلام و به مصالح مسلمین بیشتر بکند».^۳

مقام معظم رهبری با تأکید بر فلسفه برائت از مشرکان و ابرقدرت‌ها معتقد است:

– برائت، حقیقتاً از ارکان حج است؛ بالاتر از ارکان حج است؛ روح

حج است؛ معنا و هدف و جهت حج است. خطاست اگر کسی خیال

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۲۰۱.

۲. همان، ص ۱۶۴.

۳. همان، ص ۱۵۱.

کند که می‌شود هریک از ارکان و اعمال حج را با روح حج و جهت کلی آن مقایسه کرد. برائت، این است.^۱

– این برائت هم واقعاً یکی از برکات بزرگ حج است؛ اگر حج نبود، کجا می‌خواست برائتِ دسته‌جمعی مسلمین انجام بگیرد؟! من تعجب می‌کنم، کجا جای این بود که این آهنگِ برخاسته از دل‌های امت اسلامی که بالاخره وجود دارد – این غریوی که دل‌های مسلمین، انباشته از آن است – ظهور پیدا می‌کرد؟! غیر از حج، واقعاً جایی وجود ندارد.^۲

– دشمن مستکبر که بیداری امت اسلامی، تهدیدکننده مطامع و منافع نامشروع اوست، مهم‌ترین سلاحی که در برابر این موج فزاینده در دست دارد، سلاح روانی است؛ نومیدسازی، تحقیر هویت، به رخ کشیدن قدرت و تمکن مادی خویش. امروز و در آینده، هزاران ابزار تبلیغی به کار افتاده و خواهد افتاد که مسلمانان را از آینده درخشان نومید و یا به آینده‌ای که منطبق با نیات پلید خود آنان است، ترغیب کنند.^۳

آن‌گونه که در این بیانات به‌روشنی مشخص است، حيله‌گری دشمن در راه جلوگیری از رسیدن امت اسلامی به آگاهی است؛ چراکه آگاهی مسلمانان، همچون تیر زهرآلودی است بر پیکر دشمنان. اما با وجود این تهدیدها، ایشان نوید بیداری اسلامی و عظمت اسلام را به امت اسلامی می‌دهد:

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۹۲.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۱۶.

۳. همان، ص ۲۷۷.

بیداری اسلامی، شرق و غرب جهان اسلام را به جنب و جوش آورده و احساس هویت و شخصیت را در آنان بازآفریده است. پرچم عزت و اقتدار اسلامی در ایران به اهتزاز در آمده؛ ملت مظلوم فلسطین، با تمسک به شعار اسلام، افق های صهیونیسم را به یأس و ناکامی انباشته؛ جوانان در کشورهای اسلامی به میدان مطالبات آرمانی پا نهاده و در برابر تجاوزگران و مستکبران عالم، تهدیدی بزرگ آفریده اند.^۱

مقام معظم رهبری به حجاج توصیه می کنند:

در حج، به صدای بلند، اعلام اتحاد کنید؛ به صدای بلند، بیزاری خود را از جبهه استکبار و ظلم و نفاق فریاد کنید؛ علما و روشنفکران و شخصیت های سیاسی و علمی خود را به تبادل نظر با یکدیگر فراخوانید؛ حمایت عمومی خود را از ملت مظلوم فلسطین و طلبکاری خود را نسبت به مسئله فلسطین، به گوش دشمن برسانید.^۲

کلام حضرت امام علیه السلام، کلامی اصلاحی و کاربردی برای دولت های مسلمان بوده است. ایشان همواره نگران آموزش و آگاهی رسانی به حاکمان خفته جوامع اسلامی بود. آن بزرگوار، همواره دولت ها را از سختی های مسلمانان آگاه می کرد و گاهی بر آنان خشم می گرفت؛ گاهی هشدارهای سازنده می داد و گاهی نیز برایشان دست به دعا برمی داشت:

این جانب به شما دولت های منطقه هشدار می دهم که با مشورت با عقلا و تفکر در آینده خود، بدون توجه به وعده های آمریکا و

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۲۸۸.

۲. همان، ص ۲۱۱.

دوستانش که می‌خواهند شما را گرفتار کنند و با تخیلات نابجا، همچون صدام عقلی شما را به دام می‌اندازند تا خود را در منطقه، هر چه بیشتر حاضر کنند و سرنوشت منطقه را به دست گیرند، خود را از این مهلکه کنار گیرید و مطمئن باشید که دولتی چون دولت ایران که متعهد به اسلام است و از فرامین الهی تخطی نمی‌کند، اگر دست برادری او را فشار دهید، هرگز ضرر نمی‌بینید.^۱

حضرت امام علیه السلام در فرازی دیگر از بیاناتشان می‌فرمایند:

– شعار اصولی انقلاب اسلامی، در جهان گرسنگان و مستضعفین بوده و ترسیم‌کننده سیاست واقعی عدم تعهد کشورهای اسلامی و کشورهایی است که در آینده نزدیک و به یاری خدا، اسلام را به عنوان تنها مکتب نجات‌بخش بشریت می‌پذیرند و ذره ای هم از این سیاست عدول نخواهد شد.^۲

– مسلمانان جهان باید به فکر تربیت و کنترل و اصلاح سران خود فروخته بعضی کشورها باشند و آنان را با نصیحت یا تهدید، از این خواب گرانی که هم خودشان و هم منافع ملت‌های اسلامی را به باد فنا می‌دهد، بیدار نمایند و به این سرسپردگان و نوکران هشدار بدهند و خودشان هم با بصیرت کامل، از خطر منافقین و دلالان استکبار جهانی غافل نشوند و دست روی دست نگذارند.^۳

به اعتقاد مقام معظم رهبری:

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۴۴.

۲. همان، ص ۲۰۲.

۳. همان، ص ۲۰۲.

– شعله امیدی که با پیروزی انقلاب اسلامی و چهره مصمم و تسلیم‌ناپذیر آن، بر دنیای اسلام و جان‌های مسلمین پرتو افکنده بود، کار خود را کرد و نتیجه آن است که امروز در تعدادی از کشورهای اسلامی، به صورت حرکت‌های عظیم مردمی، در طلب حکومت اسلامی مشاهده می‌شود.^۱

– ملت‌ها و دولت‌ها در قبال روحیه گرایش به اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله – اسلامی که سرلوحه‌اش، قطع نفوذ شیطان بزرگ و بقیه شیاطین از زندگی ملت‌هاست – به یک اندازه مسئول‌اند. دولت‌های اسلامی اگر به کشور و ملت خود علاقه‌مندند، باید بدانند این آن چیزی است که زندگی و شرف و استقلال ملت‌ها و کشورها و قدرت دولت‌ها را تأمین می‌کند.^۲

هشدار مقام معظم رهبری برای هوشیاری کشورهای مسلمان آسیای میانه، نمونه‌ای از حس مسئولیتی است که ملت‌ها باید در قبال ابرقدرت‌ها داشته باشند.

– ارتباطات فشرده آمریکا و عواملش با دولت‌های تازه‌مستقل آسیای میانه برای ترساندن آنان از گرایش‌های اسلامی و آنچه آنان نام بنیادگرایی بر آن می‌نهند، موضع‌گیری‌های خصمانه آنان در برابر بیداری اسلامی... شواهد انکارناپذیری بر خصومت علنی آمریکا و دیگر سلطه‌گران نسبت به اسلام و بیداری اسلامی و

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۷۱.

۲. همان، ص ۷۹.

باز یافتن هویت اسلامی از سوی مسلمین جهان است.^۱

– به فضل پروردگار، پس از چندی شکوه و قدرت اسلام، با پشتیبانی همین مردمی که برای اسلام مقاومت می کنند، در اروپا روزبه روز بیشتر خواهد شد و خواب همان کسانی که می خواهند اسلام نباشد، برآشفته خواهد شد. این، قدرت اسلام است؛ این، معنویت اسلام است؛ این، آمادگی مسلمین است؛ این، نیاز جهان اسلام و جامعه اسلامی به همفکری و همکاری است.^۲

– نگاهی به اوضاع کنونی عالم اسلام، علت این پدیده، یعنی شدت گرفتن و علنی شدن مبارزه با اسلام را آشکار می سازد. علت، چیزی جز گسترش بیداری مسلمین نیست. حقیقت آن است که مسلمین در یکی دو دهه اخیر در شرق و غرب جهان اسلام و حتی در کشورهای غیراسلامی، نهضت حقیقی و عمیقی را شروع کرده اند که باید نهضت «تجدید حیات اسلام» نامیده شود.^۳

– مبارزه با بیداری اسلامی در سطح جهان، شکل های گوناگون دارد: در الجزایر، اکثریت قاطع مردم در انتخاباتی آزاد و کاملاً دموکراتیک، به حاکمیت جبهه اسلامی رأی می دهند؛ کودتایی خشن، انتخابات را باطل و منتخبین را زندانی و محکوم و مردم را سرکوب می کند و آن گاه قدرت های مستکبر (آمریکا و اروپا) نفس راحت کشیده، به طور کامل پشت سر کودتاگران قرار

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۱۰۲.

۲. همان، ص ۱۱۵.

۳. همان، ص ۱۲۱.

می‌گیرند و دست پنهان خود در آن را افشا می‌کنند. در سودان، گروه‌های اسلامی با پشتیبانی قاطع ملت به حکومت می‌رسند و آن‌گاه غرب، انواع تحریکات خود را شروع می‌کند و از داخل و خارج مرزهاشان آنان را به‌طور دائم تهدید می‌کند. در فلسطین و لبنان، فلسطینیان مسلمان از سوی صهیونیست‌های غاصب به وحشیانه‌ترین وجهی سرکوب و شکنجه می‌شوند، آن‌گاه آمریکا، آن آدم‌کشان دزد صفت و شکنجه‌گر را کمک و آن مظلومان مسلمان یا مدافعان لبنانی آنان را به تروریسم متهم می‌کند. در جنوب عراق، بخش عظیمی از ملت عراق که مبارزه با رژیم بعثی را با انگیزه‌ها و شعارهای اسلامی در پیش گرفته‌اند، از سوی آن رژیم، مورد وحشیانه‌ترین حملات قرار می‌گیرند و آمریکا و غرب که انگیزه خود برای برخورد قدرتمندانه با صدام را در قضایای دیگر آشکارا نشان داده‌اند، اینجا با سکوتی رضایت‌آمیز و تشویق‌کننده ظاهر می‌شوند. در کشمیر و هند، تعصب کور و جهالت‌بار هندوها، با استفاده از اغماض و گاه کمک دولت، به ناموس و جان و مقدسات مسلمین تعرض می‌کند و این با خون‌سردی و لبخند بی‌تفاوت آمریکا و غرب مواجه می‌شود. در مصر، روشنفکرترین نسل‌های مسلمان، مورد تعقیب خشن و خشم‌آلود رژیم فاسد و نالایق آن کشور قرار می‌گیرند، و حکومت وابسته و حقیر آن کشور بزرگ، مورد تشویق و کمک مالی و امنیتی آمریکا قرار می‌گیرد. در تاجیکستان، اکثریت مردم مسلمان و مشتاق زندگی در سایه اسلام، به وسیله پس‌مانده‌های رژیم کمونیستی، به شدت

سرکوب و جمع کثیری از آنان از خانه و کاشانه خود آواره می‌شوند و غرب با همه دغدغه‌اش از بازگشت کمونیست‌ها در شوروی سابق، این حرکت آنان را معتنم می‌شمرد و در مقایسه میان اسلام و کمونیسم، آشکارا جانب دشمنان اسلام را می‌گیرد.^۱

با عنایت به بیانات مقام معظم رهبری، حج و حضور در جوار امن الهی، رسالتی بر دوش امت اسلامی گذاشته است:

وظیفه‌ای که حج و اعمال و شعائر توحیدی آن بر مسلمان حج‌گزار لازم می‌سازد، ابراز برائت و بیزاری از این همه است. و این، اولین قدم در راه تجسم اراده اسلامی در نفی این پدیده‌های شیطانی و استقرار حاکمیت اسلام و توحید بر همه جوامع اسلامی است.^۲

با تمامی این حرکت‌های خصمانه از سوی دشمنان اسلام، به یاری خداوند و به برکت حضور دلسوزانی چون مقام معظم رهبری و الگومندی انقلاب پربرکت اسلامی، این شعله فروزان روزبه‌روز پرفروزتر و قوی‌تر خواهد شد؛ چنان‌که در همین روزها و ماه‌ها (سال ۱۳۹۱) شاهد جنبش‌ها و حرکت‌های اسلامی در گوشه و کنار عالم هستیم.

جمع‌بندی

پیش از ارائه نتیجه‌گیری درباره بحث مهم بیداری اسلامی، ذکر این نکته ضروری است که آنچه تاکنون در فصل‌های گذشته آورده شد و آنچه در ادامه خواهد آمد، مطالبی است که به طور معمول ذیل بحث بیداری اسلامی قرار

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۱۲۳.

۲. همان، ص ۱۱۹.

خواهند گرفت؛ ولی از آنجایی که هدف این اثر، دسته‌بندی و تحلیل دقیق آرا و اندیشه‌های حضرت امام و مقام معظم رهبری در مورد حج است، بحث بیداری اسلامی را به طور خلاصه و جداگانه در این فصل مرور کردیم.

به هر حال، اگرچه پرداختن به عمق نگرانی‌های حضرت امام علیه السلام در خصوص بیداری اسلامی، بی‌گمان نیاز به مجلدهای مفصل و مطالعات وسیع دارد، اما آنچه به طور اختصاصی و با در نظر گرفتن کلیدواژه بیداری اسلامی در اینجا می‌توان دسته‌بندی کرد، به قرار ذیل است:

- اطلاق عید اسلام به روزی که مسلمانان بیدار شوند؛
- هشدار به مسلمانان در خصوص خارج کردن اسلام از انزوا؛
- پیوستن دولت‌های اسلامی به انقلاب بزرگ ایران، با پشتیبانی ملت‌های خود و هشدار به دولت‌های منطقه برای بیداری اسلامی؛
- بیداری مسلمانان و رهایی از شر این دو قدرت بزرگ؛
- ادامه داشتن غفلت مسلمانان و استعمار گماشتگان؛
- بیداری مسلمانان و نهراسیدن از این طبل‌های تهی؛
- فریاد حجاج برای بیداری مسلمانان و حکومت‌های آنان؛
- درخواست از خدای تبارک و تعالی برای بیداری تمام مسلمانان؛
- توصیه به بیداری مسلمانان و شناساندن خود به عالم؛
- دعوت به مبارزه؛
- فریاد برائت از مشرکان؛
- بشارت نابودی نظام‌های ظالم؛
- تشنه بودن دنیا برای آشنایی با حقایق و احکام نورانی اسلام؛

- هشدار به مسلمانان جهان در خصوص اسلام آمریکایی؛
- توصیه به مسلمانان برای فرار از اسارت و یورش به دشمنان اسلام.
- بر این اساس است که مکتب بیداری اسلامی از سوی حضرت امام علیه السلام با رویکردی جدید و اسلام‌مدار پایه‌گذاری شد. در منظر اندیشمندان اسلامی و غربی، این نقشه راه که مختصاتی اسلامی دارد، می‌تواند رهایی‌بخش مسلمانان باشد.
- در گفتمان بیداری اسلامی حضرت امام خمینی علیه السلام، چهار عنصر اصلی «اتحاد اسلامی و چنگ زدن به ریسمان الهی»، «اتکا به نیروی امت اسلامی»، «دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی» و «مبارزه» وجود دارد:
- اتحاد اسلامی و چنگ زدن به ریسمان الهی: بر خلاف گفتمان‌های بشری و اومانیستی، این گفتمان، ریشه در منافع مادی نداشته و هدف اصلی آن سعادت معنوی بشر است؛
- اتکا به نیروی امت اسلامی: ایشان با نشان دادن نکته‌های کلیدی، استفاده از نیروی ملت‌ها، جوانان و استعدادهای اسلامی را توصیه می‌کنند؛
- دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی: به اعتقاد ایشان، شناخت دشمن با استفاده از معیارهای قرآنی، می‌تواند مسلمانان را در یافتن مسیر الهی یاری کند؛
- مبارزه: درنهایت، امام علیه السلام مبارزه با استکبار جهانی، دوری از ترس و اعتماد به نیروها و توانایی‌های خودی را توصیه می‌کند.
- در ادامه مسیر بیداری اسلامی، مقام معظم رهبری با ارائه هیئتی

تکمیلی و جدید از این مسیر، نقشه راه آگاهی مسلمانان و مبارزه با دشمنان اسلامی را طراحی کردند. موضوع های پیش گفته از بیانات مقام معظم رهبری درخصوص بیداری اسلامی به این شرح است:

- بیداری مسلمانان و حرکت به سوی حاکمیت اسلام؛
- پیش بینی تغییر در وضعیت سیاسی شمال آفریقا که در سال های اخیر تحقق یافت؛

- ناتوانی قدرت ها در جلوگیری از اقتدار روزافزون اسلام؛
- پیشگام بودن انقلاب اسلامی ایران در پیروزی مسلمانان جهان؛
- طراحی جنگ همه جانبه ای با بیداری اسلامی از سوی آمریکا؛
- بیان اهمیت جایگاه براهت از مشرکان که ارکان حج نیز است؛
- هشدار در مورد موضع گیری های خصمانه دشمن در برابر بیداری اسلامی؛

- رشد اسلام در اروپا و برآشفته شدن همان کسانی که می خواهند اسلام نباشد؛

- نقش حساس جمهوری اسلامی ایران در گسترش بیداری مسلمانان؛

- تفرقه افکنی دشمن از ترس بیداری اسلامی؛
- رساندن صدای اتحاد و طلبکاری مسلمانان به گوش دشمن؛
- تهدید بودن بیداری امت اسلامی برای منافع نامشروع دشمن؛
- بازآفرینی احساس هویت و شخصیت در کشورهای اسلامی با بیداری اسلامی.

همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید، بیداری اسلامی و نقش حج در بیانات مقام معظم رهبری، جایگاه ویژه‌ای دارد. اعلام پراثت از مشرکان و استکبار جهانی و پیروی از مسیری که جمهوری اسلامی پیموده است، راهی است که ایشان برای ملت‌های مسلمان توصیه می‌کنند. به هر صورت، همان‌گونه که در مقدمه بیان شد، پیشوایان اسلامی، به‌ویژه حضرت امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری، اسلام پوشیده‌شده در مکتب لیبرالیستی - کمونیستی و گرفتار شده در چرخه سود و منفعت‌طلبی را نمی‌پسندند و همواره در تلاش‌اند تا امت اسلام بیدار شود و راه‌هایی و مسیر سعادت دنیوی و اخروی خود را باز یابد.

فصل پنجم: حج و ستیز با استعمار جهانی

بررسی موضوع

استعمار^۱ در لغت به معنای طلب آبادی کردن یا آبادی خواستن است.^۲ استعمار، عبارت است از سیاست دولت‌های امپریالیستی که هدفش بهره‌کشی از منابع مردمان کشورهای دیگر است. دولت‌های امپریالیستی، برای تحکیم سیطره خویش، مانع تکامل فنی، اقتصادی و فرهنگی این کشورها می‌شوند. کاربرد این اصطلاح به طور خاص متوجه شیوه‌های رفتار کشورهای است که از نظر سیاسی توانمند هستند؛ نظیر کشورهای اروپایی با سرزمین‌های مستعمراتی.^۳

استعمارگری بیشتر، کار کشورهای است که امپراتوری دریایی دارند و پیوسته نبودن خاک آنها، مانع تشکیل یک واحد سیاسی یکپارچه، مانند

1. Colonialism

۲. ر.ک: درس‌هایی از مکتب اسلام، «استعمار فرهنگی، برنده‌ترین حربه استعمار»، هادی دوست محمدی، ش ۱، ص ۵۹.

۳. ر.ک: فرهنگ علوم اجتماعی، جولوس گولد و همکاران، ترجمه باقر پرهام، ص ۵۷.

امپراتوری های زمینی می شود. مفهوم استعمار امروزه با مفهوم امپریالیسم پیوند خورده و استعمار عمل قدرت های امپریالیستی شناخته می شود؛ یعنی قدرتی که می خواهد از مرزهای ملی و قومی خود تجاوز کند و سرزمین ها، ملت ها و اقوام دیگر را زیر سلطه خود درآورد.^۱

مستعمره به سرزمینی اطلاق می شود که در همه شئون، تابع دولت امپریالیستی استیلاگر است و استقلال سیاسی و اقتصادی ندارد. دولت های امپریالیستی از مستعمره به عنوان تأمین کننده مواد خام و نیروی کار ارزان، بازار فروش کالاها و عرصه سرمایه گذاری های پرسود و پایگاه های نظامی و استراتژیک استفاده می کنند.

بسیاری فنیقی ها را نخستین استعمارگران تاریخ می دانند.^۲ بسیاری به لحاظ تاریخی استعمار را به چهار دوره عصر باستان، عصر اکتشافات، استعمار قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی و استعمار نو تقسیم بندی می کنند. استعمار همیشه به یک گونه با ملت ها برخورد نکرده است؛ بلکه مراحل مختلفی را گذرانده و با چهره های گوناگونی وارد میدان شده است. به طور کلی استعمار را می توان به سه دوره تقسیم کرد:

مراحل استعمار

۱. استعمار در دوره اول

هنگامی که استعمار قدم های نخستین خود را برمی داشت، به دلیل توانا نبودن یا بنا بر موقعیت و اقتضای زمان، گام های ملایم تری

۱. ر.ک: دانشنامه سیاسی، ص ۱۲.

۲. ر.ک: تاریخ آبر ماله، ملل شرق و یونان، آبر ماله، ترجمه عبدالحسین هژیو، ج ۱، صص ۱۱۶ و ۱۱۷.

برمی داشت؛ بدین معنا که ابتدا، از در اختیار گرفتن تجارت یک کشور یا ایجاد مستعمره‌ای در همسایگی خود تجاوز نمی‌کرد. برای مثال همان‌طور که پیش از این اشاره کردیم، فنیقی‌ها و یونانی‌ها از آن جمله‌اند. ای. اف. ک ارگانسکی می‌گوید:

استعمارگران تا قرن پانزده، از اطراف خود دور نمی‌شدند، بلکه در سرزمین‌ها و جزایر نزدیک خود اقدام به ایجاد کلنی می‌نمودند. نکته قابل توجه این است که استعمارگران در این دوره، بیشتر هم و غم خود را در تجارت و جای دادن مازاد جمعیت خود، در کلنی تحت سلطه‌شان به کار می‌بردند.^۱

۲. استعمار در دوره دوم

قرن پانزده، مصادف با تلاش استعمارگران برای تسلط بر منابع و ذخایر ملت‌های دیگر جهان است. از ویژگی‌های این دوره، قدرت تجاوز و توسعه طلبی اروپاییان سفیدپوست است که توانستند سلطه خویش را بر نیمی از جهان بگسترانند.

مورخان، قرن پانزده را نقطه عطفی در تاریخ استعمار قلمداد کرده‌اند. در این دوره، با توجه به اکتشافات و نقشه‌برداری‌هایی که از سطح کره زمین شده است، استعمارگران قدرت می‌یابند که نفوذ خود را به نقاط دوردست گسترش دهند و بدین ترتیب، صفحه جدیدی بر تاریخ استعمار گشوده می‌شود. ارگانسکی در این رابطه می‌گوید:

۱. سیاست جهان، ای. اف. ک ارگانسکی، ترجمه حسین فرهودی، ص ۲۸۲، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

استعمار دوره جدید، اصولاً پدیده ای اروپایی است و به استثنای چند مورد معدود، مستعمرات به کلی دور از کشور اصلی، و سکنه آنها هم، چه از جهت فرهنگ و چه از جهت نژاد، با فاتحان خود کاملاً متفاوت بودند. در این دوره که حدود چهارصد سال به طول انجامید، استعمارگران اروپایی، گوی سبقت را از یکدیگر می‌ربودند.^۱

در نیمه دوم قرن هیجده، یعنی سال ۱۷۷۵م، نفوذ استعمارگران به اوج نخستین خود رسید و آنها دامنه توسعه طلبی را بر آمریکا و قسمتی از آسیا و آفریقا گسترش دادند. در همین زمان بود که هندوستان با هفتصد میلیون جمعیت به دست بریتانیا فتح شد و بر همین اساس و پس از فتوحات مکرر، استعمارگران که آفریقا را عالمی افسانه‌ای می‌دانستند، خیال فتح آن را در سر می‌پروراندند و هیئت‌هایی را برای نقشه برداری به آن دیار اعزام کردند. به طوری که در سال ۱۸۸۱م، تمام سرزمین آفریقا شناسایی شد و اروپا تهاجم خویش را به این سرزمین آغاز کرد.

۳. استعمار در دوره سوم

نیمه اول قرن بیستم را می‌توان آغاز سقوط استعمار مستقیم دانست. در این دوره است که بیداری ملت‌ها و قیام آنها، استعمار را با تمام قدرتش به زانو در می‌آورد؛ به طوری که تا سال ۱۹۷۶م، استعمار مستقیم به کلی از بین می‌رود. اما استعمارگران، به راحتی از منافع استعمارگری چشم‌پوشی

۱. سیاست جهان، ای. اف. ک ارگانسکی، ترجمه حسین فرهودی، ص ۲۸۲، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۲۸۲.

نمی‌کردند؛ بنابراین با چهره‌ای جدید وارد میدان شدند و با نام دموکراسی، بدترین نوع استعمار را بر ملت‌ها تحمیل کردند و آن استعمار نو بود. در این شکل از استعمار، تا جایی که امکان دارد، از تفنگ‌داران و نیروهای نظامی برای تسلط بر ملت‌ها استفاده نمی‌شود؛ با برده‌گیری و برده‌فروشی مبارزه می‌شود؛ حاکمان کشورها افراد خارجی نیستند و تمام آنها بومی و از همان سرزمین‌اند. علاوه بر این، استعمارگران مدافع استقلال و آزادی ملت‌ها هستند و با مخالفان آزادی مبارزه می‌کنند.

در گذشته کشورهایی می‌توانستند با ایثار و فداکاری، حماسه‌هایی از مقاومت بیافرینند و تن به ذلت ندهند و تسلیم استعمارگران نشوند، اما استعمار جدید خود را به گونه‌ای دیگر در صحنه جهانی جلوه‌گر ساخت؛ بدین معنا که، با تطمیع و فریفتن رهبران ملت‌ها وارد میدان شد و آنها را تسلیم خویش کرد و در اثر خیانت حاکمان خود فروخته، تمام هستی و استقلال ملت‌ها بر باد رفت و به ذلت، خواری و وابستگی کشیده شدند.^۱

اما این مفهوم، برخی از جنبه‌های پدیده استعمار را به‌درستی دربر نمی‌گیرد. درک این مسئله از سوی امام خمینی علیه‌السلام منجر به بازتعریف مفهوم استکبار و در مقابل آن استضعاف برای اشاره به پدیده مورد بحث شد. استکبار از ماده «كَبُرَ» یا «كَبِرَ» است که در لغت به معنای عظمت و بزرگی است^۲ و در اصطلاح دینی و قرآنی، کبر، تکبر و استکبار،

۱. ر.ک: شکوه، «استعمارگران»، محمد اسعدی، ش ۱۵، صص ۱۱۲ - ۱۱۵.

۲. ر.ک: الصاح تاج اللغة و صحاح العربیه، اسماعیل بن حماد جوهری، به‌کوشش عبدالغفور العطار، ج ۴، ص ۱۰۵.

معنایی نزدیک به یکدیگر دارند.

کبر حالتی است که انسان، نفس خویش را بزرگ‌تر از آنچه هست ببیند و کبر کفار این است که از گفتن «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» استکبار ورزند؛ این یعنی شرک به خدا. پس بزرگ‌ترین تکبر برای خداوند است (به سبب امتناع از پذیرش حق). به بیان دیگر، استکبار یعنی نپذیرفتن حق از روی دشمنی و بزرگ‌بینی خویش.^۱ امام خمینی علیه السلام در تعریف خویش از این مفهوم، آن را به گونه‌ای بازنمایی می‌کند که بسیار به مفهوم «سلطه» نزدیک است:

مستکبرین منحصر نیستند به سلاطین، منحصر نیستند به رؤسای جمهور؛ منحصر نیستند به دولت‌های ستمگر. مستکبرین، یک معنای اعمی دارد. یک مصداقش همان اجانب هستند، که تمام ملت‌ها را ضعیف می‌شمرند و مورد تجاوز و تعدی قرار می‌دهند. یک مورد هم همین دولت‌های جائر سلاطین ستمگر که ملت‌های خودشان را ضعیف می‌شمرند و به آنها تعدی می‌کنند؛ دست تعدی به ملت‌ها دراز می‌کنند. چنانچه در این پنجاه و چند سال، شما مبتلا بودید و ما هم مبتلا بودیم و همه ملت مبتلا بودند. ملت را ضعیف می‌شمرند و به آنها تعدی می‌کنند؛ دست تعدی به ملت‌ها دراز می‌کنند.^۲

از دید امام خمینی علیه السلام، اگر یک نفر به زیردست‌های خود ستم کند و آنها را کوچک بشمارد، درحقیقت بنده خدا را کوچک شمرده است. در

۱. ر.ک: لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، ج ۳، ص ۵، ص ۱۲۶.

۲. صحیفه امام، ج ۷، صص ۴۸۸ و ۴۸۹.

این صورت، وی مستکبر است و مشمول همان معنایی است که مستکبران هستند.^۱

با این اوصاف، نکته مهم اینجاست که بسیاری خواسته‌اند هجوم استعمار به ملت‌های مظلوم را انسان‌دوستانه جلوه دهند، ولی با اندک تأملی در عملکرد آن، پوچی این ادعا آشکار می‌شود. نتایج شوم حاصل از عملکرد استعمارگران به طور اختصار عبارت‌اند از: گرفتن استقلال ملی ملت‌ها، تعدی به فرهنگ ملت‌ها، و انتقال ثروت و ذخایر ملت‌ها به کشورهای مرکز.

بر اساس تحقیقات انجام‌گرفته، استعمار در ایران چند پیامد داشته است: تضعیف اقتصاد داخلی، تسلط بر بازار مسلمانان، تغییر پوشش، تغییر فرهنگ، تغییرات در جغرافیای کشور، ایجاد تفرقه و چنددستگی میان مردم، ایجاد تزلزل در عقاید مردم و از همه مهم‌تر، وابسته‌نگه داشتن کشور. این پیامدها و البته تأثیرات عمیقی که قرن‌ها زمان برای زدودن آثار آن لازم است، نتیجه هجوم دولت‌های استعماری به مملکت‌های اسلامی و دیگر نقاط جهان است.

بر همین اساس است که بزرگانی همچون حضرت امام خمینی علیه‌السلام، همواره از دست‌های ناپاک و نامحرم غربی و شرقی سخن می‌گفتند؛ دست‌هایی که وجودشان باعث عقب‌ماندگی، فقر و دوری از تعالیم قرآنی و پیشرفت‌های علمی و فرهنگی است. در همین راستا در ادامه بحث، به آراء و اندیشه‌های حضرت امام خمینی علیه‌السلام و مقام معظم رهبری در خصوص استعمار و استثمار می‌پردازیم.

۱. ر.ک: صحیفه امام، ج ۷، ص ۴۸۸.

استعمار از نگاه حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری

به اعتقاد حضرت امام خمینی علیه السلام یکی از گرفتاری‌های جوامع اسلامی، سهل‌انگاری و تنبلی آنان در راه مبارزه با استعمارگران و زورگویان است. امام خمینی علیه السلام در این خصوص تلاش زیادی به کار برده‌اند تا امت اسلامی را از این خواب غفلت‌بار بیدار کنند. ایشان معتقد بودند:

— اکنون که به واسطه سستی و سهل‌انگاری ملت‌های اسلامی، چنگال خبیث استعمار تا اعماق سرزمین‌های بزرگ ملت قرآن فرو رفته و تمام ثروت و مخازن بزرگ ما، در قشر ملی بودن، به کام آنان فرو می‌ریزد، فرهنگ مسموم استعمار تا اعماق قصبات و دهات ممالک اسلامی رخنه کرده، فرهنگ قرآن را عقب زده... بر شما ملت عزیز اسلام، که برای ادای مناسک حج در این سرزمین وحی اجتماع کرده‌اید، لازم است از فرصت استفاده کرده به فکر چاره باشید. برای حل مسائل مشکله مسلمین تبادل نظر و تفاهم کنید.^۱

نگاه امام خمینی علیه السلام در این هشدار و بیانات پیشین، نگاه بیدارکننده و هشدار دهنده به جوامع غفلت‌زده اسلامی است. ایشان در جایی دیگر می‌فرمایند:

غفلت مسلمانان از مسائل سیاسی و اجتماعی اسلام است که به دست استعمارگران و استثمارچیان و عمال غرب‌زده و شرق‌زده آنان به توده‌های مسلمانان محروم تحمیل شده است؛ که حتی غالب علمای اسلام گمان می‌کردند و می‌کنند که اسلام از سیاست منزله است و

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۱.

یک شخص مسلمان نباید در سیاست دخالت کند. چپاولگران حيله گر كوشش كردند به دست عمال به اصطلاح روشن فكر خود، اسلام را همچون مسيحيت منحرف به انزوا كشانند و علما را در چهارچوب مسائل عبادى محبوس كنند.^۱

بنابراين امام خمينى علیه السلام در گفتمانى جديد، كوشيدند تا جغرافياى بحث استعمار و استعمارگرى را با روايتى جديد ارائه كنند و ملت هاى جهان، به ويژه مسلمانان را در اين زمينه آگاه كنند. اگرچه تا آن زمان مخالفت ها و جنگ هاى زيادى عليه استعمار در اقصانقاط جهان به وقوع پيوست، ولى مسلمانان هنوز در زير سيطره دولت هاى استعمارى قرار داشتند. در همين زمينه مقام معظم رهبرى، به ضعف مسلمانان انتقاد كرده و امت اسلامى را به بيدارى و استكبارستيزى فرا مى خواند. نگرانى ولى امر مسلمين، همواره بيدارى و بصيرت مسلمانان بوده و هست؛ از نگاه ايشان:

مسلمانان بايد نشان دهند، كه جهان اسلام داراى قدرت برخوردار است و مى تواند در برابر تجاوز و دشمنى آمريكا و هر متجاوز ديگرى بايستد، تاكنون همه لطمات جبران ناپذيرى كه به امت اسلامى از سوى استعمارگران ديروز و مستكبران امروز وارد شده، عمدتاً ناشى از ضعف نفس و ضعف روحيه دولت ها يا ملت ها بوده است. ايستادگى ملت ها، دشمن را به ستوه مى آورد و او را در رسيدن به هدف هاى متحيرانه اش ناكام مى سازد.^۲

۱. صحيفه حج، ج ۱، ص ۱۲۲.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۰۳.

به اعتقاد ایشان ضعف ملت های اسلامی و سربراهی جوامع مسلمان، دشمن را به سرزمین های اسلامی می کشاند و دشمن هم بی گمان لزومی به مبارزه با چنین اسلامی نمی بیند. از دیدگاه ولی امر مسلمین، دشمن با اسلام هوشیار و قدرتمند مخالف است، نه اسلام ضعیف و سربراه:

اگر در جایی، کشوری بود، پرچم اسلام و لاله الا الله هم داشت، شعار اسلام هم داد، اما در مقابل استکبار جهانی ذلیل بود، استکبار مگر دیوانه است با او بجنگد یا با او مخالفت کند؟ اسلامی که در مقابل آمریکا به خاک می افتد، برای آمریکا ضرری ندارد؛ چرا باید با او مبارزه کنند؟ خوب نوکر خودشان است. پول و کمک هم بخواهند، از او می گیرند و حرف خود را هم به او تحمیل می کنند. این جور اسلامی که دشمن ندارد. آنها، اسلامی را نمی پسندند که سینه سپر می کند، داعیه دارد و مردم را به خود دعوت می کند.^۱

به گمان عده ای، جوامع اسلامی توان مقابله با استعمارگری را ندارند؛ چراکه توان نظامی و تکنولوژیکی غرب و شرق، برتر است. امام خمینی علیه السلام همواره در قوت قلب دادن به مسلمانان و همدردی با آنان پیش قدم بودند؛ ایشان به سبب داشتن اعتقاد قلبی به قدرت اسلام در صورت اتحاد، قدرتمندی غرب را پوشالی می دانستند. ایشان معتقد بودند باید ملت های مسلمان در راه ریشه کن کردن استکبار و استعمار همدل و هم پیمان شوند: «در راه استقلال و ریشه کن کردن سرطان استعمار، همفکر و هم پیمان شوید».^۲ ایشان در جای دیگری می فرمایند:

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۱۵۹.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۱.

مسلمانان بعد از شرکت در راهپیمایی‌های براهت و اعلان همبستگی با ملت دلاور ایران، باید به فکر رمی استعمار از کشورها و سرزمین‌های اسلامی خود باشند و برای بیرون راندن جنود ابلیس و برچیدن پایگاه‌های نظامی شرق و غرب از کشورهای خود، تلاش نمایند و نگذارند دنیاخواران از امکانات آنان، در جهت منافع خود و ضربه زدن به کشورهای اسلامی استفاده کنند، که این بزرگ‌ترین ننگ و عار کشور و سران ممالک اسلامی است که بیگانگان به مراکز سری و نظامی مسلمانان راه پیدا کنند.^۱

در این رابطه مقام معظم رهبری، بیانات حساب‌شده‌ای دارد. ایشان با یادآوری توانایی امت اسلامی و اشاره به تجربه جمهوری اسلامی ایران، مسلمانان را به آگاهی و مبارزه با نیروهای مفسد و ستمگر برمی‌انگیزد و خواهان زنده کردن عزت و اعتبار اسلامی است:

[دشمنان] قدرت واقعیشان آنقدر نیست که بر زبان می‌آورند. بدیهی است این همه که اینها با این انقلاب (ایران) و با این کشور بدند، اگر قدرت داشتند، تا حالا این انقلاب این طور رشد نمی‌کرد و این گونه نمی‌ماند. آیا این خود دلیل نیست که سلطه‌گران آمریکا و صهیونیست‌های عالم، آن‌چنان که ادعا می‌کنند، قدرت ندارند؟! اینها عمده کارشان را از راه تهدید و مرعوب کردن پیش می‌برند.^۲

ایشان غرب را ناتوان و رو به نابودی می‌دانند و همواره بر توانایی و

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۲۰۲.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۵۳.

عظمت نیروی جوامع اسلامی تأکید دارند. به هر روی از نگاه مقام معظم رهبری:

امروز دنیای غرب، که عامل تشدیدکننده ضعف و عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی بوده است، دست‌خوش گرفتاری‌های بزرگ و حل‌نشدنی است. فساد مادی‌گری و نظام سرمایه‌سالاری، به تدریج نفوذ خود در پایه‌های آن تمدن مادی را آشکار می‌سازد و بیماری‌های مزمنی را که در زیر تشعشع خیره‌کننده صنعت و سرمایه پنهان مانده بود، به تدریج بر ملا می‌کند و نزدیکی بحران را به آنان خبر می‌دهد.^۱

این رهنمودها برای امت اسلامی، مسیر بیداری را مشخص می‌سازد و تاکتیک‌های اساسی را برای سربلندی اسلام در بر دارد.

از جمله مسائل دیگری که حضرت امام علیه السلام و رهبر معظم انقلاب در مورد آن حساسیت ویژه‌ای داشتند، موضوع ستمی است که از راه‌های گوناگون در حق مسلمانان روا داشته می‌شود. در کلام آن دو بزرگوار در مورد آگاهی‌رسانی و بیداری امت اسلامی، نگرانی زیادی دیده می‌شود. حضرت امام علیه السلام در یکی از بیانات خویش می‌فرمایند:

– در این اجتماع مقدس حج، اولاً در مسائل اساسی اسلام و ثانیاً در مسائل خصوصی کشورهای اسلامی تبادل نظر کرده، ببینند که در داخل کشورها با دست استعمار و عمال آن، بر برادران مسلمان آنان چه می‌گذرد.^۲

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۲۷۷.

۲. همان، ص ۱۳.

– این کتکی است که مسلمانها از آمریکا می خورند، آن وقت آقایان ادعای اسلام می کنند، ادعای طرفداری از مسلمین می کنند، همه چیزشان را تقدیم آمریکا می کنند، عذر هم از آنها می خواهند. این تأسف ندارد برای ملت‌ها، برای اسلام، برای همه.^۱

از سوی دیگر مقام معظم رهبری در این خصوص با شناخت عمیق از اهداف دشمنان، نقشه‌های درازمدت استکبار جهانی را به روشنی تشریح می‌کنند:

شما نگاهی بکنید به اکناف عالم، ببینید این قدرت‌های ستمگر با مسلمان‌ها چه دارند می‌کنند. اولین نیت آنها این است که مسلمان‌ها را در خواب غفلت نگه دارند و اگر کسی هست که به مسلمان‌ها هشدار می‌دهد، هر جور می‌توانند او را از صحنه خارج کنند. این، بزرگ‌ترین همت استکبار و قدرت‌ها و قلدرهای جهانی است.^۲

نگاه بیداری ستیزانه غرب در این کلام به روشنی مشخص است. دشمنی اصلی غرب با ملت ایران، الگو شدن انقلاب ایران در منطقه و جهان و هوشیاری رهبران و الامقام جمهوری اسلامی ایران است. در نگاه مقام معظم رهبری، استکبار بیکار ننشسته و از راه‌های گوناگونی به توطئه‌چینی و دسیسه‌سازی مشغول است:

امروز تقریباً در همه جای جهان، مبارزه سرسختانه و توطئه‌آمیزی از سوی قدرت‌های استکباری علیه اسلام و مسلمین در جریان است.

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۹۷.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۱۱.

اگرچه اصل این مبارزه، تازگی نداشته و نشانه‌های آن در تاریخ استعمار اروپایی کاملاً شناخته شده است، ولی می‌توان گفت که شیوه‌های متنوع آن، علنی بودن آن و در مواردی شدیداً قسوت‌آمیز بودن آن، تاکنون سابقه نداشته و پدیده این روزگار است.^۱

اشاره دردناک مقام معظم رهبری به داستان غم‌انگیز شبه جزیره بالکان و ملت مظلوم آن دیار، دست ناپاک استعمار را در دشمنی غرب با مسلمانان به روشنی آشکار می‌سازد:

سردمداران استکبار جهانی در دنیا، نشسته‌اند و به قربانی‌ای که در مقابلشان است می‌نگرند و منتظرند ببینند کار این قربانی چه وقت تمام می‌شود! این قربانی هم مسلمین یوگوسلاوی سابقند. جرمشان چیست؟ مسلمان بودن.^۲

از نگاه امام خمینی علیه السلام، از جمله مواردی که امت اسلامی باید بدان آگاهی داشته باشند، تناقض ادعای غرب در مورد مراعات حقوق بشر و عمل آنها برخلاف ادعایشان است:

آن که تروریست است، می‌گوید که ما قوای مسلحه هستیم، ما قیام مسلحانه کردیم. قیام مسلحانه این است که ما در تلویزیون دیدیم؟! قیام مسلحانه این است که بچه‌هایی را بکشند و آتش بزنند؟! این قیام مسلحانه است؟! این الفاظ عوض شده. معلوم می‌شود قیام مسلحانه عبارت از این است و تروریسم، عبارت از یک چیز دیگر است.^۳

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۱۲۰.

۲. همان، ص ۱۳۳.

۳. همان، ج ۱، ص ۹۸.

رهبان معظم انقلاب نیز در همین راستا می‌فرمایند:

– می‌گویند: «ما طرفدار حقوق بشریم!» ما می‌گوییم: «اصلاً شما حقوق بشر را قبول ندارید. شما معتقد به حقوق بشر نیستید. شما به حقوق بشر کار ندارید!». آن دیروزتان، این امروزتان! این قضایای داخل آمریکا و مسئله سیاهان! ده‌ها میلیون، شاید پنجاه میلیون یا بیشتر – الان درست در ذهنم نیست – از سیاهان آمریکا، از حقوق انسانی محروم‌اند.^۱

– دردآور آن است که آمریکا و ناتو پس از این زمینه‌سازی بی‌رحمانه برای قتل عام مسلمانان بوسنی، و پس از این که سازمان ملل و دبیر کل آن را کاملاً در جهت همین سیاست به کار انداخته‌اند، و پس از نشان دادن علائم رضایت خود از قلع و قمع مسلمانان به دست صرب‌ها، و پس از گذشت چند هفته از حمله سبعانه مهاجمین به زن و کودک و پیر و جوان مسلمان، و کشته شدن هزاران بی‌گناه و پدید آمدن محنتی بدان عظمت برای مردم شهر گورازده. پس از این همه، با تهدید صرب‌ها به بمباران هوایی، شکنجه را متوقف می‌کنند و آنگاه این را به حساب انسان‌دوستی و صلح‌دوستی و بی‌طرفی خود می‌گذارند.^۲

به اعتقاد مقام معظم رهبری دست غرب و استکبار در تمامی مسائل

ضدحقوق بشری در کار است:

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۹۳.

۲. همان، ص ۱۴۴.

پس از عملیات فاجعه‌باری که آمریکا در افغانستان به بار آورد، چهره نظامی و خشن دولت ایالات متحده، روزه‌روز بیش از گذشته فضای جهانی را به ناامنی و جنگ و کشتار تهدید می‌کند. مبارزه با تروریسم و دفاع از صلح در خاورمیانه به بهانه‌هایی برای خشونت‌طلبی و زورگویی آمریکا و پوششی برای سلطه‌طلبی و دست‌اندازی به منافع و منابع حیاتی ملت‌ها تبدیل شده‌اند.^۱

به تعبیر مقام معظم رهبری، حقوق بشر و صلح، شوخی بسیار زشتی است که غرب با مردم جهان می‌کند:

آمریکا در دور تازه تحرکات دیوانه‌وار خود، که پس از حادثه به‌شدت مشکوک ۲۰ شهریور آغاز شده، دست به یک حمله تبلیغاتی نیز زده است؛ یعنی پرچم دموکراسی و تروریسم‌ستیزی را بر سر نیزه کرده و برای ملت‌های اسلامی در مذمت سلاح کشتار جمعی و سلاح شیمیایی داد سخن می‌دهد.^۲

از جمله اموری که حضرت امام علیه السلام و رهبر معظم انقلاب رسالت ویژه‌ای در این راه برای خویش قائل بوده و هستند، استکبارستیزی، تلاش در جهت متحد کردن امت اسلامی در مقابل تجاوزگران غرب و شرق و تقویت روحیه مسلمانان و آگاهی‌رسانی به آنان است. امام خمینی علیه السلام به دفاع جسورانه مسلمانان در برابر متجاوزان معتقد بودند و می‌فرمودند که در برابر ظالمان نباید ملاحظه‌ای صورت گیرد؛ زیرا

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۲۹۰.

۲. همان، ص ۳۰۲.

چپاولگران، سال‌هاست که اقتصاد، فرهنگ، سیاست و همه ارکان جوامع اسلامی را تحت سیطره درآورده و به آن ظلم روا داشته‌اند:

– خواهان و برادران عزیز! در هر کشوری که هستید، از حیثیت اسلامی و ملی خود دفاع کنید و بی‌پروا در مقابل دشمنان خود، یعنی آمریکا و صهیونیسم بین‌المللی و ابرقدرت‌های شرق و غرب، بدون هیچ ملاحظه‌ای، از ملت‌ها و کشورهای اسلامی دفاع کنید؛ و مظالم دشمنان اسلام را برملا کنید.^۱

– تمام منافع مادی و معنوی همگی ما را ابرقدرت‌های شرق و غرب می‌برند و ما را در فقر و وابستگی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی قرار داده‌اند. به خود آییند و شخصیت اسلامی خود را بیابید. زیر بار ظلم نروید و هوشیارانه نقشه‌های شوم جهان‌خواران بین‌المللی را – که در رأس آن آمریکاست – افشا کنید.^۲

بیانات حضرت امام علیه السلام نشان‌دهنده عمق اندوه ایشان از خاموشی و سستی مسلمانان و دولت‌های اسلامی است.

ولی مقام معظم رهبری، مسئله را به گونه‌ای دیگر و از زاویه دیگر می‌بیند. ایشان نفوذ فرهنگی استکبار جهانی و صهیونیسم را بسی خطرناک‌تر از هجوم نظامی آنان می‌داند:

بتی که بسیاری از مردم جهان و از جمله بسیاری از مسلمین، امروز به جبر و تحمیل، به عبادت و اطاعت از آن وادار می‌شوند، بت قدرت

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۲۶.

۲. همان، ص ۲۶.

آمریکاست که همه شئون فرهنگی و سیاسی و اقتصادی مسلمین را در قبضه گرفته و ملت‌ها را خواه و ناخواه در جهت منافع و اغراض خود - که نقطه مقابل مصالح مسلمین است - حرکت می‌دهد. عبادت، همین اطاعت بی‌چون و چراست که امروز در برابر خواست استکبار و در رأس آن آمریکا، بر ملت‌ها تحمیل می‌شود. و آنان با شیوه‌های گوناگون، به سمت آن سوق داده می‌شوند.^۱

ایشان معتقدند که بت استکبار شکستنی است و عزت و عظمت اسلام بازیافتنی؛ چراکه قدرت استکبار پوشالی و توانمندی اسلام، معنوی و عمیق است:

افسانه قدرت لایزال غرب و خصوص آمریکا را که استکبار همواره سعی کرده است آن را چندین برابر بزرگ کرده و بی‌وقفه به ذهن مسلمانان القا کند، بشکنید. به یاد خود و دیگران بیاورید که قدرت ظاهراً تسخیرناپذیر کمونیسم، در همین نزدیکی‌ها در برابر چشم همین نسل، شکست و فرو ریخت و از آن هیچ باقی نماند. قدرت‌های بزرگ‌نمای کنونی و از جمله قدرت آمریکا هم ممکن است به همان آسانی، نیست و نابود شوند.^۲

در همین زمینه هوشیاری و بیداری مسلمانان شرط اساسی است: مسلمانان در همه جای جهان، باید نسبت به اقدامات توطئه‌آمیز دشمنان برای تضعیف و توهین اسلام، کاملاً حساس و هوشیار

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۵۸.

۲. همان، ص ۱۴۷.

باشند؛ مخصوصاً نسبت به توطئه های فرهنگی، از قبیل نوشتن کتابها و ساختن فیلمها و نمایشنامه های ضداسلامی. در این صحنه، سنگرداران اصلی، نویسندگان و هنرمندانی هستند که دلشان برای اسلام می تپد.^۱

از جمله توصیه های مهم حضرت امام خمینی علیه السلام به جوامع اسلامی، مراقبت کردن درخصوص توطئه های استکبار جهانی و صهیونیسم بود: «مسلماً جهان خواران و دشمنان ملت ها، بعد از این آرام و قرار نخواهند داشت و به حيله ها و تزويرها و چهره های گوناگون متمسک می شوند».^۲ در نگاه امام علیه السلام دشمنان اسلام از بیداری و طلوع رشد سیاسی در ملت های مسلمان بسیار هراسان می شوند؛ به همین علت تا جایی که برای آنها مقدور باشد به مبارزه برمی خیزند:

دشمنان از خوف این بارقه الهی [نهضت اسلامی]، که می رود دست جنایت آنان را از بلاد و عباد خداوند کوتاه کند، به دست و پا افتاده اند. ولی قدرت اسلام آرام را از آنان گرفته و از یکپارچگی ملت های اسلامی و به دنبال آن مستضعفان جهان لرزه به اندامشان افتاده است.^۳

در نگاه مقام معظم رهبری (دامت برکاته) نیز این مسئله به روشنی مشخص است؛ از دیدگاه ایشان: «استکبار می داند که سرچشمه مقاومت ملت ها

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۳۶.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۹۸.

۳. همان، ص ۱۶۳.

و دولت های مسلمان، اسلام و تعالیم رهایی بخش آن است.^۱ به همین علت، استکبار بیداری امت اسلامی را بر نمی تابد و به شدت با آن به مبارزه می پردازد. در نگاه رهبر معظم انقلاب یکی از حربه های دشمن در این مسیر، ناامید کردن مسلمانان از آینده و داشته های فرهنگی و علمی آنان است:

— امروز بیشترین تلاش شیطان که همان جبهه سیاسی استکبار است، مصروف آن می شود که مسلمانان را از آینده خود، نومید و به ذخیره گران بهای فرهنگ و دانش خود، بی اعتنا سازد. هر پدیده ای که به مسلمانان جهان، امید ببخشد و آنان را به فکر بنای آینده بر پایه اسلام بيفکند، در چشم استکبار، به شدت منفور و مبغوض است.^۲

— استکبار از اینکه کشوری در اعماق کهنه پرستی، و ملتی در حال و هوای سنت های جاهلی خود، سر کند، ولی درهای خزاین مادی خود را به روی آنان بگشاید و تسلیم فزون خواهی و سلطه طلبی آنان شود و فرهنگ فساد و فحشا و مصرف زدگی و می خوارگی و شهوت رانی را از آنان بپذیرد، نه تنها نگران نیستند، بلکه بسی خوشنودند.^۳

امام خمینی علیه السلام سفارش های مدبرانه ای در خصوص اجتناب از غرب زدگی، هشدار در مورد دست درازی غرب، توصیه در خصوص هوشیاری در مورد دخالت های ابرقدرت ها در امور سیاسی و اجتماعی

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۳۰۳.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۲۴.

۳. همان، ص ۶۶.

جوامع، توانایی امت اسلامی در قیام علیه استکبار و رفع اختلاف سران کشورهای اسلامی به عنوان راه های نجات از چنگ استعمار اشاره نمودند و همواره بر هوشیاری و اتحاد امت اسلامی تأکید داشتند. از سوی دیگر مقام معظم رهبری^(دامت برکاته) نیز همواره بر کینه‌ورزی همدستان استکبار با شیوه های فرهنگی علیه اسلام تأکید نموده و بر خصوصیات جهان‌خوارانه استکبار جهانی، به‌ویژه آمریکا هشدار داده‌اند. نکته بسیار مهم در بیانات ایشان توجه به حسد و کینه ای است که غرب نسبت به بیداری اسلامی دارند.

جمع‌بندی

اگرچه امپریالیسم در اشکال مختلف خود در طول تاریخ وجود داشته است، اما امپریالیسم در معنای جدید آن به گسترش سیطره کشورهای پیشرفته اروپایی بر جهان در ۵۰۰ سال اخیر اطلاق می‌شود. فرایند هجوم امپریالیستی که بیشتر از سوی کشورهای غربی صورت گرفت، از یک سو هم به توسعه اقتصادی این کشورها کمک کرد و از سوی دیگر بسیاری از مناطق جهان را به فقر کشاند.^۱

جوهره امپریالیسم، بهره‌کشی و استثمار سرزمین‌های دیگر است که هم‌اکنون نیز از راه حفظ وابستگی‌های اقتصادی ادامه یافته و به آن امپریالیسم نو می‌گویند.^۲ اگرچه امپریالیست‌ها معتقد بودند هدفشان

۱. ر.ک: جامعه‌شناسی، آنتونی گیدنز، ترجمه منوچهر صبوری، ص ۵۶۹.

۲. ر.ک: امپریالیسم، هاری مگراف و تام کمپ، ترجمه مقتدر، ص ۲۱.

گسترش تمدن و رساندن دستاوردهای آن به مردمانی با نژاد و فرهنگ پست تر است، ولی در بنیاد این احساس رسالت، برای تمامی بشریت ایمان به برتری نژادی، مادی و فرهنگ نژادهای سفید وجود داشت.

با ظهور نظریه مارکسیسم و در پی آن روی کار آمدن بلشویک‌ها^۱ در شوروی و قدرت یافتن آنها، قطب جدیدی به امپراتوری‌های جهان افزوده شد که اگرچه به صورت بلوک واحدی در مقابل آمریکا و غرب ایستاد، ولی خود تبدیل به یکی از کشورهای قدرتمندی شد که همواره به دنبال نفوذ در کشورهای جهان سوم و ضعیف‌تر بود.

پرواضح است که هدف اصلی کشورهای استعماری در دوره‌های مختلف، دسترسی به منابع غنی کشورهای جهان سوم و مسلمان بوده است. نکته مهم در اینجا این است که از آنجایی که فرهنگ اسلامی، با سلطه دشمنان و بیگانگان کنار نمی‌آید، این کشورها در اولین فرصت، فرهنگ و رسوم اسلامی را هدف قرار دادند و تا جایی که توانستند به ریشه‌زنی این تمدن پرداختند. برخی از تلاش‌های آنان عبارت‌اند از رواج خرافه‌گرایی، وارد کردن کالاها و فرهنگ‌های مادی‌گرایانه، روی کار آوردن حکام دست‌نشانده و تکه‌پاره کردن کشورهای بزرگ اسلامی. آنان با این سیاست سنجیده، تا حدود زیادی ساختارها و نهادهای مختلف

۱. بلشویک‌ها (Bolshevik) که در زبان روسی به معنای «اکثریت» است، دسته‌ای از حزب کارگر سوسیال دموکرات مارکسیستی روسیه بودند که به رهبری «لنین» از دسته منشویک‌ها (Menshevik) به معنای «اقلیت» جدا شده و حزب کمونیست شوروی را تشکیل دادند.

جوامع هدف خود را تغییر داده و با پروراندن جیره‌خوارانی از همان کشورها، دست به غارت سرمایه‌های این سرزمین‌ها زدند. سیاست استعماری و امپریالیستی این دولت‌ها از راه‌های گوناگونی همچون حمله نظامی، هجوم‌های فرهنگی و غیره صورت می‌پذیرد.

دولت‌های قدرتمند برای حمایت نظری اعمال خود در کشورهای اسلامی و جهان سوم، دست به پروراندن اندیشمندانی در همین زمینه زدند و با باب کردن تئوری‌های نوسازی^۱، حضور خود را در کشورهای جهان توجیه می‌کردند. در همین ارتباط، اندیشمندان نوسازی معتقدند که راه برون‌رفت از عقب‌ماندگی کشورهای جهان سوم و اسلامی، پیروی از غرب است.

با به وجود آمدن نظریه‌های وابستگی، اندیشمندان این حوزه که خود افرادی برآمده از جهان سوم بودند، علت عقب‌ماندگی فرهنگی و اقتصادی جوامع را ارتباط با کشورهای قدرتمند و حرکت سرمایه از این کشورها به کشورهای متروپل یا مادر دانستند. این در حالی است که قطع این رابطه می‌تواند به انباشت سرمایه در کشورهای جهان سوم بینجامد و باعث رونق اقتصاد این کشورها شود.

بر همین اساس است که بدینی معقولی همواره نسبت به غرب در ذهن اندیشمندان اسلامی وجود داشته است. در همین راستا حضرت امام خمینی علیه السلام با تئوریزه کردن اهداف، نیت‌ها، حرکت‌ها و کنش‌های

1. Modernization.

دولت های استعماری و امپریالیستی، پای اجانب را از ایران کوتاه کرده و نقشه راه روشنی برای سایر مسلمانان ترسیم کردند. ایشان با تأکید بر عهد بستن با خداوند برای رجم ابرقدرت ها، هشدار درخصوص سهل انگاری ملت های اسلامی و رخنه فرهنگ غربی، رفع اختلاف سران کشورهای اسلامی، مبارزه تا نابودی دشمنان، هوشیاری ملت های آزاده در برابر استعمار و اجتناب از غرب زدگی، قدرت مسلمانان را گوشزد کرده و اتحاد آنها را رمز بقای اسلام می دانستند. ایشان همچنین فقر و وابستگی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی امت اسلامی را ناشی از ارتباط با غرب و استکبار جهانی می دانستند.

در همین راستا مقام معظم رهبری، همواره در مورد قدرت پوشالی استکبار و بی توجهی غرب به حقوق بشر و صلح هشدار می دهند و توده های مردم را عامل ترس قدرت های استکباری دانسته و در راستای روشنگری افکار جوامع اسلامی، نویسندگان و هنرمندان را به هوشیاری دعوت می کنند.

فصل ششم: حج و آسب شناسی امت اسلامی

بررسی موضوع

بسیاری از محققان واژه امت را غیرعربی و از واژه‌های دخیل در قرآن دانسته و اصل آن را اکدی، عبری، سریانی و به صورت کلی وام‌گرفته از زبان‌های مردمان ساکن در میان‌رودان و سومر دانسته‌اند که در این زبان‌ها به معنی گروهی از مردم یا قوم، قبیله و نژاد به کار می‌رفته است.^۱

امت در عصر جاهلیت، اشاره به گروهی از افراد داشت که در مورد یک عقیده یا آرمان با هم اشتراک نظر داشتند. پس از ظهور اسلام، این مفهوم ناپخته به صورتی منسجم و در معنایی قوام‌یافته‌تر رواج یافت. امت، اشاره به گروهی از آدمیان دارد که بر اساس دین و احکام اسلامی و تحت رهبری دینی، متحد شده و اقدام به تشکیل یک جامعه

1. Refer to: The Foreign Vocabulary of the Quran, Jeffery Arthur, www.Mehdi-azaiez.Org/The-Foreign-Vocabukary-of-the-Qur.

اسلامی جهان شمول می‌کنند. عمید زنجانی در کتاب «فقه سیاسی»، پس از بیان اهمیت انتخاب واژه و تعبیر امت – که در معنای خود مفهوم هدایت شدن و در نتیجه نیاز به راهبر و امام را دارد – به این مسئله اشاره کرده است که:

در فرهنگ اسلامی، پیوند اساسی و مقدس افراد انسانی بر پایه اشتراک در خون و نژاد یا خاک و سرزمین و نیز تجمع و اشتراک در یک مقصد و آرمان (به هرگونه که باشد) و نیز بر اساس اشتراک در منافع طبقاتی نیست؛ بلکه اساسی‌ترین عامل وحدت و پیوند اجتماعی، حرکت مشترک مردم بر راه مشخصی است که آگاهانه در جهت معینی انتخاب کرده‌اند و رهبری مشترک، لازمه این نوع وحدت اجتماعی است.^۱

اگرچه در قرآن، این مفهوم برای غیرمسلمانان نیز به کار رفته است و همچنین در منشور مدینه، در مورد تمام ساکنان اولیه این شهر اعم از مسلمانان، یهودیان و مسیحیان به کار رفته است، ولی بعدها دایره مفهومی آن به جامعه دینی و معتقدان مسلمان محدود شد.^۲

فتوحات سپاه اسلام در سال‌های بعد، این مفهوم را به نوعی دوانگاری خاص در قالب «دارالاسلام» و «دارالکفر» سوق داد. در این دوانگاری، مردمان مسلمان در بخش دارالاسلام قرار گرفتند و غیرمسلمانان نیز دارالکفر را تشکیل دادند که در صورت دشمنی و مبارزه

۱. ر.ک: فقه سیاسی، عمید زنجانی، ج ۲، ص ۳۰۲.

2. Refer to: The Encyclopedia of religion, Mircea Eliade andj. Adams Charles.

با مسلمانان به «دارالحرب» تبدیل می‌شدند.^۱

از آغاز، امت اسلامی به صورت هم‌زمان دو بعد مهم داشت. از یک طرف یک جامعه سیاسی بود که بعدها به دولت و امپراتوری ترقی کرد و از طرف دیگر یک اجتماع دینی بود که از سوی شخص پیامبر ﷺ بنیان‌گذاری شده و اداره می‌شد. پیامبر ﷺ، مدل‌های سیاسی و نظام‌های قبیله‌ای را دستخوش تغییر و تحول وسیع قرار داد و امت را مهم‌ترین ساختار سیاسی لحاظ کرد.

در ابتدا دولت و حکومت، همان نهاد دینی بود و مانند امپراتوری روم و کلیسای مسیحی — که هر کدام در حوزه مخصوص خودشان فعالیت می‌کردند — دو ساختار جدا از هم نبودند؛ بلکه دین و حکومت در کنار هم قرار داشتند، به گونه‌ای که هیچ کدام بدون دیگری نمی‌توانست رشد و ترقی کند. از این رو، اسلام پایه و بنیان بوده و دولت و حکومت، پاسدار آن؛ در نتیجه اگر پایه و اساس نباشد، امکان فروپاشیدگی وجود دارد و اگر نگهبان و پاسدار نباشد، امکان هلاکت و نابود شدن.

عده ای از مستشرقان با امعان نظر به آیات قرآن و بررسی تاریخ صدر اسلام که در آن خود پیامبر ﷺ رهبری دینی و سیاسی را بر عهده داشت، به رهبری واحد امت اسلامی اشاره می‌کنند و عقیده بیشتر مسلمانان را به همین شکل می‌دانند.

مارژورکلی معتقد است:

پیامبر ﷺ به مدت ۱۲ سال از دوران زندگی‌اش را رهبر امت بوده و

۱. رک: برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، هانتینگتون، ترجمه محمدعلی حمید رفیعی، ص ۴۲۲.

مسئولیت‌های آن را برعهده داشته است. اتحاد و وحدت بین امت و رهبری آن، عقیده ای بود که بیشتر مسلمانان آن را پذیرفته بودند و خود مسلمانان نیز شاهد بودند که در زمان حضور حضرت، رهبری امت اسلامی تنها اختصاص به ایشان داشت. پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز این عقیده در میان ایشان باقی ماند و بر این امر مهم توافق کردند که جامعه مؤمنان، هرگز نباید به چند بخش سیاسی و دینی تقسیم شود.^۱

از نگاه امام خمینی علیه السلام از یک سو پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آخرین برنامه الهی را برای تمام افراد بشر در همه زمان‌ها و مکان‌ها به کل جامعه بشری عرضه کرده است و از سوی دیگر، امام زمان علیه السلام، منجی و مصلحی برای یکپارچه کردن کل انسان‌ها در زیر پرچم اسلام است. بنابراین، از دیدگاه دینی، سیاست فرامرزی (تشکیل امت واحده جهانی) امام علیه السلام، بی گمان این آرمان نهایی را داراست که در کوتاه‌مدت، تمام جهان اسلام و در درازمدت، تمام جهان، زیر پرچم اسلام (حکومت اسلامی) در آیند.^۲

ماهیت و آسیب‌شناسی امت اسلامی از دیدگاه حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری

در بحث ماهیت و آسیب‌شناسی مشکلات امت اسلامی، بیانات حضرت امام خمینی علیه السلام شامل دو بخش است: بخش اول در مورد توجه نکردن ملت‌های اسلامی به مسائل یکدیگر؛ مانند ظلمی که در حق ایران

1. Refer to: International Journal of Middle East studies, "Islam: The Religious and Political life of world community". Volume 20, Issue 4, p.p 56 - 65.

۲. ر.ک: امام خمینی و نظم سیاسی بین الملل، ص ۳۱۲.

می‌رود. امام علیه السلام این بی‌توجهی را در حمله دردمنشانه صدام حسین به ایران، به ملت‌های اسلامی منطقه گوشزد نمودند. در این شرایط حضرت امام علیه السلام در بیانات خویش این بی‌توجهی را نکوهش کرده و امت اسلامی را به توجه در مورد این جنایت فراخواندند: «اکنون ای مسلمین جهان، در امر ایران اهتمام کنید و ناله یک ملت سی‌میلیونی مستضعف را به جهانیان برسانید».^۱

ایشان در بخش دوم بر نبود وحدت میان مسلمانان جهان و استفاده نکردن از قدرت عظیم اسلامی تأکید دارند. اینها مشکلاتی است که امت اسلامی گرفتار آن است و به اعتقاد ایشان، این مسائل باید در پناه خانه خداوند حل شوند.

ایشان در بیانات خویش تفرقه و جدایی ملت‌های مسلمان را عامل به وجود آمدن همه مشکلات جهان اسلام می‌دانستند:

مشکل مسلمین همین است که اختلاف انداخته اند بینشان و بعد از جنگ عمومی، این نقشه کشیده شد و قدرت اسلام را دیدند و نقشه کشیده شد و دولت‌های اسلامی را از هم جدا کردند و مسلمین را با هم مخالف کردند و دولت‌های اسلامی با هم دشمن شدند. این مشکلی است که حل باید بشود. این مشکلی است که در روز عید و در روز عرفه در پناه خانه خدا باید حل بشود. این مشکلی است که سران قوم، مجتمع بشوند در مکه معظمه، امر خدای تبارک و تعالی را اطاعت کنند و با هم در آنجا اجتماع کنند و با هم مشکلات

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۷.

خودشان را در میان بگذارند و غلبه کنند بر مشکلات خودشان. اگر یک همچو امری واقع بشود، احدی از قدرت ها نمی تواند با شما مقابله کند. شما مسلمین همه چیز دارید. شما مسلمین قدرت اسلام دارید که بالاترین چیزهاست، بالاترین سلاح هاست.^۱

به عقیده بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، تفرقه ای که دولت های استعماری میان مسلمانان ایجاد کرده اند، باید به اتحاد و همدلی تبدیل شود. این مسئله همواره جزء نگرانی های حضرت امام علیه السلام بود.

بیداری و بصیرت مسلمانان جهان، از چنان اهمیتی برای حضرت امام علیه السلام برخوردار بود که ایشان در موسم حج از مسلمانان می خواستند که برای بیداری امت اسلامی، صمیمانه دست به دعا بردارند:

دست تضرع پیش خدای تبارک و تعالی بلند می کنیم که مسلمین بیدار بشوند؛ حکومت های اسلامی بیدار بشوند. حکومت های اسلامی توجه کنند به اینکه مشکلاتشان را رفع کنند، این وابستگی خودشان را به ابرقدرت ها بردارند از میان، مستقل بشوند، خودشان باشند، خودشان اداره کنند ممالک خودشان را.^۲

ایشان موسم حج را به توجه به پیام حقیقی حج دعوت می کردند و از مسلمانان می خواستند جهاد با نفس و مبارزه با کفر و شرک را از یاد نبرید:

زائران عزیز، از بهترین و مقدس ترین سرزمین های عشق و شعور و

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۶۰.

۲. همان، ص ۶۲.

جهاد به کعبه بالاتری رهسپار شوند و به امتی شکست‌ناپذیر و بنیانی مرصوص مبدل گردند که نه ابرقدرت شرق یارای مقابله آنان را داشته باشد، نه غرب که مسلماً روح و پیام حج چیز دیگری غیر از این نخواهد بود که مسلمانان، هم دستورالعمل جهاد با نفس را بگیرند و هم برنامه مبارزه با کفر و شرک را.^۱

گلایه همیشگی حضرت امام علیه السلام از سکوت امت اسلامی در مورد مسائل و مشکلات جهان اسلام، دل هر انسان آزاده‌ای را به درد می‌آورد: مسلمین را چه شده است که در این مسائل که مربوط به اسلام است و مربوط به حیثیت مسلمین است ساکت نشسته‌اند ... لکن تأسف دارد که مسلمین بی‌توجه هستند به این مسائل اسلامی، بی‌توجه هستند به قرآن کریم.^۲

در این خصوص آنچه بیش از همه مورد توجه حضرت امام علیه السلام بود، دولت‌های اسلامی بودند که کوتاه‌بینانه بیانات حضرت امام علیه السلام را بیاناتی در مورد ایران و مردم ایران می‌دیدند؛ در حالی که همواره مخاطب حضرت امام علیه السلام امت اسلامی بود:

چرا باید دولت‌های اسلامی توجه به مسائل اجتماعی و سیاسی اسلام نداشته باشند؟ چرا باید ممالک اسلامی توجه نداشته باشند که نقطه نظر آنها اسلام است، نه ایران. ملت‌ها همه توجه دارند؛ چرا دولت‌ها توجه ندارند؟ تا کی باید ما و دولت‌های ما تحت سلطه اجانب باشیم؟

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۹۹.

۲. همان، ص ۶۸.

تا کی باید مستشاران آمریکا و شوروی به ما حکومت کنند؟ تا کی باید یک گروهان شوروی، یک گروهان انگلیسی، یک گروهان آمریکایی بیاید و به ارتش ما حکومت کند؟ ما آنها را بیرون کردیم، شما هم بیرون کنید، سایر ممالک اسلامی هم بیرون کنند. ما آن هایی که تشتت ایجاد می کنند در ایران، به جای خودشان نشانده ایم و می نشانیم. سایر ممالک اسلامی هم مکلف اند به اینکه آنهایی که بر خلاف اسلام، بر خلاف دستور قرآن، بر خلاف دستورات نبی اسلام ایجاد تشتت می کنند، آنها را بگیرند و بیرون کنند و از بین ببرند. چرا نشسته ایم ما؟ چرا مسلمین نشسته اند؟ چرا نهضت نمی کنند؟ چرا قیام نمی کنند مسلمین بر ضد مستکبرین؟ چرا مستضعفین جهان قیام نمی کنند بر ضد مستکبرین؟ سیاه های آمریکا ما را تأیید کردند، لکن دولت های اسلامی اکثراً تأیید نکردند.^۱

از جمله مسائلی که حضرت امام علیه السلام حساسیت زیادی بر سر آن داشتند و به هیچ وجه حاضر به گفت و گو در مورد آن نبودند، مسئله ملت آواره فلسطین بود. مصیبتی بزرگ که ملت های مسلمان و حکام کشورهای عربی، کاملاً به آن بی توجه اند:

مصیبت بزرگ و فاجعه عظیمی که همه مصیبت ها و فاجعه ها پیش آن ناچیز است، آن است که مشتی تروریست صهیونیست بی حیثیت، به بدترین وجه بر مسلمانان تاخت و تاز کنند. مسلمانانی که دارای آن همه امکانات معنوی و مادی هستند که با یک تشر

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۶۹.

می‌توانند آمریکا را از منطقه عقب برانند، تا چه رسد به اسرائیل. ما نه‌فقط برای آوارگی یک عده مظلوم که از سرزمین‌های خود رانده شدند و پناهگاهی ندارند در سوگ و عزا هستیم، که مصیبت بزرگ آن است که این جنایت‌ها به دست اسرائیل در مرئی و منظر دولت‌های مدعی اسلام انجام می‌شود.^۱

تأسف حضرت امام علیه السلام از ناتوانی امت اسلامی نیست، بلکه از توانایی مادی و معنوی امت اسلام است که شوربختانه از این توانمندی هیچ استفاده‌ای نمی‌شود. فریادهای بنیان‌گذار انقلاب اسلامی بر سر مسلمانان منطقه و آزادگان جهان، برای رهایی ملت مظلوم و ستم‌دیده فلسطین، چنان رسا بود که باعث قوت قلب مردم فلسطین و پاره‌ای از ملت‌های منطقه برای حمایت از این مردم شده است.

حضرت امام علیه السلام بارها در بیانات خویش قدرت غرب و آمریکا را قدرتی پوشالی و ناچیز خواندند و امت اسلام را دعوت به مبارزه نمودند:

ملت‌ها خوف نداشته باشند که آمریکا چه می‌کند، اینها طبل توخالی هستند، فریاد می‌زنند و عمل نمی‌کنند. شما ببینید آمریکا راجع به تروریست‌ها که همه و ما با آن مخالفیم، چه گفت و چه کرد؛ مرتب دنبال این بودند آنها را به یکی از کشورهای مخالف خود بچسبانند که نتوانستند. و تشرهای اینها توخالی است و هیچ خبری نمی‌شود و ملت‌ها نباید بترسند و باید راه خودشان را طی کنند و

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۰۲.

اسلام و خدا پشתיبان آنان است و کسی که خدا پشתיبان اوست، نباید از چیزی خوف داشته باشد. امیدوارم خداوند ما را موفق فرماید که تابع دستورات او باشیم.^۱

به اعتقاد حضرت امام علیه السلام، قدرت امت اسلام آن قدر زیاد است که آمریکا و غرب برای از بین بردن آن، دسیسه‌ها چیده‌اند. با دریغ باید گفت، خود ملت‌های اسلامی نیز از این قدرت بی‌خبرند؛ بنابراین امت اسلامی باید بیدار شود و حج فرصت بسیار مناسبی برای بیداری اسلامی است. به اعتقاد حضرت امام علیه السلام، تمامی گرفتاری مسلمانان به سبب منحرف شدن امت اسلامی از مسیر اصلی و اسلامی آنان است:

چرا باید بیش از یک میلیارد مسلمین تحت فشار دو تا قدرت چندصد میلیونی باشند. تمام گرفتاری‌ها برای این است که مسلمین را از آن راهی که اسلام دارد، منحرف کرده‌اند.^۲

مقام معظم رهبری نیز مانند حضرت امام خمینی علیه السلام بر مسائلی همچون گرفتاری‌های امت اسلامی، دسیسه‌های غرب و آمریکا برای کاستن قدرت اسلام، نبود اتحاد میان ملت‌های اسلامی، مسئله فلسطین، ناکارآمدی حاکمان اسلامی و نظام‌های سیاسی کشورهای اسلامی تأکید می‌کند. از سوی دیگر تکیه مقام معظم رهبری بر توانمندی خفته امت اسلامی، تلاش برای بیداری امت اسلامی، توکل به نیروی الهی و قدرت خداوند و درس‌گیری از الگوی مترقی حج، راه‌کارهایی است که

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۵۵.

۲. همان، ص ۱۱۴.

می‌توانند امت اسلام را از وضع کنونی نجات دهند.

به اعتقاد ایشان آرزوی بزرگ مکتب اسلام، تشکیل امت واحد

اسلامی است که کمال و سعادت بشری در سایه آن تحقق می‌یابد:

تشکیل امت واحده‌ای که ناصیه عبودیت بر درگاه ربوبیت و
وحدانیت می‌ساید، همان آرزوی بزرگ اسلام است و همان است
که در سایه آن، نیل به همه کمالات فردی و جمعی مسلمین میسر
می‌گردد و همان هدفی است که جهاد اسلامی برای تحقق آن
تشریح شده و هر یک ۰ و فرایض اسلامی، بخشی از آن را
زمینه‌سازی و تأمین می‌کند.^۱

اگر بخواهیم وضعیت امت اسلامی را از نگاه مقام معظم رهبری
آسیب‌شناسی کنیم، نخست به وضعیت نظام‌های سیاسی عقب‌مانده
ملت‌های اسلامی می‌رسیم؛ نظام‌هایی که از گذشته تاریخی خود بریده‌اند
و دچار ضعف و ناکارآمدی هستند:

مداقه در نظام‌های سیاسی و وضع دولت‌های اغلب این کشورها که
در آن همه چیز حاکی از احساس حقارت و ناتوانی است، روشن
می‌سازد که از مهم‌ترین علت‌های این وضع، بیگانگی و بریدگی
این کشورها و ملت‌ها از گذشته‌های تاریخی خود و مجد و عظمتی
است که از ورای قرن‌ها می‌تواند هر انسان ضعیف و نومید را به
حرکت و تلاش امیدوارانه سوق دهد.^۲

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۶۰.

۲. همان، ص ۶۳.

در ادامه به پاره ای از مشکلاتی که در بیانات مقام معظم رهبری منعکس شده است اشاره می‌کنیم:

- اختلافات فرقه‌ای که بیشتر از سوی عالمان بی‌کفایت و نویسندگان مزدور، ترویج و تشدید می‌شود؛

- اختلافات قومی و ملی ناشی از ملی‌گرایی افراطی که بیشتر به دست روشنفکران وابسته دامن زده می‌شود؛

- تسلیم شدن در برابر قدرت‌های مداخله‌گر؛

- تسلیم شدن در برابر فرهنگ فاسد غرب و حتی ترویج آن با انگیزه‌های سیاسی یا عقیدتی؛

- بی‌اعتقادی و بی‌اعتنایی برخی از دولت‌ها به اراده، عقیده و نیازهای مردم و خودکامگی در برابر آنان؛

- ترسو بودن بسیاری از شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی دنیای اسلام؛

- حضور دولت غاصب صهیونیستی در قلب منطقه اسلامی؛

- ترویج جدایی دین از سیاست و معرفی اسلام به عنوان یک تجربه فردی؛

اینها و ده‌ها مشکل اساسی دیگر که در صورت اخلاص و آزادگی رهبران سیاسی و دینی علاج می‌شد، منشأ گرفتاری‌های کنونی جهان اسلام شده و در پی خود، فقر، جهل، تبعیض، فرودستی سیاسی، عقب‌ماندگی، جنگ، ویرانی، خرافه و تعصب به ارمغان آورده است.^۱

۱. ر.ک: صحیفه حج، ج ۲، ص ۱۸۸.

به اعتقاد مقام معظم رهبری، متأسفانه وضع کنونی جهان اسلام و امت بزرگ اسلامی، وضع اسف‌باری است:

وضع کنونی جهان اسلام و حوادث محنت‌باری که در هر گوشه آن، زندگی را بر میلیون‌های اسلامی تلخ و دشوار کرده است، فاجعه بی‌نظیر فلسطین مغضوب، محنت تاریخی مسلمانان بالکان، اوضاع کشمیر و افغانستان، اوضاع انفجارآمیز خلیج فارس، وضع اقلیت‌های مسلمان در برخی از کشورهای اروپایی، همه و همه شواهد گویای این حقیقت تلخ‌اند.^۱

با توجه به این اوضاع فاجعه‌بار، مقام معظم رهبری همه چیز را تمام‌شده نمی‌دانند؛ ایشان فرهنگ امت اسلامی را ریشه‌دار می‌دانند که سرچشمه آن آموزه‌های والای قرآنی و سیره نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است:

این مجموعه که نامش امت اسلامی است، دارای فرهنگی غنی با میراثی زخار و همراه با شکوفایی و درخشندگی استثنایی است و در عین تنوع و گوناگونی گسترده، از وحدت و هم‌آهنگی شگفت‌آوری بهره‌مند است که از احاطه و نفوذ اسلام و توحید خاص و خالص آن در همه اجزاء و ارکان و زوایایش، پدید آمده است. این ملت‌های برادر و همدل که از نژادهای سیاه و سفید و زرد تشکیل شده و به ده‌ها زبان سخن می‌گویند، همه خود را اجزای برابر امت بزرگ اسلامی می‌دانند و به آن افتخار می‌کنند و همه روزه به یک مرکز رو کرده با یک زبان خدا را نیایش کرده، از یک کتاب آسمانی درس و

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۲۰۸.

الهام می‌گیرند. و آن کتاب آسمانی متضمن تبیین همه حقایق و مشتمل بر دستور همه نیازها و تکالیف آنهاست.^۱

بر اساس بیانات مقام معظم رهبری، آگاهی امت اسلامی از این توانمندی‌های بزرگ، می‌تواند راه را بر امت اسلامی هموار سازد و تشکیل امت اسلامی آرزوشده را نزدیک‌تر کند. شرط پیروزی امت اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری این است که از توجه و عمل به آموزه‌های اسلامی نترسند، ملاحظه‌کاری نکنند و از عنوان بنیادگرایی، ترس به دل راه ندهند:

مسلمین، به‌خصوص جوامعی که نسیم آزادی و قیام الله بر آن وزیده و بالاخص علما و روشنفکران و پیش‌گامان آنان، باید مراقب باشند که در این دام نیفتند؛ از عنوان بنیادگرایی نترسند؛ از تهمت ارتجاع و سنت‌گرایی آشفته نشوند؛ برای راضی کردن دشمنان خبیث و حسابگر، از اصل اسلامی خود، از احکام نورانی اسلام، از تصریح به هدف‌های جامعه دینی و نظام توحیدی، تبری نجویند و به سخن خدا گوش فرا دهند.^۲

این همان راه نجات‌بخش امت اسلامی است که در بیانات مقام معظم رهبری منعکس شده است. به عقیده مقام معظم رهبری، بی‌گمان اگر ملت‌های مسلمان دست‌گیر هم باشند، خداوند آنها را یاری می‌دهد: «ملت‌های مسلمان بدانند که اگر با هم باشند، دست خدا با آنهاست و دست خدا مقتدرتر از هر پدیده قدرتمند در عالم وجود است».^۳

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۱۸۷.

۲. همان، ص ۶۷.

۳. همان، ص ۲۱۰.

از جمله مسائلی که مقام معظم رهبری درمندان به آن می‌نگرند، مسئله فلسطین و مردم مبارز این منطقه است. ایشان امت اسلامی را به بیداری در این خصوص دعوت می‌کند و از ظلم و قساوتی که در حق این ملت روا داشته می‌شود، غمگین هستند:

امروزه که قیام خونین اسلامی متکی به توده های مردم در سرزمین فلسطین، خطر واقعی و جدی را به اشغالگران بی‌وجدان و بیگانه از انسانیت و بی‌محابا از جنایت گوشزد می‌کند، شیوه های دشمن از همیشه پیچیده‌تر و هشداردهنده‌تر است و مسلمین در سراسر جهان باید مسئله را از همیشه جدی‌تر بگیرند و برای آن فکری و کاری بکنند، و این است خبر تازه امروز.^۱

در نگاه مقام معظم رهبری، آنچه در این اوضاع می‌تواند نقش کانونی داشته باشد و امت اسلامی را به بیداری فراخواند، مراسم روحانی و سیاسی - اجتماعی حج است؛ الگویی که سعادت دنیوی و اخروی در آن جاری است:

- امت اسلامی در چنین اوضاع حساس و خطیری بیش از همیشه به درس‌گیری از الگوی حج نیاز دارد؛ حرکت و نهضتی هدفمند و آگاهانه و متنوع و همگانی، در سمت هدف های قرآنی و بر صراط مستقیم اسلام.^۲

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۶۸.

۲. همان، ص ۳۰۴.

— مسلمانان جهان با درست شناختن و به راستی قدر دانستن این سرمایه بزرگ، قادر خواهند بود که تحولی حقیقی در زندگی خود پدید آورند و کشورهای اسلامی را از ضعف و وابستگی و عقب ماندگی و انحطاطی که امروزه بدان دچارند، نجات بخشند.^۱

جمع بندی

مخاطب دیدگاه‌ها و اندیشه‌های حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری، بی‌گمان در وهله اول، امت اسلامی و پس از آن، ملت‌های دربند دیگر نقاط جهان است. تئوری‌رهایی امت اسلام از ستم قدرت‌های داخلی و خارجی که خود در عرصه‌های مختلف ستم فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نمود می‌یابد، از نقاط برجسته بیانات حضرت امام علیه السلام و رهبر معظم بوده است.

تجربه پیروزی انقلاب اسلامی که با فداکاری مردم و هدایتگری حضرت امام خمینی علیه السلام رخ داد، الگویی است که حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری، برای رهایی سایر امت اسلامی ترسیم و ارائه داده‌اند. ایشان به تفرقه، جدایی و یکپارچه نبودن امت اسلامی آگاهی داشته و نقطه ضعف‌ها و نقاط قوت جوامع اسلامی را به خوبی شناسایی و معرفی نموده‌اند. در ادامه، پاره‌ای از هدایتگری‌های روشنگرانه و دیدگاه‌های حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری در خصوص امت اسلامی را به اختصار شرح می‌دهیم.

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۲۴۱.

پاره‌ای از دیدگاه‌های حضرت امام علیه السلام در خصوص مشکلات امت اسلامی و راه‌های برون‌رفت از این مسائل، بدین شرح است:

- مشکل مسلمانان، اختلاف و تفرقه است؛
- دست تضرع پیش خدای تبارک و تعالی بلند می‌کنیم که مسلمانان بیدار شوند؛

- مسلمانان به مسائل جوامع اسلامی بی‌توجهی می‌کنند؛
- مصیبت بزرگ امت اسلامی، جنایت‌های رژیم اسرائیل است؛ چراکه باهم متحد نیستند؛

- مسلمانان باید بدانند که تمام توطئه‌ها و نقشه‌های آمریکا، برای اسلام‌زدایی است؛

- مسلمانان را از راه اسلام منحرف کرده‌اند؛
- ملت‌ها از آمریکا نترسند؛
- جهان اسلام باید به پیام حج توجه کند.

در همین راستا پاره‌ای از دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در خصوص مشکلات امت اسلامی و راه‌های برون‌رفت از آن را در ادامه ذکر می‌کنیم:

- تشکیل امت واحد، آرزوی بزرگ اسلام است؛
- وضعیت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی کشورهای مسلمان، ناشی از نظام‌های سیاسی آنهاست؛

- مسلمانان جهان از اصل اسلامی خود (وحدت) دوری نکنند؛
- امت اسلامی به درس‌گیری از الگوی حج نیاز دارد؛

- امت اسلامی، فرهنگی غنی با میراثی عظیم، همراه با شکوفایی و درخشندگی استثنایی دارد؛
- ملت‌های مسلمان بدانند که اگر با هم باشند، دست خدا با آنهاست؛
- مسلمانان در سراسر جهان باید مسئله فلسطین را از همیشه جدی‌تر بگیرند.

فصل هفتم: نقش عالمان و اندیشمندان اسلامی در بازگشت به ارزش‌های اصیل حج

بررسی موضوع

از آنجایی که عالمان و اندیشمندان اسلامی، نقش مهمی در ترویج آموزه‌های دینی، بیداری اسلامی، هدایتگری مردم و حتی بسیج مردم علیه طاغوت‌های زمان دارند، فصلی مجزا را بدان اختصاص دادیم. مسئله فصل حاضر این است که عالمان و اندیشمندان اسلامی، به‌راستی چه ویژگی‌هایی دارند؛ چگونه نقش خود را ایفا می‌کنند و در کلام حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری چه جایگاهی دارند. جهت پاسخ به این پرسش‌ها، طرح مقدمه‌ای ضروری است.

جامعه‌پذیری به معنای همسازی و هم‌نوایی فرد با ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های گروهی اجتماعی است. اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری، فراگردی است که در آن، هر فرد، دانش و مهارت‌های اجتماعی لازم برای

مشارکت مؤثر و فعال در زندگی اجتماعی را کسب می‌کند. مجموعه این ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌ها، دانش‌ها و مهارت‌ها، فرد را قادر می‌سازد که با گروه‌ها و افراد جامعه، روابط و کنش‌های متقابل داشته باشد. فراگرد اجتماعی شدن، امری مستمر و به اعتباری همیشگی است.

به طور کلی فرایند انتقال ارزش‌ها و هنجارها از طریق خانواده، مدرسه و عرصه عمومی جامعه، شامل رسانه‌ها، گروه‌های هم‌رده، گروه‌های مرجع و... به انجام می‌رسد. نهاد آموزش، نهاد خانواده و نهاد دین، مهم‌ترین حضور را در انتقال ارزش‌ها و هنجارها به عهده دارند.

از آنجایی که نهاد آموزش و خانواده در بیشتر جوامع، تحت تأثیر تبلیغات و برنامه‌ریزی‌های دولت قرار دارند و در جهت برنامه‌های یادشده حرکت می‌کنند، تنها نهاد دین می‌تواند نقش هدایتگری حقیقی افراد را بر عهده بگیرد. بر همین اساس است که دین، رهایی‌بخش و بشارت‌دهنده است؛ چراکه هدف، برنامه و دورنمای دین، مقید به چارچوب‌های طراحی‌شده زمانمند بشری نیست.

نهاد دین از طریق انسان‌های ارزشمند و باهوش، آموزه‌های خود را به نسل‌های بعد انتقال می‌دهد. عالمان، اندیشمندان و روحانیان، سکان‌دار آموزه‌های دینی در زمان غیبت امام عصر علیه السلام هستند. بر همین اساس نهاد مذهب و در پی آن عالمان، از گذشته‌های دور در ایران نقش ویژه‌ای را ایفا می‌کردند؛ تا جایی که به اعتقاد یکی از ایران‌شناسان: «آنچه که انسجام جامعه را حفظ می‌کرد، اسلام بود».^۱

۱. نظریه دولت در ایران، آن. کی. اس. لمبتون، ترجمه چنگیز پهلوان، ص ۱۴۰، تهران، نشر گیبو، چاپ دوم، ۱۳۷۹.

از آغاز قرن دهم شمسی، این نقش به اسلام شیعی واگذار شد و در این راستا، روحانیان محور ارتباطی بین مذهب و مردم قرار گرفتند و کارهای ویژه‌ای مانند تصدی موقوفات، مدارس دینی، محاکم شرعی و برخی امور دیوانی و دفتری به این نهاد واگذار شد. همچنین از آن جایی که روحانیت تشیع، امر حکومت و دخالت در سیاست را دور از صلاحیت ذاتی خود نمی‌داند، در نظام سیاسی نیز نقشی برای خود قائل است؛ چراکه «از لحاظ نظری، ریشه قدرت روحانیت شیعه را باید در اندیشه امامت و غیبت امام آخر علیه السلام و نیابت عامه علما در دوران غیبت جست».^۱

با توجه به کارویژه‌های پیش‌گفته و انسجام و سازمانی که در درون نهاد روحانیت نسبت به دیگر نیروهای اجتماعی وجود داشت، موقعیت ویژه‌ای برای این نهاد فراهم آمد و همین امر موجب شد که «در چندین حرکت ضدبیگانه و ضدحکومتی، نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا نماید».^۲ برجسته‌ترین نقش روحانیت در حرکت‌های انقلابی را می‌توان در جریان شکل‌گیری انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی جست‌وجو کرد.^۳ در ادامه این بحث به اختصار مباحثی را درخصوص نقش و جایگاه عالمان و اندیشمندان اسلامی طرح خواهیم کرد.

۱. جامعه‌شناسی سیاسی، حسین بشیریه، ص ۲۴۱، تهران، نشر نی، چاپ، دوم، ۱۳۷۴.

۲. تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، علیرضا ازغندی، ج ۱، ص ۱۳۰، تهران، سمت، ۱۳۷۹.

۳. ر.ک: «نشریه علوم سیاسی دانشگاه باقر العلوم علیه السلام»، «نقش علما در جامعه‌پذیری سیاسی با تأکید بر انقلاب اسلامی»، مرتضی علویان، ش ۲۱، صص ۲۳۸ و ۲۳۹.

عالمان در تاریخ معاصر ایران

ظهور سیاسی عالمان در تاریخ معاصر ایران، به اوایل قرن نوزدهم میلادی بازمی‌گردد. ضعف دولت قاجار در جنگ‌های ایران و روس، دربار را مجبور کرد از عالمان یاری جوید. بدین ترتیب عالمان فتوای جهاد علیه دولت روس را صادر کردند؛ ولی به دلیل بی‌کفایتی مدیران قاجار، با وجود پیروزی‌های اولیه، این فتواها و شور و هیجان عمومی مردم در جنگ، نتوانست ضعف دولت را جبران کند.

چندی بعد عالمان در ماجرای گریبایدوف، دوباره قدرت خود را به رخ دربار و استعمار کشیدند. در این دوره با طرح گسترده اندیشه ولایت فقیه از سوی عالمان بزرگی چون میرزای قمی، ملا احمد نراقی و کاشف الغطاء، مشروعیت شاهان قاجاری نیز زیر سؤال رفت و بر لزوم نظارت فقیهان بر حکومت تأکید شد. طرح این نظریه را می‌توان رویدادی مهم در روابط عالمان و حکومت محسوب کرد.^۱

نقش عالمان در انقلاب مشروطیت سال‌های ۱۹۰۵ — ۱۹۱۱م، بسیار برجسته به نظر می‌رسد. اتحاد بین دو رهبر مجاهدان تهران یعنی سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبایی در سقوط نخست وزیر وقت، یعنی عین‌الدوله بسیار مهم بود و معمولاً از این اتفاق به عنوان نقطه شروع انقلاب مشروطیت یاد می‌شود. انقلابی که اتفاق افتاد حاصل یک

۱. ر.ک: زمانه، «عالمان دین در آوردگاه مشروطه»، حسین رفیع و سید محمدجواد قربی، ش

قرن مبارزه پرنشیب و فراز بین رهبران روحانی با شاهان سلسله قاجار بود.^۱

پس از سال ۱۹۱۱م، چند تن از عالمان مستقل و بدون ارتباط با نهادهای مذهبی، مانند سیدحسن مدرس و آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی به ترتیب در سال‌های سلطنت پهلوی اول و در دوره پس از جنگ، به تلاش‌های عالمان برای تحقق مشروطیت ادامه دادند. اما علما، به ویژه علمایی که از شأن مرجعیت برخوردار بودند، بسیار منزوی شدند. ده‌ها سال فعالیت سیاسی علما به صورت انفعالی و پراکنده انجام شد و طی آن، بیشتر عالمان به اعلام موضع آشکار در قبال قدرت‌های خارجی بسنده کردند.^۲

برای شناخت نقش و اهداف گروه‌ها و نهادها در تحولات جامعه، اطلاع از زندگی و اندیشه رهبران فکری آن لازم می‌نماید؛ چراکه رهبران در جامعه‌پذیری سیاسی با ابزارها و کارگزارانی که به خدمت می‌گیرند، سعی در تحکیم فرهنگ سیاسی حاکم، تغییر و تحول در فرهنگ سیاسی (در صورت تضاد با آن) یا خلق فرهنگ سیاسی جدید در شرایط زمانی خاص می‌کنند.

با نگاهی به دو سه دهه قبل از انقلاب، با روحانیان برجسته‌ای روبه‌رو می‌شویم که زحمات زیادی برای آگاه کردن افکار عمومی مردم

۱. رک: مطالعات راهبردی، در نیروهای مذهبی در ایران قرن بیستم»، حامد الگار، ش ۱۵، ص ۱۰۹.

۲. رک: «نیروهای مذهبی در ایران قرن بیستم»، ش ۱۵، ص ۱۱۲.

و ساختن یک فرهنگ اصیل و ناب ملی - مذهبی کشیدند. در دوره معاصر، سیدجمال‌الدین اسدآبادی از سلسله‌جنیان نهضت‌های اصلاحی در جهان اسلام به شمار می‌آید. وی هدفش دعوت مسلمانان برای اتحاد و ارشاد آنها به قرآن و اسلام بود. بنابراین وی در بیداری جهان شرق و در جنبش مشروطیت در ایران، نقش بسزایی را ایفا کرد. به دنبال حرکت سیدجمال بود که جنبش تنباکو و صدای مشروطه خواهان از سوی فقیهان دینی شیعه به صدا درآمد و عالمان شیعه خواهان استقلال‌طلبی کشور شدند.^۱ از همین روست که علما و روحانیت به نقش اصیل خود رجعت کرده و سعی در کنترل حکام و هدایتگری مردم دارند.

از جمله مهم‌ترین نقش‌ها و عملکرد ماندگار علمای شیعه، مبارزه با ظلم و استبداد زمان پهلوی بود که عالمان متعهد شیعه با جان فشانی و تلاش خویش و با تکیه به قدرت الهی، توانستند رژیم پهلوی را از کشور بیرون رانده و حکومت جمهوری اسلامی را برپا نمایند. این عظمت و قیام بی نظیر، به برکت و تکیه بر خداوند متعال، رهبری الهی و مردمی حضرت امام خمینی علیه السلام، مجاهدت و هدایت روحانیت و علمای متعهد و اتحاد و یکپارچگی مردم و پیروی آنها از بزرگان و علمای دین بود.^۲ مهم‌ترین پاسخ علما به سیاست‌های رضاشاه، احیا و گسترش حوزه علمیه قم از سوی شیخ عبدالکریم حائری بود. دستاوردهای علمی -

۱. رک: تاریخ نهضت‌های دینی - سیاسی معاصر، علی اصغر حلبی، ج ۲، ص ۲۸۸.

۲. رک: تولد شوم‌ترین مولود تاریخ جهان به نام اسرائیل، حسین شاهد خطیبی، ص ۴.

اجرایی حائری از سوی آیت‌الله بروجردی تقویت و شهر قم به اولین پایگاه آموزش علوم و مبارزه اسلامی تبدیل شد و در مقابل تمایلات و برنامه‌های سکولاریستی رضاشاه مقاومت کرد.^۱

سیری در اندیشه امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری

یکی از مباحثی که حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری در موسم حج بر آن تأکید داشته‌اند، بحث علما، روشنفکران، هنرمندان و نویسندگانی است که برای اسلام و بیداری مسلمانان فعالیت می‌کنند. امام خمینی علیه السلام نقش خاصی برای این قشر از جامعه اسلامی قائل بودند:

بر علمای اسلام و نویسندگان و دانشمندان و هنرمندان و فیلسوفان و محققان و عارفان و روشنفکرانی که از این مسائل رنج می‌برند و به حال اسلام و مسلمین تأسف می‌خورند، در هر منطقه و دارای هر مذهب و مسلکی که هستند، لازم است برای جلوگیری از این خطر عظیم که اسلام و مسلمین گرفتار آن هستند، دامن همت به کمر زنند و با هر وسیله ممکن در مساجد و محافل و مجالس عمومی، مسلمانان را هشدار دهند و از آنان غفلت‌زدایی نمایند و آنان را برای یک نهضت عمومی اسلامی مهیا کنند. و باید بدانند که این امری است ممکن و شدنی، ولی محتاج به کوشش و فداکاری می‌باشد.^۲

۱. ر.ک: «تیره‌های مذهبی در ایران قرن بیستم»، ش ۱۵، ص ۱۲۰.

۲. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۳۴.

اشارات حکیمانه حضرت امام علیه السلام به غفلت زدایی و آماده سازی امت اسلامی برای یک نهضت عمومی و مبارزه با بی عدالتی و ظلم از سوی عالمان و روشنفکران، جایگاه این قشر از جامعه اسلامی را به روشنی نشان می دهد.

حوزه تحقیق و تفحص در حوزه و دانشگاه، حوزه مورد علاقه بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران بود. حضرت امام علیه السلام همواره دانشگاهیان و حوزویان را به کوشش در راه علم آموزی و عمل به آموزه های اسلامی و نیز تلاش در راه بیداری جوامع ناآگاه اسلامی تشویق می کردند:

هان ای حوزه های علمیه و دانشگاه های اهل تحقیق! بپاخیزید و قرآن کریم را از شر جاهلان مُتَنسک و عالمان متہتک که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته و می تازند، نجات دهید و... شما ای فرزندان برومند اسلام! حوزه ها و دانشگاه ها را از توجه به شئون قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن بیدار کنید.^۱

در نگاه حضرت امام علیه السلام روشنفکران و نویسندگان جوامع اسلامی، باید خود را وقف تبلیغ برای اسلام کنند. ایشان در فرازی از بیانات خویش در جمع حجاج فرمودند: «شماها که باید تبلیغ کنید از این اسلام، تبلیغ کنید از این دیانت، تبلیغ کنید از این کشور، دفاع کنید از این کشور با قلم تان، با صحبت تان».^۲

از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، اقشار تحصیل کرده و روشنفکر در

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۸۸.

۲. همان، ص ۱۱۸.

کشورهای اسلامی، وظیفه دارند که امت اسلامی را از ستمی که بر آنها می‌رود و دسیسه‌هایی که در حق آنها چیده می‌شود آگاه کنند تا ملت‌ها با قدرتی که دارند، دست اجانب را از سرنوشتشان کوتاه کنند. از دیدگاه حضرت امام علیه السلام، نقش بیدارکننده‌ای که علما، روشنفکران و نویسندگان بر عهده دارند، بسیار مهم است.

امام بزرگوار در جای دیگری از بیاناتشان به شیوه زندگی علما، نویسندگان و روشنفکران اشاره می‌کنند و می‌فرمایند:

گمان نکنید که اگر با چندین اتومبیل بیرون بیاید، وجهه‌تان پیش مردم بزرگ می‌شود؛ آن چیزی که مردم به آن توجه دارند و موافق مذاق عامه است، اینکه زندگی شما ساده باشد؛ همان طوری که سران اسلام و پیغمبر اسلام و امیرالمؤمنین و ائمه ما زندگی‌شان ساده و عادی بود، بلکه پایین‌تر از عادی. آنها هم که جمهوری اسلامی را بپا کردند، مردم عادی هستند و کسانی که بالابالاها نشسته‌اند، هیچ دخالتی در این مسائل نداشته و ندارند. این مردم بازار و کشاورز و کارگران کارخانه‌ها و طبقات ضعیف - به حسب دنیا و قوی به حسب آخرت - هستند که این توقع را دارند که اگر خدای نخواست، نفوس این مردم از ما منحرف بشود، ضرر آن برای ما تنها نیست، بلکه برای اسلام است و ما باید حفظ کنیم آنهایی را که اسلام و جمهوری اسلامی را نگه داشته‌اند و بعد از این هم نگه خواهند داشت، و حفظ آن به این است که زندگی ما ساده و عادی باشد.^۱

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۵۳.

اشاره حضرت امام علیه السلام، روشنگر این مطلب است که نقش عالمان نباید با زرق و برق دنیا آمیخته شود؛ زیرا در این صورت سخن و عمل آنها با هم برابر نیست.

از سوی دیگر با توجه به نگاه فرهنگی مقام معظم رهبری به مسائل و یادآوری این نکته که ایشان معتقدند دشمن هم‌اکنون نبرد را به جبهه فرهنگی و توطئه فرهنگی کشانده است، نقشی فرهنگی نیز برای علما، روشنفکران و نویسندگان قائل هستند:

– فرهنگ غربی باید به وسیله نخبگان و روشنفکران، پالایش شود. عناصر مفید آن جذب و اجزای زیانبار و مخرب و فسادانگیز آن از ذهن و عمل جامعه‌های اسلامی طرد شود. معیار در این پالایش بزرگ، حکمیت فرهنگ اسلامی و اندیشه‌های بارور و راه‌گشا و هدایتگر قرآن و سنت است. این یک فصل اساسی از مبارزه همه‌جانبه و خوش‌عاقبتی است که علمای دینی و روشنفکران و نخبگان سیاسی در سراسر جهان اسلام بر عهده دارند.^۱

– علما و روشنفکران و سیاستمداران و دنیای اسلام، درس وحدت و استقامت و معرفت را برای ملت‌های خود تکرار کنند و جوانان بالنده این نسل را برای رویارویی با حوادث بزرگ و به دوش گرفتن بار امانتی سنگین و شالوده‌ریزی امت متحد و یکپارچه اسلام آماده سازند.^۲

– فشار و سخت‌گیری بر مبارزان و آزادی‌خواهان و علما و

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۲۷۸.

۲. همان، ص ۲۹۱.

روشنفکران مسلمان در کشورهای اسلامی از سوی رژیم‌های وابسته به آمریکا، و نیز سخت‌گیری نسبت به اقلیت‌های مسلمان در کشورهای غیراسلامی، نمونه‌های بارز مبارزه سیاسی با اسلام است.^۱

«ملت‌های مسلمان! علمای دین! روشنفکران، جوانان و غیرتمندان جهان اسلام! امت اسلام اینک در تیررس انواع تهدیدها و اهانت‌هاست».^۲ بنابراین از نگاه مقام معظم رهبری، قدم گذاشتن در مسیر بیداری ملت‌های مسلمان و مبارزه با ستمکاران در قلمروی اسلامی و نیز ابرقدرت‌های بین‌المللی، کاری بسیار پرمخاطره است که انسان‌های وارسته و توانمند می‌طلبند.

جمع‌بندی

افراد برای شکل دادن به باورهای خود و برای چگونگی عملکردهای خود در عرصه‌های مختلف، خود را با افراد و گروه‌های نمونه مقایسه می‌کنند و از این طریق به ترسیم هویت خودشان می‌پردازند. این گروه‌هایی که از آنها پیروی می‌شود، «گروه‌های مرجع» نامیده می‌شوند. یک گروه مرجع ممکن است برای برخی افراد نقش مثبت و برای افراد دیگر نقش منفی داشته باشد. گروه مرجع ممکن است در زمان حاضر برای فرد، موجودیت نداشته باشد و متعلق به گذشته باشد؛ برای مثال پیروان مذهبی معین، پیشوایان پیشین خود را اکنون نیز گروه مرجع به حساب می‌آورند.

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۲۹۱.

۲. همان، ص ۲۸۹.

آنچه روشن است، نقشی است که علما و اندیشمندان اسلامی در به ثمر رساندن نهضت های ضداستعماری و ضدامپریالیستی دارند. علما و اندیشمندان اسلامی در جایگاه گروه مرجع، می توانند همچنان نقش بیدارکننده خود را تا رسیدن به اهداف بلند اسلامی دنبال کنند. حمایت مردمی، استخراج نقشه راه از مبانی اسلامی و فداکاری و از خودگذشتگی علما و اندیشمندان اسلامی، راز موفقیت آنان در طول سالیان مبارزه بوده است. از نگاه حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری، علما و اندیشمندان اسلامی، باید از مختصات ساده‌زیستی، اتکال و توجه همیشگی به قرآن و سنت و استکبارستیزی و هوشیاری برخوردار باشند.

بیداری اسلامی در گروهی تفکر و اندیشه‌پروری این قشر از امت اسلامی است. از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، جنبه های رفتار و گفتار اندیشمندان اسلامی عبارت اند از: کوشش شبانه‌روزی، مراعات ساده‌زیستی، مجاهدت علمی، تبلیغ برای اسلام، دشمن‌ستیزی، هوشیاری، همدلی با برادران دینی و سعی مداوم در آگاهی‌رسانی و بیداری دل‌های خفته.

از نگاه مقام معظم رهبری، اگرچه همواره علما و اندیشمندان در تیررس انواع تهدیدها و اهانت‌ها بوده‌اند و فشار بر آنان زیاد بوده است، ولی عالم و اندیشمند اسلامی نباید از میدان مبارزه خارج شود؛ چراکه هدف از مبارزه، تشکیل نظام اسلامی و آزادی مسلمانان در همه عرصه‌هاست. از دیدگاه مقام معظم رهبری مهم‌ترین ویژگی‌های اندیشمند اسلامی عبارت‌اند از: تبادل اندیشه، استقامت، اندیشه‌ورزی و تحقیق، مجاهدت علمی، تبلیغ نظام اسلامی و حق‌طلبی.

فصل هشتم: حج و مسد فلسطین

بررسی موضوع

هزاران سال پیش گروهی از کنعانیان از جزیره العرب به سرزمین فلسطین کوچ کردند و شهری را با نام «یبوس» بنیان نهادند. بعدها این نام به اورسالم - یعنی صلح و دوستی - تغییر نام یافت. در واقع اورسالم همان اورشلیم در زبان عبری است که امروز به شهر قدس اطلاق می شود. بر اساس مدارک تاریخی، این شهر در طول تاریخ، هفده بار مورد حمله و محاصره قرار گرفت و بارها با خاک یکسان شد. از لحاظ مالکیت نیز این شهر، پانزده قرن در اختیار یبوسیانی یا همان کنعانیان، چهار قرن در تسلط بنی اسرائیل، چند قرن در دست ایرانی ها، دو قرن در حاکمیت یونان و چهار قرن تحت حکومت رومیان اداره شد. از این رو روشن است که بنیان قدس و آبادی سرزمین فلسطین از کنعانیان نشأت گرفته است و حافظه تاریخ، جایی جز چهار قرن برای بنی اسرائیل باقی نمی گذارد.

از سوی دیگر، عهدنامه مسلمانان نیز این ماجرا را تأیید می‌کند که یهودیان در آن دوران همچون اتباع و ساکنان رسمی اورشلیم شناخته نمی‌شدند و از آنان نامی به میان نیامده است. پس از فتح مسالمت‌آمیز اورشلیم به دست مسلمانان، نام آن به بیت‌المقدس تغییر یافت. از آن پس، از سال پانزده ه. ق تا سال ۱۳۳۷ ه. ق مطابق با ۱۹۱۷ م، جز در مدت یک قرن، همواره بیت‌المقدس در دایره سرزمین‌های اسلامی تعریف می‌شد.^۱

کنعان که از فرزندان نوح بود، سرزمین فلسطین را جایگاه سکونت خود قرار داد و به آبادانی این سرزمین پرداخت. تاریخ فلسطین از آغاز پیدایش تا امروز، شاهد مبارزات گوناگون، خونریزی‌ها، قهرمانی‌ها و دلاوری‌ها بوده است.^۲

تا قبل از سال ۱۹۱۴ م (۱۲۹۳ ه. ش) اصطلاح فلسطین بدون اینکه محدوده مشخصی را دربرگیرد، به صورتی مبهم به بخش جنوب غربی سوریه - که یکی از ولایت‌های تحت سلطه امپراتوری عثمانی بود - اطلاق می‌شد و بیشتر ساکنان این سرزمین در آن زمان عرب‌های مسلمان بودند و اقلیتی مسیحی و یهودی نیز از دیرباز در آن دیار زندگی می‌کردند. این شهر از نظر سه مذهب یهود، مسیحیت و اسلام، ارزش و اعتباری مذهبی دارد؛ به طوری که پیروان تمام این مذاهب به علت

۱. ر.ک: مبلغان، مروری دوباره بر داستان فلسطین و روز قدس، علی اقلیدی نژاد، ش ۸۳، ص ۵۷.

۲. ر.ک: پیام اسلام، «قهرمانی سرزمین فلسطین (برگی از تاریخ فلسطین)»، قلجی قدری، ترجمه احمد منتهاپی، ش ۵، ص ۱۶۴.

مسائل تاریخی و مذهبی، در مورد این شهر ادعای مالکیت دارند. مرزهای فعلی فلسطین که با کشورهای مصر، اردن، سوریه و لبنان همسایه است، در سال ۱۹۹۲م (۱۳۷۰ ه. ش) مشخص شد؛ یعنی زمانی که انگلستان پس از جنگ جهانی اول اجازه قیمومیت بر این سرزمین را از جامعه جهانی دریافت کرد. از آن پس ملت فلسطین نیز به مردمی اطلاق شد که پس از تسلط انگلستان بر این سرزمین، به منظور کسب استقلال علیه انگلستان و حضور روزافزون مهاجران یهودی در فلسطین، سر به شورش برداشتند.^۱

پس از پایان جنگ اعراب و اسرائیل، در مجموع حدود ۷۷ درصد از خاک فلسطین تحت سیطره رژیم صهیونیستی قرار گرفت و بقیه سرزمین فلسطین یعنی نوار غزه و کرانه غربی رود اردن به اشغال دو کشور مصر و ماورای اردن درآمد.

مصر در سال ۱۹۵۰م (۱۳۲۹ ه. ش) نوار غزه را به خاک اصلی خود ضمیمه کرد. کشور ماورای اردن نیز در همان سال قرارداد صلحی با اسرائیل امضا کرد که به موجب آن، سرزمین های غرب رود اردن به آن کشور منضم شد و بدین ترتیب سرزمین های دو سوی رودخانه اردن به نام اردن هاشمی نامیده شد. پس از انجام این توافق بین اردن و اسرائیل، حدود هفتصد الی نهصد هزار عرب فلسطینی مجبور شدند تا خانه و کاشانه خود را ترک گفته و به کرانه باختری رود اردن مهاجرت کنند.^۲

۱. ر.ک: تولد شوم ترین مولود تاریخ جهان به نام اسرائیل، ص ۲.

۲. همان، ص ۸.

اسرائیل از زمان تشکیل در سال ۱۹۴۸م، همواره با دو مسئله اساسی مشروعیت و امنیت مواجه بوده و این دو مشکل، پیوسته موجودیت آن را تهدید کرده است. این دولت از همان ابتدا، با بحران مشروعیت در داخل و به رسمیت شناخته شدن در جامعه بین‌الملل، مواجه شد. ملت مسلمان فلسطین، مشروعیت رژیم اسرائیل را رد کرد و هسته‌های مقاومت را در مراحل متعددی شکل داد.

اولین مقاومت در سال‌های ۱۹۱۸ — ۱۹۴۸م انجام گرفت که دربرگیرنده سه نوع واکنش بود: «مقاومت مسالمت‌آمیز فلسطینیان»، «مقاومت رادیکالی و قیام سراسری» و «مقاومت در برابر بریتانیا و صهیونیسم» - مقاومت دوم در زمان جنگ‌های اعراب و اسرائیل در سال‌های ۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳م اتفاق افتاد. مقاومت سوم، دوره پیدایش «ساف» و فعالیت‌های آن در فاصله سال‌های ۱۹۴۷ تا ۱۹۸۷م را شامل می‌شود که در قالب گروه‌های چریکی و کماندویی فلسطینی ظاهر شد. مقاومت چهارم نیز مربوط به ظهور پدیده انتفاضه از دسامبر سال ۱۹۸۷م تاکنون است.

آنچه تاریخ و سرگذشت مقاومت نشان می‌دهد، حاکی از نپذیرفتن رژیم اسرائیل در داخل و بسیاری از دولت‌ها در خارج است. این وضعیت ریشه در خاطرات تلخ برنامه‌های تأسیس دولت اسرائیل دارد؛ طرح‌هایی که بیشتر آنها در کتاب دولت یهود هرتزل در سال ۱۸۹۶م بیان شد و در اوایل قرن بیستم در قرارداد سری «سایکس - پیکو» در سال ۱۹۱۶م، اعلامیه بالفور در سال ۱۹۱۷م، قضیه تحت‌الحمایگی فلسطین در سال

۱۹۱۸م و پروتکل‌های دانشوران صهیونیست در سال ۱۹۱۹م. ظاهر شد و سرانجام در پی گزارش‌های کمیته ویژه مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۴۸م. به فعلیت رسید.

در گزارش‌های کمیته ویژه، دو طرح اکثریت و اقلیت وجود داشت. در طرح اکثریت، تقسیم فلسطین و در طرح اقلیت، ایجاد یک کشور فدرال متشکل از دو ایالت عرب و یهود پیش بینی شده بود. کشورهای عرب به حمایت از شورای عالی عرب، هر دو طرح را رد کردند و خواستار فلسطین مستقل عربی شدند. از طرفی، طرح اقلیت، مورد موافقت کشورهای عربی و صهیونیست‌ها قرار نگرفت و در پایان، مجمع عمومی در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷م، طرح کمیته فلسطین برای تقسیم را با ۳۳ رأی موافق، در مقابل ۱۳ رأی مخالف تصویب کرد و در پی آن در چهارده می ۱۹۴۸م، تشکیل دولت اسرائیل اعلام شد.^۱

انتفاضه

پس از روی کار آمدن حکومت اسرائیل که با حمایت‌های بی‌دریغ قدرت‌های استعماری رخ داد، قیام‌های بسیاری از سوی فلسطینیان به وقوع پیوست که جدیدترین آنها انتفاضه بود. انتفاضه یا همان «انقلاب سنگ»، جنبشی نوین و ضد صهیونیستی است که با امکانات کم و در پاسخ به شکست ملی‌گرایی عربی و اقدامات سرکوبگرانه صهیونیست‌ها

۱. ر.ک: نشریه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، «گزارش‌های علمی: انتفاضه فلسطین و بی‌ثباتی فزاینده در اسرائیل»، محمد ستوده، ش ۱۷، ص ۲۶۷.

به وقوع پیوست. انتفاضه مردم مسلمان فلسطین، توانست در مدتی کوتاه ضربات جبران ناپذیری بر پیکر اسرائیل وارد کند که در این خصوص می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ناتوانی اسرائیل در سرکوب مؤثر قیام، باعث گرایش های طرفدار صلح در میان یهودیان شد؛

- روش های سرکوبگرانه اسرائیل در برخورد با این قیام مردمی و غیرمسلحانه، فشار افکار عمومی جهان را برای اسرائیل به ارمغان آورد و بار دیگر مشروعیت اسرائیل را زیر سؤال برد؛

- انتفاضه، اختلاف و شکاف در میان تصمیم سازان رژیم صهیونیستی را افزایش داد؛

- انتفاضه، هزینه های گزافی را بر گردن صهیونیست ها تحمیل کرد؛ به گونه ای که هزینه هر روز سرکوب، چیزی بالغ بر ۱/۶۵۰/۰۰۰ دلار تخمین زده شد و کاهش پول اسرائیل، تنزل تولید ناخالص ملی، افزایش سطح بیکاری و افزایش هزینه های نظامی را بر اسرائیل تحمیل کرد.

در نتیجه این مسائل، اسرائیل با خودگردانی بخشی از اراضی اشغالی موافقت کرد و پذیرفت با ساف^۱ وارد مذاکره شود و به این وسیله برخی از اهداف فلسطینیان به حقیقت پیوست. گفتنی است انتفاضه از سال ۱۹۸۷م شروع شد و در دور جدید خود که به انتفاضه مسجدالاقصی مشهور است، همچنان پویا و سرزنده به مبارزه ادامه می دهد.

۱. سازمان آزادی بخش فلسطین.

مهم ترین گروه های سامان دهنده انتفاضه، دو جنبش «جهاد اسلامی فلسطین» و «حماس» هستند که هر دو تحت تأثیر جنبش اخوان المسلمین مصر بوده اند. اخوان المسلمین مصر از اواخر دهه بیست قرن بیستم، فعالیتش را به فلسطین گسترش داد و پس از آن سهمی عمده در مبارزات ضد صهیونیستی به خود اختصاص داد.^۱

سازمان ملل و مسئله فلسطین

از ابتدای تأسیس سازمان ملل تاکنون، قضیه فلسطین به عنوان مهم ترین معضل جهان و همچنین باسابقه ترین آنها، در دستور کار این سازمان بوده است. پس از جنگ جهانی اول، شورای قیمومیت جامعه ملل، قیمومیت فلسطین را به انگلستان سپرد و دولت انگلستان بعد از نزدیک به سه دهه قیمومیت بر این سرزمین، در اثر مهاجرت گسترده یهودیان و ناآرامی هایی که سازمان های صهیونیستی در فلسطین ایجاد کرده بودند و همچنین برخی توافقات پنهانی، طرح پایان دادن به حکومت سرپرستی را سرلوحه سیاست خود قرار داد و تصمیم گرفت که این مشکل را به سازمان نوپای جدید قیمومیت، یعنی سازمان ملل ارجاع دهد.

ابتدا تصور می شد که این قضیه به عنوان نخستین مسئله در دستور کار شورای امنیت قرار گیرد و در کمترین زمان حل و فصل شود.^۲

۱. ر.ک: «مروری دوباره بر داستان فلسطین و روز قدس»، ص ۶۲.

۲. ر.ک: نشریه مطالعات منطقه ای، «نگاه فلسطین، سازمان ملل و ایالات متحده آمریکا»،

حمیدرضا سعیدی نژاد، ش ۱۷، ص ۱۴۳.

سازمان ملل به دلایل مختلف که مهم ترین آنها، دخالت قدرت های بزرگ به ویژه آمریکا در شورای امنیت است، در طول بیش از نیم قرن در قضیه فلسطین، ناموفق و ناکارآمد عمل کرده است و به اعتراف اورکهارت، این مسئله از جمله دلایل زیر سؤال رفتن اعتبار سازمان ملل شده است. پس از گذشت چند دهه، همگان متوجه شدند که حل مشکل فلسطین از سوی سازمان ملل با وجود مشکلات بسیاری که بر سر راه آن است، چندان هم کار ساده ای نیست.^۱

ایران و مسئله فلسطین

یکی از اسناد جالب در زمینه روابط ایران و اسرائیل، نامه آیت الله حائری یزدی است که سال ها پیش از قدرت گرفتن دولت اسرائیل خطاب به رضاشاه پهلوی نوشت و وی را در زمینه یاری رساندن به مسلمانان فلسطین تشویق کرد و با یک موضع گیری ملایم، در صدد جلب همکاری حکومت پهلوی در خصوص پشتیبانی از مواضع ضدصهیونیستی بود. اما با گذر از این سند تاریخی، باید گفت رژیم پهلوی، موجودیت حکومت اسرائیل را به صورت مشروط پذیرفت و به دستور محمدرضا پهلوی در سال ۱۳۳۳ ه.ش، قرارداد فروش نفت بین ایران و اسرائیل منعقد شد.

پس از سال ۱۳۳۷ ه.ش، با توجه به اتحاد دو کشور مصر و سوریه، روابط سیاسی ایران و اسرائیل گسترش یافت و در همان سال،

۱. ر.ک: «نگاه فلسطین، سازمان ملل و ایالات متحده آمریکا»، ص ۱۴۴.

نماینده سیاسی اسرائیل وارد تهران شد و یک سال بعد دفتر سیاسی ایران در تل‌آویو گشایش یافت. با روی کار آمدن هویدا، روابط ایران و اسرائیل توسعه یافت و سرانجام شاه در سال ۱۳۴۶ ه. ش، از کشورهای عرب درخواست کرد تا موجودیت اسرائیل را به رسمیت بشناسند. همچنین در همین سال شاه در یک مصاحبه، آشکارا موجودیت اسرائیل را پذیرفت. البته باید به این نکته اشاره کرد که همواره روحانیان، از جمله آیت‌الله کاشانی و گروه‌های مذهبی - سیاسی نظیر فدائیان اسلام، به این روابط اعتراض می‌کردند. امام خمینی علیه السلام نیز در این دوران از جمله رهبران مخالف سیاست‌های اسرائیل‌پذیری در ایران به شمار می‌رفت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، بار دیگر امام خمینی علیه السلام بر مواضع ضدصهیونیستی خود پای فشرد و از نامشروع بودن اسرائیل سخن گفت. حضرت امام علیه السلام حتی یکی از علل مخالفت و رویارویی با شاه را حمایت بی‌دریغ او از اسرائیل دانست. در هر حال وقوع انقلاب اسلامی و دیدگاه‌های روشن حضرت امام علیه السلام، توانست زاویه‌ای دیگر را در مبارزات مردم فلسطین باز کند و به تقویت هویت اسلامی این حرکت‌ها یاری رساند. حضرت امام علیه السلام آن‌چنان پایمردانه وارد عرصه فلسطین شد که در سال ۱۳۵۸ ه. ش، جمعه آخر ماه مبارک رمضان هر سال را به عنوان «روز قدس» برای پشتیبانی از ملت فلسطین نام‌گذاری کرد.^۱

۱. ر.ک: «مروری دوباره بر داستان فلسطین و روز قدس»، ص ۶۴.

جایگاه فلسطین در حج در کلام حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری

یکی از برکات بیداری اسلامی در دوره معاصر، تداوم حرکت مردمی و جانفشانی مردم فلسطین در راه آزادی از ستم صهیونیسم و همدستان آنهاست که خود متأثر از انقلاب اسلامی در ایران است. تا پیش از انقلاب اسلامی ایران، مسئله فلسطین یک مسئله حاشیه ای و فراموش شده بود که هیچ یک از سازمان های ملی و بین المللی، به طور جدی در اندیشه حل این مسئله نبودند. امام خمینی علیه السلام با نگاه خاصی که به مسائل مسلمانان جهان و منطقه داشت، مسئله فلسطین را تبدیل به اخبار اول جهان نمود و تمامی جوامع اسلامی را در راستای بیداری اسلامی به مداخله و حضور در مسئله فلسطین دعوت کرد.

یکی از عرصه هایی که در تحقق این ایده بسیار مؤثر بود، ظرفیت عظیم حج بود که مورد توجه حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری قرار گرفت. ایشان همواره در پیام های خود به زائران خانه خدا، توجه مسلمانان را به موضوع فلسطین جلب می کرد و تلاش می نمود با بیان دسیسه دشمن، مسلمانان را با اهمیت موضوع فلسطین آشنا کند و از ظرفیت حج برای پیروزی و توفیق فلسطینیان بهره گیرد.

حضرت امام علیه السلام، بیداری اسلامی را آگاهی از وضع مسلمانان می دانست. حرکت، ایستادگی و مبارزه علیه دشمنان اسلام، ستون اصلی نظریه بیداری اسلامی از نگاه آن بزرگوار بود. بنیان گذار جمهوری اسلامی، کمک به ملت بیدار فلسطین و مبارزه در کنار آنها را وظیفه مسلمانان می دانست:

– ملت های مسلمان باید به فکر نجات فلسطین باشند و مراتب انزجار و تنفر خویش را از سازش کاری و مصالحه رهبران ننگین و خودفروخته‌ای که به نام فلسطین، آرمان مردم سرزمین‌های غصب‌شده و مسلمانان این خطه را به تباهی کشیده اند به دنیا اعلام و نگذارند این خائنان بر سر میز مذاکره‌ها و رفت و آمدها، حیثیت و اعتبار و شرافت ملت قهرمان فلسطین [را] خدشه‌دار کنند، که این انقلابی‌نماهای کم‌شخصیت و خودفروخته به اسم آزادی قدس به آمریکا و اسرائیل متوسل شده‌اند.^۱

– برای آزادی سرزمین اسلامی فلسطین از چنگال صهیونیسم، دشمن سرسخت اسلام و انسانیت، چاره‌اندیشی کنید. از مساعدت و همکاری با مردان فداکاری که در راه آزادی فلسطین مبارزه می‌کنند، غفلت نوزید.^۲

– اگر جلوی این جرثومه فاسد گرفته نشود، طمع او بر تمام منطقه است و او قناعت نمی‌کند فقط بر فلسطین و مسجد اقصی؛ او همه‌جا را می‌خواهد غلبه کند. بر مسلمین و بر دولت های اسلامی است که با هم متحد بشوند و این جرثومه فساد را از بن و بیخ برکنند و [به] کسانی که پشتیبانی آنها را می‌کنند، اجازه ندهند که پشتیبانی کنند.^۳

– خواهان و برادران عزیز! در هر کشوری که هستید از حیثیت اسلامی و ملی خود دفاع کنید و بی‌پروا در مقابل دشمنان خود، یعنی

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۲۰۳.

۲. همان، ص ۱۲.

۳. همان، ص ۱۹.

آمریکا و صهیونیسم بین‌المللی و ابرقدرت‌های شرق و غرب، بدون هیچ ملاحظه‌ای از ملت‌ها و کشورهای اسلامی دفاع کنید.^۱

– امروز قبله اول مسلمین به دست اسرائیل، این غده سرطانی خاورمیانه افتاده است. امروز برادران فلسطینی و لبنانی عزیز ما را با تمام قدرت می‌کوبد و به خاک و خون می‌کشد. امروز اسرائیل با تمام وسایل شیطانی، تفرقه‌افکنی می‌کند. بر هر مسلمانی لازم است که خود را علیه اسرائیل مجهز کند.^۲

– ای زائران خانه خدا! توطئه‌های راست و چپ و خصوص آمریکای چپاولگر و متجاوز و اسرائیل جنایتکار را به گوش عالمیان برسانید و از آنان استمداد کنید و جنایات این جنایت‌کاران را بشمارید و به خداوند متعال برای اصلاح حال مسلمین و قطع ایادی جنایت‌کاران التجا پیدا کنید.^۳

حضرت امام خمینی علیه السلام پراکندگی مسلمانان و به‌ویژه اختلاف و تفرقه‌افکنی سران بی‌لیاقت کشورهای اسلامی را جزء عوامل اصلی وضعیت فعلی ملت مظلوم فلسطین می‌دانستند: «اختلافات سران کشورهای اسلامی است که مشکل فلسطین را به وجود آورده و نمی‌گذارد حل شود».^۴

همچنین سیاست‌های حکام مصر و بی‌تفاوتی دیگر کشورهای عرب

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۲۶.

۲. همان، ص ۲۶.

۳. همان، ص ۳۸.

۴. همان، ص ۱۲.

منطقه، از جمله مسائلی بودند که حضرت امام علیه السلام در موسم حج برای آگاهی و بیداری مسلمانان جهان به یادآوری آنان می پرداختند:

– همزمان با هجوم همه جانبه اسرائیل جانی به مسلمین در فلسطین و لبنان عزیز و همزمان با طرح جنایت کارانه اسرائیل برای انتقال پایتخت خود به بیت المقدس، و گسترش جنایات و کشتار وحشیانه مسلمانان آواره از وطن خویش، و در وقتی که مسلمانان بیشتر از هر زمان احتیاج به وحدت کلمه دارند، سادات، این نوکر خیانت کار آمریکا و دوست و برادر بگین و شاه مخلوع معدوم، و صدام، آن خادم سرسپرده آمریکا، دست به تفرقه افکنی مسلمانان زده اند.^۱

– ننگ نیست بر کشورهای اسلامی، بر حکومت های کشورهای اسلامی که اسرائیل بیاید و فلسطینی ها را آن طور بکند؟ در لبنان آن جنایت ها را بکند و یک میلیارد جمعیت مسلمین بنشینند تماشاچی باشند؟ از چی می ترسند اینها؟ چرا باید این قدر بی عرضه باشند؟ شریان حیات شرق و غرب در دست اینهاست، نفت شریان حیات اینهاست. اگر ده روز نفت را به روی آنها ببندند، خاضع می شوند آنها.^۲

– وقتی جوانان کشورهای اسلامی برای دفاع از مقدسات دینی خود تا سر حد شهادت پیش رفته اند و برای بیرون کردن متجاوزان، خود را به دریای حوادث و بلا زده اند و زندان ها و شکنجه ها را به جان

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۴۶.

۲. همان، ص ۱۱۴.

خریده‌اند و همچون مسلمانان شجاع و مبارز و عزیزان حزب‌الله لبنان و سایر کشورها مقاومت کرده‌اند و به جهاد علیه متجاوزان برخاسته‌اند، چه حجتی بالاتر از این و چه بهانه‌ای برای سکوت و مماشات و در خانه نشستن و تقیه کردن‌های بی‌مورد مانده است؟^۱

حضرت امام علیه السلام همواره رسالت بیدارکننده‌ای را برای خویش قائل بودند. جان کلام حضرت امام علیه السلام، آگاهی و بیداری امت اسلامی، مبارزه در راه احقاق حقوق از دست‌رفته و به دست گرفتن سرنوشت جوامع اسلامی به دست عالمان و امت اسلامی بود. ایشان در بیانات گوناگون به این مسائل می‌پرداختند و همواره زوایای دشمنی آمریکا و فتنه‌افکنی رژیم صهیونیستی را برای آگاهی امت اسلامی تشریح می‌کردند:

– الان اسرائیل در مقابل همه کشورهای اسلامی ایستاده، می‌گوید غلط نکنید. این تأسف ندارد؟ انسان نیستند اینهایی که در رأس امور هستند که اسرائیل در مقابلشان ایستاده، می‌گوید فضولی موقوف! آمد و بیروت را گرفت و آن همه جنایات وارد کرد و سازمان آزادی بخش را به هم زد اوضاعش را و همه را متفرق کرد و بعد هم بدانید که شماهایی که ساکت بودید و در این جنایات مقابله نکردید، همین نشستید و یک کلمه‌ای گفتید، آن هم کلمه‌ای که گاهی موافق با آنها بوده، نوبت شما هم می‌رسد. اسرائیل به خدمت شما هم می‌آید.^۲

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۲۲۰.

۲. همان، ص ۹۶.

– چه دردناک و مصیبت‌بار است که در جوار مسلمانان و دولت‌های به اصطلاح اسلامی، اسرائیل غاصب این چنین جسورانه و فاتحانه به مردم مظلوم لبنان، به خواهران و برادران عزیز بیروتی تجاوز کند، و به جای آنکه دولت‌های کشورهای اسلامی به دفاع، که یک فریضه الهی و انسانی است برخیزند، این چنین نرمش نشان دهند؛ بلکه برای مقصد شوم آمریکا و اسرائیل به فعالیت برخیزند، و به جای اسرائیل ستم‌پیشه، ایران اسلامی و اسلام را در ایران هدف و تمام هدف قرار دهند.^۱

در نگاه حضرت امام علیه السلام، آمریکا و اسرائیل به دنبال نابودی اسلام و مسلمانان هستند و در این راه از هیچ توطئه‌ای فروگذار نخواهند کرد؛ حتی توطئه‌ای مانند اینکه جمهوری اسلامی، طرف‌دار و حامی رژیم صهیونیستی است و با آن رابطه دارد. از دیدگاه امام خمینی علیه السلام چنین حرکات دسیسه‌گرانه‌ای برای تفرقه‌افکنی میان مسلمانان چیده می‌شود:

اسرائیل بنایش بر این است که همه این مسلمین را از بین ببرد؛ آمریکا هم بنایش بر این است که اسلام نباشد در کار. اینها برای اینکه جمهوری اسلامی، اسم «اسلام» را دارد و می‌خواهد به اسلام عمل می‌کند، همه با آن مخالفت کردند؛ مخالفت کردند از حیث تبلیغات؛ می‌گویند که ماها آمریکایی هستیم! می‌گویند که ما اسرائیلی هستیم! مایی که بیست سال بیشتر است، بیست سال حتماً بیشتر است فریاد زده‌ایم که گرفتاری مردم از دست آمریکا است و

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۰۶.

از اسرائیل؛ ما اسرائیلی هستیم، اما آنهایی که نشستند آنجا و اسرائیل دارد می رود ممالک خودشان را از بین می برد، آنها نخیر، همه مخالف اسرائیل هستند! اگر مخالفید، چه کردید؟ چه عملی انجام دادید؟^۱

جان کلام نظریه بیداری حضرت امام خمینی علیه السلام، وحدت کلمه، همبستگی و هم صدایی همه جوامع اسلامی است. دیدگاه حضرت امام علیه السلام در خصوص مسئله فلسطین در پرتوی همین نظریه تبیین شدنی است؛ یعنی راه حل این مسئله، همکاری مسلمانان، به ویژه دولت های منطقه برای مقابله و مبارزه با رژیم پست صهیونیستی است:

اسرائیل، مفسدی که فلسطینیان مظلوم را بدین روز انداخته و به لبنان قهرمان آن همه ظلم کرده و به کشورهای منطقه تعدی و تجاوز نموده است. چه چیز بهتر از اینکه دولت های منطقه دست در دست هم نهند و منطقه را از شر اسرائیل و آمریکای طرفدارش نجات دهند. و من کراراً تذکر داده ام که اسرائیل از نیل تا فرات را از خود می داند و شما را غاصب سرزمین های خویش می شمرد، گرچه اکنون جرئت اظهار صریح آن را ندارد.^۲

رهبر معظم انقلاب نیز به مانند بنیان گذار انقلاب اسلامی، رویکردی بیدارکننده و هشداردهنده نسبت به امت بزرگ اسلامی و رویکردی حمایتی در رابطه با ملت مظلوم و ستم دیده فلسطین دارند. در نگاه

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۹۷.

۲. همان، ص ۱۴۴.

ایشان، ایرانیان همواره همراه ملت فلسطین هستند؛ این نگاه رهبر معظم انقلاب، رویکردی بیدارکننده است که برای تشویق جوامع اسلامی طراحی شده است:

[ملت ایران] مسئله فلسطین را در صدر مسائل جهان اسلام دانسته و علی‌رغم آمریکا و صهیونیسم که خواسته اند این مسئله به فراموشی سپرده شود، به طور مداوم آن را در همه‌جا و همه وقت مطرح سازد.^۱

از دیدگاه مقام معظم رهبری، سال‌هاست که مسئله فلسطین پیچیده‌تر می‌شود و علت آن هم نبود هم‌بستگی در جوامع اسلامی و توطئه غرب، به‌ویژه آمریکاست:

– چهل سال است که این ملت [فلسطین]، از خانه و کاشانه خود بیرون رانده شده و یا در وطن خویش غریبانه زندگی کرده است. این، زخم خونین و دردناکی بر پیکر امت اسلامی است که با توطئه دولت‌های استعمارگر و ضداسلام و به دست جنایتکار صهیونیست‌ها، چهل سال پیش وارد شده و هر روز نمکی بر آن پاشیده شده است. کسان و گروه‌های زیادی در این مدت به مبارزه برای نجات این ملت دست زده یا ادعای آن را کرده‌اند؛ اما هرگز گرهی باز نشده، بلکه گره‌ها کورتر هم شده است... علت اصلی این بوده که ملت فلسطین نمی‌توانسته از خود دفاع کند، یا جهان اسلام از خنثی کردن توطئه آمریکا و غرب در دفاع از دولت غاصب ناتوان بوده است. علت اصلی ناکامی‌ها، اولاً از یاد بردن

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۲۱۱.

هویت اسلامی ملت فلسطین و عدم تکیه بر اسلام و جهاد اسلامی در طول ده‌ها سال گذشته، و ثانیاً خیانت سران کشورهای اعراب و حتی خیانت سران و چهره‌هایی از فلسطینیان بوده است. و امروز بحمدالله عنصر ایمان و جهاد اسلامی در مبارزات ملت فلسطین در داخل وطن مغضوب زنده شده، و به همین جهت معادله قدرت در فلسطین به سود فلسطینیان نسبت به گذشته تغییر کرده است.^۱

– رژیم آمریکا در حالی به نام آزادی شعار می‌دهد که کمترین سخن آزادانه‌ای را در افشای ماهیت رژیم صهیونیستی و نقشه‌های خطرناک و ستم‌های روزافزون یهودیان صهیونیست – نه در کشور خود و نه در هر جای دیگر که بتواند – تحمل نمی‌کند.^۲

از سوی دیگر نزدیک‌ترین مردم به ملت بی‌پناه فلسطین، مردم مسلمان لبنان هستند که به علت حمایت از فلسطینیان ستم‌دیده، هم از سوی صهیونیست‌ها و هم از سوی حزب فلالنتر^۳ صدمات زیادی را متحمل شده‌اند. مقام معظم رهبری در همین خصوص بیاناتی دارند:

ملت لبنان نیز که از دو سو زیر فشار صهیونیست‌ها و همدستان فلالنتر آنان، سال‌هاست با آتش و خون سروکار دارد، راه خود را یافته و تصمیم خود را بر ضد نظام فاشیستی و قبیله‌ای مدرن و مورد

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۳۷.

۲. همان، ص ۲۴۴.

۳. حزب دست راستی، سکولار و تندرو در کشور لبنان، که در طول جنگ‌های داخلی این کشور (۱۹۹۰-۱۹۷۵م) علیه سازمان آزادی‌بخش فلسطین و نهضت ملی لبنان به مبارزه مسلحانه پرداخت و متحد اسرائیل به شمار می‌رفت.

تأیید آمریکا و فرانسه و انگلیس گرفته است. مسلمانان مظلوم لبنان، سرنوشتشان با ملت فلسطین گره خورده و رنج همسایگی با متجاوزین افزون طلب صهیونیست را می‌برند. در اینجا نیز ایمان و جهاد است که بن‌بست‌ها را خواهد شکست.^۱

در دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، یگانه راه‌حل مسئله فلسطین، قطع دستان رژیم پست صهیونیستی از سرنوشت ملت فلسطین است و این همان پیام بلند جمهوری اسلامی به همه ملت‌هاست:

ما علاج مسئله فلسطین را در راه‌حل‌های دیکته‌شده ابرقدرت‌ها نمی‌دانیم؛ علاج زخم فلسطین، فقط قلع غده سرطانی حکومت صهیونیستی است و این کاملاً ممکن است.^۲

از نگاه مقام معظم رهبری، مسئله اسرائیل به فلسطین محدود نمی‌شود. ایشان همواره جوامع اسلامی را به بصیرت و بیداری در این مورد دعوت می‌کنند. ایشان سران کشورهای اسلامی را به علت مداخله‌های خشونددکننده دشمن، نکوهش کرده و مردم کشورهای اسلامی را به یاری ملت فلسطین فرا می‌خوانند. ایشان در بیانات خویش در موسم حج چنین می‌فرمایند:

امروز دولت غاصب صهیونیست، بزرگ‌ترین خطر برای حال و آینده جهان اسلام است و بر مسلمین است که برای علاج این خطر و رفع ظلمی به این عظمت، درصدد علاج و چاره باشند. متأسفانه رفتار و گفتار

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۳۸.

۲. همان، ص ۳۸.

اغلب سران کشورهای اسلامی، هیچ اشاره ای را به عزم آنان بر علاج این خطر بزرگ - که چیزی جز محو رژیم صهیونیست نژادپرست نیست - نشان نمی‌دهد؛ بلکه به‌عکس، نشانه‌هایی از گسترش کمپ‌دیوید و تکمیل خیانت «سادات» نیز در برخی از دولت‌های عربی به چشم می‌خورد. و من نمی‌دانم آیا این دولت‌ها با این رفتار ذلت‌بار و تسلیم‌ننگ آور در برابر دشمن عنود مسلمین و اعراب، چه پاسخی برای ملت‌های خود و نیز در پیشگاه خداوند آماده کرده‌اند.^۱

بی‌عدالتی، ستم، غضب‌خانه‌ها و تجاوز به حریم خصوصی فلسطینیان به امری عادی در این سرزمین تبدیل شده است. غفلت و سستی مسلمانان جهان نیز دردی است که فلسطینیان، بیشتر از هر ملت دیگری از آن صدمه دیده‌اند؛ این مصیبتی است که مقام معظم رهبری در بیانات خویش در موسم حج برای بیداری آزادگان جهان بیان فرموده‌اند:

خانه ملت فلسطین را از آنها گرفته‌اند و یک مشت غاصب را در آنجا، جا داده‌اند؛ پشتیبانی کرده‌اند و به دست آن غاصبین، صاحب‌خانه‌ها را به فجیع‌ترین شکل سرکوب کرده‌اند. حالا هم برای اینکه دهان صاحب‌خانه‌ها را ببندند و به کلی ادعای آنها را از مایملک خودشان پس بگیرند؛ می‌خواهند با دولت‌های عرب و اسرائیل بنشینند مذاکره کنند! ... به اصطلاح مذاکرات صلح راه انداخته‌اند، برای اینکه قیام مسلمانان فلسطین را خاموش کنند! مگر توانستند؟ مگر می‌توانند؟ اسمش را گذاشته‌اند «صلح»! این صلح

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۷۰.

است یا ظلم است؟ مخالفت ما با این مذاکراتی که دارد بر سر فلسطین مظلوم انجام می‌گیرد، به خاطر مخالفت با صلح نیست ... مگر کسی حق دارد از طرف ملت فلسطین چیزی را امضا بکند! مگر کسی حق دارد عوض کسی، خانه او را به غاصبی بفروشد! ما امیدواریم این مذاکرات به یک قرارداد امضا شده ای نرسد؛ اما اگر قراردادی هم درست بشود؛ اگر پای آن را دولت های عربی که حضور پیدا کرده‌اند امضا بکنند؛ آن امضا از نظر مردم فلسطین و از نظر مسلمان‌های عالم و از نظر ما اعتباری ندارد.^۱

از دیدگاه مقام معظم رهبری، حاکمان کشورهای اسلامی، ظلمی بزرگ مرتکب می‌شوند و لازم است که مردم جهان به این امر آگاه باشند و در این زمان سکوت نکنند:

در فلسطین اشغالی، عمده ترین عامل خیره‌سری و گستاخی صهیونیست‌ها و مهم ترین عامل به سازش کشانیدن بیشتر دولت‌های عرب در برابر زیاده‌طلبی در برابر اسرائیل، آمریکا است. بدون پشتیبانی آمریکا، دولت‌های مرتجع منطقه که به سرسپردگی در برابر آمریکا شناخته شده‌اند، تبدیل به مدافع دولت غاصب و مدعی فلسطینیانِ ضدسازش نمی‌شد و آنهایی که باید طبق وظیفه اسلامی خود، با اسرائیل مقابله کنند، لباس مقابله با مخالفان اسرائیل را نمی‌پوشیدند.^۲

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۱۱۳.

۲. همان، ص ۱۴۳.

از نگاه مقام معظم رهبری، حرکت های بیداری اسلامی در منطقه خاور میانه و شمال آفریقا در حال رشد است. مسئله رشد بیداری و بصیرت اسلامی، بی گمان خواب غرب را آشفته و آنها را جری تر می کند. بدبختانه اولین ملتی که از خشم آمریکا صدمه خواهد دید، ملت مظلوم فلسطین است که نقطه حساسیت مسلمانان آزاده است:

– رشد حرکت های اسلامی و بیداری مسلمین و اصرار آنان بر بازیافتن هویت اسلامی و مبارزه با قدرت های قُدر و معارض، در بسیاری از مناطق عالم به خصوص در فلسطین عزیز و برخی کشورهای شمال آفریقا و خاور میانه نیز از ممیزات برجسته این سال بود.^۱

– در منطقه فلسطین و لبنان، آنجایی که مردم سالها بود طعم ذلت را به وسیله دشمن در کام خودشان حس کرده بودند، کسانی بودند که در عمر خودشان هیچ آشنایی با دین نداشتند؛ اما گفتند ما اسلام را قبول کرده ایم و در مقابل اسلام خاضع شده ایم و در برابر دشمن ایستادگی می کنیم.^۲

به اعتقاد مقام معظم رهبری، اکنون که ملت فلسطین آگاهانه با دشمنان اسلام مبارزه می کند، لازم است که امت اسلامی به یاری آنان بشتابد:

– در حال حاضر، ملت فلسطین سهم بزرگی در گشودن و پیمودن این راه

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۱۰۰.

۲. همان، ص ۲۷۳.

بر دوش گرفته است و همه باید به آن ملت مظلوم و شجاع و بیدار کمک کنند. دیگر ملت‌ها و دولت‌ها می‌توانند در یاری رساندن به ملت قهرمان فلسطین، سهم خود را در پیمودن این راه بر عهده گیرند.^۱

– حمایت عمومی دنیای اسلام از ملت فلسطین، درحقیقت حمایت دنیای اسلام از یک‌یک کشورهای مسلمان است؛ این ضامن و حامل منفعت همه آنهاست؛ این چیز کمی نیست.^۲

رهبر معظم انقلاب، ملت ایران را در کنار مردم مظلوم فلسطین می‌داند و هیچ‌گاه صهیونیسم را به رسمیت نمی‌شناسد:

– جمهوری اسلامی، حاکمیت دولت صهیونیست بر فلسطین اسلامی را رد می‌کند و سازش چند فرد فاسد و مطرود با غاصبان را فاقد ارزش می‌شمارد.^۳

– [جمهوری اسلامی] دشمن صهیونیست را که دولتی غاصب و اشغالگر در سرزمین اسلامی فلسطین برپا کرده، هرگز به رسمیت نخواهد شناخت و اعتقاد خود به لزوم محو آن دولت اشغالگر و تشکیل دولتی از مردم خود کشور فلسطین را هرگز پنهان نخواهد کرد.^۴

به اعتقاد مقام معظم رهبری، ملت مسلمان فلسطین با تکیه بر مساجد و بیداری اسلامی، راه خود را پیدا کرده و در جبهه‌های مختلف به مبارزات جانانه‌ای پرداخته است:

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۲۷۷.

۲. همان، ص ۲۸۱.

۳. همان، ص ۱۴۲.

۴. همان، ص ۲۲۸.

در همین سال‌هاست که در داخل سرزمین‌های غصب شده فلسطین، مبارزات مردم، با شعارهای اسلامی و با مرکزیت مساجد، عرصه را بر صهیونیست‌ها تنگ کرده است، و در همین سال‌هاست که گروه‌های مبارز اسلامی در لبنان، حتی در انتخابات پارلمانی و نیز در موقعیت‌های مردمی به توفیق چشم‌گیری دست یافته‌اند.^۱

از این کلام رهبر معظم انقلاب، می‌توان چنین استنباط کرد که بیداری اسلامی در کنار عزم راسخ، می‌تواند یک ملت را از تنگنا و ستم بیرون بکشد و راه سعادت را رهنمون شود. ایشان در بخشی از بیاناتشان می‌فرمایند:

امروز فلسطین با سبانه‌ترین روش‌ها لگد کوب می‌شود و مردم فلسطین در سخت‌ترین روزهای ممکن برای یک ملت، دارند روزگار می‌گذرانند. دنیای اسلام با همه امکاناتی که دارد، با وجود میل و علاقه‌ای که بسیاری از مردم جهان اسلام برای کمک دارند، عملاً کمکی به این قضیه نمی‌شود؛ این خیلی دردناک است. با نصیحت نمی‌شود رژیم صهیونیستی را وادار کرد تا ظلم نکند؛ پنجاه سال است که این ظلم ادامه دارد و این روزها به اوج خود رسیده است.^۲

جمع‌بندی

مسئله فلسطین از دو جهت برای رهبران شیعه مهم است؛ یکی به‌خاطر رنجی که این ملت تحمل می‌کنند و دوم به‌خاطر کمک نکردن

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۱۲۴.

۲. همان، ص ۲۸۰.

بسیاری از مسلمانان به این مردم ستم‌دیده.

از دیدگاه رهبران جمهوری اسلامی، مسئله فلسطین آزمون اسلام‌شناسی ملت هاست؛ امتحانی که بسیاری از جوامع اسلامی در آن موفق نبوده‌اند و حتی دست به نیرنگ زده و در راه رسیدن مردم محروم فلسطین به حقوق خود سنگ‌اندازی کرده‌اند. به هر حال اگرچه رهبران و مردم ایران تا حد امکان مسئله فلسطین را تبدیل به گفتمان حق و باطل کرده و کمک‌های زیادی در حق این امت به خرج داده‌اند، ولی همچنان مسئله فلسطین نیازمند کمک، همراهی، تألیف و تبلیغ است.

به طور کلی دیدگاه حضرت امام علیه السلام در خصوص فلسطین، بسیار جدی است؛ به گونه‌ای که در هشت سال جنگ تحمیلی که کشور در بدترین شرایط بود، امام علیه السلام مسئله فلسطین را از یاد نبرد و همواره بر آن تأکید داشت. در ذیل پاره‌ای از نگرانی‌های حضرت امام علیه السلام را به صورت فهرست‌وار ارائه می‌کنیم:

- ملت ایران، فلسطین را تنها نمی‌گذارد؛
- مسلمانان باید به فکر نجات فلسطین باشند؛
- دولت‌های منطقه دست در دست هم نهند و منطقه را از شر اسرائیل و آمریکا نجات دهند؛
- حضور اسرائیل در منطقه، مایه ننگی برای کشورهای اسلامی است؛
- اسرائیل به جوامع مسلمان جسارت می‌کند؛
- هدف اسرائیل و آمریکا حذف اسلام است؛
- اسرائیل در مقابل همه کشورهای اسلامی ایستاده است؛
- هم‌اکنون زمان مبارزه علیه اسرائیل است؛
- حاکمان کشورهای اسلامی، هم‌زمان با هجوم اسرائیل به مسلمانان

در فلسطین و لبنان، تفرقه افکنی می کنند؛

- توطئه های راست و چپ را به گوش عالمیان برسانید؛

- برای آزادی فلسطین، یاری و همکاری لازم است؛

- مشکل فلسطین به خاطر اختلافات سران کشورهای اسلامی به

وجود آمده است.

در ادامه پاره ای از دیدگاه های مقام معظم رهبری را نیز ارائه می کنیم:

- جمهوری اسلامی، حاکمیت دولت صهیونیست بر فلسطین اسلامی

را رد می کند؛

- فلسطین در نهایت پیروز است؛

- حرکت های اسلامی در فلسطین و برخی کشورهای شمال آفریقا و

خاورمیانه رشد داشته است؛

- تنها علاج زخم فلسطین، نابودی غده سرطانی حکومت

صهیونیستی است؛

- دولت های استعمارگر و ضداسلام در مسئله فلسطین توطئه می کنند؛

- اعراب از جنگ با اسرائیل عاجزند؛

- مسئله فلسطین در صدر مسائل جهان اسلام است؛

- بیداری اسلامی در منطقه فلسطین و لبنان به وقوع پیوسته است؛

- صهیونیست ها به دست جوانان فلسطینی شکست سختی را متحمل شدند؛

- از ملت بیدار فلسطین حمایت کنید.

براساس همین رویکرد روشنگرانه رهبران جمهوری اسلامی است که

هم اکنون رنج مردم فلسطین تا حدودی کاهش یافته است؛ اگرچه تا

تشکیل دولت فلسطین و اخراج اشغالگران، فاصله زیادی وجود دارد.

فصل نهم: نقش حج در پردازندیشه ملی کرایبی و ناسیونالیسم

بررسی موضوع

ناسیونالیسم در اصطلاح عقیده‌ای است که تا حد ممکن مرزهای ملت^۱ با مرزهای دولت منطبق باشد و ملت، سرنوشت خود را در دست داشته باشد و دولت ملی، مهم‌ترین سازمان سیاسی آن باشد. تعریف دیگری که از ناسیونالیسم وجود دارد، بدین شرح است:

[ناسیونالیسم] ایدئولوژیی است که دولت ملی را عالی‌ترین شکل سازمان سیاسی می‌داند و مبارزه‌های ملت‌باورانه بر ضد چیرگی بیگانه، برای پاسداری از چنین ملتی است. [بنابراین] رشد ملت‌باوری باعث شد که اصل حاکمیت ملی شناخته شود و این دوره برای اروپا از قرن هفدهم تا اواخر قرن نوزدهم و در آسیا و آفریقا، به‌ویژه نیمه دوم قرن بیستم را در بر می‌گیرد.^۲

۱. که حافظه تاریخی مشترک، زبان مشترک، فرهنگ و آداب و رسوم مشترک، سرزمین مشترک و مانند اینها.

۲. دانشنامه سیاسی، ص ۳۱۹.

ملی‌گرایی اصالت دادن به تعلقات قومی و ملی است. انسان به خاطر برخی دلبستگی‌ها از قبیل سرزمین، زندگی مشترک، خون، نژاد و مانند آن، خود را از دیگران جدا دانسته و به قوم خاصی احساس تعلق می‌کند و توجه خود را به تأمین منافع ملی معطوف می‌سازد. این مسئله از علاقه‌مندی شروع می‌شود و آن‌گاه به افراط در نژادپرستی می‌رسد.

ملی‌گرایی، مراتب و درجات گوناگونی دارد: از علاقه‌مندی به سرزمین و ملیت خود شروع و تا ملی‌گرایی خشن ادامه یافته و در نهایت، به شوونیسم می‌رسد. ملی‌گرایی وقتی ریشه نژادی پیدا کند، نظام‌هایی چون نازیسم در آلمان، فاشیسم در ایتالیا و صهیونیسم در فلسطین اشغالی و... را به وجود می‌آورد که محور آنها اعتقاد به برتری نژادی و حق سیادت بر دیگران است.^۱

واژه‌شناسی ناسیونالیسم از دو بخش ناسیون و ایسم تشکیل شده است. ایسم به معنای اصول اعتقادی است و ناسیون امروزه به جماعتی گفته می‌شود که به‌طور کلی دلبستگی‌ها و سنت‌های فرهنگی و تاریخی مشترکی دارند و از نظر سیاسی، مستقل یا در تلاش برای کسب آن هستند.^۲

ناسیونالیسم را می‌توان به معانی مختلف تعریف کرد:

۱. احساس وفاداری به ملتی خاص (یعنی یک نوع میهن‌پرستی).
۲. از بعد سیاسی، تمایل به رعایت منافع ملت خویش، زمانی که پای

۱. ر.ک: معرفت، «ملی‌گرایی (ناسیونالیسم) از دیدگاه اسلام»، محسن غرویان و شاکر قوامیان،

ش ۵۰، ص ۱۰۵.

۲. ر.ک: کتاب نقد، «نقد و بررسی درباره تعریف ناسیونالیسم»، لیلا عنایتی، ش ۲۸، ص ۵۹.

رقابت منافع دیگران در کار است.

۳. اهمیت دادن به صفات ویژه هر ملتی.

۴. اهمیت دادن به حفظ فرهنگ ملی.^۱

پیدایش ملی‌گرایی

اگرچه علاقه به سرزمین پیشینیان در بین بشر سابقه ای طولانی دارد، ولی ملی‌گرایی به شکل سیاسی و تشکیلاتی آن، پس از عصر نوزایی در بیشتر کشورهای اروپایی به وجود آمد.

ملی‌گرایی در قرن شانزدهم به دست نیکولو ماکیاول ایتالیایی و ژان بدن فرانسوی تقویت و در قرن هیجدهم رشد یافت و سرانجام در قرن نوزدهم به اوج خود رسید. در نیمه دوم قرن هیجدهم، با وقوع انقلاب فرانسه که عصبانی علیه اشرافیت کهن بود، این طرز فکر از مرزهای فرانسه گذشت و سراسر اروپا را فراگرفت. بنابراین مردم سایر کشورها به دفاع از ملیت خود در مقابل فرانسه برخاستند.^۲

ناسیونالیسم از جمله ایدئولوژی‌هایی است که در سال‌های بین ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۹ به وجود آمد و زمینه‌ساز برخی تحولات در صحنه بین‌الملل شد؛ ناسیونالیسم یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد تحول در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل به شمار آمده است؛ چنان‌که پس از قرن نوزدهم، سبب پیدایش کشورهای جدید زیادی در صحنه سیاست بین‌المللی شد.^۳

۱. ر.ک: کتاب نقد، «اسلام و ناسیونالیسم در ایران»، حمیدرضا عبدالله، ش ۲۸، ص ۱۴۴.

۲. ر.ک: «ملی‌گرایی (ناسیونالیسم) از دیدگاه اسلام»، ص ۱۰۵.

۳. ر.ک: «نقد و بررسی درباره تعریف ناسیونالیسم»، ص ۵۴.

هدف ملی‌گرایی

به طور کلی ملی‌گرایی برخی از ویژگی‌های معین را به انحصار ملتی خاص در می‌آورد و بدین وسیله آن را از دیگر ملت‌ها جدا می‌کند؛ حتی اگر این ویژگی‌ها برای آن ملت یک امتیاز محسوب نشود. هر ملت، زبان، تاریخ، زمین و... مشترک دارد؛ با این حال ویژگی عمومی اصول جهانی ناسیونالیسم، به برتری هویت ملی بر دعاوی مبتنی بر طبقه، مذهب یا بشریت تأکید می‌کند.^۱

هدف ناسیونالیسم، کسب استقلال و حاکمیت ملی است. ملت‌ها هنگامی به ناسیونالیسم روی می‌آورند که استقلال و حاکمیت ملی نداشته باشند یا به آنها حمله شده باشد یا بخواهند از آن برای تهییج مردم در راستای توسعه کشور استفاده کنند. به غیر از موارد یادشده، دولت‌ها همواره ناسیونالیسم را در جهت زیان‌بار آن استفاده می‌کنند؛ همین امر، سبب بدنامی و منفور بودن آن شده است.^۲

سیری در دیدگاه‌های حضرت امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری

از جمله مسائلی که در اندیشه حضرت امام خمینی علیه السلام بر آن تأکید شده است، پرهیز از ملی‌گرایی و قوم‌گرایی است. دیدگاه حضرت امام خمینی علیه السلام در مورد مسلمانان، نگاه امت واحد بود و مرزبندی‌های جغرافیایی، گوناگونی زبان‌ها، و تنوع رنگ پوست را به هیچ وجه نشانه

۱. ر.ک: کتاب نقد، «جستاری در ماهیت ناسیونالیسم»، زاهدویسی، ش ۲۸، ص ۳۵.

۲. ر.ک: «نقد و بررسی درباره تعریف ناسیونالیسم»، ص ۵۹.

تفاوت و برتری یک قوم یا قبیله بر دیگری نمی‌دانست. بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، امت اسلامی را به هوشیاری در این زمینه فرا می‌خواند و طرح ملی‌گرایی را نیرنگ استعمار برای پاره‌پاره کردن امت اسلامی می‌دانست. در اندیشه ایشان، وطن‌دوستی و حفظ مرزهای کشور، امری پسندیده است؛ ولی ایجاد شکاف و قائل بودن به برتری میان انسان‌ها، هیچ جایگاهی ندارد:

حب وطن، حب اهل وطن و حفظ و حدود کشور، مسئله‌ای است که در آن حرفی نیست؛ و ملی‌گرایی در مقابل ملت‌های مسلمان دیگر، مسئله دیگری است که اسلام و قرآن کریم و دستور نبی اکرم ﷺ بر خلاف آن است؛ و آن ملی‌گرایی که به دشمنی بین مسلمین و شکاف در صفوف مؤمنین منجر می‌شود، بر خلاف اسلام و مصلحت مسلمین و از حيله‌های اجانب است که از اسلام و گسترش آن رنج می‌برند.^۱

در زمان جنگ تحمیلی که عده‌ای با طرح ایده‌های ملی‌گرایی در پی به بیراهه کشاندن انقلاب بودند، حضرت امام‌الله با هوشیاری در مقابل آنها ایستادگی کرد و بر ایده‌های جهانی انقلاب و مکتب اسلام تأکید ورزید:

– نباید شهادت را تا این اندازه به سقوط بکشانیم که بگوییم در عوض شهادت فرزندان اسلام، تنها خرمشهر و یا شهرهای دیگر آزاد شد. تمامی اینها خیالات باطل ملی‌گراهاست. ما هدفمان بالاتر از آن

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۴۶.

است. ملی‌گراها تصور نمودند ما هدفمان پیاده کردن اهداف بین‌الملل اسلامی در جهان فقر و گرسنگی است. ما می‌گوییم تا شرک و کفر هست، مبارزه هست. و تا مبارزه هست، ما هستیم. ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم. ما تصمیم داریم پرچم «لا اله الا الله» را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز در آوریم.^۱

حضرت امام خمینی علیه السلام با آگاهی از عمق نظریه ملی‌گرایی و اهداف بشری و پیش‌یافته آن، پیروان این نظریه را مشتی بی‌فرهنگ و سست‌عصر می‌دانستند که به تبلیغات سوء علیه اهداف متعالی اسلام می‌پردازند:

چه بسا آنهایی که تا دیروز در برابر این نظام، جبهه‌گیری کرده بودند و فقط به خاطر سقوط نظام و حکومت جمهوری اسلامی ایران از صلح و صلح‌طلبی، به‌ظاهر دم می‌زدند، امروز نیز با همان هدف سخنان فریبنده دیگری را مطرح نمایند و جیره‌خواران استکبار، همان‌ها که تا دیروز در زیر نقاب دروغین صلح، خنجرشان را از پشت به قلب ملت فرو کرده بودند، امروز طرف‌دار جنگ شوند و ملی‌گراهای بی‌فرهنگ برای از بین بردن خون شهدای عزیز و نابودی عزت و افتخار مردم، تبلیغات مسموم خویش را آغاز نمایند که ان‌شاءالله ملت عزیز ما با بصیرت و هوشیاری، جواب همه فتنه‌ها را خواهد داد.^۲

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۲۶۰.

۲. همان، ص ۲۶۷.

به اعتقاد بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، ملی‌گراها با داشتن ایده‌های سست و بی‌بنیان، بی‌گمان در مقابل مشکلات کمر خم می‌کنند و حتی به همان تعهدات ملی خویش نیز پشت پا می‌زنند:

ملی‌گراها اگر بودند، به راحتی در مشکلات و سختی‌ها و تنگناها دست‌ذلت و سازش به طرف دشمنان دراز می‌کردند و برای اینکه خود را از فشارهای روزمره سیاسی برهاند، همه کاسه‌های صبر و مقاومت را یک‌جا می‌شکستند و به همه میثاق‌ها و تعهدات ملی و میهنی ادعایی خود پشت پا می‌زدند.^۱

همه این شواهد از بیانات حضرت امام خمینی علیه السلام، درحقیقت تمرکز بر بیداری اسلامی و دوری از اندیشه‌های ملی‌گرایانه استعماری است که هدفی جز جدایی امت اسلامی ندارد.

به اعتقاد حضرت امام علیه السلام، تجمع عبادی - سیاسی حج در کنار تنوع ملت‌ها، باید به وحدت مسلمانان بینجامد؛ به گونه‌ای که نقشه‌های استعماری نقش بر آب شوند:

شرقی، غربی، سیاه، سفید و صاحب لغات گوناگون که اینجا جمع شده‌اند، چند روز عمل واحد انجام می‌دهند، در یک نقطه عبادت می‌کنند، می‌خوابند و می‌نشینند. این کارها برای یک امر فراملیتی و فراشخصیتی است، و الا ممکن بود این اعمال را هر کسی در مسجد جامع شهر خودش هم انجام بدهد. چرا مردم را به یک نقطه خاص کشاندند؟ برای اینکه با هم باشند و با هم بودن را حس کنند و آن

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۲۷۰.

چیزی که فراتر از مجموعه های ملی است، یعنی مسلمان بودن و وحدت اسلامی را به اینها بفهمانند.^۱

از نگاه مقام معظم رهبری یکی از ویژگی های اصیل حج، خصوصیت جمعی و گروهی آن است؛ به گونه ای که امت اسلامی را از سراسر نقاط جهان با فرهنگ های متفاوت در نقطه ای فرا می خواند. ایشان پس از بیان ویژگی شخصی، فردی و معنوی حج، دومین ویژگی حج را در ابعاد جمعی و فراملیتی می دانند که «عبارت است از اثبات عزت توحید، نفی شرک، براءت از شرک و مشرکین و داعیان الی الشرک و مخالفان توحید، به هر شکل و به گونه ای که بتوانند».^۲

بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، ملی گرایی افراطی را یکی از مشکلات بزرگ امت اسلامی می دانست که روشنفکران وابسته نیز بدان دامن می زنند: «[از مشکلات بزرگ امت اسلامی] اختلافات قومی و ملی ناشی از ملی گرایی افراطی است که بیشتر به دست روشنفکران وابسته دامن زده می شود».^۳

به اعتقاد مقام معظم رهبری امت اسلامی باید به افسون تفرقه میان خویش پایان دهند و دسیسه استعمار در این زمینه را بی اثر کنند. از نگاه ایشان، این امر در هنگام برگزاری مراسم حج، می تواند اتفاق بیفتد و برادران ایمانی، یکدیگر را از هر نژاد، زبان و قومیت در آغوش گیرند:

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۵۸.

۲. همان، ص ۱۶۰.

۳. همان، ص ۱۸۸.

شناخت خود به مثابه جزئی از این واقعیت عظیم مجموعه امت اسلامی، حج‌گزار را با پیوندی عاطفی و واقعی با برادران و خویشاوندانش متصل می‌کند و افسون جدایی را که سال‌هاست دست‌های استعمار دیروز و استکبار امروز، به نام نژاد و زبان و مذهب و ملی‌گرایی می‌دمند، باطل می‌سازد.^۱

محور بیانات مقام معظم رهبری به مانند حضرت امام خمینی علیه السلام، درباره موضوعاتی مانند دوری از ملی‌گرایی، تلاش برای وحدت میان امت اسلامی و نابود کردن حيله استکبار است. در نگاه مقام معظم رهبری، احساسات ناسیونالیستی، نیرنگ غرب برای جدایی مسلمانان است. استکبار جهانی با راه‌اندازی پان‌های مختلف در میان امت اسلامی، به تحقیر دیگر نژادها و قومیت‌ها کمک کرده است. امت اسلامی باید با بصیرت خود، این نیرنگ استعماری را نابود کند:

با احساس این وحدت و جماعت است که نیرنگ استعماری دیروز و امروز - یعنی احیای احساسات افراط‌آمیز ملی‌گرایی - این فاصله وسیع و عمیق میان ملت‌های مسلمان را پدید نمی‌آورد و قومیت عربی و فارسی و ترکی و آفریقایی و آسیایی، به جای آنکه رقیب و معارض هویت واحده اسلامی آنها باشد، بخشی از آن و حاکی از سعه وجودی آن می‌گردد؛ و به جای آن که هر قومیتی، وسیله و بهانه نفی و تحقیر قومیت‌های دیگر شود، وسیله‌ای برای نقل و

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۲۲۰.

انتقال خصوصیات مثبت تاریخی و نژادی و جغرافیایی هر قوم به سایر اقوام اسلامی می‌گردد.^۱

در بیانات مقام معظم رهبری، مراسم حج، واسطه‌ای برای به هم پیوستن ملت‌های مختلف است که از مکتب اسلام سیراب خواهند شد. به اعتقاد مقام معظم رهبری، امت اسلامی باید از این سرچشمه زلال معرفت سیراب شده و دست در دست هم، دسیسه‌های شوم استکبار جهانی را نابود سازند:

– نظر افکندن به عرصه عظیم زندگی امت اسلامی، فراتر از ابعاد ملت‌ها و نژادها و قوم و قبیله‌ها، و نظر افکندن به اعماق وجود خود و فراگرفتن راه و جهت و شیوه زندگی، چنان‌که شایسته اوست، [می‌باشد] و همه در پرتویی از ذکر خدا [حاصل می‌شود]. این است آن سرچشمه معرفتی که هر ساله در حج، فیاض و بی‌زوال، بر انبوه خلائق گردآمده در حرم امن خدا، سیلان می‌یابد و کسانی را که ظرف ذهن و دل را بگشایند، از این زلال معرفت، سیراب می‌سازد.^۲

– از آغاز ورود استعمار اروپایی به کشورهای اسلامی، یکی از سیاست‌های قطعی استعمارگران، ایجاد تفرقه میان مسلمین بوده است؛ گاه با حربه اختلافات فرقه‌ای و گاه با ابزار ملی‌گرایی و قوم‌گرایی و گاه با غیر اینها.^۳

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۶۰.

۲. همان، ص ۱۱۸.

۳. همان، ص ۱۲۰.

– در گفت و گو با برادران مسلمان خود از هر جای جهان اسلام، مسئله «امت اسلامی» و نگرش یکپارچه به جهان اسلام را مورد توجه قرار دهید. اندیشه خود و دیگران را از چارچوب مرزهای جغرافیایی، نژادی، عقایدی، حزبی و امثال آن فراتر ببرید و به اسلام و مسلمانان بیندیشید.^۱

جمع‌بندی

با قدرت گرفتن ناسیونالیسم قومی (ناسیونالیسم ترک، ناسیونالیسم عرب و مانند این‌ها) کشورهای اسلامی از هم دور شده و این جدایی به دشمنی تبدیل شد که نتایج آن در جنگ‌های مختلف در خاورمیانه ظهور یافت. امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری، تأکیدات ویژه‌ای در مورد پرداختن به موضوع‌های ملی‌گرایانه و توجه به وحدت امت اسلامی داشته‌اند. ایشان بر نقش حج در گرد آوردن مسلمانان از سراسر جهان تمرکز کرده و آن را وحدت‌آفرین می‌دانند.

محور اصلی سخنان امام خمینی علیه السلام در خصوص ملی‌گرایی این است که علاقه به وطن، با ملی‌گرایی متفاوت است و آنچه که می‌تواند ایده‌های ملی‌گرایانه را نابود کند، یکپارچگی مسلمانان است. محور سخنان مقام معظم رهبری نیز به شرح ذیل است:

– حج، افسون جدایی امت اسلام را بر هم می‌زند؛

– فراملیتی اندیشیدن، مربوط به امت اسلام است؛

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۱۴۶.

- حج، امری فراملیتی و فراشخصیتی است؛
- باید از چارچوب مرزهای جغرافیایی، نژادی، عقیدتی، حزبی و اندیشیدن به اسلام و مسلمانان فراتر رفت؛
- ملی‌گرایی، یکی از سیاست‌های قطعی استعمارگران است؛
- امت اسلامی، فراتر از ابعاد ملت‌ها، نژادها و... است؛
- وحدت مسلمانان، نابود کننده توطئه ملی‌گرایانه غرب است.

فصل دهم: حج و انقلاب اسلامی

بررسی موضوع

هم عقیده بودن در مورد درک مفهومی انقلاب، مربوط به پیچیدگی آن در جایگاه یک پدیده اجتماعی است که به پیچیدگی و ناشناختگی انسان برمی گردد. با این وجود، گفتنی است که شاید بتوان از طریق درک رمزهای پنهانی این گونه دگرگونی ها، به تصویری رضایت بخش از معنای انقلاب دست یافت. انقلاب اسلامی، ویژگی های منحصر به فردی دارد که آن را از دیگر انقلاب های جهان ممتاز می سازد و مفهوم جدیدی از انقلاب را ارائه می کند. برخی از این ویژگی ها از نظر مقام معظم رهبری از این قرارند:

۱. برخورداری از پشتوانه عظیم فلسفه، فقه و معارف شیعه؛
۲. انقلاب اجتماعی همه جانبه، همراه با تحول بنیادین در زندگی انسان ها؛
۳. استواری بر پایه فرهنگ و اعتقاد و ایمان، در مراحل اوج گیری و

سازندگی انقلاب؛

۴. بهره‌مندی از رویکرد ارزشی و هدف‌گیری اصلاح مفاسد بشری؛
۵. حاکم‌سازی فرهنگ توحیدی به جای فرهنگ الحادی و استبدادی؛
۶. شکل‌گیری بر مبنای نظم و انضباط انقلابی.

با توجه به این خصوصیات است که انقلاب اسلامی یک تفسیر الهی بوده و به معنی زنده کردن دوباره اسلام است؛ چنان که رهبر معظم انقلاب می‌فرماید:

انقلاب یک تفسیر اسلامی و الهی است. ما انقلاب را یک تحول اخلاقی، فرهنگی و اعتقادی می‌دانیم که به دنبال آنها تحول اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و آنگاه رشد همه جانبه ابعاد انسان‌ها تحقق می‌یابد.^۱

یکی از اهداف انقلاب اسلامی، شناسایی درست چهره‌های استکبار است. لانه جاسوسی و جنگ هشت‌ساله و همچنین روشنگری‌های امام علیه السلام سبب شناساندن انقلاب اسلامی و ماهیت استکباری قدرت‌ها شد.^۲ برخی از آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری عبارت‌اند از:

۱. عدالت‌خواهی؛
۲. تربیت و تزکیه انسان و جامعه‌سازی بر مبنای آن؛

۱. رک: حصون، «انقلاب اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلام»، احمد شفیعی، ش ۷، ص ۸.

۲. رک: تربیت، «انقلاب اسلامی، رویکردها، واکنش‌ها»، محمدرضا سنگری، ش ۱۰۷، ص ۴۴.

۳. تشکیل نظام توحیدی و تلاش برای دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی؛
۴. دستیابی به حیات پاکیزه؛
۵. برخورداری از رفاه، امنیت، دانش، عزت سیاسی، استقلال اقتصادی و رونق تجاری؛
۶. حاکمیت اسلام و قرآن در زندگی بشر؛
۷. تکریم انسان و نفی فقر، فساد و تبعیض و در نتیجه احساس خوشبختی و سعادت؛
۸. بازگرداندن عزت اسلامی به مسلمانان.
- علاوه بر موارد یادشده، اهداف دیگری نظیر استقلال، آزادی، رشد معنوی، رشد مادی، ایجاد محیط امن و باکرامت و... نیز جزء اهداف انقلاب به حساب می‌آیند.^۱
- در مورد دولت‌های اسلامی می‌توان گفت، بازتاب انقلاب اسلامی بر این دولت‌ها که بیشتر آنها پایگاه مردمی نداشته و به جهان غرب وابسته بودند، اثر منفی داشت. به عبارت دیگر، هر دولتی که در اثر تحول ایران، برای آینده خود احساس خطر بیشتری می‌کرد، بازتاب منفی انقلاب اسلامی بر آن دولت بیشتر بود. جالب اینکه هر دولتی که از اکثریت قوی تر شیعیان برخوردار بود یا اقلیت چشم‌گیری از شیعیان را در اختیار داشت، به‌خاطر هراس از شورش و خیزش مردمی، واکنش تندتری نشان داد. برای مثال رژیم بعث عراق، با دشمنی وصف‌ناپذیری با انقلاب اسلامی برخورد کرد و

۱. ر.ک: «انقلاب اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی»، ص ۱۵.

جنگ بی‌رحمانه‌ای را علیه این نظام به راه انداخت.^۱

بعد از اسلام آوردن ایرانیان، یکی از مهم‌ترین رخدادهای تاریخ چندهزار ساله ایران، پیروزی انقلاب اسلامی است. این انقلاب الهی، نه تنها در ایران، بلکه در سراسر جهان اسلام، نقطه عطفی سرنوشت ساز محسوب شد؛ زیرا بر معادلات ظالمانه حاکم بر نظام بین‌الملل اثر گذاشت. سرآغاز اصلی انقلاب اسلامی، پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ ه.ش است. با اوج‌گیری خفقان و رفتارهای ضد مذهبی شاه، نارضایتی مردم نیز به حد اوج خود رسید با اوج‌گیری مبارزات مردمی در سال ۱۳۵۷، رژیم شاه تاب مقاومت را از دست داد و در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، نور بر ظلمت چیره شد و انقلاب اسلامی به پیروزی رسید.

از دیدگاه مقام معظم رهبری، انقلاب اسلامی مردم ایران با نیروی اتحاد، اسلام، تکیه بر خدا، قدرت اراده و تن دادن به فداکاری و مجاهدت پیروز شد. برخی از عوامل پیروزی انقلاب عبارت‌اند از:

۱. مطابقت انقلاب اسلامی با سنت‌های الهی؛
۲. ایمان عمیق، آگاهانه و راسخ مردم به اسلام ناب؛
۳. تکیه بر مفهوم واقعی شعار الله اکبر؛
۴. تعظیم شعائر الهی، به‌ویژه عزاداری‌های محرم و صفر؛
۵. روشنگری و فداکاری روحانیان اصیل و متعهد، در جایگاه جلوداران نهضت.

۱. ر.ک: نشریه مطالعات انقلاب اسلامی، «بازتاب جهانی انقلاب اسلامی»، منوچهر محمدی،

در یک کلام می‌توان رمز پیروزی انقلاب اسلامی را در ایمان و اعتقاد مردم به اسلام، تسلیم بودن در برابر فرمان خدا و صبر و فداکاری و استقامت در مسیر انقلاب جست‌وجو کرد.^۱

نقش و جایگاه انقلاب اسلامی در کلام حضرت امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری

بخش اول بیانات حضرت امام خمینی علیه السلام مربوط به حوادث پیش از انقلاب است. ایشان اوضاع جامعه ایران را ترسیم و از آزادی خواهان جهان می‌خواهند که به مظلومیت ملت ایران توجه نشان دهند. از جمله مسائلی که ایشان بر آنها تأکید می‌کردند؛ ظلم و قساوت رژیم پهلوی، سرکوب دانشگاه‌ها و دانشجویان، پیروی بی‌قید و شرط از آمریکا و فقر و بدبختی ملت ایران بود. اندکی از گرفتاری‌های ملت ایران از زبان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، نشان‌دهنده ستمی است که در حق مردم ایران روا داشته شده است. نکته بسیار جالب و تأمل‌برانگیز در بیانات حضرت امام علیه السلام، توجه ویژه ایشان به آگاهی‌رسانی به دیگر ملت‌های آزاده است:

اینک این جانب به حکم وظیفه، شمه‌ای از گرفتاری‌های ملت مظلوم ایران را تذکر می‌دهم تا مسلمین جهان بدانند که به مردم بی‌پناه این کشور اسلامی چه می‌گذرد. آثار شوم استعمار در این مملکت از سایر ممالک اسلامی بیشتر به چشم می‌خورد. اسرائیل که امروز

۱. ر.ک: «انقلاب اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی»، ص ۱۶.

دشمن شناخته شده اسلام و مسلمان هاست و مدت هاست که با ملل
 مُسلم در حال جنگ است، به دست دولت خبیث ایران در تمام
 شئون اقتصادی، نظامی و سیاسی دخالت دارد و باید گفت ایران به
 صورت پایگاه نظامی اسرائیل و در واقع آمریکا درآمده است.^۱
 در آن سال ها حضرت امام علیه السلام یورش به دانشگاه ها و مخالفت با
 حرکات اسلامی مردم را بسیار محکوم کرده و در مقابل رژیم پهلوی
 ایستادگی کردند:

حوادث اخیر دانشگاه های ایران و یورش وحشیانه و بی رحمانه
 دستگاه جبار به دانشجویان، سخت ما را متأسف ساخته. این روش
 غیرانسانی، نمونه دیگری از نقشه های استعمارگران برای سرکوبی
 دانشگاه ها و دانشجویان می باشد. من این اعمال چنگیزی و قرون
 وسطایی را شدیداً تقبیح می کنم و اطمینان دارم که دانشجویان غیور
 وطن خواه، هرگز عقب نشینی نکرده، تسلیم نخواهند شد.^۲
 درس بیداری عملی حضرت امام خمینی علیه السلام برای سایر مردم جهان،
 بی گمان تاریخ ساز بوده و هست. ایشان وضع آن دوران ایران را شایسته
 این ملت نمی داشت:

همه اش وابستگی، همه اش خرابی. سرتاسر کشور ما که ملاحظه
 بکنید، الا شهرستان ها، آن هم تهران، عمدتاً که مورد توجه بود و
 می خواستند آن هم چون اشراف و اعیان در اینجا هستند، آنها خوش

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۳.

۲. همان، ص ۱۳.

بگذرانند، این دهات و قصبات و آن جاهای دورافتاده یک نظر به آن نشد. این بدبخت‌ها باید با الاغ از این ور و آن ور بروند. مریض‌هایشان را ببرند، بین راه هم بمیرند.^۱

ایشان همواره خواهان کنار رفتن رژیم فاسد و ناکارآمد پهلوی و اجرای احکام اسلامی بودند. از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، استعمارگران شرق و غرب با بهره‌گیری از دولت دست‌نشانده پهلوی، تمامی ذخایر این مملکت را به غارت می‌بردند و چیزی جز آه و حسرت برای ملت آزاده ایران بر جای نمی‌گذاشتند:

از پنجاه سال قبل تاکنون گرفتار در چنگال خاندان پهلوی که رسماً نوکر اجانب بوده و هستند، می‌باشد. در این پنجاه سال سیاه، این ملت بزرگ، در تحت فشار پلیس و اختناق و شکنجه روحی دست و پا می‌زند و تمام مخازن زیرزمینی و منافع حیاتی ملت را شاه به اجانب داده است. نفت را آمریکا و گاز را شوروی و مراعات و جنگل‌ها را به علاوه بر بخشی از نفت، انگلیس و بعضی کشورهای دیگر. مردم را از تمام مظاهر حیاتی محروم نموده و به حال عقب‌ماندگی نگه داشته.^۲

هم‌اکنون (دوران قبل از انقلاب اسلامی) ملت ایران به یاری خداوند بیدار شده و استوار به دنبال حقوق از دست‌رفته خویش است؛ اگرچه رژیم خون‌ریز پهلوی، ملت را به خاک و خون می‌کشد:

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۱۷.

۲. همان، ص ۱۶.

اکنون که در سال های اخیر، ملت بیدار شده و برای احقاق حق خود پیاخاسته و فریاد مظلومانه اش بلند شده است، جواب آنها با مسلسل و تانک و توپ داده می شود. قتل عام هایی که در این چند ماه اخیر در شهرهای ایران رخ داده، روی تاریخ را سیاه نموده. شاه با تمام قوای جهانی به پشتیبانی آمریکا به جان مردم مظلوم افتاده؛ ایران اکنون به شکل قبرستانی مبدل و اعتصابات عمومی سرتاسر کشور را فراگرفته و شاه در این نفس های آخرش می خواهد از این ملت مستضعف انتقام بگیرد. سایه شوم حکومت نظامی بر سر ملت برقرار و دست کماندوهای مزدور برای قتل بزرگ و کوچک و زن و مرد باز است.^۱

بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، به پیروزی ملت ایران امیدوار بود و وعده های الهی را عملی می دانست. ایشان شرط تحقق وعده های الهی را بیداری امت اسلامی و ایستادگی در مقابل زورگویان می دانست. بخش دوم و بصیرت بخش بیانات حضرت امام خمینی علیه السلام در موسم حج، در مورد وقوع انقلاب اسلامی و مشکلاتی است که دشمنان اسلام بر سر راه این انقلاب به وجود آوردند.

از دیدگاه حضرت امام علیه السلام اوضاع و احوال کشور ایران پیش از انقلاب آشفته و بحران زده بود و همین نگاه متعالی ایشان باعث ایستادگی در مقابل همه زورگویان داخلی و بین المللی شد:

ایران، چنانچه می دانیم و می دانید، دست بسته تسلیم آمریکا بود و شاه

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۷.

مخلوع خائن، این کشور را در تمامی ابعاد، وابسته به آمریکا کرده بود و ایران یکی از پایگاه های نظامی آمریکا بود. ارتش در دست مستشاران آن و فرهنگ در دست جیره خواران، و شاه و دولت و مجلس از نوکران و سرسپردگان بودند. اقتصاد در وابستگی از آنها بدتر. و شاه مخلوع در منطقه نیرومندترین ژاندارم بود. و پشتیبان او آمریکا و دیگر کشورهای وابسته به آن بودند.^۱

از نگاه حضرت امام علیه السلام دشمنان اسلام از این می هراسند که انقلاب اسلامی به سایر مملکت های آزاده جهان صادر شود. البته همان گونه که ایشان پیش بینی کردند، سرانجام این اتفاق خجسته رخ داد و امت اسلامی با تکیه بر مفهوم بیداری اسلامی، حکام دست نشانده شرق و غرب را به زیر می کشند و دست استکبار جهانی را از سرنوست خود کوتاه می کنند. به اعتقاد حضرت امام علیه السلام نقشه شوم استکبار جهانی از هم اکنون بر باد رفته است:

— شیطان بزرگ که خوف آن دارد که انقلاب اسلامی ایران به سایر کشورهای اسلامی و غیراسلامی صادر شود و دست پلید او را از کشورهای تحت سلطه قطع کند، در حالی که از حصر اقتصادی و حمله نظامی طرفی نسبت به حيله دیگری دست زده است تا انقلاب اسلامی ما را در پیشگاه مسلمانان جهان خدشه دار کند و مسلمانان را به جان هم اندازد و خود به ستمگری ها و چپاول هایش در کشورهای اسلامی ادامه دهد.^۲

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۲۷.

۲. همان، ص ۴۵.

اندیشه بیدارکننده حضرت امام علیه السلام، امت اسلامی را به آگاهی از آلوده بودن دست آمریکا به خون جوانان ایرانی فرا می‌خواند:

– آمریکا، عراق را وادار نموده است خون جوانان ما را بریزد. و سایر کشورهای تحت نفوذش را وادار نموده است تا ما را با حصر اقتصادی از پای درآورد. مع‌الأسف اکثر کشورهای آسیایی هم با ما سر ستیز برداشته. ملت‌های مسلمان باید بدانند که ایران کشوری است که رسماً با آمریکا می‌جنگد و شهدای ما، این جوانان و دلاوران ارتش و سپاه، از ایران و اسلام عزیز در مقابل آمریکا دفاع می‌کنند.^۱

دکترین بیدارگر حضرت امام خمینی علیه السلام در بیانات ایشان نمایان است. ایشان از سکوت جوامع اسلامی در قبال صدام حسین، گله‌مند بود و امت اسلامی را به محکوم کردن این جنایت‌کار دعوت می‌کرد:

در عین حالی که در قرآن کریم است که اگر دو طایفه ای از مسلمین با هم اختلاف کردند، شما مصالحه بدهید بین آنها را و اگر یکی از آنها باغی باشد و طاعی باشد، با او قتال کنید تا اینکه سر نهد به احکام خدا. کدام یک از کشورهای اسلامی بررسی کردند در اینکه طاعی و باغی کیست و آن کسی که هجوم کرده است کیست تا اینکه همه به امر خدا با او مقاتله کنند؟ بر کدام مملکت اسلامی پوشیده است این معنا که صدام به ما بغی کرده است و طغیان کرده است و ظلم کرده است و هجوم کرده است؟ چرا

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۴۹.

ممالک اسلامی به آیه شریفه‌ای که می‌فرماید که ﴿فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي

حَتَّى تَقِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ﴾ چرا عمل نمی‌کنند؟^۱

اندیشمندان و آزادگان جهان می‌دانند که این سخن امام علیه السلام، چه عمق و ژرفایی دارد؛ چنان‌که بعدها فهمیدند که صدام چه نقشه‌های پلیدی در سر داشت و به چه سرنوشتی دچار شد.^۲ حضرت امام علیه السلام در این باره فرموده بودند:

تمام کسانی که اطلاع دارند از منطقه، می‌دانند که دولت جابر صدام و بعث ناگهان بدون هیچ مقدمه حمله کرده است به ایران از طرف دریا و از طرف هوا، از طرف زمین و بدون اینکه دولت متوجه بشود، بعضی از بلاد ایران را غصب کرده است و بعضی از سرزمین‌ها. آن روزی که مطلع شد ایران، جلوش را گرفت و بحمدالله به قدری صدمه بر او وارد کرده است و بر جنود او وارد کرده است که برگرداندن به اصل اول محتاج به سال‌های طولانی است.^۳

حضرت امام علیه السلام در بیانات خویش همواره امت اسلامی را به مبارزه و بیداری دعوت می‌کردند و پیروزی جمهوری اسلامی را برای آنها مثال می‌زدند:

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۵۷.

۲. حمله صدام به کشور کویت و اشغال آن کشور، اختلافات مرزی با عربستان، منزوی کردن کردها و درنهایت کشاندن نیروهای ناتو به منطقه که به نابودی خود و لگدمال شدن حقوق مردم عراق انجامید.

۳. صحیفه حج، ج ۱، ص ۶۶.

دیدید و دیدیم که یک ملت کوچک در یک محیط محدود و جمعیت معدود با عزمی بزرگ و اراده‌ای قوی و مشتی آهنین، با اعتماد به خدای قادر متعال، چسان رژیم طاغوتی را، با آن همه ساز و برگ جنگی و آن همه پشتیبانی قدرت‌های بزرگ، از صحنه روزگار محو کرد و چسان دست ابرقدرت‌ها را از کشور خود کوتاه کرد.^۱

این بیانات، خطاب به امتی است که قرن‌ها در خواب غفلت به سر می‌برد و در پی هیچ راه نجاتی نیست. امام خمینی علیه السلام به امت اسلامی هشدار می‌دهد و معتقد است که نیروی ایمان، بسی قدرتمندتر از سازوبرگ نظامی غرب و تبلیغات شوم آنهاست:

می‌بینیم که با آن رسانه‌های گروهی وابسته به قدرت‌های شیطانی، که بسیاری از اوقات خود را در شب و روز صرف دروغ‌پردازی و تبلیغات بی‌اساس و فتنه‌انگیزی می‌کنند، چگونه برخورد نمود: برخوردی که این رسانه‌ها برای خود و اربابانشان رسوایی هدیه آورده‌اند و همه تهمت‌هایشان موجب تقویت جمهوری اسلامی گردید و توجه هرچه بیشتر مظلومان و مستضعفان جهان را به جمهوری اسلامی جلب نمود.^۲

بخش سوم بیانات حضرت امام خمینی علیه السلام در مورد قطع دستان استعمارگران از سرنوشت امت اسلامی است. آن بزرگوار، امت اسلامی را به الگوبرداری از انقلاب اسلامی ایران، دعوت می‌کند و قدرت ملتی

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۵۹.

۲. همان، ص ۱۵۹.

را یادآور می‌شود که به پشتوانه اسلام و یاری خداوند به پیش می‌رود. ایشان همچنین قدرت پوشالی استکبار جهانی را به سخره می‌گیرند. از نگاه حضرت امام علیه السلام ملت ایران به یاری خداوند به پا خواسته و دست ابرقدرت‌ها را از سرنوشت خویش کوتاه کردند:

امروز تمام دولت‌ها و بسیاری از ملت‌های مسلمان می‌دانند که ملت ایران پس از صدها سال گرفتاری به دست شاهان ستم‌پیشه و ستم‌کاران حرفه‌ای که اسلام عزیز را وسیله غارتگری و چپاول برای خود و قدرت‌های بزرگ و اخیراً آمریکای جنایتکار قرار داده بودند و قرآن کریم و اسلام بزرگ را در معرض خطر می‌دیدند، بپاخواستند و با انقلاب کبیر خود، دولت اسلام را جای‌گزین رژیم غیراسلامی و غیرقانونی شاهنشاهی نمودند و دست ابرقدرت‌ها و خصوصاً آمریکای جهان‌خوار را از سلطه بر اموال و انفس خود قطع نمودند.^۱

بی‌گمان روی سخنان حضرت امام علیه السلام، امت اسلامی است؛ امتی که در سستی و خواب به سر می‌برند و حاکمان زورگو بر آنها حکومت می‌کنند. از بیانات حضرت امام علیه السلام چنین استنباط می‌شود که ای امت بزرگ اسلامی شما هم بیدار شوید و مجد و بزرگی اسلام را اعاده کنید و دست کوردلان را از سرنوشت خویش کوتاه کنید:

ما در ایران بپا خاستیم که به امید خداوند قادر متعال مسلمانان جهان را در زیر پرچم توحید و متعهد به احکام مترقی اسلام جمع، و دست

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۷۴.

ابرقدرت‌ها را از ممالک اسلامی کوتاه، و مجد مسلمین صدر اسلام را بازگردانیم، و سلطه ظالمانه کفار را از بلاد مسلمانان به هم پیچیده و آزادی و استقلال را به مسلمین بازگردانیم.^۱

بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، به حجاج بیت‌الله الحرام سفارش می‌کنند که مسلمانان را بیدار کنند و آنان را به مبارزه دعوت کنند:

بحمدالله ایران در همه دنیا مطرح است و مسلمین همراه او هستند. و من امیدوارم که این سفر مبارک شما را موفق کند به اینکه این مسلمین جهان را، این روحانیون کشورها را، این روحانیون درباری را که در آنجا لابد می‌آیند، توجه بدهید به اینکه آقا چرا باید شما عزت خودتان را در نوکری آمریکای بدانید؟ در نوکری صهیونیست‌ها بدانید؟ شما آقایی خودتان را از اسلام کسب کنید.^۲

حضرت امام خمینی علیه السلام در بیاناتشان امت اسلامی را به حرکت و جنبش فرامی‌خوانند و پیشرفت ایران اسلامی را به آنان گوشزد می‌کنند و آنان را به مبارزه و بیداری دعوت می‌نمایند:

امروز ایران اسلامی، به برکت ایمان قوی و تعهد به اسلام و تحول عظیمی که در اقصاء مختلفه حاصل شده است، دست شرق و غرب و انگل‌های منحرف را از کشور خود کوتاه، و به هیچ قدرتی اجازه نمی‌دهد کوچک‌ترین دخالتی در کشور اسلامی ایران نماید. و این خود حجت قاطعی است برای مسلمانان و مظلومان جهان که با

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۸۲.

۲. همان، ص ۱۱۹.

خواست ملت ها کسی نمی تواند دست تجاوز دراز کند و با آن مخالفت نماید. و ملتی که بین ذلت و شهادت، دومی را انتخاب نموده است، شکست پذیر نیست.^۱

به باور حضرت امام خمینی علیه السلام در جهان کنونی که مسلمانان تحت ظلم و ستم شرق و غرب قرار دارند، شعار رهایی بخش نه شرقی، نه غربی، ترسیم کننده راه نجات آنان است:

شعار «نه شرقی و نه غربی» ما، شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفین بوده و ترسیم کننده سیاست واقعی عدم تعهد کشورهای اسلامی و کشورهای است که در آینده نزدیک و به یاری خدا، اسلام را به عنوان تنها مکتب نجات بخش بشریت می پذیرند.^۲

این بیان محکم حضرت امام علیه السلام، نشان دهنده ایمان قوی ایشان در خصوص مستضعفان جهان است. حضرت امام علیه السلام امت اسلامی را به سلوک و رفتار و عمل ملت شریف ایران توجه می دهند؛ ملتی که رهایی و عزت خویش را در عزت اسلام یافته اند:

آن چیزی که همه مردم ما، فراتر از آن را فکر می کنند، مسئله حفظ اسلام و اصول انقلاب است. مردم ایران ثابت کرده اند که تحمل گرسنگی و تشنگی را دارند، ولی تحمل شکست انقلاب و ضربه به اصول آن را هرگز نخواهند داشت. ملت شریف ایران

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۶۶.

۲. همان، ص ۲۰۲.

همیشه در مقابل شدیدترین حملات تمامی جهان کفر علیه اصول انقلاب خویش مقاومت کرده است که در اینجا مجال ذکر همه آنها نیست.^۱

این بیان حضرت امام علیه السلام نقشه راهی است برای امت اسلامی که سال‌ها و قرن‌هاست تحت سیطره امپراتوری‌های شرق و غرب، از همه پیشرفت‌ها عقب مانده‌اند. حضرت امام خمینی علیه السلام، با شهامت از پیروزی جهانی اسلام بر ابرقادت‌ها و ستمکاران عالم سخن می‌گفتند:

ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی صلی الله علیه و آله است، به سیطره و سلطه و ظلم جهان‌خواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی مصلح و کل و امامت مطلق حق امام زمان — ارواحنا فداه — هموار می‌کنیم.^۲

بنابراین بر امت اسلامی لازم است که از ملت غیور و سلحشور ایران حمایت کنند و به فتاواهای آخوندهای خبیث درباری گوش فرا ندهند: آیا تکلیف خود نمی‌دانند که از ملت و دولت ایران که با جهاد مقدس، پرچم کفر را سرنگون و پرچم پر عظمت اسلام را برافراشته است پشتیبانی کنند؟ آیا وعظ السلاطین سرکوبی انقلاب اسلامی ایران را از مخالفت با آمریکا و اسرائیل لازم‌تر می‌شمارند؟^۳

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۲۵۸.

۲. همان، ص ۲۲۷.

۳. همان، ص ۷۷.

اندیشه‌های حضرت امام خمینی علیه السلام را در سه بخش «پیش از انقلاب»، «وقوع انقلاب اسلامی» و «سرنوشت امت اسلامی در پرتو بیداری اسلامی» بررسی کردیم. در این قسمت به بیانات مقام معظم رهبری درخصوص انقلاب اسلامی و مباحث بیدارگر ایشان می‌پردازیم. مقام معظم رهبری، انقلاب اسلامی را نوری در تاریکی حاکم بر جهان معاصر می‌داند که باعث خیزش‌های اصیل و اسلامی در سرتاسر جهان گردید. ایشان یادآور می‌شوند که استکبار جهانی به هیچ وجه از این حادثه خجسته و رهایی‌بخش خوشنود نیست و دسیسه‌های بی‌شماری را در سراسر جهان ترتیب می‌دهد. از دیدگاه مقام معظم رهبری، دشمن از صدور انقلاب اسلامی و بیداری امت اسلامی در ترس و هراس است:

صدور اندیشه انقلابی اسلام که دشمن به شدت از آن در هراس بود، از همان راه‌هایی که آنان برای جلوگیری از صدور انقلاب یا ضربه زدن به آن فراهم کرده بودند، تحقق یابد و مظلومیت ملت ایران و تحمل شداید، موجب اثبات حقانیت این ملت بزرگ و گسترش دامنه انقلاب در بسیاری از کشورها شود و به مسلمانان جهان، عزم راسخ‌تر و احساس هویت اسلامی بیشتری ببخشد.^۱

ایشان معتقد است که استکبار از روش بیدارکننده انقلاب اسلامی بسیار عصبانی‌اند و به همین علت به جمهوری اسلامی ایران فشار می‌آورند:

از اینکه می‌بینند چنین نظامی، با حضور خود، ملت‌های مسلمان را

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۳۵.

تشویق می‌کند که بیدار بشوند و به اسلام خودشان فکر کنند، ناراحت اند. بیداری مردم، اولین چیزی است که اینها درصدد هستند مانع آن بشوند؛ لذا فشار می‌آورند روی جمهوری اسلامی.^۱

مقام معظم رهبری، علت مخالفت استکبار جهانی با جمهوری اسلامی ایران و تشکیل دولت‌های اسلامی را در هشت محور بیان می‌فرماید:

- جدا نبودن دین از سیاست در جمهوری اسلامی؛
- استقلال سیاسی این نظام، به معنای تسلیم‌ناپذیری‌اش در برابر زورگویی‌های ابرقدرت‌ها؛
- اعلام راه حل مشخص جمهوری اسلامی درباره مسئله فلسطین که عبارت است از انحلال رژیم غاصب صهیونیستی و تشکیل دولت فلسطینی، متشکل از خود فلسطینیان و همزیستی مسلمانان، مسیحیان و یهودیان در فلسطین؛
- حمایت معنوی و سیاسی از همه نهضت‌های اسلامی و زشت دانستن فشار بر مسلمانان در هر جای عالم؛
- دفاع از حیثیت اسلام، قرآن، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و دیگر انبیای الهی و مقابله با رواج دادن اهانت به این مقدسات؛
- تلاش برای اتحاد امت اسلامی و همکاری سیاسی و اقتصادی کشورهای اسلامی؛
- رد و نفی فرهنگ تحمیلی غرب و اصرار بر احیای فرهنگ اسلامی در کشورهای مسلمان؛

– مبارزه با فساد و بی‌بندوباری جنسی.^۱

از نگاه مقام معظم رهبری، انقلاب اسلامی به یاری خداوند، مشکلات را پشت سر نهاده و هم‌اکنون به دوران بالندگی رسیده است. این بیانات بیدارکننده و این ایران پرافتخار، می‌توانند الگوی مناسبی برای دیگر ملت‌های مسلمان باشند؛ ملت‌هایی که در بند ظلم و ستم حاکمان فاسد و استکبار جهانی قرار دارند:

در ایران اسلامی، این مولود با انواع دشمنی‌های آشکار و پنهان مواجه شد و بحمدالله اکنون در دوران استقلال و ثبات و بالندگی است، و البته طوفان‌های دشمنی از سوی خبیث‌ترین مراکز استکباری و ضداسلامی همچنان از همه‌طرف او را احاطه کرده است. این نهاد دیرپاب چون اولین نمونه در جهان معاصر بود و می‌توانست الگوی دیگر کشورها شود و منافع آمریکا و صهیونیسم و دیگر جهان‌خواران را در سراسر دنیای اسلام تهدید کند، در معرض دشمنی خشم‌آلود و سراسیمه همه مراکز قدرت طلب جهان قرار گرفت.^۲

به اعتقاد مقام معظم رهبری، قیام ملت مسلمان و شجاع ایران در گسترش بیداری مسلمانان جهان تأثیر بسیاری داشته است؛ هدفی که همواره امام بزرگوار در راه آن کوشش می‌نمودند:

قیام جمهوری اسلامی در ایران و استقرار و ثبات و اقتدار روزافزون

۱. ر.ک: صحیفه حج، ج ۲، ص ۱۲۷.

۲. همان، ص ۲۶۱.

آن، اوج قله این نهضت جوان و ریشه‌دار است، که خود در گسترش بیداری مسلمانان، بیشترین نقش را ایفا کرده است. این آن چیزی است که جبهه استکبار را که همیشه از تظاهر به مبارزه با عقاید و مقدسات ملت‌ها پرهیز می‌کرد، وادار می‌سازد که در مبارزه با اسلام، علناً و با همه روش‌های ممکن، و گاه با قساوت و خشونت وارد میدان شود.^۱

از دیدگاه مقام معظم رهبری، استکبار جهانی به‌شدت با موج بیداری اسلامی به مبارزه برمی‌خیزد؛ چراکه این حرکت‌های اسلامی باعث از بین رفتن منافع استعماری آنان می‌شود:

ملت ایران با برافراشتن پرچم اسلام، به یکایک مسلمانان در دنیا عزت داده است؛ لذا مسلمانان کشورهای دیگر هم می‌خواهند دنبال این الگو حرکت کنند. استکبار چاره‌ای ندارد جز اینکه این پرچم را از دست شما بگیرد؛ جز اینکه شما را وادار کند بگویید ما پرچم اسلام و عزت اسلام و حرکت اسلامی را نمی‌خواهیم؛ همین حرفی که امروز بعضی‌ها دانسته و ندانسته، نابخردانه و ابلهانه در گوشه و کنار می‌زنند و از آنچه که مایه عزت اسلام شده است، اظهار پشیمانی می‌کنند.^۲

مقام معظم رهبری دولت‌های مسلمان را به اتحاد و برادری و مبارزه تا رسیدن به آزادی فرامی‌خوانند و معتقدند که امت اسلامی باید از توانمندی و نیروی جوانی نسل پرشور و انقلابی امت اسلامی بهره‌برداری کنند:

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۱۲۱.

۲. همان، ص ۲۷۴.

ملت و دولت ایران، ملت‌های برادر را به اتحاد فرا می‌خوانند و دست برادری به سوی آنان دراز می‌کنند؛ علما و روشنفکران و سیاستمداران و دنیای اسلام، درس وحدت و استقامت و معرفت را برای ملت‌های خود تکرار کنند و جوانان بالنده این نسل را برای رویارویی با حوادث بزرگ و به دوش گرفتن بار امانتی سنگین و شالوده‌ریزی امت متحد و یک‌پارچه اسلام آماده سازند.^۱

از جمله مسائلی که حضرت امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری بر آن تأکید کرده و در مورد آن بیاناتی را ایراد فرمودند، بحث اتهام‌هایی است که غرب علیه جمهوری اسلامی ایران به راه انداخته‌اند. اتهام‌هایی از قبیل تروریست بودن نظام جمهوری اسلامی و رعایت نکردن حقوق بشر در ایران. مقام معظم رهبری به زیبایی پاسخ این اتهام‌ها را داده و علت اتهام زدن غرب به ملت مسلمان ایران را آشکار کرده‌اند.

عبرت‌انگیز آنکه رادیوهای رژیم‌هایی که در آن از ابتدایی‌ترین رسوم نوگرایی سیاسی خبری نیست و چیزی به نام مجلس ملی و انتخابات آزاد و نشریه غیردولتی در آن، در حکم افسانه است نیز به کشوری که در آن به حکم اسلام، حکومتی مردمی بر سر کار است و قانون اسلامی در مجلسی مرکب از نمایندگان مردم، تصویب و به دست دولتی منتخب مردم اجرا می‌شود و مردم در حساس‌ترین مسائل آن دارای حضور فعال‌اند، نام مرتجع دادند و هوشمندان عالم را از تقلید مسخره‌آمیز خود به خنده انداختند.^۲

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۲۹۱.

۲. همان، ص ۶۶.

غرب و دشمنان اسلام و ایران اسلامی، نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را به مخالفت با دموکراسی متهم می‌کنند. البته به‌روشنی مشخص است که هدف غرب از این اتهام‌ها، بدبین کردن امت اسلامی از نظامی است که بر پایه اسلام و آموزه‌های قرآنی شکل گرفته است تا از این طریق مسیر آگاهی و بیداری مسلمانان را ببندند و همچنان امت اسلامی را در خواب غفلت نگه دارند. مقام معظم رهبری در این‌باره می‌فرماید:

ایران اسلامی در حالی متهم به مخالفت با دموکراسی می‌شود که از پنجاه روز پس از پیروزی انقلاب کبیر اسلامی تا چهارده ماه پس از آن، دو همه‌پرسی عمومی که در یکی از آنها مردم ایران، جمهوری اسلامی را به عنوان نظام سیاسی کشور برگزیدند، و در دیگری به قانون اساسی رأی دادند و سه انتخابات که در آنها به ترتیب، اعضای مجلس خبرگان برای نوشتن قانون اساسی، رئیس‌جمهور و نمایندگان در مجلس شورای اسلامی معین شدند، در آن برگزار شده و تا امروز همواره انتخابات آزاد، با شرکت پرشور مردم برای تعیین رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس، در موعد قانونی خود انجام گرفته است.^۱

دشمنان اسلام، اتهام‌های تروریستی را به کشور مسلمانی می‌زنند که خود قربانی تروریسم است و عزیزترین فرزندان را در عملیات‌های تروریستی از دست داده است. علاوه بر این کسانی به جمهوری اسلامی

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۱۲۵.

اتهام تروریست بودن می‌زنند که خود برپاکننده بزرگ‌ترین نظام های ترور و وحشت در جهان هستند. به اعتقاد مقام معظم رهبری:

– تهمت به تروریسم را، کسانی به ایران اسلامی می‌زنند که خود از دولت تروریست صهیونیستی، بیشترین پشتیبانی را کرده و گروه‌های تروریست ضد انقلاب ایرانی را در زیر چتر حمایت خود قرار می‌دهند.^۱

– آنان [آمریکا و صهیونیسم] در این صددند که جمهوری اسلامی را که امروزه در جهان، مظهر جامعیت اسلام شمرده می‌شود، در موضع دفاعی قرار داده، ابتکار عمل را در میدان معارضه با دشمنانش از دست او خارج کنند، و برای این مقصود در چهره‌ای منافقانه و ریاکار، شعارهای مردم‌پسند مانند: حقوق بشر، آزادی، مبارزه با تروریسم، دفاع از حقوق زن و امثال آن سر می‌دهند و جمهوری اسلامی را به بی‌اعتنایی به این شعارها، متهم می‌سازند.^۲

دشمنان اسلام در این مسیر، رادیو و تلویزیون های بی‌شماری را در سرتاسر جهان راه‌اندازی کرده‌اند و با بوق‌های تبلیغاتی خود در پی مبارزه با نظام فرهنگی و اسلامی ایران هستند:

رادیوهای مزدور آنان و مطبوعاتی که با سرمایه‌های صهیونیست‌ها یا دست‌نشانندگان آمریکا و صهیونیسم در همه‌جا از جمله در کشورهای اسلامی منتشر می‌شود، بی‌وقفه تهمت‌ها و شایعه‌ها و

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۱۲۶.

۲. همان، ص ۲۴۳.

تحلیل‌ها و خبرهای دروغ و غرض‌آلود را بر ضد جمهوری اسلامی منتشر می‌کنند، تا مد نفوذ معنوی انقلاب اسلامی و قداست و محبوبیت نام امام راحل علیه السلام ما را بشکنند و متوقف کنند.^۱

بنابراین غرب و در رأس دشمنان ایران اسلامی، آمریکای جنایتکار، سعی بر آن دارند تا امت اسلامی را از حرکت انقلابی و اسلامی ایران ناامید و رویگردان کنند:

آنها با مدرن‌ترین روش‌های تبلیغی، نامردانه می‌کوشند با لجن‌پراکنی بر ضد جمهوری اسلامی، طرف‌دارانش در دنیای اسلام را از آن روی‌گردان کنند و حائلی از دروغ و تهمت میان ایران سربلند اسلامی و دیگر کشورهای اسلامی که آنان از تکرار تجربه ایران در آنها می‌هراسند، پدید آورند.^۲

بنا بر فرمایشات مقام معظم رهبری و تأکید ویژه ایشان بر بیداری اسلامی و مسئولیت تمام مسلمانان برای بیداری امت اسلامی، آنچه در اینجا بر آن تأکید می‌شود، مراسم معنوی و روحانی حج است. در حج امت اسلامی باید با اتحاد و همدلی، دست در دست یکدیگر نهاده و نفرت خود از دسیسه‌های دولت‌های فاسد و پلید غربی را نشان دهند:

ایران اسلامی خواسته است اگر نه بیشتر، کمترین کاری را که با مضمون حج مناسب است انجام دهد، و آن دعوت مسلمین به اتحاد و کسب خبرهای راست ملت‌ها از یکدیگر و ابراز نفرت و بی‌سزایی

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۱۹۲.

۲. همان، ص ۱۹۲.

از سردمداران شرک و فساد است. هر کس با این هدف‌های

ارزشمند و والا مقابله کند، هرچه بگوید ناحق گفته است.^۱

به اعتقاد مقام معظم رهبری، ملت‌های آزاده و مسلمان جهان باید آگاه باشند و شرایط ایران را ببینند؛ آنها باید تبلیغات دشمن را نیز ببینند و مقایسه کنند. در ایران، ثبات و سازندگی به فضل الهی روزافزون است. بیانات مقام معظم رهبری در معرفی ایران اسلامی و موفقیت‌های آن، نشانه شکست سیاست‌های دشمنان اسلام است؛ دشمنانی که از بیداری امت اسلامی و پیروی آنان از راه جمهوری اسلامی ایران می‌هراسند:

امروز جمهوری اسلامی به فضل الهی و به‌رغم دشمنی و کارشکنی بدخواهان، با قدرت و عزت و با اراده و عزم استوار به پیش می‌رود. کشوری با ثبات، سازندگی و آبادانی‌ای روزافزون، مدیریتی محبوب و محشور با مردم، حضور و عزتی بسزا در جهان، ایمانی پرشور به اسلام، جوانانی زنده و بانشاط و رها از گرفتاری‌های غم‌انگیز جوانان بسیاری از کشورها، مردمی هوشمند و شجاع و آماده دفاع از اسلام و ایران، معنویتی دامن‌گستر در کنار زندگی‌ای رو به توسعه و رشد و بالاخره، وحدت کلمه‌ای کم‌نظیر و مثال‌زدنی.^۲

مقام معظم رهبری، به امت اسلامی هشدار می‌دهد که از تبلیغات پلید دشمنان اسلام آگاه باشند؛ چراکه آنچه از بلندگوهای دروغ‌پردازی غرب و همدستانش بیرون می‌آید، چیزی جز دروغ و فریب‌کاری برای بدنام کردن جمهوری اسلامی نیست:

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۱۴۲.

۲. همان، ص ۱۹۳.

امروز مانند همیشه، ترفند عمده تبلیغاتی استکبار آن است که وانمود کند ملت ایران و دولت اسلامی آن از هدف‌های ترسیم‌شده خود روی گردانده است. این دروغ رذالت‌آمیزی است که هدف آن نومید کردن شیفتگان حاکمیت اسلام در سراسر جهان و سست کردن همت جوانان در داخل کشور ماست.^۱

ایشان از امت اسلامی می‌خواهد که تجربه گران‌بهای جمهوری اسلامی را به کار گیرند و راه پیروزی خود را باز شناسند؛ این همان مسیر بیدارگر اسلامی است که هر ملتی باید در راه آن قدم بردارد. در نگاه مقام معظم رهبری، مراسم عبادی - سیاسی حج، موقعیت مناسبی است که مسلمانان تجربه‌های یکدیگر را به کار گیرند و از اوضاع هم‌دیگر باخبر شوند:

بر خلاف تبلیغات مغرضانه دشمنان، ملت ایران حج را جایگاه رفیعی برای رشد و آگاهی امت اسلام می‌شمارد و از حضور خود به نفع همه جهان اسلام - و نه فقط منافع خود - بهره می‌طلبد. ملت ایران حامل تجربه گران‌قیمتی برای همه کشورهای اسلامی است. این ملت عظیم‌الشأن توانسته است به برکت حاکمیت اسلام، در همه عرصه‌ها به موفقیت‌های بزرگ دست یابد؛ استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خود را که در دوران طاغوت یک‌سره از دست رفته بود، به دست آورد و حفظ کند؛ عظمت و شوکت اسلام را در مواجهه با قضایای جهانی نشان دهد؛ از مرزهای خود در برابر تهاجم چندین

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۲۶۳.

ساله ای که با فکر و سلاح و پول دشمنان اسلام به راه افتاده بود، به طور کامل دفاع کند؛ پس از جنگ هشت‌ساله، کشور را بازسازی کند و معجزه انقلاب را در نوسازی زیربنایی کشور نشان دهد؛ در مجموعه جهانی، جایگاهی عزیز و رفیع به دست آورد؛ دولت‌های مردمی و منتخب خود را یکی پس از دیگری در کشور بر سر کار آورد؛ کاروان علم و تحقیق و پیشرفت صنعتی و کشاورزی را به راه اندازد و گام‌های بلندی در راه توسعه کشور بر دارد؛ در سیاست جهانی، صریحاً از مواضع حقی که بدان مؤمن است، دفاع کند.^۱

از دیدگاه مقام معظم رهبری، تاکتیکی که ملت‌های اسلامی باید برای پیروزی به کار گیرند، ایمان، هوشیاری، آگاهی و وحدت کلمه است؛ راهی که ملت ایران از آن با موفقیت عبور کرده است:

ملت ایران به چه پشتوانه‌ای توانست پیروز شود؟ به پشتوانه ایمان، هوشیاری، آگاهی، وحدت کلمه و پابندی خود به راهی که امام بزرگوار به او نشان داده بود.^۲

برادران مسلمان ما در همه جای جهان بدانند که نظام جمهوری اسلامی با قدرت و استحکام در راه روشنی که اسلام ناب محمدی ﷺ ترسیم کرده، به پیش می‌رود و ایران سرافراز با یکپارچگی مسئولان کشور و وحدت کلمه مردم مؤمن و رشیدش در ادامه خط امام خمینی عظیم راحل، همه توطئه‌های اقتصادی و

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۲۱۱.

۲. همان، ص ۲۳۵.

سیاسی و امنیتی و غوغاهای تبلیغاتی دشمن را پشت سر گذارده و روزبه‌روز به هدف‌های بزرگ خود نزدیکتر خواهد شد.^۱

به این ترتیب در نگاه مقام معظم رهبری، آنچه ملت‌های مسلمان باید از ایران اسلامی بیاموزند، ایمان به خداوند بزرگ، پیاده‌سازی احکام اسلام، دشمن‌شناسی و الگوبرداری از نظام جمهوری اسلامی است.

جمع‌بندی

بیانات امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری در مورد انقلاب اسلامی در موسم حج را می‌توان در چند بخش بررسی کرد. از نگاه رهبران جمهوری اسلامی ایران، حج می‌تواند با الگوسازی انقلاب اسلامی، مدلی مناسب و عملیاتی برای بیداری اسلامی و برپایی حکومت‌های اسلامی داشته باشد. انقلاب اسلامی در سه عرصه «ریشه‌ها»، «لحظه شدن انقلاب» و «راه‌های رشد و بالندگی» در بیانات حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری، به گونه‌ای ترسیم شده است که می‌توان آنها را برای امت اسلامی و جوامع دیگر به کار برد.

در موسم حج که مسلمانان جهان گرد هم می‌آیند، بهترین فرصت برای انتقال تجربه‌های اسلامی است؛ در این خصوص چه تجربه‌ای گران‌بهارتر و رساتر از شکست زورگویان است؟ تجربه‌ای که در قالب انقلاب اسلامی در ایران رخ داده است.

انقلاب اسلامی، علاوه بر الگو بودن در سطح جهان، آزمون حق‌طلبی

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۲۴۵.

امت اسلامی است؛ امتی که اگرچه درگیر مشکلات بسیاری است، ولی استعداد جوشش و خروش اسلامی را دارد. نگرانی‌های امام علیه السلام و مقام معظم رهبری برای بازگرداندن حج به مسیر مترقی و اصیل خود آشکار است؛ چراکه حج واقعی، حجی است که دغدغه سیاسی - اجتماعی داشته باشد؛ ظلم ستیز باشد و برائت در ژرفای آن وجود داشته باشد. یکی از پیام‌های سیاسی - اجتماعی حج، رساندن تجربه و خروش مردم ایران در انقلاب اسلامی است که اگرچه این نهضت در برخی از جوامع اسلامی به درستی الگوبرداری شده است، ولی تا رسیدن به آرمان نهایی انقلاب اسلامی، فاصله زیادی وجود دارد.

حج، رسانه امت اسلامی است؛ امتی که به جز توسل به کتاب خداوند، به هیچ نیروی دیگری وابسته نیست. حج، کنگره عظیم و هماهنگ امت اسلامی است که سالانه بدون حضور و مشارکت دولت‌ها و به صورت خودجوش برگزار می‌شود. در صورتی که این گردهمایی بزرگ، دربردارنده پیام‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی امت اسلامی باشد، بسیار سازنده است.

بیش از ۳۴ سال از انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد و هنوز بیشتر جوامع اسلامی از این حرکت بزرگ درس درستی نگرفته‌اند و گرفتار مصیبت‌های شرق و غرب و عوامل داخلی و بی‌هویت هستند. پیام رهبران جمهوری اسلامی ایران به حجاج، برگزاری مراسم حج به صورت عبادی - سیاسی است؛ به گونه‌ای که در این مراسم باشکوه، ابتکارها و ابداع‌های کشورهای اسلامی در کنار مسائل عبادی به اشتراک گذاشته شده و از آنها به درستی استفاده شود.

فصل یازدهم: نقش اثرگذار حج در تغیر کفتمان حاکم در جامعه جهانی

بررسی موضوع

جامعه جهانی مفهومی است برخاسته از همان ارزش والای بشریت که هسته مرکزی سیستم ملل متحد است. البته بشریت سیستمی مخصوص به خود ندارد، اما ملل متحد به کمک همان اصول راهنما و با انحراف از اصول درست، اساس اولیه آن را پی ریزی کرده و همچنان تلاش می کند که با تعمیم حقوق بشر به تمامی نظام های حقوقی جهان، دموکراسی و آزادی های اساسی را در پهنه گیتی مستقر کند. هدف این کار، این است که انسان از فردگرایی و تعصب های ناشی از آن رها شود، خود را با دیگران برابر بداند و با هر چه که سیمایی بشری دارد، هم بسته شود.^۱

۱. ر.ک: نشریه تحقیقات حقوقی، «ملل متحد و آرمان بشریت»، هدایت الله فلسفی، ش ۳۵ و

سازمان ملل متحد، در پایان جنگ جهانی دوم و در سال ۱۹۴۵ میلادی با امضای پنجاه کشور، رسماً تشکیل شد. این سازمان با ۱۹۲ عضو در سال ۲۰۰۶ میلادی، تقریباً شامل همه کشورهای جهان است و بزرگ‌ترین سازمان بین‌المللی محسوب می‌شود. سازمان‌ها و نهادهای بسیاری زیر نظر سازمان ملل فعالیت دارند. از سازمان‌های فعال در زمینه بین‌الملل می‌توان به آنکتاد، فائو، سازمان جهانی بهداشت، یونسکو، یونیسف و دیگر نهادها و آژانس‌های بین‌المللی اشاره کرد. بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول نیز دو نهاد بین‌المللی هستند که به موجب توافقنامه‌ای از سال ۱۹۴۷ میلادی به طور مستقل و تخصصی، فعالیت‌های مالی و پولی خود را در چارچوب این سازمان و با نظارت آن انجام می‌دهند.^۱

همه اعضای سازمان ملل آگاه‌اند که بر اساس منشور این سازمان، مسئولیت اصلی شورای امنیت، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بوده و تصمیمات آن لازم‌الاجرا است. از این رو نه تنها برای سازمان، بلکه برای جهان، بسیار حیاتی است که این شورا به ابزارهای لازم برای ایفای مسئولیت‌هایش مجهز باشد و تصمیماتش در سراسر جهان محترم شمرده شود.^۲

۱. ر.ک: ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، «نگاهی به ساختار و عملکرد سازمان ملل متحد»، منیرالسادات میراحسنی، ش ۹۳ و ۹۴، ص ۱۰۴.

۲. ر.ک: نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، «سازمان ملل متحد در سده بیست و یکم، نگاهی به اصلاحات محتوایی و ساختاری سازمان ملل متحد»، مجتبی امیری وحید، ش ۲۱۳ و ۲۱۴، ص ۶۹.

یکی از ارکان سازمان ملل و قوی ترین نهاد آن، شورای امنیت است که پنج عضو دائمی آن در تصمیمات این شورا حق وتو دارند. گستردگی اعضاء و فعالیت های سازمان ملل متحد و زیاد بودن نهادها و سازمان های بین المللی تحت پوشش، ضرورت بازنگری ساختار و عملکرد این سازمان را بیش از پیش نمایان می سازد.^۱

امتیاز حق ویژه یا حق وتو را روزولت، رئیس جمهوری وقت ایالات متحده آمریکا، در کنفرانس یالتا پیشنهاد کرد و رهبران دیگر دولت های قدرتمند از جمله انگلستان و شوروی آن را پذیرفتند. بنابراین از آن پس اعضای پنج گانه و دائم شورای امنیت، کشورهای ایالات متحده آمریکا، انگلستان، شوروی (روسیه امروزی)، چین و فرانسه (یا همان اعضای که به گفته تدوین کنندگان منشور ملل متحد، قدرت و سهم بیشتری در برقراری صلح و امنیت جهانی دارند) با برخورداری از حق وتو تصمیم گیری می کنند. به موجب ماده ۲۵ منشور، تصمیمات شورای امنیت برای اعضای ملل متحد لازم الاجراست و اعضای سازمان، الزام آور بودن تصمیمات شورا را پذیرفته اند.^۲

براساس تجربه ناکام جامعه ملل در برقراری امنیت جمعی، تدوین کنندگان منشور سازمان ملل متحد درصدد برآمدند با اعطای حق رأی ممتاز (حق وتو) به اعضای دائم شورای امنیت، صلح جهانی را تضمین کنند. هدف از تأسیس جامعه ملل، ارتقای همکاری های

۱. ر.ک: «نگاهی به ساختار و عملکرد سازمان ملل متحد»، ص ۱۰۴.

۲. ر.ک: سازمان های بین المللی، رضا موسی زاده، ص ۱۱۲.

بین‌المللی و نیل به صلح و امنیت در جهان بود. نظام امنیت جمعی که در منشور ملل مد نظر قرار گرفته بود، بر مبنای خلع سلاح (ماده ۸۰)، حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها و غیرقانونی شناختن جنگ (مواد ۱۱ تا ۱۵)، تضمین دسته‌جمعی استقلال اعضا (ماده ۱۰) و ضمانت‌های اجرا (مواد ۱۶ و ۱۷) استوار بود.^۱

اعلامیه جهانی حقوق بشر، یکی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در سده بیستم است و شاید پس از منشور ملل متحد، دومین سند با اهمیت سده بیستم شمرده شود. به طور کلی اهمیت اعلامیه جهانی را در چهار دستاورد دانسته‌اند:

۱. تبدیل یک فکر فلسفی نامعتبر (حقوق طبیعی) به یک آرمان برتر

سیاسی.

۲. تعریف یک عبارت محاوره‌ای مبهم (یعنی حقوق بشر) در قالبی

آمرانه و قانونی، مانند اینکه «ده فرمان» معروف با در بر گرفتن سی ماده از حقوق بنیادین بشر، سه برابر شده باشد.

۳. جهانی‌سازی حقوق بشر و تبدیل یک آرمان اصولی مورد پذیرش

چند کشور معدود به معیاری اساسی برای همه کشورها.

۴. بین‌المللی کردن حقوق بشر.^۲

عفو بین‌الملل، تنها یکی از سازمان‌های فعال در عرصه حقوق بشر

۱. ر.ک: زمانه، «جهان معاصر: حق و تو، جهان اسلام: چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رو»، مرتضی شریفیان، ش ۵۵، ص ۵۸.

۲. ر.ک: نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، «حقوق بشر: از آرمان تا واقعیت و چشم‌انداز آینده»، لوئی هنکین، ترجمه سرفراز فرشید، ش ۲۰۵ و ۲۰۶، ص ۴۴.

است. در این رابطه می توان به کمیسیون بین المللی حقوقدانان^۱، کمیته بین المللی صلیب سرخ^۲ و سازمان دیده بان حقوق بشر^۳ اشاره کرد که هر یک به نوبه خود تلاش می کنند از طریق اعمال فشار بر دولت ها، آنها را وادار به پیروی از اصول کلی حقوق بشر نمایند.^۴

اعضای سازمان ملل متحد، طبق اهداف اعلام شده از سوی مؤسسان (کشور ایران نیز از امضاکنندگان تأسیس سازمان از ابتدا بوده است) و همچنین اهداف توسعه هزاره (که در سال ۲۰۰۰ میلادی در سازمان ملل در مورد آن توافق شد) متعهد شدند تا سال ۲۰۱۵ میلادی برای تحقق اهدافی مانند ریشه کنی فقر، مشارکت جهانی برای توسعه، مقابله با ایدز، حفظ محیط زیست و موارد دیگر فعالیت کنند. البته تاکنون در زمینه تحقق اهداف مذکور، اعضای سازمان موفقیت چندانی نداشته اند.^۵

رویدادهای سال های اخیر، سبب کاهش اعتماد عمومی به سازمان ملل شده است. برای نمونه، مخالفان و موافقان جنگ عراق هر دو ناراضی اند؛ زیرا احساس می کنند سازمان ملل متحد نتوانسته است نظرشان را تأمین کند. یکی به اجرای نادرست قطعنامه های سازمان ملل متحد معترض است و دیگری از ناتوانایی این سازمان در جلوگیری از جنگی زودهنگام یا

1. International Commission of Jurists.

2. International Committee of the Red Cross.

3. Human Rights Watch.

۴. ر.ک: نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، «سازمان های غیر دولتی و نفوذ آنها در جامعه جهانی»، رضا سیمپر، ش ۱۴۷ و ۱۴۸، ص ۱۶۷.

۵. ر.ک: «نگاهی به ساختار و عملکرد سازمان ملل متحد»، ص ۱۱۸.

غیر ضروری. اعتراض بیشتر کشورها به عملکرد سازمان ملل، به این دلیل است که سازمان را برای جهان امروز بسیار مهم می دانند. کاهش اعتماد به این نهاد با افزایش باور عمومی به اهمیت چندجانبه گرایی مؤثر همراه است.^۱

تحریم ها، یکی از ابزارهای حیاتی شورای امنیت، برای برخورد پیشگیرانه با خطرهایی است که امنیت بین المللی را تهدید می کند. تحریم ها حد وسط لازم میان جنگ و مذاکره است. در برخی موارد تحریم ها می تواند به انعقاد موافقتنامه کمک کند. به سخن دیگر، تحریم ها می تواند در کنار فشارهای نظامی، گروه ها یا دولت هایی که قطعنامه های شورای امنیت را زیر پا می گذارند، تضعیف یا منزوی کند.^۲

بر اساس تحقیقات انجام شده، گفتمان حاکم و مسلط در جامعه جهانی که در قالب سازمان هایی چون ملل متحد، شورای امنیت و... تحقق می یابد، گفتمانی یک جانبه است که در ورای آن، منافع کشورهای امپریالیستی تأمین می شود. «موافقت با ایده ها و سیاست های امپریالیستی»، «تحریم»، «منزوی شدن و جنگ»، سه گزینه ای هستند که پیش روی جوامع و حکومت ها وجود دارند. آشکار است که استقلال، خودکفایی، مردم مداری و معنویت مداری، جایی در این فرمول برخاسته از قدرت های امپراتوری ندارند. از همین روست که این مملکت های

۱. ر.ک: «سازمان ملل متحد در سده بیست و یکم، نگاهی به اصلاحات محتوایی و ساختاری سازمان

ملل متحد»، ص ۵۴.

۲. همان، ص ۶۱.

استعماری، در طول تاریخ با صداهای مخالف و آزادی خواه، همواره مخالفت ورزیده و دست به سرکوب و توطئه علیه آنها زده اند. بی گمان اختلاف افکنی مذهبی، رواج دادن ایده های ملی گرایانه، حمایت از دیکتاتورهای منطقه ای، به راه انداختن جنگ های مختلف، به خاطر همین سیاست جهانی رخ داده و می دهند.

از نکات جالب در این باره، تأکید این گفتمان بر دادگستری، عدالت، آزادی، حقوق بشر، دموکراسی، آبادانی و رفع تبعیض در جوامع مختلف است؛ به گونه ای که در نظر اندیشمندان بیدار و منصف، این اصطلاحات از معانی واقعی خالی شده و دچار دگرگونی در معنا گردیده اند. در ادامه به بررسی بیانات حضرت امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری خواهیم پرداخت.

حج و گفتمان حاکم در جامعه جهانی در کلام حضرت امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری

از جمله مسائلی که حضرت امام خمینی علیه السلام بر آن تأکید می کردند، بحث خالی شدن محتوای مفاهیم اخلاقی و انسانی است که از سوی غرب و سازمان های بین المللی به کار گرفته می شوند. از نگاه حضرت امام علیه السلام، مفاهیمی چون عدالت، آزادی، حقوق بشر و... از محتوا خالی شده و دقیقاً معنای عکس آنها به کار گرفته می شود. ایشان می فرماید:

— ما در یک عصری واقع شده ایم که الفاظ از آن معنا که دارند، فرار کرده اند؛ یک معانی دیگری دنبالش آمده. معنای «عدالت» را وقتی

انسان نگاه می کند در دنیا، الآن یک جور دیگر است؛ معنای «خلقسی بودن» را آدم ملاحظه می کند، می بیند یک وضع دیگری دارد؛ سازمان های امنیت دنیا را انسان وقتی ملاحظه می کند، می بیند که سازمان ناامنی است، نه سازمان امن، اما اسمش سازمان امن است، جمعیت های طرفدار بشر را انسان [نگاه] می کند، می بیند که همین جمعیت طرفدار بشر، طرفدار ظالم اند، طرفدار بشر نیستند، طرفدار ظلمه هستند.^۱

— آن که اسلام شناس است، یک چیز دیگر را می شناسد غیر اسلام. آن که طرفدار حقوق بشر است، یک مسئله دیگر را می گوید غیر حقوق بشر. اصلاً الفاظ به کلی از محتوای خودش خالی شده. شما — این را من عرض کردم — شما خودتان بروید دنبالش، ببینید کجا یک لفظی از قبیل این الفاظی که متعارف بوده، عدالت، عدالت اجتماعی — نمی دانم — طرفداری از حقوق بشر، سازمان امنیت کذا — نمی دانم — سازمان کذا، شما دنبال بروید، تعقیب کنید، ببینید کدام یک از اینها محتوای خودش را دارد. کدام یک از اینها، آن معنایی که هست، آن معنا اراده از او می شود.^۲

از دیدگاه حضرت امام خمینی علیه السلام، امت اسلامی باید به این دسیسه های پشت پرده آگاهی داشته باشند و فریب ظواهر فریبنده و انسان دوستانه همدستان غرب را نخورد. حضرت امام علیه السلام به زیبایی

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۹۶.

۲. همان، ص ۹۸.

شاهد مثالی می‌آورند و امت اسلامی را به اندیشه در این خصوص فرا می‌خوانند؛ ایشان می‌فرمایند:

– در آن روزی که صدام اولین جرقه و شعله‌های آتش جنگ را در خرمین امنیت همه کشورهای اسلامی و خلیج فارس برافروخت، هیچ کس از این مدعیان صلح، جلوی آتش‌افروزی او را نگرفته و از امکانات و اهرم‌های فشار و قراردادهای خود در جهت کنترل و مهار او بهره‌ن جست و به دفاع از ملت مظلوم و ستمدیده ایران و عراق برخاست و به صدام، این آغازکننده جنگ، نگفت که به کدام گناه و به چه جرمی ملت ایران باید کشته شوند.^۱

– آن که می‌گوید ما برای صلح قیام کردیم و می‌خواهیم صلح در دنیا باشد، همه جنگ‌ها را اینها راه می‌اندازند. خوب، همین جنگی که ما الآن مبتلا به آن هستیم و کشور عراق هم مبتلا به آن هست، همین را آنها راه انداختند، لکن آقایان این جنگ‌ها را راه انداخته‌اند که صلح در دنیا پیدا بشود! همه‌جا جنگ راه می‌اندازند که صلح پیدا بشود.^۲

از جمله مسائل دیگری که در اندیشه حضرت امام علیه السلام هیچ ارزشی ندارد، مسئله حق و تو است. به اعتقاد ایشان، و تو یکی از تناقض‌های جهان غرب است.

اما مسئله، مسئله‌ای است که وقتی بنا باشد که سازمان‌های بزرگ دنیا اختیارات دست چهار پنج نفر باشد، این را نمی‌شود گفت که

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۲۰۴.

۲. همان، ص ۹۹.

این امنیت بشر، سازمان طرف دار بشر - نمی دانم - سازمان کذا. این اختیارش دست چهار پنج نفر است، این هم مطلب خودش را از دست داده؛ که باید برای همه مردم باشد. چهار پنج نفر همه چیزها را دارند؛ هر کاری همه بکنند، یک نفر بگوید «نه»، تمام می شود. حق «وتو» یک امری است که هیچ آدمی نمی تواند بپذیرد و این مجالس - مثلاً - عمومی دنیا، که برای این امور است، این را پذیرفته اند. اینکه هیچ آدمی، هیچ انسان نابالغی هم نمی تواند بپذیرد که ما می خواهیم همه دنیا بر عدالت باشند، لکن اختیار دست این دو نفر، این چند نفر باشد! هر جا را اینها می چابند، اگر چنانچه مثلاً سازمان بین المللی کذا بخواهد جلویش را بگیرد، فوراً «وتو» می کنند، می گوید نه. غلط می کنید این حرف را می زنید! آن یکی می ریزد افغانستان، اگر یک وقت بگویند «چرا»، می گوید غلط کردی. آن یکی می ریزد به - مثلاً - بیروت و امثال ذلک، اگر چنانچه بخواهند در آنجا حرفی بزنند، می گویند غلط کردی.^۱

جالب آن است که همین دولت های متعصب و چپاولگر، ملت ایران را به نقض حقوق بشر و بی عدالتی و رهبران ایران اسلامی را نیز به خشونت متهم می کنند. این در حالی است که سیره حضرت امام علیه السلام و رهبر معظم انقلاب، نشان دهنده مهرورزی اسلامی است. در جایی حضرت امام علیه السلام در جمع حجاج می فرمایند:

متصدیان حبس ها و زندان ها باید این معنا را توجه داشته باشند، چه

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۹۶.

اشخاصی که در رأس هستند و چه اشخاصی که مشغول اجرای عمل هستند، باید این معنا را توجه بکنند که حدود الهی معنایش این نیست که یک کسی که مستحق قتل است ما فحشش بدهیم؛ جایز نیست این، یا به او سیلی بزنیم؛ حق نیست؛ یعنی، قصاص دارد این. یک نفر آدم جانی که دارند می برند بکشندش، اگر شما یک سیلی بزنید، او حق دارد به شما سیلی را عوض بزند و خلاف شرع کردید. گمان نکنید که حالا که این آدم توی حبس آمده است، ما باید با او رفتار بد کنیم. ان شاء الله، نمی کنید و نباید بکنید.^۱

اندیشه مقام معظم رهبری نیز مانند بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران به گونه ای دیگر در تضاد با ادعاهای به اصطلاح حقوق بشری غرب است. مقام معظم رهبری، اتهام های وارده در مورد مراعات نکردن حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران از سوی غرب را بی اساس می دانند و معتقدند، غرب و در رأس آنها آمریکا، به هیچ عنوان مدافع حقوق بشر نیستند:

– اینکه ادعا می کنند در جمهوری اسلامی حقوق بشر رعایت نمی شود – که البته حرف غلط و دروغ و افترای محض است – این به خاطر این نیست که واقعاً آنها به حقوق بشر اهمیت می دهند، برای بشر ارزشی قائل اند. ما تا مدتی پیش گمان می کردیم که این غربی ها و آمریکایی هایی که پرچم حقوق بشر را به دروغ در دست گرفته اند، برای بشر آسیایی و آفریقایی و آمریکای لاتین و اینها

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۹۰.

ارزشی قائل نیستند و ارزش را فقط برای خودشان قائل اند، اما حالا معلوم شد که برای هیچ بشری ارزش قائل نیستند و اگر یک وقت خواست ها و شهواتشان اقتضا بکند، حاضرند هر جور انسانی را، مربوط به هر منطقه از عالم که هست، نابود کنند.^۱

بنابراین امت بزرگ اسلامی باید از این دسیسه های غرب آگاه باشند و اهداف شوم شعارهای حقوق بشری آنها را باز شناسند:

کسانی که این قدر به بشر بی اعتنا هستند، اگر به یک کشوری ایراد گرفتند که در آنجا حقوق بشر نقض می شود، آدم عاقل باید نگاه کند ببیند مقصودشان از این حرف ها چیست؟ چه هدفی پشت سر این حرف قرار دارد؟ آن هدف معلوم است چیست. اینها نمی خواهند یک جمهوری اسلامی ای باشد، که قیام این جمهوری اسلامی، وجود این جمهوری اسلامی، به این معنی است که مسلمانان در همه جای دنیا می توانند مشابه چنین کشوری را تشکیل بدهند. از این می ترسند! اینها می خواستند که جمهوری اسلامی نابود بشود.^۲

به اعتقاد مقام معظم رهبری، رژیم آمریکا خود یکی از بزرگ ترین ناقضان حقوق بشر است که تنها بر طبل دموکراسی می کوبد:

رژیم آمریکا در حالی از حقوق بشر دم می زند که زشت ترین تصویر از نقض حقوق بشر را در رفتار مستکبرانهاش با ملت های ضعیف جهان از خود بر جای می گذارد؛ در حالی از دموکراسی سخن می گوید که از

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۱۱۱.

۲. همان، ص ۱۱۲.

مستبدترین حکومت‌ها در برخی مناطق جهان پشتیبانی می‌کند؛ در حالی به نام آزادی شعار می‌دهد که کمترین سخن آزادانه را در افشای ماهیت رژیم صهیونیستی و نقشه‌های خطرناک و ستم‌های روزافزون یهودیان صهیونیست - نه در کشور خود و نه در هر جای دیگر که بتواند - تحمل نمی‌کند. در حالی به نام حقوق زن بر ضد جمهوری اسلامی تبلیغ می‌کند که زن آمریکایی در خانواده و در محیط کارش مورد تعدی و سوءاستفاده و اهانت است.^۱

شاهد مثال بسیار تأمل برانگیزی که مقام معظم رهبری در خصوص حيله‌گری و نقض حقوق بشر از سوی غربی‌ها ذکر می‌کنند، نشانگر عمق رذالت و دورویی آنان است. ایشان یادآوری می‌کنند که در قضایای بوسنی، از کشورهای اسلامی تعدادی داوطلب شده‌اند که در منطقه حضور داشته باشند:

ملت‌های اسلامی گفتند اجازه بدهید ما هم جزء سربازان سازمان ملل برویم آنجا و حائل شویم؛ گفتند نمی‌شود. نه فقط از جمهوری اسلامی که تقریباً از هیچ کشور مسلمانی نگذاشتند نیروی حائل به آنجا فرستاده شود! این یعنی چه؟ یعنی به سربازهایی که آنجا می‌فرستند، باید بگویند وقتی رفتید، به صرب‌ها کمک کنید! به مسلمان که نمی‌تواند این را بگویند؛ لذا نمی‌گذارند مسلمان برود. امروز چنین ننگی بر نظام نوینی که اینها می‌خواهند در دنیا به وجود آورند، حاکم است. آن رفتار آمریکایی‌ها، آن وعده‌های دروغشان

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۲۴۴.

نسبت به مسئله مسلمانان بوسنی و هرزگوین، آن مطلقاً کمک نکردنشان و آن هم رفتار سازمان‌های بین‌المللی و بعض دولت‌های اروپایی و انگلیس و دیگران.^۱

از دیدگاه مقام معظم رهبری، سازمان‌های بین‌المللی، امتحان خود را درمورد مسئله بوسنی پس داده و با نمره بسیار بد رد شده‌اند: «سازمان‌های بین‌المللی و بدتر و زشت‌تر از همه، سازمان ملل، در این قضیه [بوسنی] بدترین امتحان‌ها را دادند».^۲ یادآوری حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری در مورد مفاهیم به‌اصطلاح حقوق بشری و آزادی‌خواهانه غربی، برای آگاه کردن جهان اسلام از نفرت و دشمنی غرب نسبت به ملت‌های مظلوم و اسلامی است.

آموزه‌های اسلامی، عدالت، رأفت اسلامی، حقوق بشر اسلامی، توجه به حقوق زن در اسلام و دیگر مفاهیم این‌چنینی، از نگاه مکتب مرقی اسلام، همگی در راستای سعادت دنیوی و اخروی انسان است؛ بنابراین این دین مرقی و بیدار، سدی در مقابل اعمال ضدانسانی آنان است و به اعتقاد مقام معظم رهبری، دلیل مخالفت استکبار با اسلام نیز همین امر است.

جمع‌بندی

از نگاه حضرت امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری، آنچه در جهان امروز به گفتمان مسلط تبدیل شده است، دقیقاً آن چیزی است که بر ضد

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۱۳۵.

۲. همان، ص ۱۳۴.

حقوق انسانی جوامع جاری است. الفاظ و اصطلاحات آزادی، حقوق بشر، عدالت، برابری و... در ادبیات حاکم، فاقد محتوای اصیل بوده و تنها حامل تحرکات امپریالیستی شرقی و غربی است. به اعتقاد رهبران جمهوری اسلامی ایران، حج با دارا بودن ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های غنی و نهادمند، می‌تواند معانی واژگان حاکم را تغییر داده و مسلمانان جهان و دیگر جوامع ستم دیده را به سوی آزادی و برابری هدایت کند.

به اعتقاد ایشان، عملکرد غرب و امپریالیسم جهانی، در جنگ‌افروزی و یک‌جانبه‌نگری، نشان‌دهنده استفاده ابزاری از این اصطلاحات فریبنده است. جنگ‌های جهانی، رخدادهای شرق آسیا، جنگ‌های خلیج فارس و دیگر آشوب‌های منطقه‌ای و جهانی، ریشه در جوامعی دارند که به اصطلاح، خواستار آزادی مردم جهان و صلح و آرامش‌اند. این مستندات و آنچه سازمان‌های به ظاهر حامی حقوق بشر در حق مردم جهان روا می‌دارند، نشانگر میل به سردمداری جهان، بدون توجه به اصول انسانی است.

از دیدگاه حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری، حج باید به رسالت اصیل خود بازگردد که برابری و برادری، بدون توجه به نژاد و فرهنگ است؛ چراکه تنها در سایه اصول برابر انسانی و الهی است که انسان‌ها می‌توانند با صلح و آرامش در کنار هم زندگی کنند و به حقوق هم پایبند باشند. مراسم عبادی - سیاسی حج، در ذات خود این حرکت جهانی را دارد. خط بطلان کشیدن بر قدرت مشرکان و زورگویان، عدالت و برابری، در ژرفای تعلیمات حج نهفته است و باید با اندیشیدن پویا و تلاش بی‌پایان، پیگیری و زنده شود.

فصل دوازدهم: حج و حاکمان دست‌نشانده غرب

بررسی موضوع

به طور کلی نوع حکومت حاکم در یک مملکت، می‌تواند بر فرهنگ، سیاست، اقتصاد و روابط اجتماعی تأثیر بگذارد؛ به طوری که این حکمرانی می‌تواند یک جامعه را به فقر و فلاکت و دوری از معنویات یا به بالاترین سطح از تعالی برساند.

دولت‌های مسلمانان را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: دولت‌های مسلمان دارای موناشرشی‌های سنتی (مراکش، اردن و عربستان سعودی)، دولت‌های مسلمان میانه‌رو (مالزی، اندونزی و ترکیه)، دولت‌های مسلمان انقلابی (افغانستان، ایران و سودان) و دولت‌های مسلمان سکولار (الجزایر، مصر و تونس). این طبقه‌بندی، بیانگر این واقعیت است که مردم مسلمان از سوی حکومت‌هایی با سیستم سیاسی متفاوت اداره می‌شوند. این تفاوت به‌تنهایی در روابط دولت‌های مسلمان با یکدیگر مؤثر است و موجبات مخالفت با یکدیگر را فراهم می‌کند. این مشکل در

خاورمیانه نسبت به مناطق دیگر بسیار جدی تر است؛ منطقه ای که رژیم های سکولار افراطی و اسلام گرا در کنار موناشرسی های سستی، در یک محیط نامطمئن و در برخی مواقع خصمانه قرار گرفته اند.^۱

بی گمان می توان گفت، در دنیای کنونی، غیر از کشور ایران، هیچ دولت اسلامی دیگری وجود ندارد که قانون و مقررات حاکم بر آن، برخاسته از قرآن و سنت صحیح (متجلی در تشیع اثنا عشری) باشد. در این میان، کشور عربستان به جهت قداستی که حریم شریفین به آن بخشیده و در نگاه مسلمانان جهان به عنوان مهبط وحی، کانون نزول قرآن و سرزمین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شناخته شده است، جایگاه ویژه ای دارد. این کشور از گذشته ای نسبتاً دور، تحت حاکمیت ترکان عثمانی قرار داشته و پس از جنگ جهانی اول و دوم، با تلاش حاکمان محلی و با حمایت بریتانیا و آمریکا، خاندان آل سعود بر سر کار آمدند و تاکنون بر این سرزمین شریف حکمرانی می کنند و در پرتوی حکومت این خاندان است که مذهب وهابیت در این کشور رواج یافته است.

در رأس برنامه های فکری وهابیان، مبارزه با اندیشه های ناب تشیع دوازده امامی قرار دارد که کانون آن، کشور ایران با سرمایه گران سنگ حوزه های علمیه و مراجع و علمای بزرگ است. یکی از ابزارهای مهم حاکمان عربستان، سلاح نفت و ثروت حاصل از فروش آن است. این کشور درآمد حاصل از فروش نفت را در راه معرفی اسلام سلف صالح

۱. ر.ک: نشریه علوم سیاسی دانشگاه باقر العلوم علیه السلام، «بنیادگرایی اسلامی و اسلام سیاسی»، انوشیروان احتشامی، ش ۱۸، ص ۲۴۸.

به مسلمانان خرج می‌کند.

در مرکزیت وهابیان عربستان، پادشاه (مَلِک) حاکم مطلق است و هیچ کس حق عزل او را ندارد و تاکنون که بیش از هفتاد سال از تأسیس حکومت آل‌سعود می‌گذرد، هیچ‌گونه قانون مدونی وجود ندارد که در برابر اراده و خواست پادشاه قرار داشته باشد.

امروزه منافع مردم عربستان با خاندان سعودی گره خورده است. از این رو، حفظ آل سعود و تسلط آنان بر امور کشور و شئون مملکتی با هر قیمت، در درجه اول اهمیت قرار دارد. جمعیت خاندان آل‌سعود که بیش از چهارهزار نفر هستند، بیشتر شغل‌ها و پست‌های کلیدی در عربستان را در دست دارند.^۱

حضرت امام علیه السلام با توجه به ناکارآمدی الگوهای سوسیالیستی، کمونیستی و ناسیونالیستی جهان عرب، باعث ایجاد حرکت‌های اسلامی در منطقه شد. این حرکت‌ها با گسترش این دیدگاه به جنبش‌های مهمی همچون حزب‌الله، جهاد اسلامی، حماس و... تبدیل شد که هم‌اکنون بیشتر سبب نگرانی سران عرب است تا صهیونیست‌ها.^۲

حضرت امام علیه السلام بر مشکل حکومت‌ها تأکید می‌کرد و می‌فرمود:

— مشکل مسلمانان، حکومت‌های آنان است. این حکومت‌ها هستند که مسلمانان را به این روز رسانده‌اند. ملت‌ها مشکل مسلمانان

۱. ر.ک: معرفت، «فرقه وهابیت و عملکرد آن در تاریخ معاصر»، عباس جعفری، ش ۵۲، ص ۹۰.

۲. ر.ک: نشریه ۱۵ خرداد، «انقلاب اسلامی و مسئله فلسطین: صهیونیست‌های عرب (درآمدی

بر تاریخچه همکاری سران عرب با صهیونیسم»، علیرضا رضوی، ش ۱۸، ص ۲۴۹.

نیستند. ملت‌ها با فطرت ذاتی خود، می‌توانند مسائل را حل کنند؛ ولی مشکل، دولت‌ها هستند.^۱

– و من (امام) با وجود چنین شرایطی، به همه سران کشورهای خلیج فارس و همه ابرقدرت‌های شرق و غرب، به ویژه آمریکا و شوروی هشدار می‌دهم و آنان را از دخالت و ماجراجویی و تصمیمات عجولانه بر حذر می‌دارم... من به سران کشورهای خلیج فارس سفارش می‌کنم که به خاطر یک عنصر ورشکسته سیاسی، نظامی و اقتصادی، بیش از این خود و مردم کشورتان را تحقیر نکنید و با توسل به دامن آمریکا، ضعف و ناتوانی خود را آشکار نسازید و از گرگ‌ها و درنده‌ها برای شبانی و حفظ منافع خود، مدد نطلبید.^۲

– من [امام] به دولت‌های عربی منطقه هشدار می‌دهم که با تسلیم شدن در مقابل این گونه طرح‌ها، علاوه بر قبول اسارت خویش به دست آمریکا و از آن‌ها ننگین‌تر اسرائیل، دشمنی ملت و دولت و قوای مسلح نیرومند ایران را برای همیشه به بار می‌آورید و اگر امروز به دامن اسلام برنگردید، فردا دیر است. فریبکاری‌های آمریکا و رجزخوانی‌های حسنی و حسن و حسین و قابوس که بی‌گمان احتیاج به قسیم دارند و احماقانه جوانان کشورهای خود و اسلحه و مهمات ارتش خویش را —

۱. «انقلاب اسلامی و مسئله فلسطین: صهیونیست‌های عرب (درآمدی بر تاریخچه همکاری

سران عرب با صهیونیسم»، ص ۲۵۰.

۲. ر.ک: مشکوة، «تحلیلی از حج خونین و پیام امام»، محمد واعظ زاده خراسانی، ش ۱۵،

ص ۲۵.

که باید در راه نجاتشان از چنگال اسرائیل به کار برند - نابود می‌کنند، شما را فریب ندهد.^۱

- (یک) عامل در مسیر تحقق جنبش ملی یهود یا همان صهیونیسم، همراهی، سهل‌انگاری و خیانت سران کشورهای عربی است که در جایگاه ناظران اجرای این مصیبت در منطقه، اولاً سکوت اختیار کرده، ثانیاً در اجرای برنامه‌های صهیونیستی همکاری نموده و ثالثاً و بدتر از همه، برای حل مشکلات صهیونیسم، خود راه حل ارائه می‌دهند.^۲

- اردن از زمان رسمیت یافتن حکومت ملک عبدالله در شرق اردن تاکنون، با وجود عبرت‌های آشکار از خیانت در مقابل بی‌وفایی غرب و صهیونیسم، همچنان بر مذاکرات و همکاری‌های پنهان و آشکار خود با غرب و صهیونیسم ادامه می‌دهد.^۳

اسناد موجود، حکایت از روابط سری میان سران صهیونیست با مقامات مصری از سال ۱۹۴۸م دارد و آن هم بیشتر پس از جنگ ۱۹۴۸م و مذاکرات پنهانی در قبال منطقه غزه و اعلام آمادگی مصر برای بستن قرارداد صلح از سوی ملک فاروق است.^۴

هرچند قیام عربی، ارکان حکومتی سران مستبد عرب را به لرزه

۱. ر.ک: «انقلاب اسلامی و مسئله فلسطین: صهیونیست‌های عرب (درآمدی بر تاریخچه

همکاری سران عرب با صهیونیسم»، ص ۲۵۲.

۲. همان، ص ۲۵۳.

۳. همان، ص ۲۵۹.

۴. همان، ص ۲۶۳.

درآورده و سازمان های عربی - اسلامی و به ویژه اتحادیه عرب را در لاک خود فرو برده، ولی در عین حال، سبب شده است ملت های عرب، از قفسی که حاکمان آنان برای آنها ساخته بودند بیرون آیند و احساسات واقعی خود درباره مسئله فلسطین را بروز دهند. درحقیقت آنچه مایه ترس و وحشت رژیم صهیونیستی است، بیداری عربی - اسلامی است؛ نه تصمیم ها و تهدیدهای سران عرب.^۱

تا چندی پیش، از ایران، سوریه، حزب الله و حماس به عنوان محور مقاومت و درمقابل، از مصر، اردن، عربستان و دیگر کشورهای عربی به عنوان محور میانه رو یا محافظه کار نام برده می شد. تحولات اخیر عربی، موجب سقوط نظام مبارک و لرزان شدن حکومت های عربستان، اردن و دیگر نظام های محافظه کار و دیکتاتور شد. این امر به معنای تغییر توازن استراتژیک منطقه ای به نفع مقاومت و تضعیف جناح محافظه کار و سازش کار است. علاوه بر این، آشتی ملی فلسطین که در فضای بعد از مبارک و عمر سلیمان به نتیجه رسیده بود، در قالب یکی از نتایج تحولات اخیر عربی تفسیر شد که در زمان مبارک، دست یافتنی نبود.

بررسی بیانات امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری در مورد موضوع

از نگاه حضرت امام خمینی علیه السلام زمانی که یک حکومت فاسد باشد، می تواند مردم و جوانان آن کشور را به فساد و تباهی بکشاند. ایشان

۱. ر.ک: نشریه مطالعات فلسطین، «قیام های عربی و چالش های فراروی رژیم صهیونیستی»، سلمان

حکومت‌های وقت کشورهای اسلامی را ترسو، نالایق، بی‌خبر از اسلام، ملی‌گرا، تحت سیطره آمریکا و دست‌نشانده غرب می‌دانستند که قدرت تصمیم‌گیری ندارند و عروسک خیمه‌شب‌بازی غرب‌اند. شاهدمثالی که حضرت امام علیه السلام ارائه می‌دهند، مشکلاتی است که در سراسر قلمروی اسلامی وجود دارد؛ ولی دریغ از یک کمک کلامی از سردمداران کشورهای اسلامی.

از نگاه امام خمینی علیه السلام، سران دولت‌های اسلامی چند دسته‌اند؛ عده‌ای جاهل‌اند و احمقانه به دشمنان اسلام کمک می‌کنند؛ عده‌ای بی‌طرف‌اند و استکبار جهانی از بی‌طرفی آنها سوءاستفاده می‌کنند و عده‌ای دیگر خیانتکارند. سران خیانتکار کشورهای اسلامی از نگاه حضرت امام خمینی علیه السلام، صدام حسین^۱، حسن مراکشی^۲، حسین اردنی^۳، انور سادات^۴ و پس از وی حسنی مبارک^۵ بوده‌اند که آشکارا با اسلام اصیل دشمنی می‌کردند:

۱. صدام حسین عبدالمجید تکریتی، در فاصله سال‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۳ م. رئیس‌جمهور کشور عراق بود که از سوی نیروهای ناتو از قدرت خلع و در سال ۲۰۰۶ در دادگاهی در عراق به اعدام محکوم شد و حکم وی در همان سال به اجرا درآمد.
۲. ملک حسن در فاصله سال‌های ۱۹۶۱ تا ۱۹۹۹ م. پادشاه مراکش بود که در دوران حکومت وی اختناق شدیدی بر کشور مراکش حاکم بود. حسن با آمریکا و سازمان سیا رابطه نزدیکی داشت.
۳. ملک حسین بن طلال در فاصله سال‌های ۱۹۵۲ تا ۱۹۹۹ م. پادشاه اردن و از جمله مهم‌ترین حامیان رژیم بعثی حاکم بر عراق بود. نقل است که وی در یک سخنرانی گفته بود «من اولین داوطلب جنگ با ایران هستم».
۴. سومین رئیس‌جمهور مصر از تاریخ ۱۹۷۰ م. تا روز ترورش به دستان جهاد اسلامی مصر در تاریخ ۱۶ اکتبر ۱۹۸۱ بود. وی اولین حاکم یک کشور عرب بود که پیمان سازش را با دولت اسرائیل امضا کرد و این کشور را بی‌چون‌وچرا به رسمیت شناخت.
۵. چهارمین رئیس‌جمهور عربی مصر بود که به مدت ۳۰ سال این دوران را ادامه داد تا اینکه از سوی انقلابیان مصری از قدرت کنار گذاشته شد.

حسن مراکشی که با ملاقات و دست دوستی دادن به «شیمون پریز» به اسلام و ملت های مسلمان، به ویژه ملت عرب و فلسطین خیانت فاحش نابخشودنی نموده و بر ملت و دولت های اسلامی و عربی است که با برخورد قاطع دست این خیانت کار را قطع کنند؛ و چون «حسین اردنی»، این دلال دوره گرد خیانت کار که تا دولت های منطقه را به دام شیطان بزرگ نیندازد از پای نخواهد نشست؛ و چون «حسنی مبارک» نسخه دوم «انورسادات» و دیگر خائنین به اسلام را از خود برانند که اینان اند که شما را بازیچه خود قرار داده اند تا متعمداً یا بدون عمد، سد راه شرف و عزت اسلام شوند.^۱

هدف حضرت امام خمینی علیه السلام از معرفی این افراد و حکومت ها، آگاه ساختن مسلمانان آزاده جهان در مورد حرکات ضداسلامی و ضدانسانی این حکومت ها بود. صدام حسین و حسن مراکشی در زمان حمله وحشیانه آل سعود به حجاج بیت الله الحرام و قتل عام آنان به جرم برائت از مشرکان، جزء اولین کسانی بودند که در این به اصطلاح موفقیت، با حکام سعودی اعلام هم بستگی کردند:

و چه بهتر که بلافاصله و در حالی که اجساد عزیزان ما بر زمین افتاده اند، صدام و حسین اردنی و حسن مراکشی به حمایت از جنایت آل سعود اعلام هم بستگی نمایند؛ گویی عربستان سنگر بزرگی را فتح کرده است و در کشتن صدها زن و مرد بی دفاع مسلمان و به رگبار مسلسل بستن آنان و عبور از روی اجساد مطهر آنان به پیروزی

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۹۳.

نظامی بزرگی نایل آمده است که به یکدیگر تبریک می‌گویند و حال آنکه جهان در این ماتم نشسته و دل پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله شکسته است.^۱

حضرت امام خمینی رحمته الله علیه با معرفی جنایت‌کاران منطقه، اعراب و کشورهای منطقه را به بیداری فراخواندند و خطر آنان را از اسرائیل بیشتر دانستند:

چنانچه صدام جنایتکار اگر فرصت پیدا کند، خطرش برای منطقه از اسرائیل کمتر نیست و لازم است برای آرامش منطقه اکنون، که به یاری خداوند متعال قوای مسلح ایران ما ایدهم الله تعالی، این جرثومه فساد را تا لبه پرتگاه هلاکت رسانده‌اند و از سردار قادسیه یک موجود مفلوک ساخته‌اند، دولت‌های منطقه از کمک به او دست بردارند، که صلاح دین و دنیای آنان است. و در صورتی که مهلت پیدا کند، بر هیچ یک از دولت‌های خلیج فارس و دیگران رحم نخواهد کرد. شما دیدید اکنون که با شکست مفتضحانه روبروست در یک سخنرانی گفت: «اعراب باید رهبری عراق را بپذیرند!» و شک نکنید که اگر قدرت پیدا کند، به مسئله رهبری اکتفا نخواهد کرد.^۲

به اعتقاد حضرت امام رحمته الله علیه افرادی مانند صدام حسین، از قرآن و دین اسلامی بی‌اطلاع‌اند و بدبختانه بر رأس یک حکومت اسلامی تکیه زده‌اند: صدام حسین در مجلس غیرقانونی خودشان صحبت‌های متفرقه‌ای

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۲۳۲.

۲. همان، ص ۱۲۹.

کرده است و اراجیفی بافته است. از آن جمله اینکه «فارس مسلم نیست؛ به دلیل اینکه قرآن عربی است. پیغمبر عرب بوده است و اسلام مال عرب است»؛ به منطقی این آدم منحرف که از اسلام بی اطلاع است، مسلمانی فقط منحصر به عرب است! نظیر علق، نظیر صدام و نظیر حزب بعث عراق! این منطقی یک آدمی است که از اسلام بی اطلاع است، از قرآن بی اطلاع است.^۱

از نگاه حضرت امام علیه السلام ملت های مسلمان باید حکومت هایی مورد حمایت آمریکا و غرب را بشناسند و در راه کنار گذاشتن آنها بکوشند. دسته دوم از حاکمان کشورهای اسلامی، نادانان و جاهلان اند؛ مانند رژیم حاکم بر عربستان سعودی. از نگاه حضرت امام علیه السلام این عده که در جهالت و تعصب های قبیله ای گرفتار هستند، با فتاوی برخی از آخوندهای بی دین، شیعیان و مسلمانان واقعی را به بی دینی متهم می کنند: با کمال تأسف دیده می شود که بعضی قلم های مسموم عمال استعمار برای تفرقه صفوف مسلمین، سال هاست که برخلاف مقاصد صاحب وحی در مرکز وحی اوراقی را به اسم الخطوط العریضه و امثال آن نشر می دهند و به مستعمرین کمک می نمایند، و می خواهند با دروغ و افترا یک جمعیت قریب ۱۵۰ میلیون نفری [شیعیان] را از صفوف مسلمین جدا کنند. جای تعجب است که حکومت حجاز چگونه اجازه می دهد این اوراق گمراه کننده در مرکز وحی پخش شود.^۲

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۶۴.

۲. همان، ص ۱۲.

امام خمینی علیه السلام همواره از عملکرد حاکمان سعودی انتقاد می‌کردند و آزادی دینی در مراسم حج را مطالبه می‌نمودند:

ما امیدواریم که دولت سعودی به وسوسه این آخوندهای از خدا بی‌خبر گوش فرا ندهد و مسلمین را، همان‌طور که وعده نموده است، در مراسم حج و براءت از کفار و مشرکان آزاد گذارد، و در این عمل الهی با آنان، خصوصاً زائران ایرانی و فلسطینی و لبنانی و افغانی که مورد تجاوز کفار قرار گرفته‌اند، هماهنگ شود؛ تا دشمن مشترک همه مظلومان را با ندای واحد به عالمیان معرفی کنند.^۱

کشتار حجاج بیت‌الله الحرام به جرم اعلام براءت از مشرکان و ستمکاران از مهم‌ترین نمودهای جهل و تعصب حاکمان سعودی بود که حضرت امام علیه السلام به شدت در مقابل آن واکنش نشان دادند:

دست‌کشی آمریکا و اسرائیل از آستین ریاکاران و سردمداران کشور عربستان و خائنین به حرمین شریفین به درآید و قلب بهترین مسلمانان و عزیزان و میهمانان خدا را نشانه رود و مدعیان سقایت حاج و عمارت مسجدالحرام، خیابان‌ها و کوچه‌های مکه را از خون مسلمانان سیراب کنند.^۲

امام خمینی علیه السلام چنان از این حادثه برآشفته شدند و این کار را غیرانسانی و غیراسلامی می‌دانستند که در بیاناتی فرمودند: «مسلمانان نمی‌دانند این درد را به کجا ببرند».^۳ ایشان معتقد بودند:

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۲۶.

۲. همان، ص ۲۳۱.

۳. همان، ص ۲۵۴.

مسئله حجاز، ابعاد مختلف دارد؛ منتها بُعد بزرگ ترش همین است که احترام یک محل مقدسی از بین رفت و مسلمین ساکت نخواهند نشست. بعدها خواهد فهمید فهد و امثال فهد. خواهد فهمید که چه چیزی تحمیلش کرده اند و چه قضیه ای واقع شده و مسلمین خودشان می دانند تکلیف خودشان را؛ حجازی ها هم می دانند این را.^۱

سومین دسته از سران کشورهای اسلامی، سران بی تفاوت هستند.

از چی می ترسند اینها؟ چرا باید این قدر بی عرضه باشند؟ شریان حیات شرق و غرب در دست اینهاست؛ نفت، شریان حیات اینهاست. اگر ده روز نفت را به روی آنها ببندند، خاضع می شوند آنها. در عین حالی که این شریان در دست حکومت های به اصطلاح اسلامی است، در عین حال تقدیم می کنند و التماس هم می کنند. این مصیبت نیست؟^۲

از دیدگاه حضرت امام علیه السلام حکومت های بی طرف خوب است که در اوضاع

مسلمانان تفکر کنند و تن به ذلت ندهند و با وجدان قضاوت کنند:

خوب است که سران کشورهای اسلامی در مسائل روز کشورهای اسلامی تحت ستم و ملت های مظلوم... تفکر نموده و به خود آیند و خوف و وحشتی را که ابرقدرت ها با تبلیغات خود بر آنها تحمیل کرده اند تا مصالح کشور خود و سایر مسلمانان و مظلومان را نادیده گرفته و تن به مذلت مرگبار دهند، با ارزیابی صحیح، سنجش نموده و با وجدان به قضاوت بنشینند.^۳

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۲۴۱.

۲. همان، ص ۱۱۴.

۳. همان، ص ۱۹۲.

به‌ویژه در قضیه فلسطین، سکوت و سازش سران کشورهای اسلامی، تأسف ایشان را برمی‌انگیزد:

عجبا که هر روز از فاجعه خون‌بار غصب فلسطین بیشتر می‌گذرد، سکوت و سازش سران کشورهای اسلامی و طرح مماشات با اسرائیل غاصب بیشتر و حتی از تبلیغ و شعار رهایی بیت‌المقدس هم خبری به گوش نمی‌رسد و اگر دولت و مردم کشوری همانند ایران که خود نیز در حالت دفع تجاوز و جنگ و محاصره است، به پشتیبانی از مردم فلسطین برخاسته و فریاد می‌زند، او را محکوم می‌کنند.^۱

سیاست حضرت امام علیه السلام در مقابل سران کشورهای اسلامی، سیاستی بسیار مدبرانه بود؛ به‌گونه‌ای که گاهی آنان را بشارت می‌دادند، گاهی به آنان هشدار می‌دادند و گاهی نیز آنان را نصیحت می‌کردند:

من به سران کشورهای خلیج فارس سفارش می‌کنم که به خاطر یک عنصر ورشکسته سیاسی، نظامی و اقتصادی، بیش از این خود و مردم کشورتان را تحقیر نکنید و با توسل به دامن آمریکا، ضعف و ناتوانی خود را برملا نسازید و از گرگ‌ها و درنده‌ها برای شبانی و حفظ منافع خود استمداد نطلبید. ابرقدرت‌ها آن لحظه‌ای که منافعشان اقتضا کند، شما و قدیمی‌ترین وفاداران و دوستان خود را قربانی می‌کنند و پیش آنان دوستی و دشمنی و نوکری و صداقت ارزش و مفهومی ندارد.^۲

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۲۰۳.

۲. همان، ص ۲۱۱.

ایشان در جایی دیگر از دولت های منطقه می خواهند که دست از حمایت دشمنان اسلام بردارند:

ما از دولت های منطقه می خواهیم که دست از حمایت دشمنان اسلام و بشریت بردارند و بیش از این با مصالح اسلامی که مصالح خودشان و میهنشان و مظلومان جهان است، معارضه نکنند و با همسویی و همکاری جمهوری اسلامی، دست رد به سینه فتنه گران و جهان خواران زنند و باید بدانند این حزب مرده، زنده نخواهد شد.^۱

حضرت امام علیه السلام به کویت و عربستان، در مورد لزوم توجه به مصالح جهان اسلام و همراهی نکردن با دشمنان استعمارگر به صورت جدی هشدار می دهند:

به دولت ها و حکومت های منطقه، خصوصاً به عربستان و کویت می گویم که همه شما در ماجراجویی ها و جنایاتی که آمریکا می آفریند، شریک جرم خواهید بود و ما تا به حال از اینکه همه منطقه در کام آتش و خون و بی ثباتی کامل غوطه ور نشود، دست به عملی زده ایم. ولی حرکات جنون آمیز ریگان، مطمئناً حوادث غیرمنتظره و عواقب خطرناکی را بر همه تحمیل می کند. شما اطمینان داشته باشید که در این برگ جدید بازنده اید. خودتان و کشور و مردم اسلامی را در برابر آمریکا این قدر ذلیل و ناتوان نکنید. اگر دین ندارید، لااقل آزاده باشید.^۲

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۹۳.

۲. همان، ص ۲۶۲.

در همین جهت است که حضرت امام علیه السلام توصیه‌هایی بیدارگر به امت اسلامی می‌کنند:

مسلمانان جهان باید به فکر تربیت و کنترل و اصلاح سران خود فروخته بعضی کشورها باشند و آنان را با نصیحت یا تهدید از این خواب گرانی که هم خودشان و هم منافع ملت‌های اسلامی را به باد فنا می‌دهد، بیدار نمایند و به این سرسپردگان و نوکران هشدار بدهند و خودشان هم با بصیرت کامل از خطر منافقین و دلالان استکبار جهانی غافل نشوند.^۱

اخطار تاریخی حضرت امام علیه السلام به دولت‌های منطقه، نشان از اراده و بیدارگری ایشان دارد:

به دولت‌های منطقه... اخطار می‌کنم که اقدام و قیام بر ضد اسلام و ملت‌های اسلامی نکنند. در صورتی که چنین کنند، دولت و ملت ایران که بزرگ‌ترین قدرت منطقه است، به اذن الله تعالی بر شما نخواهد بخشود و هر پیامدی که برای شما پیش آید، خود، مسئول آن هستید.^۲

در پایان حضرت امام علیه السلام به کوتاه‌فکرانی می‌پردازند که فریضه بزرگ حج را به یک ظاهر بی‌محتوا فروکاستند:

کج‌فکرانی که فریضه بزرگ حج را محدود به یک ظاهر بی‌محتوا کرده، و ذکر گرفتاری‌های مسلمانان و کشورهای اسلامی را بر

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۲۰۲.

۲. همان، ص ۱۰۸.

خلاف شرع و تا سرحد کفر می‌شمارند... بازیگرانی که برای عقب نگه داشتن مسلمانان و باز کردن راه برای غارتگران و سلطه‌جویان، اسلام را در کنج مساجد و معابد محصور نموده‌اند و اهتمام به امر مسلمین را بر خلاف اسلام و وظایف مسلمانان و علمای اسلام معرفی می‌کنند.^۱

از نگاه مقام معظم رهبری حکومت‌های دست‌نشانده و دنیاپرست حاکم بر سرنوشت مسلمانان، باعث به وجود آمدن بیماری‌های مهلکی شده‌اند که برای سال‌ها گریبانگیر امت اسلامی است:

شناختن کلیتی به نام امت اسلامی و بی‌خبری از حوادث دیگر بلاد اسلامی و ناهوشیاری در برابر نقشه‌های دشمنان دوباره اسلام و مسلمین و بسی بیماری‌های مهلک دیگر که در طول تاریخ اسلام بر اثر تسلط ناهلان و از خدا بی‌خبران بر زندگی سیاسی و سرنوشت مسلمین، همواره مسلمانان را تهدید کرده و در قرن‌های اخیر، با حضور قدرت‌های استعماری بیگانه در منطقه و دست‌نشانده‌گان فاسد و دنیاپرستان، شکلی بحرانی و ویرانگر به خود گرفته است.^۲

به اعتقاد مقام معظم رهبری، ظلم و ستمی که در گوشه و کنار عالم در حق مسلمانان روا داشته می‌شود، ناشی از بی‌تفاوتی و بی‌دردی سیاستمداران حاکم بر کشورهای اسلامی است:

در قلب جهان اسلام و در گوشه و کنارهای آن - در آسیا و آفریقا و

۱. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۳۴.

۲. همان، ج ۲، ص ۵۶.

اروپا - تازیانه ظلم و خشم کافران بر پیکر میلیون‌ها مسلمان فرود می‌آید و فلسطین و لبنان در آتش قساوت صهیونیست‌ها می‌سوزد،... و این‌همه درد و رنج، سیاستمداران و رجال دینی و روشنفکران امت اسلامی را به چاره‌سازی بر نمی‌انگیزد.^۱

از دیدگاه مقام معظم رهبری، کوتاهی، نادانی، ترس، غفلت و خیانت حاکمان اسلامی باعث رقم خوردن شرایط کنونی برای امت اسلامی شده است:

کوتاهی دولت‌های اسلامی در مبارزه با رژیم غاصب اسرائیل، آمریکا را به راه انداختن مذاکرات مستقیم اعراب و اسرائیل تشویق کرد و متأسفانه برخی از سران عرب بی‌آنکه به ابعاد بسیار وسیع این ضربه استکباری توجه کنند، تن به این خفت دادند. نتیجه این شد که دولت غاصب اسرائیل به هدف خود یعنی شناخته شدن از سوی کشورهای عرب رسید؛ بدون اینکه سر سوزنی از مواضع متجاوزانه خود عقب‌نشینی کند.^۲

غفلت از قدرت مسلمانان، موضوعی است که مقام معظم رهبری در اندیشه بیدار کردن سران کشورهای اسلامی از آن است:

این جانب نظر رؤسای کشورهای اسلامی را به قدرت عظیمی که در اختیار آنان است، جلب می‌کنم، و آن قدرت ملت‌های مسلمان است. با پشتوانه این قدرت شکست‌ناپذیر، دولت‌های اسلامی

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۲۵۹.

۲. همان، ص ۱۰۴.

می توانند در برابر ابرقدرت آمریکا که امروز جبهه ضداسلامی استکبار را سرپرستی می کند، بایستند و از حق ملت های خود و نیز از ملت های مسلمان مظلوم دفاع نمایند.^۱

به اعتقاد مقام معظم رهبری، اگرچه حضرت امام علیه السلام تلاش زیادی برای برگرداندن پیام و مضمون واقعی حج انجام دادند، ولی همراهی و همکاری دولت مردان اسلامی در این راه ضروری است:

امام راحل عظیم، تلاش مؤثری در این جهت مبذول داشت و تصویر روشنی از حج ابراهیمی، حج عظمت و عزت آفرین، حج سازنده و تحول دهنده، در برابر چشم امت اسلامی قرار داد و همین اندازه تاکنون منشأ برکات فراوانی در جهان اسلام شده است؛ لیکن با این همه گسترش این اندیشه و این نحوه عمل بر همه ملت های مسلمان، نیاز به مجاهدت مخلصانه علمای دینی و روشن بینی و مساعدت دولت مردان همه کشورهای اسلامی دارد، و امید است که این وظیفه بسیار اساسی، مورد توجه و عمل آنان قرار گیرد.^۲

در همین راستا از جمله مسائلی که مقام معظم رهبری بر آن تأکید ویژه دارند، وظیفه ای است که سران کشورهای اسلامی باید انجام دهند: وظیفه رؤسای کشورهای اسلامی را در قبال امت اسلامی و ایجاد وحدت مسلمین و دوری از قدرت های استکباری و گرایش و تکیه به ملت های خود و ایجاد حسن رابطه میان مردم و حکام را به عنوان

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۱۰۴.

۲. همان، ص ۹۹.

«النَّبِيْحَةُ لِأَيِّمِهِ الْمُسْلِمِيْنَ» به آنان یادآور شوید و اصلاح این امر را

از خداوند متعال بخواهید.^۱

در پایان، توصیه مقام معظم رهبری به حجاج بیت‌الله‌الحرام، باخبر شدن از اوضاع کشورها و ملت‌های اسلامی است:

در اجتماع عظیم حج امسال، ده‌ها سخن تلخ و شیرین را از ده‌ها کشور اسلامی می‌توان دریافت کرد. هر یک از این پیام‌ها، بار وظیفه‌ای را بر دوش دیگر برادران می‌گذارد و مجموع آن دورنمایی از واقعیت امت بزرگ اسلامی را در برابر چشم همه قرار می‌دهد.^۲

جمع‌بندی

به‌راستی هدف از شناساندن حاکمان ستمگر کشورهای اسلامی از سوی حضرت امام علیه‌السلام و مقام معظم رهبری در موسم حج چیست؟ همان‌گونه که به تفصیل آمد، از نگاه رهبران جمهوری اسلامی ایران، حکومت می‌تواند عامل سربلندی و سرافکندگی جامعه باشد. حضرت امام علیه‌السلام با بهره‌گیری از تعالیم الهی و سیره نبوی، همواره در تلاش بودند تا امت اسلامی را از ضررهای حاکمان ستمگر و فایده‌های تأسیس حکومت اسلامی آگاه کنند.

دوره شاهنشاهی که کشور را از معنویات دور کرده و جامعه مسلمان ایران را به جامعه ای مصرفی و فقیر تبدیل کرده بود، شاهدمثالی بود که

۱. صحیفه حج، ج ۲، ص ۱۴۷.

۲. همان، ص ۲۷۶.

بارها حضرت امام علیه السلام برای امت اسلامی از آن یاد کردند. به اعتقاد حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری، دولت های دست‌نشانده با ایجاد تفرقه میان امت اسلامی و تأکید بر قوم‌گرایی و ملی‌گرایی، امت اسلامی را به پرتگاه نابودی می‌کشانند. از نگاه ایشان حکومت‌های اسلامی، فاصله زیادی با مبانی اصیل اسلامی دارند و حج می‌تواند با ظرفیت بالای خود، این آگاهی را در میان امت اسلامی گسترش دهد. خط سیر فکری حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری در طراحی نقشه‌های از ستم مستکبران عالم، در حج به عنوان رسانه الهی اسلام، مبتنی بر ظلم‌ستیزی، آگاهی و بصیرت اسلامی و اجرای تعالیم الهی است. با این دورنما می‌توان به رهایی امت اسلامی امیدوار بود.

سخن‌مایانی

به نظر می‌رسد در دوره اخیر، نیازسنجی مقام معظم رهبری از آشنایی نسل جوان با حج، به گونه‌ای بوده که بیانات زیادی را به این امر اختصاص داده‌اند. اگرچه همواره مقام معظم رهبری در میان اشارات خود به چیستی و فلسفه حج، به سایر مسائل نیز پرداخته‌اند، ولی تردیدی نیست که نگرانی ایشان همواره هوشیاری و آگاهی نسل جوان و حجاج بیت الله الحرام نسبت به اکتفا نکردن به آداب حج است. ایشان همواره از ذخیره معنوی پنهان این واجب مهم سخن می‌رانند. از نگاه مقام معظم رهبری، ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حج و توجه به اوضاع مسلمانان، درون‌مایه وجودی حج است.

حجاج بیت الله الحرام، پیام‌آوران و نمایندگان امت اسلامی از سرتاسر جهان هستند که می‌توانند نقش‌های وحدت‌بخش، دشمن‌شکن و رهایی‌آفرین داشته باشند؛ به شرطی که حامل پیام هستی‌بخش و معنادار حج باشند.

به اعتقاد امام خمینی علیه السلام، اگر حج فاقد معنای سیاسی - اجتماعی و وحدت‌بخش خود باشد، حج نیست و در حد یک رسم عادی باقی می‌ماند. از همین رو ایشان تلاش بسیاری درخصوص یادآوری درون‌مایه وجودی این واجب مهم داشت. امام علیه السلام حساسیت ویژه‌ای درخصوص ریاست کاروان‌های حج و نیز پیام سالانه و دشمن‌شکن حج داشت و همواره برجسته‌ترین و آشنا‌ترین فرد را برای این کار انتخاب می‌نمود و خود نیز هر سال در موسم حج به ایراد بیانات می‌پرداخت و مسائل اصلی حج را یادآور می‌شد. از جمله این مسائل، وحدت مسلمانان، برائت از مشرکان، اطلاع‌رسانی و کسب اطلاع از اوضاع مسلمانان سایر کشورها و نیز بیداری اسلامی بود.

امام علیه السلام با آگاهی از کارکردها و پتانسیل‌های حج، بسیاری از بیانات خویش را به امور حجاج اختصاص داده بود. مقام معظم رهبری نیز با به دست گرفتن ابتکار عمل و هوشیاری در مورد حجاج و پژوهش‌محور کردن تمامی مسائل حج و بیداری اسلامی و همچنین مدل‌سازی موضوع برائت از مشرکان، مسیر حج را به‌درستی هدایت نموده‌اند.

بیداری اسلامی، درحقیقت تئوری برساخته از اندیشه امام خمینی علیه السلام است که در ابتدا، خود ایشان بدان جامه عمل پوشاند و لحظه‌ای در راه آن غفلت نکرد. بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، بیانات زیادی را به این موضوع مهم اختصاص دادند. گفتار و رفتار امام بزرگوار، کتیبه‌ای جامع برای بیداری همه ملت‌های اسلامی است. مقام معظم رهبری نیز با مداومت در این مسیر راه امام علیه السلام را ادامه دادند.

نتیجه کار بزرگ امام علیه السلام و رهبر معظم انقلاب، حوادث شگرفی است که در کشورهای اسلامی رخ داده است و حکام دست‌نشانده غرب را یکی پس از دیگری به نابودی می‌کشاند. حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری، امت اسلامی را از مسئله ناسیونالیسم و ملی‌گرایی منع می‌کردند. مقام معظم رهبری بر این اعتقادند که امت اسلامی یکپارچه است و جدایی در میان آنها جایز نیست. به عقیده رهبر معظم انقلاب، ملی‌گرایی ترفندی است برای ایجاد تفرقه میان جهان اسلام. از نگاه ایشان، وحدت و نزدیکی مسلمانان و همیاری در امور امت اسلامی، راه‌گریز از ملی‌گرایی است که می‌تواند در مراسم حج تحقق یابد.

از جمله کسانی که دستی در جدایی و تفرقه میان مسلمانان دارند، افراد خودفروخته‌ای هستند که علیه اسلام دست به قلم می‌برند. گویا خطر کسانی که علیه اسلام و مسلمانان دست به قلم می‌برند و به سفسطه می‌پردازند، بسی بیشتر از کسانی است که دست به سلاح می‌برند؛ به‌ویژه اگر آن افراد، ملبس به لباس روحانیت نیز باشند. این افراد کسانی هستند که دین خود را به دنیای ناچیز فروخته و تبدیل به وعاظ السلاطین و دشمن جاهل مسلمانان شده‌اند.

عده‌ای از این گروه، روحانیان فریبکار و خودفروخته‌ای هستند که دین را دستاویز فریب مردم قرار داده و دسته‌ای دیگر نادانانی هستند که گمان می‌کنند پیروی از دین، به معنای عبادت صرف و بی‌اعتنایی به مصالح جامعه است. دسته خطرناک‌تر، کسانی هستند که در میان مسلمانان تفرقه می‌اندازند و بر طبل جدایی شیعه و سنی می‌کوبند.

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و رهبر معظم انقلاب، بر این عقیده بودند که باید همواره مراقب خطر آخوندهای درباری و وعاظ السلاطین باشیم.

یکی دیگر از ابتکارهای روشنگر امام علیه السلام و مقام معظم رهبری، تشخیص معانی پنهان ادبیات حاکم بر گفتمان جهانی بود. ایشان واژه‌های آزادی، عدالت، حقوق بشر و... را دستاویزی می‌دانستند که استکبار جهانی برای فریب افکار عمومی بدان متوسل شده است و بدین وسیله، سلطه خود را بر مردم بی‌پناه اعمال می‌کند.

از نگاه امام خمینی علیه السلام، عدالت، حقوق بشر و آزادی، تنها در سایه مکتب اسلام به دست می‌آیند. اسلام با نگاه انسانی، افق اخروی و سعادت خواه و فارغ از تعصب و یک‌جانبه‌گرایی، بی‌گمان تنها راه سعادت دنیوی و اخروی انسان‌هاست.

رهبر معظم انقلاب با به چالش کشیدن بنیاد تفکر غربی و گفتمان حاکم در عرصه بین‌الملل، پوچ بودن ادعاهای ابرقدرت‌ها در مورد نقض حقوق بشر در ایران را اثبات کرده است. ایشان همانند امام خمینی علیه السلام این سؤال را مطرح کردند که چرا ابرقدرت‌ها و در رأس آنها آمریکا، حقوق بشر و آزادی را رعایت نمی‌کنند. این پرسش، در حقیقت دریچه جدیدی در انتقاد جهانی بر ضد غرب و سلطه‌طلبان را گشوده است.

در نظر امام خمینی علیه السلام و رهبر معظم انقلاب، شرق و غرب، همواره با تفرندهای مختلف سعی کرده‌اند که حاکمان کشورهای اسلامی، در مسیر برنامه‌های جهان‌خوارانه آنها حرکت کنند. محمدرضاشاه در ایران،

انورسادات در مصر، حسن در مراکش و... مهره‌هایی بودند که استکبار آنها را با زور و تهدید به تخت نشاند و از این طریق به چپاول قلمروی اسلامی می‌پرداخت. امام خمینی علیه السلام با هوشیاری کامل، امت اسلامی را آگاه می‌کرد و تذکر می‌داد که کلیدداران خانه خدا، لیاقت این مسئولیت مهم را ندارند. در دیدگاه امام خمینی علیه السلام، حاکمان کشورهای اسلامی باید به زیر کشیده شوند و عنان حکومت به شرع مقدس اسلام سپرده شود.

پایان

کتابنامه

۱. آثار و برکات معنوی حج، سید جواد حسینی، نشریه مبلغان، ش ۸۶، ۱۳۸۵.
۲. امام خمینی رحمته الله علیه و نظم سیاسی بین المللی، سیدحسن امین، مجموعه مقالات امام خمینی و حکومت اسلامی، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، چ ۱، ۱۳۷۸.
۳. امپریالیسم، هاری مگراف و تام کمپ، ترجمه: هوشنگ مقتدر، تهران، نشر کویر، ۱۳۷۸.
۴. برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، هانتینگتون، ترجمه محمدعلی حمیدرفیعی، تهران، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۸.
۵. تأثیر عوامل جغرافیایی در جذب توریست، محمد حسن میرطالیبیان، پایان‌نامه دکتری، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، ۱۳۷۹.
۶. تاریخ آبر ماله، ملل شرق و یونان، آبر ماله، ترجمه عبدالحسین هژیر، تهران، نشر سمیر ۱۳۸۴.
۷. تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، علیرضا ازغندی، تهران، سمت، ۱۳۷۹.
۸. تاریخ نهضت‌های دینی - سیاسی معاصر، علی اصغر حلبی، چ ۲، تهران، بهبهانی، ۱۳۷۴.
۹. تفسیر نور، محسن قرائتی، جلد ۸، تهران، انتشارات مرکز فرهنگی

درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۴.

۱۰. جامعه‌شناسی، آنتونی گیدنز، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشرنی، ۱۳۸۲.
۱۱. جامعه‌شناسی، حسین بشیریه، تهران، نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
۱۲. دانشنامه سیاسی، داریوش آشوری، تهران، مروارید، ۱۳۷۲.
۱۳. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، چ ۲، نشر مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۹.
۱۴. زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، لوئیس کوزر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علمی، ۱۳۷۳.
۱۵. سازمان‌های بین‌المللی، رضا موسی‌زاده، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۰.
۱۶. سیاست جهان، ای.اف.ک ارگانسکی، ترجمه حسین فرهودی، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۵.
۱۷. الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، اسماعیل بن حماد جوهری، به کوشش عبدالغفور العطار، ج ۴، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ق.
۱۸. صحیفه امام، روح‌الله خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، تهران، ۱۳۵۸.
۱۹. فرهنگ علوم اجتماعی، جولیس گولد، و همکاران، ترجمه مصطفی ازکیا و دیگران، تهران، مازیار، ۱۳۷۶.
۲۰. فرهنگ و تمدن اسلامی، علی‌اکبر ولایتی، قم، نشر معارف، ۱۳۸۴.
۲۱. فصلنامه بصیرت، ش ۳۲ و ۳۳، بهار ۱۳۸۳.
۲۲. فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال پنجم، ش ۲۸، ۱۳۹۱.
۲۳. فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۱۶، بهار ۱۳۸۸.
۲۴. فقه سیاسی، زنجانی عمید، ج ۲، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷.
۲۵. لسان العرب، محمدبن مکرم ابن‌منظور، ج ۳، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۲۶. ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۹۳ و ۹۴، ۱۳۸۸.

۲۷. ماهنامه درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره اول، ۱۳۸۸.
۲۸. مجله راه نو، ش ۱۳، ۱۳۷۷.
۲۹. مجله مشکوة، ش ۱۵، ۱۳۶۶.
۳۰. نشریه ۱۵ خرداد، ش ۱۸، ۱۳۸۷.
۳۱. نشریه اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۱۴۷ و ۱۴۸، ۱۳۸۷.
۳۲. نشریه اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۲۰۵ و ۲۰۶، ۱۳۸۳.
۳۳. نشریه اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۲۱۳ و ۲۱۴، ۱۳۸۴.
۳۴. نشریه اندیشه تقرب، ش ۱۲، ۱۳۸۶.
۳۵. نشریه اندیشه حوزه (پژوهش‌های اسلامی)، ش ۶۷ و ۶۸، ۱۳۸۶.
۳۶. نشریه ایران‌نامه، ش ۵۸، ۱۳۷۶.
۳۷. نشریه پیام اسلام، ش ۸، ۱۳۵۸.
۳۸. نشریه پیام اسلام، ش ۵، ۱۳۵۸.
۳۹. نشریه پیوند، ش ۲۲۲، ۱۳۷۷.
۴۰. نشریه تحقیقات حقوقی، شماره ۳۵ و ۳۶، ۱۳۸۱.
۴۱. نشریه حصون، ش ۷، ۱۳۸۵.
۴۲. نشریه درس‌هایی از مکتب اسلام، ش ۱۲، ۱۳۸۸.
۴۳. نشریه راهبرد، ش ۳۷، ۱۳۸۴.
۴۴. نشریه رشد آموزش علوم اجتماعی، ش ۴۶، ۱۳۸۹.
۴۵. نشریه زمانه، ش ۵۵، ۱۳۸۶.
۴۶. نشریه زمانه، ش ۸۶ و ۸۷، ۱۳۸۸.
۴۷. نشریه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم، ش ۱۸، ۱۳۸۱.
۴۸. نشریه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم، ش ۲۱، ۱۳۸۲.
۴۹. نشریه فرهنگ کوثر، ش ۱۳، ۱۳۷۷.
۵۰. نشریه فرهنگ کوثر، ش ۴۸، ۱۳۷۹.

۵۱. نشریه کتاب نقد، ش ۲۸، ۱۳۸۲.
۵۲. نشریه کتاب نقد، ش ۲۸، ۱۳۸۲.
۵۳. نشریه مبلغان، ش ۱۴۸، ۱۳۹۰.
۵۴. نشریه مبلغان، ش ۸۳، ۱۳۸۵.
۵۵. نشریه مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ش ۳، ۱۳۸۷.
۵۶. نشریه مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۲، ۱۳۸۴.
۵۷. نشریه مطالعات راهبردی، ش ۱۵، ۱۳۸۱.
۵۸. نشریه مطالعات فلسطین، ش ۱۲، ۱۳۹۰.
۵۹. نشریه مطالعات منطقه‌ای، ش ۱۷، ۱۳۸۲.
۶۰. نشریه معرفت، ش ۵۰، ۱۳۸۰.
۶۱. نشریه معرفت، ش ۵۲، ۱۳۸۱.
۶۲. نشریه میقات حج، ش ۷۷، ۱۳۹۰.
۶۳. نشریه میقات حج، ش ۱، ۱۳۷۱.
۶۴. نشریه میقات حج، ش ۲۳، ۱۳۷۷.
۶۵. نشریه میقات، ش ۷۳، ۱۳۸۹.
۶۶. نشریه، تربیت، ش ۱۰۷، ۱۳۷۵.
۶۷. نظریه دولت در ایران، آن.کی.اس.لمبتون، ترجمه چنگیز پهلوان، تهران، نشر گویو، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
68. International Journal of Middle East Studies, Volume 20, Issue 04, November, 1988.
69. The Encyclopedia of Religion, Mircea Eliade, and J. Adams Charles, Macmillan, the University of Virginia, 1987.
70. The Foreign Vocabulary of the Quran, www.Jeffery Arthur, mehdi- azaiez.org/ The - foreign – vocabulary of the Qur.